



# لغة الإعلام

في الصحافة العربيّة والفارسيّة

محمد حاقاني إصفهاني

استاذ في قسم اللغة العربيّة  
بجامعة اسفهان

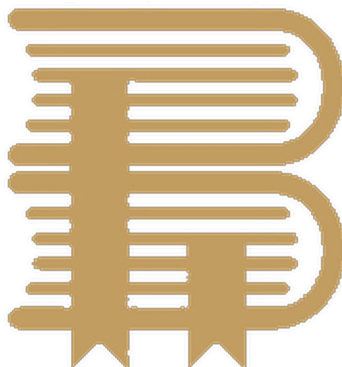






- سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
فروست  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
موضوع  
موضوع  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی
- :خاقانی، محمد، ۱۳۳۷ -  
:لغة الاعلام فى الصحافة العربية والفراسية:  
الابحاث السياسية- الاقتصادية ... / محمد  
خاقانى اصفهانى.  
:قم: مجمع ذخائر اسلامى، ۱۳۹۳.  
:۲۳۹ ص.  
:على هامش المؤتمر؛ ۶.  
۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۷۲۸-۹:  
:فپیا  
:زبان عربى -- واژه نامه ها -- فارسی  
:زبان عربى -- اصطلاح ها و تعبیرها -- واژه نامه ها --  
فارسی  
/۶۶۳۶PJ ۱۳۹۳ ۲۲خ۲/  
:۷۲/۴۹۳فا  
:۲۷۱۵۰۶۱: ۲۷۱۵۰۶۱

شبكة كتب الشيعة



shiabooks.net

رابطہ بدیل < nktba.net



في ظلال المؤتمر ٦/

# لغة الإعلام في الصحافة العربية والفارسية

محمد خاقاني إصفهاني  
أستاذ في قسم اللغة العربية  
بجامعة اصفهان

## الأبحاث

السياسية - الاقتصادية - الثقافية - الأدبية - الإدارية - القانونية  
العلمية - الزراعية - الأمنية العسكرية - الطبية - الرياضية



نشر مجمع الذخائر الإسلامية / ٢٠١٥ م  
بمساعدة جامعة اصفهان

بمناسبة المؤتمر الدولي للتراث المشترك بين إيران و العراق  
٢٠١٥ م / ١٤٣٦ هـ





کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت بوده و ترجمه یا چاپ تمام یا بخشی از مطالب آن و نیز درج تمام یا بخشی از آنها در ضمن بانکهای اطلاعاتی و تهیه برنامه‌های رایانه‌ای یا استفاده مطالب و تصاویر در اینترنت و دیگر ابزار و ادوات، به هر نحوی، بدون اجازه قبلی ناشر بصورت کتبی، ممنوع می‌باشد.

© MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAH, 2015

All rights reserved, No part of this book may be reproduced or translated in any form, by print, internet, photo print, microfilm, CDs or any other means without written permission from the publisher



مجمع ذخائر اسلامی  
با همکاری دانشگاه اصفهان

صفحه آرا: روح الله علی‌زاده  
چاپ: ظهور / صحافی: نفیس  
نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳ ش (۲۰۱۵ م)  
تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۷۲۸-۹

ارتباط با ناشر

قم: خیابان طالقانی (آذر) - کوی ۲۳ - پلاک ۱ - مجمع ذخائر اسلامی  
تلفن: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۴۳۳۵ همراه: ۰۹۸ ۲۵۳ ۷۷۰ ۱۱۱۹ دورنگار: ۰۹۸ ۲۵۳ ۷۷۱۳ ۷۴۰

نشانی پایگاه‌های اینترنتی:

[www.zakhair.net](http://www.zakhair.net)

[www.mzi.ir](http://www.mzi.ir)

[info@zakhair.net](mailto:info@zakhair.net)

[info@mzi.ir](mailto:info@mzi.ir)

قیمت در سال انتشار: ۳۰.۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰	مقدمه همایش
۱۲	۱. المصطلحات السياسية
۳۴	۲. المصطلحات الاجتماعية
۵۲	۳. المصطلحات الاقتصادية
۷۸	۵. المصطلحات الأدبية
۹۲	۶. المصطلحات الإدارية
۱۰۰	۷. المصطلحات القانونية
۱۰۸	۸. المصطلحات العلمية
۱۲۰	۹. المصطلحات الطبية
۱۴۴	۱۲. المصطلحات الرياضية
۱۵۰	۱۳. الأخطاء الشائعة في الإعلام العربي
۱۵۶	۱۴. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية
۱۶۸	فهرس الألفاظ الفارسي
۱۹۸	فهرس الألفاظ العربية
۲۲۸	فهرس المصادر





## مقدمه همایش



## ۱. المصطلحات السياسية

١	<b>أَمْر: المُواَمَرَة</b> المُواَمَرَاتُ الاستِكْبَارِيَّةُ تَهْدِفُ إِلَى الحُوُولِ دُونَ تَقْدُمِ بُلْدَانِ الْعَالَمِ الثَّالِثِ	<b>توطنه</b> توطنه های استکباری ، بمنظور جلوگیری از پیشرفت کشورهای جهان سوم اجرا می شود
٢	<b>أَوَّل: الآيِل</b> بَحَثٌ مَعَ نَظِيرِهِ فِي السَّبِيلِ الْآيِلَةِ إِلَى تَفْعِيلِ الْعِلَاقَاتِ الثَّنَائِيَّةِ ، وَلَا سِيَّمًا عَلَى الصَّعِيدَيْنِ الْاِقْتِصَادِي وَالسِّيَاسِي	<b>راجع ، مربوط</b> با همتای خود در مورد راههای مربوط به کارآمد کردن روابط دوجانبه بویژه در بخشهای اقتصادی و سیاسی گفتگو کرد
٣	<b>بَدَ (بَدَد): التَّبَدُّد</b> اعْتَبِرَ أَنَّ هَذِهِ الْأَزْمَةَ رَعْدٌ، تَتَبَدَّدُ بَعْدَهُ الْغَيُومُ	<b>زایل شدن</b> گفت : این بحران مانند رعدی است که پس از آن ابرها مرتفع می شوند
٤	<b>بَدَر: الْبَادِرَةُ الْوُدِّيَّةُ</b> بَادِرَةٌ وُدِّيَّةٌ مِنْ قِبَلِ الدَّوَلِ الْمُجَاوِرَةِ	<b>اقدام دوستانه</b> اقدامی دوستانه از سوی کشورهای همجوار
٥	<b>بدر: المُبَادَرَة</b> أَخَذَ بِزِمَامِ الْمُبَادَرَةِ	<b>پیش قدم شدن</b> زمام امور را در دست گرفت
٦	<b>بَرَر: التَّبَرِير</b> ثُمَّ انْطَبَاعٌ سَانِدٌ مُنْذُ فَتْرَةٍ ، بِأَنَّ سِيَاسَةَ "الْاِخْتِوَاءِ الْمُرْدُوَجِ" أَمَامَ الْعِرَاقِ وَإِيرَانَ، فَقَدَتْ مُبَرِّرَاتِهَا	<b>توجیه کردن</b> مدتی است این فکر قوت گرفته است، که سیاست "محاصره دوگانه" در برابر عراق

المَوْضُوعِيَّةُ	وايران ، ديگر قابل توجه نيست
۷	برق : الإبراق الثَّوَابُ اُبْرُقُوا لِرئيسِ الْجُمْهُورِيَّةِ ، مُهَنِّينَ فَوْزِهِ فِي الانتخاباتِ ارسال تلگراف نمایندگان با ارسال تلگرافی (پیامی) ، پیروزی رئیس جمهوری در انتخابات را به او تبریک گفتند
۸	بَسَطَ : بِسَاطِ الْبَحْثِ طَرَحَ موضوعاً (مسألةً) على بِسَاطِ الْبَحْثِ دامنه گفتگو موضوعی را به جریان بحث و بررسی گذاشت
۹	بَصَمَ : الْبَصْمَةُ وَضَعَ الْبَصْمَةَ على صَكِّ الْاِسْتِسْلَامِ ، بدونِ أَيْ شروطِ اثر انگشت پای چك سازش بدون هیچ شرطی انگشت زد
۱۰	بَطَّوْ : التَّبَاطُؤُ أَبْدَى قَلَقَهُ بِشَأْنِ تَبَاطُؤِ عَمَلِيَّةِ السَّلَامِ کندی (کنند شدن) نگرانی خود را از کندی روند صلح ابراز داشت
۱۱	بَلَسَمَ : الْبَلَسَمُ من شَأْنِ هذهِ الْمُبَادَرَةِ ، أَنْ تَكُونَ بَلَسَمًا لِجِرَاحٍ ، يُعَانِي منها الْجَمِيعُ مرهم زخم ، پماد این ابتکار می تواند مرهمی باشد برای جراحی که همه از آن می نالند (رنج می برند)
۱۲	بَلَوُ : الْمُبَالَاةُ تَدَدٌ بِلَامُبَالَاةٍ الْمَجْتَمَعِ الدَّوْلِيِّ تَجَاهَ الْكَثِيلِ بِمِثَالَيْنِ اهتمام بی توجهی بین المللی نسبت به اعمال سیاست دوگانه (يك بام و دو هوا) را محکوم کرد
۱۳	بَنَى : التَّبْنِي تَبَنَّى دَوْلَ حَرَكَةٍ عَدَمِ الْاِنْجِيَاِزِ اِغْلَانًا ، حَتَّى فِيهِ حُكُومَاتِهِمْ على جَمِيعِ الْاِجْرَاءَاتِ الْمُنَاحَةِ الْكُفَيْلَةِ بِالْاِتْرَامِ اِسْرَائِيلَ مَرْجِعِيَّةٍ مُؤْتَمَرٍ مَذَرِيْدَ بنا کردن ، متصدی کاری شدن کشورهای جنبش عدم تعهد ، با صدور اعلانیه ای ، دولتهای خویش را به اجرای کلیه اقدامات لازم ، برای ملزم ساختن اسرائیل به پذیرش مفاد کنفرانس مادرید ترغیب نمودند

۱۴	بوء : البوء بالفِعل التَّخْطِيطُ الأمريكي بَاءً بالفِعل	به شکست منتهی شدن نقشه آمریکا به شکست منتهی شد
۱۵	تَرَكَ : التَّثْرِيكُ بَغْدَادُ تُحَذِّرُ مِنْ حَمَلَةِ تَثْرِيكِ الْأَكْرَادِ فِي الشِّمَالِ	ترکی کردن بغداد نسبت به اقدامات ترکی نمودن کردها در شمال هشدار داد
۱۶	ترویکا : الترویکا زَارَ وَفَدُ الترویکا الأوروپية إسرائيلَ وسوريا ، لِلْمُسَاهَمَةِ فِي بُدْءِ الْمُفَاوَضَاتِ	مثلث هیأت سه جانبه اروپائی ، برای مشارکت در شروع گفتگوها (مذاکرات)، از اسرائیل وسوریه بازدید کرد
۱۷	تَلَفَّرَ : التَّلَاءُ الْمُتَلَفِّرُ اشْتَرَكَ فِخَامَةُ الرِّئِيسِ فِي لِقَاءِ مُتَلَفِّرٍ، لِتَسْلِيَةِ الْأَضْوَاءِ عَلَى الْأَوْضَاعِ الرَّاهِنَةِ	گفتگوی تلویزیونی جناب رئیس جمهور ، برای تشریح وضع موجود ، در یک گفتگوی تلویزیونی شرکت کرد
۱۸	تَوَجَّحَ : التَّوَجُّحُ يُتَوَجَّحُ رَئِيسُ الْوُزَرَاءِ السُّورِي زِيَارَتَهُ إِلَى مُوسْكُو ، بِلِقَائِهِ لِيَوْمٍ مَعَ نَظِيرِهِ الرُّوسِي	قرار دادن کاری در سرلوحه اعمال در رأس برنامه های بازدید نخست وزیر سوریه از موسکو ، دیدار امروز او با همتای روسی اوست
۱۹	تیمر : التَّيَّارُ السِّيَاسَةُ الْخَارِجِيَّةُ الْفَرَنَسِيَّةُ تَسِيرُ فِي الشَّرْقِ الْأَوْسَطِ بِعَكْسِ تَيَّارِ أُورُوبَيِّ كَبِيرٍ	موج سیاست خارجی فرانسه در خاور میانه، در جهت مخالف یک جریان اروپائی قوی است
۲۰	تیه : التَّاهَاتُ رَئِيسُ الْحِزْبِ حَذَّرَ مُخَالِفِيهِ مِنْ مَغَبَّةِ الْغُرُقِ فِي الْمَتَاهَاتِ	بیراهه ها رئیس حزب ، مخالفان خود را از سر انجام غرق شدن (افتادن) در بیراهه ها بر حذر داشت
۲۱	ثَغَرَةُ : الثَّغْرَةُ حَاوَلُوا لِفَتْحِ ثَغْرَةٍ عَلَى الْهَيْمَنَةِ الْأَمْرِيكِيَّةِ	رخنه ، شکاف کوشیدند بر سلطه آمریکا رخنه ای وارد سازند

جَدَدُ: الجدُّ	جَدَى گرفتن	۲۲
لَمْ يَأْخُذْ هَذَا التَّحْذِيرَ عَلَى مَحْمَلِ الْجَدِّ	این هشدار را جدی نگرفت	
جَدَوُ: عَدِيمُ الْجَدَوَى	بی فایده	۲۳
تَوَقَّعَ النَّاطِقُ بِلِسَانِ الْخَارِجِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ أَنْ تُنْهِيَ دَوْلُ الْإِتِّحَادِ الْأَوْرُوبِيِّ، الْمَوَاقِفَ السَّابِقَةَ الْعَدِيمَةَ الْجَدَوَى تِجَاهُهَا	سخنگوی وزارت خارجه ایران، ابراز امید واری کرد، که جامعه کشورهای اروپائی، دست از موضعگیری های یهوده سابق خود در برابر ایران بردارد	
حَجَرٌ: الْأَنْجِرَارُ	کشیده شدن	۲۴
الْأَنْجِرَارُ وَرَاءَ اللَّعْبَةِ	ملعبه دست شدن	
مَجْلِسُ: الْمَجْلِسُ	پارلمان	۲۵
الْمَجْلِسُ النَّيَابِيُّ سَيِّدُ نَفْسِهِ	مجلس شورا آقای خودش است، (تحت سلطه نهاد دیگری نیست)	
مَجْمَلٌ: الْمُجَامَلَةُ	تشریفات	۲۶
قَامَ بِزِيَارَةِ مُجَامَلَةٍ	يك بازدید تشریفاتی انجام داد	
جَوُ: الْأَجْوَاءُ	اوضاع واحوال	۲۷
دَرَسُوا الْأَجْوَاءَ فِي ضَوْءِ الْحَدَثِ الْأَخِيرِ	از زاویه حادثه اخیر، وضعیت را مورد بررسی قرار دادند	
جَوْلُ: الْجَوْلَةُ الْمَكْرُوكِيَّةُ	دیدار رفت و برگشت	۲۸
بَدَأَ جَوْلَتَهُ الْمَكْرُوكِيَّةَ، لِلْحَدِّ مِنْ تَقَاظُمِ الْأَزْمَةِ	بازدید مکرر خود را برای جلوگیری از توسعه بحران آغاز کرد (بازدید مکرر خود را به منظور جلوگیری از شدت گرفتن بحران آغاز کرد)	
حَرْفُ: التَّوْقِيعُ بِالْأَخْرِفِ الْأُولَى	موافقت مبدئی	۲۹
وَقَّعَ عَلَى الْإِتِّفَاقِيَّةِ بِالْأَخْرِفِ الْأُولَى	کلیات معاهده را امضا کرد	
حِصْ: الْحِصَّةُ	سهم	۳۰
هَذَا يُنَافِي وَمَبْدَأُ تَقَاسُمِ الْحِصَصِ	این امر، با اصل تقسیم سهمیه ها منافات دارد	
حِصْنُ: الْحِصَانَةُ	مصونیت	۳۱

وَأَفَقَّ الطَّرْفَانِ عَلَى إعطاءِ الحِصَانَةِ الدِّبْلُومَاسِيَّةِ	دو طرف , با اعطای مصونیت دیپلوماتیک به یکدیگر موافقت کردند
۳۲ حَظَرُ: الحَظَرُ أَمَامَهُ فُرْصَةٌ ثَمِينَةٌ لِاسْتِعَادَةِ دَوْرٍ , كَانَ مَحْظُورًا عليه	ممنوعیت او فرصتی گرانبها (استثنایی) برای دستیابی مجدد به ایفای نقشی دارد , که قبلا از آن محروم بود
۳۳ حَظَرُ: الحَظَرُ الحَظَرُ عَلَى السَّفَرِ بِدُونِ التَّأْشِيرَةِ	ممنوعیت ممنوعیت مسافرت بدون ویزا
۳۴ حَظَرُ: حَظَرُ الطَّيْرَانِ قَوَّرَ مَجْلِسُ الْأَمْنِ الدَّوْلِي إِبْقَاءَ الحَظَرِ الدَّوْلِي عَلَى رَحَلَاتِ الطَّيْرَانِ مِنْ وَالى لِيَبْيَا , لِمَنْعِهَا تَسْلِيمَ مَتَّهَمِينَ يُشَبَّهُ بِتَوْرِيَطِهِمَا فِي تَفْجِيرِ طَائِرَةِ أَمِيرِكِيَّةِ	ممنوعیت پرواز شواری امنیت سازمان ملل متحد , بدلیل ممانعت لیبی از تسلیم دو نفر که متهم به دست داشتن در انفجار يك هواپیمای آمریکائی هستند , ممنوعیت پرواز های بین المللی از این کشور وبه سمت آن را مجدداً تمدید کرد
۳۵ حَظْوُ: الحَظْوَةُ زِيَارَةُ رَئِيسِ الْجُمْهُورِيَّةِ حُطِّيتْ بِتَأْيِيدِ لَافِتٍ	منزلت , شکوه بازدید رئیس جمهور مورد استقبال چشمگیری قرار گرفت
۳۶ حَفْظُ: التَّحْفُظُ أَبْدَى تَحْفَظَاتٍ إِزاءَ الْمَوْضُوعِ	احتیاط کاری واجتناب در این باره تحفظاتی از خود نشان داد (محتاطانه عمل کرد) (در قبال این مسئله جانب احتیاط را در پیش گرفت)
۳۷ حَفْظُ: الحَفِظَةُ الْإِتِّفَاقِيَّةُ الْمُوقَّعَةُ أَخيراً أَثَارَتْ حَفِظَةً بَعْضُ الدُّوَلِ	خشم قراردادی که اخیراً امضا شد , خشم برخی از کشورها را برانگیخت
۳۸ حَلْحَلُ: حَلْحَلَةُ الْأُمُورِ رَحَّبُوا بِدَوْرِ أَمْرِيكِي فِي حَلْحَلَةِ الْأُمُورِ الَّتِي	رتق وفتق امور از ایفای نقش آمریکا در حلّ وفصل



	تُعزِّقُ عملية السلام	ناهمواریهای موجود بر سر راه روند صلح ، استقبال کردند
۳۹	حوز: عدم الانحياز لم يُعَدَّ لِحَرَكَةِ عَدَمِ الانْحِيَاذِ أَيُّ دَوْرٍ يُذَكَّرُ، بَعْدَ انْتِهَاءِ الْحَرْبِ الْبَارِدَةِ، لِأَنَّهَا فَقَدَتْ تَرَابُطَهَا	عدم تعهد جنبش عدم تعهد انسجام درونی خود را از دست داده ، ولذا نقش قابل توجهی برای آن پس از پایان یافتن جنگ سرد باقی نمانده است
۴۰	حول: المحاولة حاولوا التوصل إلى تسوية بينهم	تلاش کوشیدند اختلافات خود را تسویه کنند
۴۱	حوی: الاحتواء يجب العمل فوراً على احتواء مُضَاعَفَاتِ الْأَزْمَةِ، بِأَسْهَلِ طَرِيقَةٍ مُمَكِنَةٍ	کنترل (کردن) باید برای کنترل پیامدهای بحران ، با سهل ترین روشهای ممکن فوراً اقدام کرد
۴۲	حیط: الحائط المسدود لم تصل المفاوضات بعد إلى الحائط المسدود	بن بست مذاکرات هنوز به بن بست نرسیده است
۴۳	حیط: الحیطة لا بدَّ من أخذ الحیطة والحذر ، في التعاطي مع الأمور السياسية	رعایت احتیاط باید با هوشیاری ودقت با امور سیاسی برخورد کرد
۴۴	خجول: البيان الخجول مجلس الأمن أصدر بياناً خجولاً بشأن الاعتداءات الصهيونية	بیانیه ضعیف (خجالت زده) شواری امنیت ، بیانیه سستی در مورد تجاوزات صهیونیستها صادر کرد
۴۵	خفق: الإخفاق أخفق في تسوية الخلاف بالمفاوضات المباشرة	ناکام ماندن در برطرف کردن اختلافات از طریق گفتگوهای مستقیم ناکام ماند
۴۶	خفي: الخافية وصف إصدار هذه البيانات بأنها ممارسات معتادة، لم تعد خافية	مخفی ، پوشیده صدور این نوع بیانیه ها را نوعی حرکت های عادی قلمداد کرد ، که بر کسی پوشیده نیست
۴۷	خلخل: الخلخلة	ایجاد اختلال

القول بأزمةٍ مُستعصيةٍ في البلد ، يُعطي الأمل لمن يريد خَلْخَلَةَ الاستقرارِ القائم	سخن گفتن از وجود بحرانی سخت در کشور، دل کسانی را که قصد دارند امنیت موجود را بر هم زنند امیدوار می کند
٤٨ خلی: التَّخْلِي تَخْلَى عَنِ اتِّخَاذِ تَدَايِيرِ الْقَمْعِ ضِدَّهِ	دست برداشتن از اتخاذ تدابیر سرکوبگرانه علیه او منصرف شد
٤٩ دحض: الدَّحْضُ لدينا حجةٌ داحضةٌ لمزاعمِ العدوِ	باطل کردن ما دلایلی داریم که توهمات دشمن را ابطال می کند
٥٠ درج: الإدراج إدراج بند خاص في جدول الأعمال	درج نمودن مندرج نمودن بند ویژه ای در دستور کار
٥١ دعا: الاستدعاء الحكومة السورية استدعت سفيرها من تركيا	فرا خوانی رژیم سوریه ، سفیر خود در ترکیه را به کشور فرا خواند
٥٢ دلو: الإدلاء بالبيان البيان الذي أدلى به فخامة الرئيس ، كان كافيا لقطع دابر الشائعات	ایراد سخن ، اظهار نظر سخنانی که جناب رئیس جمهور ایراد کرد ، برای زدودن شایعات کافی بود
٥٣ دلو: الإدلاء بالرأي أدلى بتصريح بصفته الشخصية	اظهار نظر بعنوان رأی شخصی خود ، نظراتی را ابراز داشت
٥٤ دهور: التَّدْهُور نراقب بقلق عميق ، التدهور المتزايد في عملية السلام	دگرگونی، وخامت با نگرانی عمیق ، وخامت روز افزون اوضاع در روند صلح را پیگیری می کنیم
٥٥ دول: التدويل الإدارة الأمريكية تحول دون تدويل عملية السلام في المنطقة ، لتبقى هي الراعية الوحيدة لهذه	بین المللی کردن رژیم آمریکا ، از بین المللی کردن روند صلح در منطقه جلوگیری می کند ، تا

العملية	خود را بعنوان تنها مشرف بر مسائل این روند تثبیت کند
۵۶ ذعر: الذعر	وحشت در پی انفجار بمب گازی در يك مترو، خوف ووحشت بر مردم فرانسه سایه گسترد
۵۷ ذکوة: الإذكاء	شعله ورساختن يك جریان (مجموعه) مشکوک بر آن است ، تا به اختلافات بين دو حزب دامن بزند
۵۸ ذلّ: تذليل العقبات	رفع ناهمواریها خواستار رفع موانع موجود بر سر راه تشکیل دولت شد
۵۹ ربّ: الرّبيّة	دست پرورده إسرائيل را بعنوان دست پرورده آمریکا توصیف کرد
۶۰ رجح: التّأرجح	نوسان، تردد نقش کمیته بين مسائل سیاسی وامنیتی در نوسان است
۶۱ رسم: الرّسم	ترسیم کردن آینده حزب را زیر سؤال برد
۶۲ رشق: التّراشق الطّائفي	حملات طائفه ای کشور ، بار دیگر در دایره ای از تهاجمات طائفه ای بین ارکان رژیم قرار گرفت
۶۳ رض: الرّض	محکم کردن کنفرانس ، رژیم مصر را به تقویت صفوف برای مقابله در برابر این تجاوز دعوت کرد
۶۴ رضخ: الرّضوخ	تسلیم شدن

الدولة السورية تقاوم الرضوخ للشروط الإسرائيلية	رژیم سوریه زیر بار شرایط (تسلیم شروط) اسرائیلیها نمی رود (نمیشود)
۶۵ رغب: غير مرغوب فيه اعتبروه عنصرا غير مرغوب فيه	نامطلوب او را عنصر نامطلوب اعلام کردند
۶۶ رهن: المُرَاهِنَة راهنهت إسرائيل على سوء الوضع العربي	شرط بندی ( تلاش برای موفق کردن يك جريان) اسرائیل روی وخیم شدن اوضاع کشورهای عربی شرط بندی کرده است
۶۷ روح: التراوح المفاوضات تراوحت بين تقاoul الإسرائيليين والتشاوم الفلسطيني	نوسان مذاكرات بين خوشبینی اسرائیلیها و بدبینی فلسطینیها در نوسان بود
۶۸ روي: التروى تمنى أن تتروى اللجنة في إصدار بيانها الختامي	انديشیدن، درنگ کردن آرزو کرد، که کمیته در صدور بیانیه پایانی بیندیشد، و مکث کند
۶۹ زخم: الزَّخْم شدّد على ضرورة الزخم إلى الحركة السياسية، بقصد استئناف المفاوضات	تاب و توان بر ضرورت تقویت تحرکات سیاسی جهت از سرگیری گفتگوها، تأکید کرد
۷۰ زعزع: الزَّعْزَعَة أعرب عن قلقه المتزايد، حيال وضع يهدّد بزعزعة الاستقرار	تکان خوردن (تشنج) نگرانی فزاینده خود را، در مورد اوضاعی که به سلب آرامش تهدید می کند، اعلام کرد
۷۱ زلم: الزلمه أزلام الحكومة	مرد (کلمه عامیانه) عوامل و مزدوران حکومت
۷۲ زوج: ازدواجية الضريبة اتفق الطرفان على درس تلافي ازدواجية الضريبة	عوارض گمرکی متقابل دو طرف به توافق رسیدند، موضوع معافیت (مالیاتی) <u>گمرکی</u> بین خود را بررسی کنند
۷۳ سجد: السَّجْد سجده	فرش

سَجَادُ أَحْمَرُ بَرِيطَانِي بَانْتِظَارِ الرَّئِيسِ الْإِسْرَائِيلِي	فرش سرخ انگلیس (در مراسم استقبال و تشریفات)، در انتظار رئیس جمهور اسرائیل است
۷۴ سَكْ: السِّكَّةُ	جاده صاف و هموار
إن هذه الطريقة وحدها قادرة على وضع البلد في سَكَّةِ الخلاص	تنها با این روش می توان ، کشور را در مسیر رهائی قرار داد
۷۵ سَلَم: السَّلْمُ	نردبان
دعى النائب المعارض الحكومة لإعادة النظر في سَلْمِ أولوياتها	نماینده مخالف ، دولت را به تجدید نظر در اولویتهای کاری خود دعوت کرد
۷۶ سَوِي: التسوية	سازش
أَيَّ نَكْسة على مسار التسوية ، ستعكس سلباً على الاتفاقات الآتية	هر خللی در روند صلح ، <u>عکس العمل</u> (تاثیر) منفی روی معاهدات آینده خواهد داشت
۷۷ سَوِي: المستوى	سطح
تردّى العلاقات بين الطرفين إلى أسوأ مستوى لها في العقد الحالي	روابط بین طرفین ، به بدترین سطح خود در طول دهه جاری تنزل کرد
۷۸ سِير: المسار	روند
الحكومة الإسرائيلية تهدف إلى فصل مسار التفاوض السوري واللبناني عن بعضهما البعض	دولت اسرائیل قصد دارد ، دو طرف (جبهه) سوری و لبنانی را در روند مذاکرات از یکدیگر تفکیک نماید
۷۹ شَبْر: شَبْر من الأرض	يك وجب از خاك ميهن
لا نَقْرَطُ بِشَبْرٍ من أرضنا ، ولا بحق من حقوقنا	از وجبی از خاك خود دست نمی کشیم ، و در برابر هیچیک از حقوق خود مسامحه نمی کنیم
۸۰ شَجَب: الشجب	محکوم کردن
شجب التعرّض للحزبات	حمله به آزادیها را محکوم کرد
۸۱ شَرْخ: الشَّرْخ	شکاف
السهام التي تنهمر على كليتون من دون توقّف ،	قرار گرفتن کلیتون در معرض آماج

حملات پیایی مخالفین ، او را ضربه پذیر کرده است	أحدثت شرخا في دروعه	
ارزیابی اوضاع	شرف : استشراف الوضع	۸۲
با توجه به فرایند وضع موجود ، اوضاع منطقه را چگونه ارزیابی می کنید ؟	كيف تستشرف الوضع في المنطقة ، على ضوء معطيات الواقع الراهن ؟	
پيله	شُرَنق : الشَّرَقَّة	۸۳
وقت آن رسیده است ، که جنبش کشور های غیر متعهد ، از پيله توصیه های بدون پشتوانه اجرائی والزامی خارج شود	آن الأوان ، لإخراج عدم الانحياز من شرقية التوصيات غير الملزمة	
اطلاع	شعر : الإشعار	۸۴
تا اطلاع ثانوی	حتّى إشعار آخر	
انگشت اتهام	صبع : إصبع التشكيك	۸۵
انگشت اتهام را متوجّه نخست وزیر کردند	وجّهوها أصابع التشكيك إلى رئيس الحكومة	
صداقت	صدق : المصادقية	۸۶
صداقت رژیم در معرض آزمایش قرار گرفت	مصادقية الحكم باتت على المحكّ	
لنگه در	صرع : مصراع الباب	۸۷
نماینده جناح مخالف ، پرونده فساد اداری را با تمام تفاسیلش گشود	النائب المعارض فتح ملف الفساد الإداري على مصراعيه	
نقطه صفر ، نقطه آغاز	صفر : نقطة الصفر	۸۸
مذاکرات به نقطه آغاز خود برگشت	عادت المفاوضات إلى نقطة الصفر	
سیلی ، ضربه	صفع : الصَّفْعَة	۸۹
کشورهای اتحادیه اروپا، ضربه محکمی به طرح آمریکا زدند	دول الاتحاد الأوروبي وجّهت صفعة للمشروع الأمريكي	
گروه بندی	صنف : التصنيف	۹۰
اکثر ترکهای عراق را نمی توان هوادار ومطیع ترکیه دانست ، چون آنان ایده	معظم ترکمان العراق لا يصتّفون في خانة الولاء لتركيا ، لأنّهم يرفضون النّظريّة الطّورانيّة	

۹۱	<b>ضبط : ضبط النفس</b> دعا الجانبين إلى ضبط النفس	پان ترکیسم را قبول ندارند کنترل خود ، خویشانداری طرفین را به خویشانداری و حفظ آرامش دعوت کرد
۹۲	<b>ضخّ : الضخّ</b> إعادة ضخّ الحياة إلى الدور الأوروبي في منطقة الشرق الأوسط	پمپاژ کردن تزریق حیات مجدد به ایفای نقش اروپا در خاور میانه
۹۳	<b>ضغط : الضغط</b> طالبوا بممارسة الضغط الدولي على الدبلوماسية الصهيونية	فشار خواستار اعمال فشار بین المللی بر سیاست خارجی صهیونیستها شدند
۹۴	<b>ضفوء : الإضفاء</b> إسرائيل تحاول إضفاء الصبغة المدنيّة لأي واحد من مشاريعها العسكرية	اعطاء اسرائیل می کوشد هر يك از طرحها و تأسیسات نظامی خود را با پوششی غیر نظامی اجرا کند
۹۵	<b>ضوء : الأضواء الكاشفة</b> رفض تمضية عطلة تحت الأضواء الكاشفة	پروژکتور رسانه های گروهی از گذراندن تعطیلی خود در برابر دید رسانه های تبلیغاتی خودداری کرد
۹۶	<b>ضوء : الضوء الأخضر</b> حصل على الضوء الأخضر لبدء العمل	چراغ سبز برای شروع کار ، چراغ سبز دریافت کرد
۹۷	<b>طبّ : المَطَبّة</b> مَطَبّات أمنية وسياسية ، تفوق كلّ إيجابيات المؤتمر	ناهمواری ، دست انداز دست اندازهای امنیتی و سیاسی ، بر جنبه های مثبت کنفرانس پیشی می گیرد
۹۸	<b>طراً : حالة الطّواريّ</b> عاشت المدينة في الأسبوع المنصرم شبه حالة طّواريّ	وضعیت اضطراری شهر در هفته گذشته در يك حالت نیمه فوق العاده بسر برد
۹۹	<b>طلع : استطلاع الرأي</b> النتائج التي برزت في عملية استطلاع الرأي ، كشف النقاب عن الأزمة السياسية الأخيرة	نظر سنجی نتایجی که از نظر سنجی اخیر بدست آمد ، پرده از روی بحران سیاسی برداشت

<p>۱۰۰</p> <p><b>طمّن: التطمين</b></p> <p>أرسل رسالة تطمين إلى نظيره الروسي</p>	<p>جلب اطمینان</p> <p>پیامی برای جلب اطمینان به هم‌تای روسی خود فرستاد</p>
<p>۱۰۱</p> <p><b>طمّن: الطمّانة</b></p> <p>طَمَّانُهُ بضمان الالتزامات</p>	<p>اطمینان دادن</p> <p>در مورد تضمین تعهدات به او اطمینان داد</p>
<p>۱۰۲</p> <p><b>طوي: الطّي</b></p> <p>ما حصل مؤخراً، صفحة وطويت</p>	<p>بستن ، در هم پیچیدن</p> <p>آنچه اخیراً اتفاق افتاد ، صفحه ای بود که بسته شد</p>
<p>۱۰۳</p> <p><b>عبط: الاعتباطي</b></p> <p>وصف إجراءات وزارة المهجرين ، بأنها اعتباطية</p>	<p>بدون هدف و برنامه ریزی قبلی</p> <p>اقدامات وزارت مهاجرین را کارهای حساب نشده ، و بدون برنامه ریزی توصیف کرد</p>
<p>۱۰۴</p> <p><b>عجل: المُسْتَعَجِل</b></p> <p>طلب النظر في القضية بصفة مستعجلة</p>	<p>فوری</p> <p>خواست که موضوع را فوری تلقی کنند (خواستار بررسی فوری مسئله شد)</p>
<p>۱۰۵</p> <p><b>عدل: التعديل</b></p> <p>قدّم رئيس الجمهورية اقتراحاً لتعديل الدستور ، يرمي إلى معالجة مكامن الخلل في النظام السياسي</p>	<p>بازنگری</p> <p>رئیس جمهور ، پیشنهادی (را) برای (به) منظور اصلاح قانون) بازنگری در قانون اساسی ارائه داد ، که هدف آن رفع موارد خلل در بافت (چارچوب) سیاسی کشور است)</p>
<p>۱۰۶</p> <p><b>عرقل: العراقل</b></p> <p>تمسك بموقفه على الرغم من العراقل التي بدأت بالظهور تباعاً</p>	<p>صعوبات، موانع</p> <p>علی رغم (با وجود) موانعی که پس از آن آشکار شد بر موضعگیری خویش باقی ماند</p>
<p>۱۰۷</p> <p><b>عَضّ: عَضّ الأصابع</b></p> <p>السجلات التي تمحورت حول مشروع الموازنة ، أخفت معركة (عَضّ أصابع)، مرجعه بين</p>	<p>انگشت بدهان گرفتن</p> <p>بحث وجدلهایی که بر سر لایحه بودجه بعمل آمد ، معركة دردناك (انگشت</p>



الحكومة والمعارضة النيابية	بدهان گرفتن) و ابراز ندامت بین دولت و جناح مخالف در مجلس را ، تحت الشعاع قرار داد
۱۰۸ عطي: التعاطي	برخورد
نجحت الحكومة في التعاطي مع هذه المشكلة الاجتماعية	دولت ، در برخورد با این معضل اجتماعی موفق شد
۱۰۹ عقیف: المعقوف	منحنی
كان يحمل معه الصليب المعقوف النازي	صلیب منحنی (آرم نازیها) را با خود حمل می کرد
۱۱۰ عكر: التعكير	گل آلود کردن
اتهمه بتعكير صلات البلد الخارجية	او را به برهم زدن روابط خارجی کشور متهم کرد
۱۱۱ عكف: المعكوف	مجمد ، پیچ خورده
الصليب المعكوف	آرم دولت هیتلر
۱۱۲ علق: التعليق	تفسیر
رفض التعليق على الموضوع	از اظهار نظر پیرامون این مطلب خودداری کرد
۱۱۳ عمد: كتاب الاعتماد	استوار نامه
سلم كتاب اعتماده إلى فخامة الرئيس	استوار نامه خویش را به جناب رئیس جمهور تقدیم کرد
۱۱۴ عملق: العملاق	غول ، عظیم الجثه
سياسة الدول العملاقة التَّعْصِفِيَّة	سیاست زورگویانه ابر قدرتها
۱۱۵ عنت: التَّعْنَت	آزار دادن
قرارات مجلس الجامعة العربية ، جاءت كرد فعل طبيعي تجاه التَّعْنَت الإسرائيلي	تصمیمات شورای کشورهای عرب ، پاسخ طبیعی تجاه التَّعْنَت الإسرائيلي بود
۱۱۶ عنى: العناء	زحمت
وَقَرَّ علينا عَنَاءُ التعليق	زحمت تأویل و تفسیر را از دوش ما برداشت

<p>۱۱۷</p> <p>غَبَّ : الْمَغَبَّة</p> <p>تلقت إسرائيل تحذيرا جديدا من مغبة مواصلة إعاقة أي تقدم في عملية السلام</p>	<p>سرانجام ، عاقبت</p> <p>اسرائیل ، هشدار تازه ای در مورد سرانجام مانع تراشی در هر نوع پیشرفت نسبت به روند صلح ، دریافت کرد</p>
<p>۱۱۸</p> <p>غبر : الغبار</p> <p>هذه محاولة لإثارة الغبار السياسي</p>	<p>گرد و غبار</p> <p>این ، تلاشی برای مشوش کردن اوضاع سیاسی است</p>
<p>۱۱۹</p> <p>غطرس : الغطرسة</p> <p>قوى الغطرسة العالمية تعترف بنجاح إيران في إعادة الأعمار</p>	<p>استکبار</p> <p>نیرو های استکبار جهانی ، به موفقیت ایران در صحنه سازندگی اعتراف کردند</p>
<p>۱۲۰</p> <p>غيب : التغيب</p> <p>تغيّب قسري للشريحة الكبرى في الوطن</p>	<p>دور ماندن</p> <p>از صحنه دور ماندن عمدی طبقه عمده مردم کشور</p>
<p>۱۲۱</p> <p>فتّ : التفنت</p> <p>وصف الندوة المحاولات ، بأنها مستميتة، تجري لتفتت الوضع الداخلي</p>	<p>گسستگی</p> <p>کنفرانس ، این تلاشها را مرگبار ، و به هدف از هم پاشیدگی وضع داخلی توصیف کرد</p>
<p>۱۲۲</p> <p>فحل : الاستفحال</p> <p>جدّد الرئيس المصري تحذيره من مغبة السياسات الإسرائيلية الرامية إلى استفحال العنف والإرهاب</p>	<p>اجرای جفت گیری برای تکثیر نسل حیوان، دامن زدن، سوء استفاده</p> <p>رئیس جمهور مصر ، مجددا نسبت به سرانجام سیاستهای اسرائیلی مبتنی بر سوء استفاده از خشونت و تروریسم ، هشدار داد</p>
<p>۱۲۳</p> <p>فرغ : التفرغ</p> <p>تحاول حكومة اليمين الإسرائيلي الجديد، تفرغ الاتفاقيات السابقة من مضمونها</p>	<p>تهی کردن</p> <p>دولت جدید راستگرای اسرائیل می کوشد ، قراردادهای سابق را از محتوای خویش تهی سازد</p>
<p>۱۲۴</p> <p>فصل : جملة وتفصيلا</p>	<p>جزئی و کلی</p>

الناطق الحكومي نفى هذه الاحتمالات جملة وتفصيلا	سخنگوی دولت ، این احتمالات را سراسر نفی کرد
۱۲۵ فعل : ساري المفعول اتفاق الطائف لا يزال ساري المفعول في هيكليّة الحكومة اللبنانية	معتبر، قابل اجرا معاهده طائف ، همچنان در بافت (چارچوب) رژیم لبنان قابل اجرا ومعتبر است
۱۲۶ فك : التّشكيك هناك مؤامرة لتفكيك الاتحاد العمّالي العام	متلاشی کردن توطئه ای برای متلاشی کردن اتحادیه عمومی کارگران در دست انجام است
۱۲۷ فوض : الفوضى انزلقت ألبانيا إلى حالة فوضى شاملة	شورش، هرج و مرج کشور آلبانی به ورطه يك هرج و مرج گسترده غلتیده است
۱۲۸ فيتو : الفيتو بقي سيف الفيتو الأمريكي معلقا فوق مجلس الأمن	وتو شمشیر وتوی آمریکا بر فراز شورای امنیت آویزان مانده است
۱۲۹ قذف : التّقاذف تبادل المعنّيون تقاذف الكرات	پرتاب متبادل افراد ذریط ، توپهای تهاجم را به یکدیگر شلیک کردند
۱۳۰ قاصر : التّقلص الهوة بين الرئيس ومساعدته تقلّصت على حساب الرئيس	کاسته شدن فاصله واختلاف بین رئیس ومعاونش ، به ضرر رئیس کاهش یافت
۱۳۱ توقع : التّوقع توقع في مُستَئَق الأفكار الفاشية	در لاک فرورفتن در باتلاق افکار فاشیستی غوطه ور شد
۱۳۲ قوي : الاستِقواء استقواء الدولة على المجتمع ، واستقواء المجتمع على الدولة خطيران	ابراز قدرت قدر قدرتی (عرض اندام) دولت در برابر ملت ، وملت در برابر دولت، هر دو خطرناک است
۱۳۳ كنف : مكتوف اليدين	دست بسته

دست روی دست نخواهم گذاشت	لن أقف مكتوف اليدين	
بی پرده ، با صراحت نظر خود را بی پرده اظهار داشت	كشَف : على المكشوف قال رأيه على المكشوف	۱۳۴
پشت صحنه مسائل پشت پرده در سیاست	كلس : الكالوس الكواليس السياسية	۱۳۵
تاج تاج گلی را بر بنای یاد بود سرباز گمنام تقدیم کرد	كَلَّ : الإكليل وضع إكليلًا من الزهر عند نُصَبِ الجندی المجهول	۱۳۶
دوربین عکاسی مذاکره کنندگان برای يك مصافحه تازه زیر نور فلاش دوربینها ، با هم قرار گذاشته اند	كمر : الكاميرا كان المتفاوضون على مَوْعِدٍ لمُصَافَحةٍ جديدةٍ ، تَلَمَّعَ في خلالها فلاشات الكاميرات	۱۳۷
پیمانه سیاست يك بام و دو هوا (برخوردهای دوگانه)	كيل : المكيال سياسة الكَيْلِ بمكيالين	۱۳۸
متراکم ، آکنده از حوادث اوضاع بحرانی و مشوش منطقه	لبد : الملبَّد الأجواء الملبَّدة إقليميا	۱۳۹
پناهندگان كميساريای عالی پناهندگان	لجأ : اللاجئين المُفَوَّضِيَّةُ العُليا للاجئين	۱۴۰
دیدار بازدید تشریفاتی	لقي : اللقاء لقاء بروتوكولي	۱۴۱
تعدیلها ، دستکاری ها آخرین اصلاحات را روی قرارداد همکاری انجام دادند	لمس : اللَّمسَات وضعوا اللمسات الأخيرة على اتفاقية التعاون	۱۴۲
استحکام همه جناحها را به تلاش برای استحکام وضع داخلی ، و گذشتن از حساسیتها دعوت کرد	متن : التمتين دعا جميع الأطراف ، للعمل على تمتين الساحة الداخلية ، والقفز فوق الحساسيات	۱۴۳
نماینده گی	مثل : التمثيل	۱۴۴

سطح نمایندگی سیاسی	مستوى التمثيل الدبلوماسي	
اقدام، اعمال اعمال فشار	مرس: الممارسة ممارسة الضغوط	۱۴۵
تعويق کار در انتظار بهبود شرایط، دست نگه داشته ام	مطل: المطل أنا ماطل بانتظار تحسن الظروف	۱۴۶
دقت نظر مواضع جناب رئیس، شایسته دقت نظر است	معن: التمعن مواقف السيد الرئيس تستحق التمعن	۱۴۷
دوک نخ ریسى (واستعاره برای هرچه مثل آن در حال رفت و برگشت باشد) وزیر خارجه فرانسه، بازديد رفت و برگشت بين اسرائيل وكشورهای عربی انجام داد	مكك: المكوك قام وزير الخارجية الفرنسي بزيارة مكوكية بين إسرائيل والدول العربية	۱۴۸
مشروطه سلطنتی بازگشت مشروطه سلطنتی، مورد علاقه هیچیک از کشورهای سابقاً کمونیستی اروپای شرقی نیست	ملك: الملكية الدستورية لا تستهوي عودة الملكية الدستورية أيًا من الدول الشيوعية السابقة في أوروبا الشرقية	۱۴۹
ممتاز دور اول گفتگوها سازنده و ممتاز بود	ميز: المميز الجولة الأولى من المحادثات كانت ببناء مميزة	۱۵۰
انداختن، طرد کردن موضعگیری رئیس جمهور مصر در ازای حوادث سودان را می توان اینچنین تفسیر کرد، که نه به هدف طرد جناح مخالف است، و نه به هدف حمایت از آن	نبذ: التنبذ يمكن تفسير موقف الرئيس المصري تجاه الأحداث السودانية، بأنه لا تنبذ للمعارضة، ولا تبين لها في آن	۱۵۱
سرزنش را متوجه کسی دانستن عراق، در مورد تاخیر وصول کمکهای غذایی به مردم آن کشور، سرزنش را	نحو: الإنحاء باللائمة أنحى العراق باللائمة على الأمم المتحدة في تأخير وصول المساعدات الغذائية إلى الشعب	۱۵۲

العراقي	متوجه سازمان ملل متحد دانست
۱۵۳	نصت: التَّصَبُّت أجازت الحكومة الألمانية لبعض الشركات، بَيَّعَ معدّات تنصّت متطوّرة للدوائر الحكوميّة التي يحقّ لها ذلك
۱۵۴	نعش: الإِنْعَاش الإدارة الأميركية تحاول إنعاش عملية السلام
۱۵۵	نقش: المُنَاقِشَة يقضي جدول الأعمال بمناقشة البند السابع
۱۵۶	نقط: النّقْطَة معركة تسجيل النقاط
۱۵۷	نكس: الانْتِكَاس السياسة الاستيطانية الإسرائيلية من شأنها أن تؤدّي إلى انتكاسة عملية السلام
۱۵۸	نكس: العَلَمُ المُنْكَسُ السفارة الصينية جعلت علم بلادها منكّسا أثر رحيل رئيسها
۱۵۹	نكس: التَّنْكَسَة نكسات مؤسّفة طاولت الحزب في الآوَنَة الأخيرة
۱۶۰	نوخ: مُنَافِحُ الانْفِتَاح كُثْلَة المعارضة أصرّت على مناخ الانفتاح السياسي
۱۶۱	نوه: التَّنْوِيه با صدای بلند اعلام کردن

تَوْهَتْ إِسْرَائِيلَ بالدور الذي تلعبه واشنطن في عملية السلام	اسرائیل ، از نقشی که واشنگتن در روند صلح بازی می کند ، استقبال کرد
هَشَّ: الهَشَّ الشیطان الأكبر هَشَّ للشَّاية	سست ، توخالی شیطان بزرگ سست وتوخالی است (بیر کاغذی است)
هَضَب: الهَضْبَة النشاطات الاستيطانية الإسرائيلية شملت هضبة الجولان	تپه ، بلندی فعالیت‌های اسکان وشهرک سازی اسرائیل , بلندیهای جولان را فرا گرفت
هیس : الهیستیرية(الهیستیرية) <u>معرب واژه histrionic</u> انگلیسی و به معنای جنون آمیز وعصبی است. چون اصل کلمه عربی نیست، شاید بهتر باشد بدون ریشه ثبت شود) هذه التصرفات الهیستیرية ، تَبَيَّنَ مَغْزَى السياسة الأمريكية القصيرة النظر في المنطقة	عصبی این تصرفات(رفتارهای) جنون آمیز وعصبی ، هدف سیاست کوتاه فکرا نه آمریکا در منطقه را روشن می سازد
وُثِقَ: الوثيقة وضع تَوْقِيعَه على الوثيقة	سند سند را امضا کرد
وجه : ماء الوجه الطرفان يحاولان التخلّص إلى صيغة، تحفظ لهما ماء الوجه	آبرو دو طرف می کوشند به صیغه ای دسترسی پیدا کنند , که آبروی هر دو را حفظ کند
ورق : الأوراق يحافظ على أوراقه	برگها برگهای برنده را برای خود باقی نگه می دارد
وزن : التوازن أعيدت سَكَّة التوازنات إلى طبيعتها	تعادل موازنه قوا بحالت طبیعی خود برگشت
وطد : توطيد العلاقات تمّ البحث خلال اللقاء في توطيد العلاقات بين البلدين , خصوصا على الصعيد السياسي	تقویت وترسیخ روابط در اثنای دیدار ، نسبت به(در خصوص) تقویت روابط دو کشور ، بویژه در بعد

سیاسی مذاکره شد		
اسکان یافتن	۱۷۰	وطن: الاستيطان
رئيس جمهور مصر، رژیم صهیونیستی را از عاقبت فعالیتهاى شهرک سازى جدید برحذر داشت		حذر الرئيس المصري كيان العدو من مغبة النشاط الاستيطاني الجديد
موضع	۱۷۱	وقف: الموقف
موضعى اتخاذ کرد که با قرارداد منافات دارد		اتخذ موقفا يتعارض مع الاتفاقية





## ۲. المصطلحات الاجتماعية

۱۷۲	أبر : الإبرة الحلول المطروحة إبر مُخَدَّرَة	آبول راه حلهای پیشنهادهی آبولهای مسکن است
۱۷۳	أبن : التأبين لقاء تأبينيّ	سوگواری اجتماع در مراسم سوگواری
۱۷۴	أزم : الأزمة إنّ هذه الأزمة مجرّد غيمة وتعبر	بحران این مشکل مثل ابری است که می گذرد
۱۷۵	ألي : الآلي حركة الإنسان الآليّة	ماشینی زندگی ماشینی انسان
۱۷۶	ألي : الآليّة قضت لجنة طوارئ شؤون السير بالسماح بسير الآليات في الاتّجاهين، بين دُوار الثورة ومُفرّق الحريّة	وسيله نقلیه کمیتة حوادث ترافیک، عبور و مرور دوطرفه بین میدان انقلاب و چهارراه آزادی را برای وسایل نقلیه مجاز اعلام کرد
۱۷۷	أمر : التأمّر التأمّر على المجتمع	توطنه توطنه بر علیه جامعه
۱۷۸	بتر : البتر اعتبرت رئيسة لجنة حقوق الطفل في لبنان الحادث الذي أدّى إلى بتر يد طفل بشفرات إحدى الآلات في مَعْمَلٍ للسكاكر، فضيحة اجتماعية	قطع کردن خانم رئیس کمیته حقوق کودک در لبنان، حادثه ای را که به قطع دست بچه ای با تیغه یکی از دستگاهها در کارخانه شکر انجامید یک افتضاح اجتماعی قلمداد کرد
۱۷۹	برد : التبريد	سرد کردن

بذل جهده لتبريد الأزيمة	برای فرونشاندن بحران، سعی خویش را مهذول داشت
۱۸۰ برع : التبرّع عشرات حواجز المحبة انتشرت من قبل هيئة دعم المقاومة لجمع التبرّعات على مختلف طرقات المدن	كمك مالی، خیرات برای جمع آوری کمکهای مالی مردم، دهها " ایستگاه محبت " (ایستگاه صلواتی) در جاده های شهرها از طرف انجمن کمک به مقاومت برپا شد
۱۸۱ برق : البرقیّة تلقى برقیّة تعزیه بوفاة عمه	تلگرام بخاطر درگذشت عموی، تلگرام تسلیتی دریافت کرد
۱۸۲ بطل : البطالة معدّل البطالة استقر على ۰.۵ %	بیکاری میانگین بیکاری روی ۰.۵ % قرار گرفته است
۱۸۳ بهو : البهو بهو المؤتمرات	سالن سالن کنفرانسها
۱۸۴ تلفز : التلفاز اشترك في حوار متلفز	تلویزیون در یک گفتگوی تلویزیونی شرکت کرد
۱۸۵ ثاب : الثأوب كان يشأب على الطول أثناء الجلسة	خمیازه بین جلسه مرتباً خمیازه می کشید
۱۸۶ جثم : الجثمان ووري جثمانه الثرى ، وأهله يتقبلون التعازي في بيت الفقيد	جنازه جنازه او به خاک سپرده شد، و خانواده اش در منزل او برای پذیرش تسلیت دوستان آماده اند
۱۸۷ جرّ : المجارير تسلّلت الجرذان الى البيت عن طريق المجارير وقساطل المياه ، ومزّقت بأسنانها المرفهة نبريش الماء	راههای فاضلاب موشها از طریق راههای فاضلاب ولوله های آب به خانه نفوذ کرده، و شلنگ آب را با دندانهای (تیز) خود جویدند
۱۸۸ حدث : التحديث	نوگرانی، مدرنیسم

برخی از رهبران جوامع غیر غربی در جهت نوگرانی تلاش کرده، و در عین حال غرب گرانی را رد کردند	بعض زعماء المجتمعات غیر الغربیّة سعو إلى التحديث، وفي نفس الوقت رفضوا التغريب	
نشأت گرفتن آمریکائیان لبنانی تبار	حدر: التَّحَدُّر الأمريكيون المتحدرون من أصل لبناني	۱۸۹
غلنک این غلنک با گاز مایع کار می کند	حدل: المِحدَلَة هذه المحدلة تُستَغلّ بغاز البترول المُسَال	۱۹۰
موازات خانه های اطراف جاده اصلی تخریب شد	حذو: المُحَاذَة البيوت المحاذية للطريق العام تعرّضت للهدم	۱۹۱
کوره زیر نظر شهرداری، دو کوره برای سوزاندن زباله ها آماده شد	حرق: المَحْرِقَة تم تجهيز مَحْرِقَتَيْنِ لِلنَّفَايَاتِ بِإشراف من البلديّة	۱۹۲
حرکت دادن امر ساکن برای خروج از این تنگنا هیچ کاری انجام نداد	حرك: تحريك الساكن لم يحرك ساكنا للخروج من هذا المأزق	۱۹۳
پارتی بازی بخشنامه جدید با هدف از بین بردن رابطه گرانی در ادارات دولتی تنظیم شده است	حسب: المحسوبيّة من شأن المرسوم الجديد أن يفتكك المحسوبيّات من الدوائر الحكوميّة	۱۹۴
ساک، چمدان ساکهای خود را بست و راهی اتریش شد	حقب: الحقیقة حزم حقائبه وسافر إلى النمسا	۱۹۵
احتکار مقاومت در برابر اشغالگران، در احتکار (انحصار) هیچ گروهی نیست	حکر: الحکر ليست مقاومة الاحتلال حكرًا على فئة دون أخرى	۱۹۶
شیرینی برخی از کسانی که تصمیم به خودکشی دارند، خوش دارند با بزیر افکندن خود از فراز برج ایفل، شاهد مرگ داوطلبانه خود باشند	حلو: الحلاوة يحلو لبعض من ينوي الانتحار في فرنسا أن يرمي بنفسه عن برج إيفل العظيم شاهدا على موته الطَّوْعِي	۱۹۷

محله در کوچه های محله گشتی زدیم	حور : الْحَاوَة بَرْمَنَا بَرْمَةً فِي زَوَارِبِ الْحَاوَةِ	۱۹۸
ارجاع دادن جنایت را بگردن دیگری انداخت	حول : الإحالة أحَالَ الجريمة عَلَى غَيْرِهِ	۱۹۹
فرب خوردن توسط کلاهبرداری که به او باورنده بود، می تواند مخفیانه وارد یونان شود، فرب خورد	حیل : الاحتيال تَعَرَّضَ لِعَمَلِيَّةٍ اِحتِيَالٍ مِنْ قَبْلِ شَخْصٍ اَوْهَمَهُ بِإِمْكَانِيَّةِ الدَّخُولِ خُلْسَةً إِلَى الْيُونانِ	۲۰۰
بتون دراین پروژه پس از تکمیل مراحل پی ریزی دیوارهای حمال وبتون مسلح کار، اتصالات کامل وپشته زنی (سیمان پاشی) دیوارها شروع شد	خرس : الخرسانة اِبْتَدَأَتْ فِي وَرْشَةِ الْعَمَلِ هَذِهِ عَمَلِيَّاتُ التَّمْدِيدَاتِ الْكَامِلَةِ وَرَشِّ الْجِدْرانِ، بَعْدَ مَا اكْتَمَلَتِ عَمَلِيَّاتُ حَفْرِيَّاتِ حِيطانِ الدَّعْمِ وَالْخَرَسَانَةِ الْمُسْلِحَةِ	۲۰۱
راوی از طریق راوی (واسطه ازدواج) با نامزدش آشنا شد	خطب : الخطابة تَعَرَّفَ عَلَى خَطِيبَتِهِ مِنْ خِلَالِ الْخَاطِبَةِ	۲۰۲
خواستگاری هفته گذشته، در جشنی متشکل از جمع خانواده وخویشان وپاران، مراسم ازدواج او با یک دختر دانشجو انجام شد	خطب : الخطوبة تَمَّتِ الْاَسْبُوعَ الْفَائِتُ خَطُوبَتُهُ عَلَى فِتَاةٍ جَامِعِيَّةٍ فِي حَفْلِ ضَمَّ لَفِيْفًا مِنْ الْاَهْلِ وَالْاَقْرَابِ وَالْاَصْحَابِ	۲۰۳
ایجاد اختلال عوامل مختلفی در روند ایجاد اختلال در وضع شوراهای شهرداری وممانعت از ایفای نقش آنها مؤثر بوده است	خلخل : الخلخلة لَقَدْ سَاعَدَ عَوَامِلٌ شَتَّى عَلَى خَلْخَلَةِ وَضْعِيَةِ الْمَجَالِسِ الْبَلَدِيَّةِ وَعَرَقَلَتْ دَوْرَهَا فِي لُبْنانِ	۲۰۴
نقش بر باد عاقبت این بحث به باد رفت	درج : أَدْرَاجُ الرِّيحِ مَصِيرُ هَذَا النِّقَاشِ ذَهَبَ اَدْرَاجَ الرِّيحِ	۲۰۵
گپ زدن در گپی با خبرنگار روزنامه شرکت کرد	دردش : الدردشة شَارَكَ فِي دَرْدَشَةٍ مَعَ مَراسِلِ الْجَرِيدَةِ	۲۰۶

۲۰۷	درن : الدرن هذا ينكأ الدرن الخبيثة التي تنخر الجسم اللبناني	چرک این امر چرکهای متعفن را که پیکر لبنان را آلوده کرده است، می زداید
۲۰۸	دمي : الدمية تطلب صناعة دمية دب عملاقة، ۷۰ مترا مربعا من الموهير (نسيج من وبر معزة أنقرة الحريري الطويل)	عروسک در ساخت یک خرس عروسکی عظیم، ۷۰ متر موهر (نوعی پارچه حریری از پشم دراز بز محصول آنکارا) بکار رفت
۲۰۹	دون : النظرة الدونية قال : إن القول برقة المرأة، هو غطاء لإخفاء النظرة الدونية إليها	دیدگاه غیر محترمانه و تحقیر آمیز وی گفت : سخن از لطافت زن، سرپوشی برای مخفی نگهداشتن بینش تحقیر آمیز نسبت به اوست
۲۱۰	رثي : الرثاء الشعب في حالة يرثى لها	مرثیه ملت در وضع اسفناکی بسر می برد
۲۱۱	ردء : التردّي حذر النواب من مشكلة تردّي الوضع الاجتماعي	فساد نمایندگان نسبت به مشکل انحطاط وضعیت اجتماعی هشدار دادند
۲۱۲	رصد : رصد المواقف هذه الأزمة الاجتماعية استدعت مواقف جرى رصدها على الشكل التالي:	استنباط موضعگیریها این معضل اجتماعی موضع گیری هایی را بدنبال داشت، که میتوان آنها را بشرح زیر استنباط کرد:
۲۱۳	رقّ : الرفوف أحيلت القضية على رفوف الذاكرة	طبقه ها، کشوها مسأله به بایگانی ذهنها سپرده شد
۲۱۴	رمد : الرماد، الترميد شيعت الصين جنمان رئيسه الراحل بعد ترميده	خاکستر، سوزاندن مردگان چین جسد رئیس جمهور فقید خود را پس از سوزاندن تشییع کرد
۲۱۵	رهن : الراهن التكثيف مع الوضع الراهن	جاری سازگاری با وضع جدید
۲۱۶	رهن : المراهنة	شرط بندی

المراهنة على معطيات الأمور، تبدو معقدة	شرط بندی وحساب کردن روی روند حوادث، پیچیده بنظر می رسد
۲۱۷	روغ : المراوغة المراوغون والمحتالون
۲۱۸	زلب : الزلاية على كلّ ناصية طريق في العاصمة، تعرض محالّ الحلوى أطباقا كبيرة من البقلاوة والزلاية وسائر الحلويات الرضائية
۲۱۹	زمر : الزمور رجال مفرزة السير حذّروا السوّاق من التزمير
۲۲۰	زي : الأزياء قتلت عارضة أزياء بعد خروجها من عرض الأزياء الجديدة الفرنسية
۲۲۱	سحق : الانسحاق انسحق تحت وطأة المشاكل المتفاقمة
۲۲۲	سخن : الساخن الأجواء مثيرة لجدل ساخن
۲۲۳	سرح : إطلاق السراح سرح الأطفال في الشوارع
۲۲۴	سلسل : السلسلة المعدنية برغم سماكة الثلوج في الطريق، تمكّنت بعض السيارات المجهّزة بسلاسل معدنيّة من سلوك الطريق بصعوبة وظلّت طوال اليوم سالكة على خطّ واحد
۲۲۵	سوء : الاستياء
	انزجار

اشدّت حدّة الاستياء الشعبي بسبب ظاهرة الفساد الإداري	تفر مردم از پدیده فساد اداری به اوج خود رسیده است
۲۲۶ سیب : الانسیاب عندما يفيض المجرور ، يتحوّل الطريق أطراف المسلخ إلى مستنقع من الدماء التي تساب على الأرض بعد ذبح المواشي	جاری شدن وقتی راه فاضلاب پر می شود ، جاده اطراف کشتارگاه مثل یک باتلاق خونین می شود، که پس از ذبح چارپایان بر زمین جاری می گردد
۲۲۷ شجب : الشجب شجب هذا الاستهتار المستشري بحق الصناعة والصناعيين	محکوم کردن این هتک حرمت شرم آور در حق صنعت و صنعتگران را محکوم کرد
۲۲۸ شحن : الشاحنة قتل ۱۰ أشخاص , وأصيب ۳۵ آخرون بجروح , في حادث اصطدام بين شاحنة وباص , كان يحاول تفادي بقرة	کامیون در یک حادثه رانندگی بین یک کامیون و یک اتوبوس که قصد داشت از برخورد با یک گاو اجتناب کند ، ۱۰ نفر کشته و ۳۵ نفر مجروح شدند
۲۲۹ شرح : الشريحة هم الشريحة الكبيرة من المجتمع	یک قسمت آنان، بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می دهند
۲۳۰ شره : الشراهة تزداد شراهة المدخنين بالسجائر يوما بعد يوم	حرص وولع ولع معتادان به سیگار (سیگاری ها) ، روز بروز بیشتر می شود
۲۳۱ شعث : أشعث الشعر هذا الطابع البريدي يحمل صورة لشاعر أشعث الشعر	ژولیده موی این تمبر پستی تصویر یک شاعر ژولیده موی را با خود دارد
۲۳۲ شغب : المشاغب دعا إلى مواجهة المشاغبين الإرهابيين	خرابکار خواستار برخورد با خرابکاران تروریست شد
۲۳۳ شکل : الفنّان التشكيلي	هنرمند تجسمی



احتفاء بعيد الأضحى، قام فرع الفنانين التشكيليين بافتتاح معرض يضم تقنيات التشكيل للنحت والتصوير والغرافيك	در گرامیداشت عید قربان، شاخه اتحادیه هنرمندان تجسمی نمایشگاهی برپا کرد که دربرگیرنده تکنیکهای تجسمی از قبیل پیکر تراشی و عکاسی و گرافیک است
شور: اشارات السير إشارات السير الحديثة مصنوعة من مادة فسفورية عاكسة للنور، تتيح رؤيتها في الليل والنهار، ومكفولة ضد الصدأ	علائم راهنمائی و رانندگی تابلو های جدید راهنمائی و رانندگی از يك ماده فسفوری منعكس كننده نور ساخته شده است، كه شب و روز قابل رؤیت است و ضد زنگ بودن آن تضمین شده است
صَبَّ: الصَّب صَبَّوْا جام غضبهم على البلاد والعباد، عندما لم ترضهم نتائج الانتخابات	ریختن وقتی نتایج انتخابات، آنان را ارضاء نکرد، خشم خود را تار مردم و میهن کردند
صرع: مصراع الباب فتحوا لهذه القضية الأبواب الإعلامية على مصراعيها	لنگه در بر سر این موضوع، بوق و کرنا ی تبلیغاتی براه انداختند
صَفَّ: التصفیف يدير مركزا لتصفيف الشعر مع أحدث القصّات الأوروبية	آرایش يك مركز آرایشگاهی را با جدیدترین مدلهای اروپایی کوتاه کردن مو اداره می کند
صَفَّ: الصَفَّ طلب شرطيّ المرور من السوّاق عدم الوقوف صفّاً ثانياً	صف کشیدن مأمور پلیس راهنمائی، رانندگان را از توقّف دوبله بر حذر داشت
صَلَح: المصلحة مصلحة تسجيل السيارات	سازمان، اداره اداره شماره گذاری اتومبیل ها
صمت: الصمت أعلن رئيس المجلس النيابي الوقوف دقيقة صمت عن روح النائب السابق	سکوت رئیس مجلس شورا در تجلیل از روح نماینده فقید، یک دقیقه سکوت اعلام کرد

۲۴۱	صمم : تصميم الأزياء أسدل مصمم الأزياء الإيطالي الستار أمس على عروض مجموعة من أزياء الخريف	طراحی مد لباس طراح مد لباس ایتالیایی دیروز مجموعه مدهای پاییزش را به نمایش گذاشت
۲۴۲	صون : التصوينة ركبو التصوينة في الفیلا ، وزودوا شرفاتها وأدراجها بالدرابزين	حصار دیواری ویلا را حصارکشی کردند و بالکن ها و راه پله هایش را به نرده مجهز کردند
۲۴۳	ضحی : الضحایا تكاثرت الضحایا الناجمة عن حوادث السير في الآونة الاخيرة	قربانیان آمار قربانیان ناشی از حوادث رانندگی اخیراً فزونی یافته است
۲۴۴	ضرب : الإضراب أرجأت نقابة الصحافة الإضراب التحذيري إلى وقت لاحق	اعتصاب سندیکای روزنامه نگاران ، اعتصاب هشدار دهنده خود را به وقت دیگری موکول کرد
۲۴۵	ضهي : المضاهاة اكتسب الأمر أهمية لا تضاهي	مشابهت این موضوع اهمیتی بی نظیر بدست آورد
۲۴۶	طأطأ : مطأطأ الرأس عليك أن تمثل أمامه مطأطأ الرأس	سرافکنده باید سرافکنده و سربریزر در برابر او حاضر شوی
۲۴۷	طراً : الطوارئ لا بدّ من إعلان حالة طوارئ اجتماعية	اورژانس ، وضع اضطراری اعلام وضع اضطراری فوق العاده اجتماعی ، اجتناب ناپذیر است (باید وضعیت اضطراری اجتماعی اعلام شود)
۲۴۸	طرد : الأطراد هذه مشكلة تتفاقم باطراد	نظم وانتظام این مشکل بطور منظم در حال گسترش است (این مشکل مرتباً وخیم تر می شود)
۲۴۹	طرد : الطرد البريدي أرسل هدية إلى ذويه في طرد بريدي	محموله پستی با یک بسته پستی ، هدیه ای برای خویشاوندانش فرستاد

۲۵۰	طعن : الطعن أسدى الشاب ۲۰ طعنة سكين إلى زميله، مما أدى إلى إصابته بشلل جزئي	ضربه فرد جوان ، بیست ضربه چاقو به همکار خود زد ، که در نتیجه قسمتی از بدن او فلج شد
۲۵۱	عبط : الاعتباط التوقيف الاعتباطي والسجن لمعارضى سياسة الحكومة، من الانتهاكات الروتينية في هذا البلد	اقدام نسنجیده دستگیریهای حساب نشده ، وزندانی کردن مخالفین سیاست دولت ، از جمله هتک حرمتهای روزمره در این کشور است
۲۵۲	عجق : عجقة السير الضاحية الجنوبية تعاني من عجقة سير خانقة	تراکم ترافیک حومه جنوبی گرفتار ترافیک سنگینی است
۲۵۳	عرب : العرب سائق عربة نقل الموتى قتل في الحادث	وسیله نقلیه ، گاری راننده اتومبیل حمل جنازه در تصادف کشته شد
۲۵۴	عرب : العرب قطار محمل بالمسافرين مؤلف من ۱۷ عربة يستقلها ۱۰۰۰ مسافر , خرج من سكتة بسبب عطل في الفرامل	واگن قطار قطاری مسافری مرکب از ۱۷ واگن با هزار مسافر , بعلت خرابی ترمزهایش از خط آهن خارج شد
۲۵۵	عسل : المعسول لا يمكن معالجة الأزمة المعيشية القائمة بالوعود المعسولة	عسلی ، لذیذ مشکلات موجود زندگی را نمی توان با وعده های فریبنده حل کرد
۲۵۶	عصب : العصبیة انتماءات عصبیة	مبتنی بر تعصب تمایلات تعصب آلود
۲۵۷	عصب : العصبیة سقطوا في فخّ نزواتهم العصبیة	تعصب در دام تمایلات تعصب آمیز خویش گرفتار شدند
۲۵۸	عصم : الاعتصام دعا إلى الاعتصام حتى إشعار آخر	دست کشیدن از کار تا اطلاع ثانوی, دعوت به اعتصاب کرد

بیکار	عطل : العاطل	۲۵۹
افزایش آمار بیکاران ، رکورد جدیدی را در آلمان به ثبت رساند	ارتفاع عدد العاطلين عن العمل ، سجل مستوى قياسيًا في ألمانيا	
مرد کار	عمل : العملاني	۲۶۰
باید گامهای عملی برداشت	لا بدّ من القيام بخطوات عمليّة	
دلالی ، حق العمل کاری	عمل : العمولة	۲۶۱
دلالتان ازدواج ، از کسانی که برای دستیابی به تابعیت آمریکا مایل به ازدواج با يك زن آمریکائی هستند ، هزار دلار بعنوان دلالی تقاضا می کنند	يتقاضا مرتّبوا الریجات من الراغبين في زواج أمريكية للحصول على الجنسية الأمريكية ، ألف دولار كعمولة	
اهتمام	عني : العناية	۲۶۲
آنها مورد عنایت کافی قرار داد	أولاه عناية كافية	
همزیستی	عیش : التعايش	۲۶۳
همزیستی مسالمت آمیز	التعايش السلمي	
جنگل	غاب : الغاب	۲۶۴
دنيا طبق قانون جنگل اداره می شود(قانون جنگل در دنیا حاکم است)	العالم يعيش شريعة الغاب	
عاقبت	غَبّ : المغتبة	۲۶۵
آنانرا ، از سرانجام فرو بردن سر در خاك (وتجاهل نسبت به موضوع) برحذر داشت	حذّره من مغتبة دفن الرؤوس في الرمال	
گرائقدر	غلو : الغالي	۲۶۶
مجلس سوگواری و مراسم گرامیداشت برای روح فقید گرائقدرمان ، برپا می شود	يقام مجلس عزاء واحتفال تأبيني عن روح فقيدنا الغالي	
تهی کردن	فرغ : التفرغ	۲۶۷
خالی کردن موضوع از مضمون ومحتوايش	تفرغ الأمر من محتواه	
قارج	فطر : الفطر	۲۶۸
مثل قارج سبز شد	ظهر كالفطر	

عمل کنش وواکنش	۲۶۹ فعل : الفعل الفعل ورثة الفعل
شخصیت‌های بانفوذ گروهی از متنفذین و رجال منطقه	۲۷۰ فعل : الفعاليات جمع من الفعاليات المحلية
از حد اعتدال خارج شدن با نزدیکی آغاز سال میلادی ، مشکلات اقتصادی مردم اوج گرفت	۲۷۱ فقم : التفاقم تفاقت الأزمة المعيشية مع اقتراب السنة الميلادية
تکذیب و تضعیف کوششی باید ، که این اتهامات را <u>نقش بر</u> <u>آب کند</u> (تکذیب یا رد کند)	۲۷۲ فند : التفنيد لا بد من جهد يفند هذه المزاعم
تعیین سرنوشت بر حقّ ملتها در تعیین سرنوشت خویش تأکید کردند	۲۷۳ قرر : تقرير المصير أكدوا على حقّ الشعوب في تقرير مصيرها
ارتکاب گناه بنظر میرسد دیدارم از او ، بزرگترین گناهی بود، که در عمرم مرتکب شده ام	۲۷۴ قرف : اقرار الذنب يبدو أنّي اقترفت غلطة العمر بزيارتي له
پیوند ازدواج عروس و داماد ، عقد ازدواج خود را در <u>جشن عظیمی برگزار کردند</u> ، که زبازند خاص وعام شده است (عروس و داماد طی مراسمی باشکوه ، عقد ازدواج خود را برگزار کردند که....)	۲۷۵ قرن : عقد القران العروسان عقدا قرانهما في احتفال مهيب، أصبح الشغل الشاغل لأبناء البلد
لوله این شرکت ، در امر تولید لوله های پولیکا (پی ، وی ، سی)، ویژه همه کاربردهای ساختمانی و زیرسازی ساختمان ، اتصالات بهداشتی ، بازیافت آب فاضلاب ، و تولید روپوشهای کابلهای برقی پیشتاز	۲۷۶ قسطل : القسطل هذه الشركة رائدة في صناعة القساطل البلاستيكية (pvc) ، ومخصصة لكافة استعمالات البناء والبنية التحتية ، التمديدات الصحية ، تصريف المياه المبتذلة وغلافات التمديدات الكهربائية

است		
قلب شیرینی در طی مراسم جشن ، کیک مخصوص بریده شد ، و سرود ملی پخش شد	قلب : قالب حلوی تخلّل الحفل قطع قالب حلوی والنشيد الوطني	۲۷۷
دگرگونی در عرض یک شبانه روز ، اوضاع زیر و رو شد	قلب : الانقلاب انقلبت الأمور بين ليلة وضحاها	۲۷۸
حمل کردن در انتظار مینی بوسی که او را به مدرسه راهنمایی می برد ، دم در ایستاد	قلّ : الإقلال وقف على عتبة الباب ، ينتظر الباص الصغير الذي يقلّه إلى المدرسة التمهيدية	۲۷۹
چنگ زدن به فرصت برای حفظ آبرویش ، <u>مترصد فرصت</u> <u>است</u> (در کمین فرصت نشست)	قنص : اقتناص الفرصة يحاول اقتناص الفرص من أجل حفظ ماء وجهه	۲۸۰
تعدیل، اصلاح <u>تعدیل</u> (اصلاح) کژی ها و خطاهای گذشته	قوم : التقويم تقويم الاعوجاجات الماضية	۲۸۱
ارزیابی <u>ارزشیابی</u> (ارزیابی) وضع کنونی	قیم : التقييم تقييم الوضع الراهن	۲۸۲
کت بسته، مقید ملت غرق در بحرانها، و در محاصره فساد وقرص است	کبل : المكبل بات الشعب مكبلا في الأزمات ، مطوقا بالفساد والديون	۲۸۳
تراکم، فزونی اجرای تمرکز زدائی اداری ، باعث جلوگیری از تراکم جمعیت خواهد شد	کظّ : الاكتظاظ تنفيذ اللامركزية يضع حدّا على الاكتظاظ السكاني	۲۸۴
رفع بیکاری بر آزادی اتحادیه ها و بیمه درمانی و مبارزه با بیکاری و ضرورت پیوند دادن روستا به قطار پیشرفت ، تاکید کرد	کفح : مكافحة البطالة رکز على الحريّات النقابية والضمان الصحي ومكافحة البطالة وضرورة ربط الريف بقطار التقدّم	۲۸۵

۲۸۶	كلس : الكالوس بقي وراء الكواليس	پشت صحنه در پشت صحنه مخفی ماند
۲۸۷	كهل : الكاهل أزاح همّا عن كاهله	دوش ، پشت باری از دوش خود برداشت
۲۸۸	لعب : التلاعب يتلاعبون بمصير الشعب	بازی کردن با سرنوشت ملت بازی می کنند
۲۸۹	لفّ : الالتفاف وزير الطرق والمواصلات دشّن الشارع الالتفافي	دور زدن وزیر راه و ترابری ، جاده کمربندی را افتتاح کرد
۲۹۰	لفّ : اللف هناك غموض يلفّ مستقبل البلاد	در برگرفتن ، دور زدن آینده کشور در هاله ای از ابهام است
۲۹۱	لفلف : اللفلفة تمّت لفلفة الفضيحة ، قبل أن تظال رؤساء كبيرة	موضوع را جمع وجور کردن ، وفیصله دادن افتضاح را ، قبل از اینکه گریبانگیر سران زیادی شود ، فیصله دادند
۲۹۲	لوح : اللوحة الزيتية الأعمال الفنية المعروضة ، تشمل لوحات زيتية ورسوم على الفخار والرسم على المرايا والزجاج	تابلورنگ روغن کارهای هنری عرضه شده ، شامل تابلوهای رنگ روغن و نقاشی روی کوزه و آینه و شیشه است
۲۹۳	لوم : اللانمة وضع الأهالي اللانمة على بلدية الحارة	سرزنش اهالی ، شهرداری محله را مستحقّ سرزنش دانستند
۲۹۴	لوم : اللوم طالب بتوجيه اللوم على وزير الإنتاج	ملامت در خواست کرد که وزیر تولید مورد سرزنش قرار گیرد
۲۹۵	مزح : المزحة هذه مزحة مسلية	شوخی این يك شوخی سرگرم کننده است
۲۹۶	ملء : ملء الفراغ	پر کردن خلا

العمل الدؤوب على ملء فراغ الساحة	پشتكار مداوم برای پرکردن خلأ موجود
۲۹۷ منح : منح الفرصة منحه وقتا للتفكير بالأمر	اعطای فرصت برای اندیشیدن در اطراف موضوع ، به او فرصت داد
۲۹۸ نبذ : النبذ يحتفظ طبأخوا القصر الإمبراطوري باحتياطي دائم من النبذ , يقدر بحوالي أربعة آلاف زجاجة , يجري حفظها في مستودعات مبردة تحت الأرض	مشروب(شراب) آشپزهای کاخ امپراطوری. يك انبار ذخيره دائم شراب دارند كه حدود ۴۰۰۰ بطری تخمين زده می شود , ودر انبار های خنك شونده زیر زمینی نگهداری می شوند
۲۹۹ نحر : الانتحار انتحرت الفنانة الأميركية , بعد ما ضاقت ذرعا بخلافات والديها المشرفين على الطلاق	خودكشی هنرپیشه زن آمریکایی , پس از سرخوردگی از اختلافات والدين خود , كه در شرف طلاق بودند خودكشی كرد
۳۰۰ ندر : التندر يتندر البلد بهذه الميزة	نادر وكم نظير بودن کشور در این ویژگی كم نظير است
۳۰۱ نذر : الإنذار الأزمة المعيشية وصلت إلى مستوى , ينذر بالانفجار	تهدید مشكلات زندگی بحدی رسیده است , كه تهدید به انفجار می كند
۳۰۲ نشد : المناشدة ناشد بالوقوف على مسافة واحدة من جميع فئات الشعب	مطالبه خواستار برخورد یکسان با همه طبقات مردم شد
۳۰۳ نعي : النعي أهالي القرية ينعون بمزيد الأسى المأسوف على شبابه السيد ....	اعلان خبر مرگ اهالی روستا با نهایت تأسف درگذشت جوان مرحوم آقای .... را اعلام می دارند
۳۰۴ نفي : النفايات تم تكليف قوى الأمن الداخلي بمنع أي شاحنة من رمي نفاياتها في مكب المدينة لأنه أقفل	پس مانده ها , زباله ها نیروهای شهربانی مکلف شدند , از تخلیه زباله توسط کامیونها در مزبله داخل شهر



نهانیا	جلوگیری کنند ، چون این مزبله برای همیشه بسته شده است
٣٠٥	نقب : النقابة قضية نقابة العمال مازالت مفتوحة
٣٠٦	نقط : نقطة الصفر الأمر عادت إلى نقطة الصفر
٣٠٧	نکت : النکته تداول النکته يتخذ أحيانا طابعا دعائيا، يهدف إلى توجيه النقد والسخرية . والأساليب البوليسية قد تبدو عاجزة عن الحد من النکته السياسية التي تقضضها
٣٠٨	نکر : التنکر تنکر للمبادئ التي انطلق منها
٣٠٩	نما : النمو تخفيض معدّل النمو السكاني
٣١٠	نہز : المناهزة توفي عن عمر يناهز الثمانين عاما
٣١١	نہض : الاستنهاض دعا إلى استنهاض الوطن من أوضاعه المتردية
٣١٢	نور : الانارة مشروع الانارة يشمل الشوارع الرئيسية ذات اتجاهين
٣١٣	هبط : الهبوط سجلت القضايا الراهنة هبوطا فعليًا في شعبيته
	اول خط کارها دوباره به اول خط باز گشت
	لطيفة ذکر لطيفة وجوک ، گاهی در قالب تبلیغات ، وبهدف انتقاد ومسخره کردن دیگران بکار می رود. وشگردهای پلیسی نیز، گاهی از منع شیوع لطیفه های سیاسی که برای آنها رسوائی بیار می آورد ، عاجز است
	تجاهل ارزشهای اولیه را بیاد فراموشی سپرد
	رشد کاستن نرخ رشد جمعیت
	نزدیک شدن در سنّ نزدیک به هشتاد سالگی جان سپرد
	پیا خیزی مردم را به بیرون کشیدن کشور از وضع فاسد کنونی دعوت کرد
	لامپ کشی وروشنائی طرح لامپ کشی وچراغانی ، خیابانهای اصلی دو طرفه را در برمی گیرد
	انحطاط اوضاع کنونی میزان محبوبیت مردمی او را

کاهش داد		
تلف‌های ضروری	هتف : الهواتف الضرورية	۳۱۴
باید لیستی از تلفن های ضروری را همراه داشت ، از قبیل : اداره امداد ، پلیس امداد و کمک رسانی ، ساعت ناطق ، امور اضطراری برق ، هلال احمر و دفتر شکایات خواربار	يجب الاحتفاظ بقائمة الهواتف الضرورية نحو: الإسعاف وشرطة النجدة والساعة الناطقة وطوارئ الكهرباء والهلال الأحمر وشكاوى التموين	
رعب ووحشت	هلع : الهلع	۳۱۵
زمین لرزه ، حالت رعب ووحشت عمومی ، ترك خوردگی منازل ، ریزش بالکنها و خسارت به اتموبیلها را بدنبال داشت	الهزة الأرضية سببت حالة هلع عامة، وتصدع منازل وانهديار شرفات وتضرر سيارات	
شکاف	هو : الهوة	۳۱۶
حوادث گذشته بین دو طایفه شکاف عمیقی بوجود آورده است ، که باید برای پرکردن آن تلاش کرد	ان الأحداث الماضية حفرت هوة عميقة بين الطائفتين يجب السعي إلى ردمها	
ترسو	هیب : الهیاب	۳۱۷
بی هیچ ترس وهراسی در برابر مشکلات زمان خویش قد علم کرد	تصدى لمشكلات زمانه غير هیاب أو وجل	
نما ، قسمت بیرونی	وجه : الوجهة	۳۱۸
موضوع مجدداً در سرلوحه اخبار قرار گرفت	عادت القضية إلى واجهة الحدث الإخباري	
غوطه ور شدن	ورط : التورط	۳۱۹
درگیر شدن در يك ريسك گران وپرهزینه ، صحيح نیست	لا يصح التورط في مغامرة باهظة الأكلاف	
نشان	وسم : الوسام	۳۲۰
مدال (درخت) ارز را به سینه او آویخت	قلده وسام الأرز	
استخدام ، بکار گیری	وظف : التوظيف	۳۲۱
خواستار نفی رابطه گرانی ، واستخدام بر	طالب بالغاء المحسوية ، والتوظيف على	

أساس الكفاءة والتراتبية العلامية	پایه کفایت ، وترتیب میانگین نمرات شد
۳۲۲ وفر: التوفير لن نألوا جهدا في توفير المناخ المناسب	آماده سازی در ایجاد فضای مناسب ازهیج کوششی دریغ نخواهیم کرد
۳۲۳ وقع: التوقيع نحن الموقعين أدناه ....	امضا اینجانبان ، امضاکنندگان زیر ....

### ۳. المصطلحات الاقتصادية

بحران	أزم : الأزمة	۳۲۴
معضلات موجود زندگی را به یک بمب ساعتی تشبیه کرد	شبه الأزمة المعيشية الراهنة بقبيلة موقوتة	
شاخص	أشهر : المؤشر	۳۲۵
شاخص سهام ها	مؤشرات الأسهم	
تأييد ومعرفی	أمن : الائتمان	۳۲۶
اتهاماتی از قبیل ایراد خسارت عمدی به اموال بانکها و ارائه معرفی نامه بدون اخذ ضمانت به بازداشت شدگان وارد شد	تراوحت التهم الموجهة إلى المعتقلين، بین الإضرار بالعمد بأموال المصارف وتقديم تسهيلات ائتمان من دون ضمانات	
مبادله	بدل : التبادل	۳۲۷
از سرگیری مبادلات بازرگانی چند جانبه	إعادة التبادل التجاري المتعدد الأطراف	
بورس	بورص : البورصة	۳۲۸
میزان معاملات انجام شده در بورس سهام و اوراق بهادار بیروت از نظر ارزش مبادلات کاهش یافت	حقق حجم التعامل في سوق الأسهم والصكوك في بورصة بيروت ، تراجعاً في قيمة المبادلات	
بورس	بورص : البورصة	۳۲۹
پس از کاهش سهام بورس " وول استریت " بسیاری از سرمایه گذاران در انتظار اعلان بیانیه های اقتصادی مهمی که حاوی ارائه اطلاعاتی در مورد نرخ سود سرمایه ها باشد، از انجام معاملات خودداری کردند	بعد انخفاض بورصة " وول استریت " أحجم كثير من المستثمرين عن التعامل في انتظار بيانات اقتصادية مهمة تعطي معلومات عن أسعار الفائدة	

۳۳۰	بيع: البائع المتجول الباعة المتجولون لم يجنوا أرباحا كثيرة	فروشنده دوره گرد فروشندهگان دوره گرد سود زیادی کسب نکردند
۳۳۱	جمرك: الجمركة سِتارة جمركة	انجام عملیات گمرکی (فارسی) اتومبیل ترخیص شده از گمرک
۳۳۲	حجر: حجر الأساس شاركت محافظة الشمال في وضع حجر الأساس لمشروع تأمين مياه الشرب ومشروع إنارة الشارع الالتفافي لمدينة طرابلس	سنگ بنا استانداری شمال در مراسم کلنگ زنی (وگذاشتن سنگ بنای) طرح تأمین آب آشامیدنی و طرح روشنایی جاده کمربندی شهر طرابلس شرکت کرد
۳۳۳	حرّ: تحرير الشيك حرّر شيكا (لحامله) من دون منونة، ممّا أدّى إلى سجنه	کشیدن چک بخاطر کشیدن یک چک بی محل (بعنوان حامل)، به زندان افتاد
۳۳۴	حرق: المحروقات أصحاب محطات المحروقات رفعوا خراطيم المضخات	انواع سوخت صاحبان پمپ بنزینها شلنگ پمپها را (به نشانه اعتصاب) برافراشتند
۳۳۵	حصص: الحصّة تم تطبيق المحاصصة لندرة السلع	سهامیه بخاطر کمبود کالا، سهامیه بندی اجرا شد
۳۳۶	حكم: حاكم المصرف أصدر حاكم مصرف لبنان تعميما، يقضي بتزويد مصرف لبنان ببيان شهريّ للصفقات اليومية في جميع المصارف	مدیر عامل بانک مدیر عامل بانک مرکزی لبنان با صدور بخشنامه ای از همه بانکها خواست، تراز ماهیانه معاملات روزانه خود را برای بانک مرکزی ارسال دارند
۳۳۷	حيط: الاحتياطي الاحتياطيّ الاستراتيجي	ذخیره ذخیره استراتژیک
۳۳۸	خسف: الخسوف الخسوف السنويّ للأسعار	کاسته شدن تابش ماه تخفیف سالیانه قیمتها (کنایه تبلیغاتی)
۳۳۹	خطّ: الخطّة	برنامه

لجنة الاقتصاد والموازنة أقرت قانون الخطة الخمسية	کمیسیون اقتصاد و بودجه، قانون برنامه پنجساله را تصویب کرد
۳۴۰ خفض: الانخفاض	کاهش
انخفض مؤشر بعض الشركات المساهمة في سوق أسهم بيروت مطلع الأسبوع الحالي	در آغاز هفته جاری ارزش سهام برخی شرکتهای سهامی، در بورس سهام بیروت کاهش یافت
۳۴۱ دخل: المدخول	درآمد
عليكم أن تأخذوا مدخول الشعب في الحسبان، عند تحديد الضرائب	باید هنگام تعیین مالیاتها، میزان درآمد مردم را در نظر بگیرید
۳۴۲ دز: إدراج المدخول	کسب درآمد
هذه الحرفة تدرّ لي مدخولا إضافيا	این پیشه برای من باعث کسب درآمد اضافی می شود
۳۴۳ دعم: الدعم	یارانه
رفعت الحكومة الدعم عن الكهرباء	دولت پرداخت سوبسید برای برق را قطع کرد
۳۴۴ دنو: الراتب المتدني	دستمزد پائین
رواتب موظفي الدولة باتت متدنية بالنسبة لمتطلبات الحياة	حقوق کارمندان دولت، نسبت به نیازمندیهای زندگی در سطح پائینی قرار گرفته است
۳۴۵ دول: التداول	گردش کار
ملخص عمليات التداول الشهري	خلاصه عملیات گردش کار ماهانه
۳۴۶ دين: الاستدانة	وام گرفتن
استدانت إدارة الشركة مليون دولار، لإعادة إطلاقها بالمستوى اللائق	مدیریت شرکت برای تحوّل کیفی آن به سطحی مطلوب، یک میلیون دلار وام گرفت
۳۴۷ دين: المديونية	بدهی
المديونية العالمية تجاوزت ۱۳۰ في المائة من الناتج الداخلي الخام، وتزداد بنسبة تتراوح بين ۶ و ۸ في المائة سنويا وترتب عليها نتائج كارثة	بدهی جهانی از میزان ۱۳۰٪ تولید ناخالص ملّی فراتر رفته و سالانه بین ۶ و ۸ درصد افزایش می یابد. این افزایش نتایج وحشتناکی (ناگواری) بدنبال خواهد داشت
۳۴۸ دين: المديونية	بدهی

ارتفعت مديونية الحكومة الفيدرالية الأمريكية (أي ما تستدينه الحكومة لتمويل مصروفاتها) بنسبة عشرة بالمائة في السنة	بدهی دولت فدرال آمریکا (یعنی استقراض دولت برای تأمین هزینه های آن) در یک سال ۱۰٪ افزایش یافت
۳۴۹ <b>ذخیر: المدخر</b> إعطاء هذه الحوافز يشجع المواطنين الراغبين بتوظيف مدّخراتهم الصغيرة	<b>پس انداز</b> دادن این جوایز شهروندان را برای بکار گیری اندوخته های اندک خود تشویق می کند
۳۵۰ <b>رأس: الرأسمال</b> بدأ مسؤولوا الحكومة اللبنانية حديثهم الشّيق عن دخول رساميل هائلة للاستثمار بعد الإعفاءات الضريبية والتسهيلات التي وفّرها القانون الجديد	<b>سرمایه</b> مسئولان رژیم لبنان با آب و تاب از ورود سرمایه های هنگفت به کشور در پی معافیت های مالیاتی و تسهیلات اعطایی توسط قانون جدید، سخن گفتند
۳۵۱ <b>ربع: الترّيع</b> السياسيون وكبار أصحاب الرتب العسكريّة في ذلك البلد هم أصحاب أسهم كبار، يترفعون في مجالس إدارة الشركات الكبرى	<b>چهار رزانو نشستن، تکیه زدن</b> سیاستمداران و رده های بالای ارتشی (درجه داران ارتشی) در آن کشور بیشترین سهام را در تملک خود داشته، بر تخت مدیریت شرکتهای بزرگ تکیه زده اند
۳۵۲ <b>رجأ: الإرجاء</b> أرجأت البلدان الأوروبية قرار الوحدة النقديّة	<b>به تأخیر انداختن</b> کشور های اروپایی تصمیم آغاز پول واحد را به تعویق انداختند
۳۵۳ <b>رسم: الرسوم</b> طالب بتعديل لائحة البضائع المعفاة من الرسوم الجمركيّة	<b>مالیاتها</b> خواستار اجرای <u>تعديل</u> (اصلاحیه) در لیست کالا های معاف از پرداخت مالیاتهای گمرکی شد
۳۵۴ <b>رغف: رغيف الخبز</b> أكثر شعوب العالم الثالث تحتاج في تأمين رغيف الخبز وضمان هناء العيش أن تمّدّ يدها للغرب	<b>قرص نان</b> اکثر ملت های جهان سوم، برای تأمین قرص نان (قوت لا يموت)، و تضمین آرامش زندگی، چاره ای جز دراز کردن دست کمک به غرب ندارند
۳۵۵ <b>زفت: تزفيت الشوارع</b>	<b>اسفالت کردن خیابانها</b>

<p>شورای شهرداری یک مناقصه عمومی برای اجرای طرح آماده سازی (زیر سازی) و آسفالت کوچه های محله قدیمی اعلام کرد</p>	<p>أعلن مجلس البلدية مناقصة عموميّة لمشروع تعبيد وتزفيت زوارب الحيّ القديم</p>	
<p><b>تقلب</b> بانك مركزى لبنان به بانکهای تجارتي وبنگاههای صرافی اعلام کرد: اسکناسهای تقلبی از رده ۱۰۰ دلار آمریکا و ۵۰۰ ریال سعودی، وارد بازار شده است</p>	<p><b>زور: التزوير</b> أعلم مصرف لبنان المصارف التجارية ومؤسسات الصرافة، عن وجود أوراق مزورة من فئات المئة دولار أمريكي والخمسمئة ريال سعودي في الأسواق</p>	<p>۳۵۶</p>
<p><b>مزایده</b> مؤسسة، مزایده ای را به اجرا گذاشت</p>	<p><b>زید: المزاد</b> أجرت المؤسسة مزادا علنيا</p>	<p>۳۵۷</p>
<p><b>تسویه حساب</b> مجلس شورا در خلال بررسی لایحه بودجه، تسویه بخشی از بدهیهای خارجی را منظور نمود</p>	<p><b>سد: التسديد</b> لاحظ مجلس الشورى خلال درسه مشروع الموازنة، تسديد قسم من الديون الخارجيّة</p>	<p>۳۵۸</p>
<p><b>قاچاق کردن</b> نیروهای شهربانی (نیروههای انتظامی) موفق شدند از قاچاق طلا به خارج از کشور جلوگیری کنند</p>	<p><b>سرب: التسريب</b> تمكّنت قوّات الأمن العامّ من إيقاف تسريب الذهب إلى خارج البلاد</p>	<p>۳۵۹</p>
<p><b>نرخ گذاری</b> کمیته نرخ گذاری کالاها</p>	<p><b>سعر: التسعير</b> لجنة تسعير السلع</p>	<p>۳۶۰</p>
<p><b>کالا</b> نوسان در ارزش پول ملی، روی نرخ مواد غذایی اثر منفی گذاشت</p>	<p><b>سلع: السلعة</b> انعكست البلبلة في سعر العملة الوطنية سلبا على أسعار السلع الغذائية</p>	<p>۳۶۱</p>
<p><b>پیش پرداختها</b> حجم پیش پرداختها با تصمیم وزارت اقتصاد افزایش یافت، و بین بخشهای اقتصادی توزیع شد</p>	<p><b>سلف: التسليفات</b> تطوّر حجم التسليفات بقرار من وزارة الاقتصاد، وتوزعت على القطاعات الاقتصادية</p>	<p>۳۶۲</p>
<p><b>پیش پرداخت</b></p>	<p><b>سلف: السلفة</b></p>	<p>۳۶۳</p>



مجلس الوزراء أقرّ سلفة لتغطية سلسلة رواتب المعلمين	هیأت وزیران، با اعطای پیش پرداخت برای تأمین حقوق معلمان موافقت کرد
۳۶۴ سوي: المستوى	سطح سیاست الاحتفاظ بمستوى الاستهلاك المحليّ
۳۶۵ شبه: المشبوهه	مشکوک معاملات مشکوک
۳۶۶ شحن: الشحنة	محموله وصول سالم محموله ها را به مقصد خود، در هر جای جهان کاملاً تضمین می کنیم
۳۶۷ شرح: الشرح	شکاف، فاصله تحميل مالبتهای سنگین به شهروندان، شکاف بین آنان ودولت را فزونی می بخشد
۳۶۸ شرع: المشروع	لایحه دیروز جراید فرانسه با لایحه ناظر بر لغو امتیازات مالیاتی ویژه روزنامه نگاران، مخالفت کردند ودست به اعتصاب زدند
۳۶۹ شکل: التشکيلة	مجموعه، کلکسیون این کلکسیون بین حضاری که به خرید از آن اقدام کردند، بموفقیت چشم گیری دست یافت
۳۷۰ شل: الشل	فلج شدن حرکت اقتصادی در منطقه شمالی کشور فلج شده است
۳۷۱ شيك: الشيك	چک کشیدن چک بلا محل ممنوع است
۳۷۲ صدع: الصدع	شکاف آخرین لحظه عمر نظام سرمایه داری را نمی توان حدس زد، اما بدون شک ضررهای ناشی از عملیات ادغام پایانی شرکتها، وخريد آنها
لا يمكن التنبؤ بالنقطة التي سيتوقف عندها التمرکز الرأسمالي، لكن الأكيد أنّ الأضرار التي تسبّب بها عمليات الدمج المتلاحق للشركات	

وشرائها من قبل شركات أخرى، قد بدأت تحدث صدوعا في جسم البنيان	توسط شرکتهای دیگر، بتدریج شکافهای خود را بر پیکر این نظام وارد می کند
۳۷۳ صرف: المصرف	بانک
حاكم المصرف المركزي	مدیر عامل بانک مرکزی
۳۷۴ صفق: الصفقة	معامله
دول المنطقة لا تنوي إبرام صفقات مع إسرائيل	دولتهای منطقه در نظر ندارند با اسرائیل معاملاتی منعقد نمایند
۳۷۵ صك: الصك	چک
صك موثق	چک تضمین شده
۳۷۶ صيد: الاصطياد	صيد کردن
اعتبر الصياد اصطياد سمكة القرش رزقة صباحية ثمينة	صیاد بدام انداختن یک کوسه ماهی را، چاشت صبحگاهی با ارزشی به حساب آورد
۳۷۷ ضخم: التضخم	تورم
التضخم الاقتصادي	تورم اقتصادی
۳۷۸ ضرب: الضريبة	مالیات
نشرت اللجنة الاقتصادية لائحة بالمواد الخاضعة للضرائب الجديدة	کمیسیون اقتصاد، لیستی از کالاهای مشمول مالیاتهای جدید را منتشر ساخت
۳۷۹ ضيع: الضياع	بهدر رفتن
أسعار الخضار تضيع بين تاجر الجملة وبائع المفرق	نرخ سبزیجات، بین تاجر عمده فروش و بفال خرده فروش هدر می رود
۳۸۰ طبع: الطابع الاقتصادي	وجهه اقتصادی
أعطى وزير خارجية أرمينيا طابعا اقتصاديا لمحاته في بيروت	وزیر خارجه ارمنستان به مذكرات خود در بیروت وجهه اقتصادی داد
۳۸۱ طحن: الطحن	کوبیدن، آرد کردن
الشريحة الاجتماعية الكبرى مطحونة بالركود الاقتصادي	بزرگترین قشر ملت، زیر بار رکود اقتصادی در حال خرد شدن است
۳۸۲ طرح: المطروح للبيع	قابل فروش
المنقولات المطروحة للبيع هي:	وسایل منقول آماده فروش عبارتست از: یک

<p>دست کاناپه هشت نفره، میز سیگار متوسط، میز ناهار خوری، هشت عدد صندلی کمد چهارکشویی، ۴ عدد لوستر، یک قالیچه تخت دو نفره با دو جالباسی، تخت بچگانه یخچال سفید دو در ۲۱ فوت مارک سامسونگ، واجاق گاز ثابت ۴ شعله</p>	<p>طقم کنبايات من ثمانی قطع وطاولة وسط للسجائر وطاولة طعام وثمانية كراسي وخزانة أربع جوارير وثریّا عدد أربع وسجّادة صغيرة وسریر مزدوج مع كومودينة عدد ۲ وسریر للطفل وبِزّاد لون أبيض بطبقتين ۲۱ قدما ماركة سامسونج وفرن غاز ثابت أربع عیون</p>
<p><b>صدر</b> شرکت (دیوو) در صدر شرکتهای کره است. وبعنوان پنجه آهنین امپریالیسم کره محسوب می شود</p>	<p>۳۸۳ <b>طلع: الطليعة</b> تأتي شركة (دايوو) في طليعة الشركات الكورية وتشكّل القبضة الحديدية للإمبريالية الكورية</p>
<p><b>جلب اطمینان</b> وزیر اقتصاد برای جلب اطمینان مردم نسبت به عدم تزلزل در ارزش پول، پیامی صادر کرد</p>	<p>۳۸۴ <b>طمین: التطمین</b> وجّه وزير الاقتصاد رسالة تطمين إلى الشعب، حول عدم تدهور سعر العملة</p>
<p><b>تحقّل</b> کشور نیازمند رشد نیروی انسانی است</p>	<p>۳۸۵ <b>طور: التطوير</b> البلد بحاجة الى تطوير الموارد البشرية</p>
<p><b>مشکل، مصیبت</b> آمار اسرائیلیان زیر خط فقر افزایش یافت</p>	<p>۳۸۶ <b>عتب: العتبة</b> تزايد عدد الإسرائيليين تحت عتبة الفقر</p>
<p><b>کسر بودجه</b> پرداخت حقوقهای جدید، باعث افزایش کسر بودجه واستقراض از پشتوانه خزانه شد</p>	<p>۳۸۷ <b>عجز: العجز في الموازنة</b> دفع الرواتب الجديدة أدّى إلى عجز إضافي في الموازنة، وإلى الاستدانة بواسطة سندات الخزينة</p>
<p><b>کنتور آب</b> سازمان آب صیدا هزار لیتر بعنوان عوارض نگهداری کنتور به عوارض آب اضافه کرد</p>	<p>۳۸۸ <b>عدد: عداد المياه</b> أضافت مصلحة مياه صيدا ألف ليرة إلى رسوم المياه كرسوم صيانة للعدّاد</p>

<p>عرضه و تقاضا</p> <p>اوضاع اقتصادى تابع قانون عرضه و تقاضاست</p>	<p>عرض: العرض والطلب</p> <p>الأوضاع الاقتصادية خاضعة لنظام العرض والطلب</p>	<p>۳۸۹</p>
<p>معاف کردن</p> <p>معافیت از مالیاتهای گمرکی</p>	<p>عفو: الإعفاء</p> <p>الإعفاء من الرسوم الجمركية</p>	<p>۳۹۰</p>
<p>مارک</p> <p>مارکهای صنعتی</p>	<p>علم: العلامة</p> <p>العلامات الصناعية</p>	<p>۳۹۱</p>
<p>جهان گرایی</p> <p>کاهش مالیاتها، تشجيع بخش خصوصی، انعطاف در بازار کار و قدرت خرید، از تبعات (ضروریات) سیاست "جهان گرایی" (جهانی شدن) است</p>	<p>علم: العولمة</p> <p>إن تخفيض الضرائب وتشجيع القطاع الخاص والمرونة في سوق العمل والقدرة الشرائية، كلها من متطلبات "العولمة"</p>	<p>۳۹۲</p>
<p>سازندگی</p> <p>نماینده مخالف، سازمان توسعه و عمران را به فساد و پارتی بازی متهم کرد</p>	<p>عمر: الإعمار</p> <p>اتهم النائب المعارض مجلس الإنماء والإعمار بالفساد والمحسوبية</p>	<p>۳۹۳</p>
<p>عمران</p> <p>همچنانکه کینه توزترین دشمنانش می گویند، برنامه خود برای عمران را بدون ملاحظه جنبه انسانی آن، صرفاً روی اقتصاد مادی تنظیم کرد</p>	<p>عمر: الإعمار</p> <p>حوّل مشروعه في الإعمار إلى مجرد بناء للحجر دون البشر، كما دأب على القول ألدّ خصامه</p>	<p>۳۹۴</p>
<p>برخورد</p> <p>نسبت به لزوم برخورد جدی با فرایند (دستاوردها) سیستم بازرگانی جدید جهانی تأکید کرد</p>	<p>عمل: التعامل</p> <p>نوّه بضرورة التعامل الجادّ مع معطيات النظام التجاريّ الدوليّ الجديد</p>	<p>۳۹۵</p>
<p>پول، ارز</p> <p>کشورهای اتحادیه اروپا، موافقت خود را با اجرای نظام پول واحد اعلام کردند (کشورهای اتحادیه اروپا، با اجرای نظام پول واحد موافقت کردند)</p>	<p>عمل: العملة</p> <p>اتّفقت دول الاتحاد الأوروبي على تطبيق نظام العملة الموحّدة</p>	<p>۳۹۶</p>

٣٩٧	<b>عوض: التعويض</b> بأشر مكتب المحافظ دفع شيكات القسط الأخير عن تعويضات المواطنين الذين تضررت منازلهم ومحالّهم التجارية خلال العدوان الإسرائيليّ على الجنوب	<b>جبران خسارت</b> دفتر استاندار صدور چک برای پرداخت آخرین قسط بعنوان جبران خسارتهای وارده به منازل و محلهای تجاری شهروندان، که در اثر حملات اسرائیل به جنوب متحمل شده اند، آغاز کرد
٣٩٨	<b>عيل: راتب الإعالة</b> تم ضبط أحد الأثرياء، بعد ما اعتاد لسنين طويلة على تسلّم راتب الإعالة من صندوق التنمية الاجتماعية	<b>مستمرى بازنشستگی</b> یک فرد ثروتمند، پس از چندین سال دریافت مستمرى بازنشستگی از صندوق توسعه اجتماعی، بازداشت شد
٣٩٩	<b>فتر: الفاتورة</b> يرجى من الزبائن الكرام تسديد الفواتير، مطلع كلّ شهر	<b>فاكتور</b> از مشتریان گرامی انتظار می رود در آغاز هر ماه، فاکتور های خویش را تسویه کنند
٤٠٠	<b>فدح: الضرر الفادح</b> السیل الجارف ألحق أضرارا فادحة بمزارع الشمندر السّكرّي	<b>خسارت سنگین</b> جاری شدن سیل، خسارتهای سنگینی به مزارع چغندر قند وارد کرد
٤٠١	<b>فرق: المفرق</b> البيع بالجملة والمفرق	<b>خرده (فروشی)</b> فروش جزئی و کلی (خرده و عمده)
٤٠٢	<b>فقر: خط الفقر</b> حدّدت لجنة المال و الموازنة خطّ الفقر المدقع (الخطّ الأدنى للفقر)، وخطّ الفقر المطلق (الخطّ الأعلى للفقر)	<b>شاخص فقر</b> کمیسیون دارایی و بودجه، شاخص فقر کامل (پائین ترین میانگین فقر) و فقر مطلق (بالا ترین میانگین فقر) را تعیین کرد
٤٠٣	<b>فلاس: الإفلاس</b> أعلنوا إفلاس الشركة المساهمة في بورصة الأوراق المالية	<b>ورشکستگی</b> ورشکستگی آن شرکت سهامی را در بورس اوراق بها دار، اعلام کردند
٤٠٤	<b>فیض: الفائض</b> سجّل ميزان المدفوعات في شبكة كهرباء لبنان من الشهر الفائت، فائضا ملحوظا يساوي ٠٩	<b>افزایش</b> حجم پرداختها در شبکه برق لبنان در ماه گذشته، تفاوتی آشکار معادل ٠٩٪ نسبت به

ماه قبل از آن را نشان داد	% بالنسبة إلى الشهر الأسبق	
بخش یک کمیته مشترک بین بخش دولتی و بخش خصوصی برپا کردند	قطع: القطاع أقاموا لجنة مشتركة بين القطاع العام والخاص	۴۰۵
بریدن دلار به بالاترین ارزش خود در برابرین ژاپن در طول چهار سال گذشته صعود کرد	قفز: القفز قفز الدولار إلى أعلى مستوياته أمام الين، منذ أكثر من أربع سنوات	۴۰۶
مهارتورم دولت را بخاطر عدم پرداخت حقوق ها به بهانه مهار تورّم شدّت مورد انتقاد قرار داد	کبح: کبح التضخم انتقد الحكومة بشدّة لعدم دفعها الرواتب بغرض كبح التضخم	۴۰۷
اشياء لوکس بخشنامه عوارض اشياء لوکس همچنان معتبر است	کمل: الكماليات مرسوم ضرائب الكماليات لا يزال ساري المفعول	۴۰۸
پاسخگوئی شرکت توانست پاسخگوی میزان نیاز داخلی باشد	لبي: التلبية تمكنت الشركة من تلبية الطلب المحلي	۴۰۹
اهمال چرا سازمان برق نسبت به تهیه کنتور برای مشترکین این روستا اهمال می کند؟	لکأ: التلكؤ لماذا تلتكأ مؤسسة الكهرباء في إعداد ساعات للمشاركين في هذه القرية؟	۴۱۰
الماس کلیکسیون الماسهای تابناکی که جمهوری اسلامی ایران به معرض آزمایش (نمایش) گذارد، از نظر حجم، حاوی بیش از نیمی از الماسهای دنیاست و از نظر درخشش از هر مجموعه دیگری در دنیا زیباتر است	موس: الماس تضم مجموعة الماسات المبهرة التي عرضتها جمهورية إيران الإسلامية أكثر من نصف الماسات العالم الأكبر حجما وتفوق مجموعة الزمردات تالفا أي مجموعة في أي مكان آخر	۴۱۱
سرمایه گذاری مجلس شورا به دولت اجازه داد که برای طرحهای توسعه، از سرمایه گذاری خارجی	مول: التمويل أجاز مجلس الشورى للحكومة إلى تمويل خارجي لمشاريعها التمتوية	۴۱۲

استفاده کند		
تولید	نتیج: الإنتاج	۴۱۳
کارگران تولیدی های لباس مجبور به ترک پیشه خود هستند، و تولید آنها پائین است (به دلیل پایین بودن تولید آنها مجبور به ترک پیشه خود هستند)	عَمال مصانع الألبسة مهّدون بالصرف، والإنتاج كاسد	
بخت آزمایی	نصب: البانصيب	۴۱۴
دو نوع بخت آزمایی	البانصيب - اللوتو	
اجرا کردن	نقد: التنفيذ	۴۱۵
کمیتہ نرخ گذاری بین المللی، موانع موجود بر سر راه اجرای معاهده را هموار کرد	لجنة التسعير الدولية، ذللت العقبات أمام تنفيذ الاتفاق	
تقدینگی	نقد: النقد المتداول	۴۱۶
در نتیجه ازدیاد (افزایش) حجم نقدینگی پول در گردش در طول هفته گذشته شاهد افزایش ملموسی بود	عرفت السيولة الجاهزة خلال الأسبوع المنصرم ارتفاعا، نتيجة ازدياد حجم النقد المتداول	
مناقصه	نقص: المناقصة	۴۱۷
سازمان آب یک مناقصه عمومی از طریق پاکتهای لاک و مهر شده برای تحویل ماده کلرور آهن برگزار می کند	تجري مصلحة المياه مناقصة عموميّة بطريقة الظرف المختموم لتقديم مادة كلورور الحديد	
مناقصه	نقص: المناقصة	۴۱۸
اداره کل شهربانی تمایل خود را به انجام یک مناقصه عمومی برای اجرای فعالیتهای مربوط به ساختمان جدید پادگان استقلال اعلام می نماید	إن المديرية العامة لقوى الأمن الداخلي تعلن رغبتها عن إجراء مناقصة عمومية لتنفيذ الأشغال العائدة لاستحداث بناء جديد في ثكنة الاستقلال	
رشد، گسترش	نمو: التنامي	۴۱۹
فقر در حال رشد	البؤس المتنامي	
توسعه	نمو: التنمية	۴۲۰
شرکت کنندگان، بر ضرورت ایجاد فضای	رُحز المشاركون على ضرورة توفير المناخ للتنمية	

الاقتصادية	مناسب برای توسعه اقتصادی تأکید کردند
۴۲۱	<p><b>هاتف : الهاتف</b></p> <p>تعرضت کابلات هاتف الحي الجنوبي إلى تخريب مقصود (أي النشر بمنشار)</p> <p><b>تلفن</b></p> <p>کابلهای تلفن محلّه جنوبی مورد تخريب عمدی قرار گرفت (با اّزه قطع شده بود)</p>
۴۲۲	<p><b>هلك : الاستهلاك</b></p> <p>السلع الأخرى (غير البنزين) مهدّدة بتراجع استهلاكي، إذا زیدت الرسوم عليها</p> <p><b>مصرف</b></p> <p>در صورت افزایش مالیات بر کالاهای دیگر (غیر از بنزین)، میزان مصرف آنها کاهش پیدا می کند</p>
۴۲۳	<p><b>هلك : التعاونية الاستهلاكية</b></p> <p>صولد (solds) وحسم، يتراوح بين عشرة وعشرين بالمائة على السلع الغذائية في التعاونية الاستهلاكية</p> <p><b>شرکت تعاونی مصرف</b></p> <p>حراج وتخفيف بين ۱۰ تا ۲۰ در صد روی مواد غذائی در شرکت تعاونی مصرف</p>
۴۲۴	<p><b>هود : حرب بلا هوادة</b></p> <p>تشّن شركات الكمبيوتر الیاباتیّة حرب أسعار لا هوادة فيها، على الشركات المنافسة الغربيّة</p> <p><b>نبرد بی امان</b></p> <p>شرکتهای کامپیوتری ژاپنی، نبردی بی امان را علیه شرکتهای اروپایی رقیب خود شروع کرده اند</p>
۴۲۵	<p><b>ودع : الإيداع</b></p> <p>على الراغبين في الشراء أن يودعوا باسم رئيس دائرة تنفيذ المصلحة قبل المباشرة بالمزايدة لدى صندوق الخزينة أو أحد المصارف المقبولة مبلغاً وقدره ۱۰۰۰ دولار أمريكي</p> <p><b>واريز پول</b></p> <p>علاقمندان خرید باید قبل از شرکت در مزایده، مبلغی معادل ۱۰۰۰ دلار آمریکا به حساب رئیس هیأت اجرائی سازمان، نزد صندوق یا یکی از بانکهای مورد قبول واریز نمایند</p>
۴۲۶	<p><b>ورد : الاستيراد</b></p> <p>منعت وزارة الزراعة السورية استيراد لحوم الأبقار من هولندا، حيث سجّلت إصابة شخصين بمرض البقرة المجنونة</p> <p><b>وارد کردن</b></p> <p>پس از ثبت ابتلای دو نفر به بیماری جنون گاوی در هلند، وزارت کشاورزی سوریه واردات گوشت از این کشور را ممنوع ساخت</p>
۴۲۷	<p><b>ورد : التوريد</b></p> <p>تعلن الشركة عن حاجتها لتوريد وتركيب تجهيزات معمل لقوالب الجليد في وحدة تبريد</p> <p><b>وارد کردن</b></p> <p>شرکت نیاز خود را به وارد کردن وتركيب تجهيزات کارخانه یخ، در واحد یخ سازی</p>



العاصمة	پایتخت اعلام می کند
۴۲۸ ورد: الواردات	دریافتها دولت مجبور شد برای تأمین هزینه ها، عوارض و مالیاتهای جدیدی را برای اخذ دریافتهای جدید وضع کند
۴۲۹ ورش: الورشة	پروژه شرکت پروژه کاری را تحویل گرفت، و ماکت آنرا به متخصصین عرضه کرد
۴۳۰ وزن: الموازنة العامة	بودجه عمومی کم کردن سهم وزارت از بودجه عمومی
۴۳۱ وضع: وضع اليد	مصادره، تصرف قانون جدید به مدیر عامل بانک مرکزی لبنان اجازه میدهد، هر بانکی را که روشن شود، در وضعیتی نیست که بتواند بکار خود ادامه دهد، تحت کنترل خود قرار دهد
۴۳۲ وضع: الوضع المعيشي	وضعیت زندگی از جایگاه وضعیت زندگی (وضع اقتصادی مردم) در چارچوب اولویتهای دولت سؤال کرد

۴۳۲ أجمع: تأجيج النار	برافروختن آتش آشفتهگی تبلیغاتی که برخی سیاستور کشور به آن دامن زده بودند، فروکش کرد
۴۳۳ أصل: الأصولية	بنیادگرایی بینش گذشته گرا، به بنیاد گرایی <u>سوق می</u> یابد (نشأت میگیرد)
۴۳۴ أقلم: التأقلم	سازگاری با محیط بر این عقیده بود که: وضع انسان در جهان کنونی، همچون قورباغه است که میتواند خود را

را با درجات حرارت مختلف سازگار نمایند	
<b>اثر انگشت</b>	<b>بصم: بصمة الإصبع</b>
او از جمله مردانی است که آثار خود را روی سیر حوادث در اواخر قرن بیستم برجای گذاشته اند	هو من الرجال الذين تركوا بصماتهم على مسيرة الأحداث، في نهايات القرن العشرين
<b>موج</b>	<b>تیر: التيار</b>
چین، قلب خود را در برابر موج فرهنگی سیل آسای آمریکائی گشوده است	فتحت الصين قلبها أمام تيار ثقافي أمريكي جارف
<b>فرهیمختن، تربیت کردن</b>	<b>ثقف: الثقيف</b>
تلویزیون به فعالترین ابزار رشد فرهنگی کودک تبدیل شده است	بات التلفزيون الوسيلة الأفضل لتثقيف الطفل
<b>پل زدن برای رفع شکاف</b>	<b>جسر: تجسير الفجوة</b>
دبیر انجمن فرهنگی، خواستار پرکردن جالشها بین قشر فرهنگی وقشر حاکم شد	دعا أمين المنتدى الثقافي إلى تجسير الفجوة بين المثقف والأمير
<b>گرفتن نبض (بیمار)</b>	<b>جس: جس النبض</b>
برهه احتیاط (توأم با لحظه شماری)، وتوجه به اوضاع	فترة الحذر وجس النبض
<b>سقط جنین</b>	<b>جهض: الإجهاض</b>
کورتاژ فرهنگی	الإجهاض الحضاري
<b>گروه</b>	<b>جوق: الجوقة</b>
اولین ظهور این گروه موزیک، جالب بود	الإطلاة الأولى لهذه الجوقة الموسيقية، كانت ممتازة
<b>جوهر، مرکب</b>	<b>حبر: الحبر</b>
از تمام این طرحها، فقط جوهری بر روی کاغذ باقی خواهد ماند	كل هذه المشاريع، ستظل حبرا على ورق
<b>آبستن</b>	<b>حبلى: الحبلی</b>
ایران اسلامی در زمان حاکمیت شاه آبستن بود، وبا سقوط او دولتش را بدنیا آورد	إيران الإسلامية كانت حبلی في زمن الشاه، وولدت دولتها بسقوط الشاه

<p>مخفی شدن</p> <p>مجله بدلائل فنی مدت دو ماه منتشر نمی شود</p>	<p>حجب : الاحتجاب</p> <p>الجريدة تحتجب شهرين لأسباب تقنية</p>	<p>۴۴۴</p>
<p>محال</p> <p>آنها هفتمین مورد از عجائب هفتگانه قلمداد کرد</p>	<p>حول : المستحيل</p> <p>عده من سابع المستحيلات</p>	<p>۴۴۵</p>
<p>اهمیت</p> <p>این موضوع در حدّ زیادی (بی نهایت) خطرناک (و مهم) است</p>	<p>خطر : الخطورة</p> <p>هذه القضية على مستوى من الخطورة</p>	<p>۴۴۶</p>
<p>مخفی، نهان</p> <p>این اندیشه به دلیلی رواج یافت، که بر کسی پوشیده نیست</p>	<p>خفی : الخافية</p> <p>شاعت هذه الفكرة لأسباب، ليست بالخافية</p>	<p>۴۴۷</p>
<p>استمرار، جاودانگی</p> <p>هیأت وزیران صدور يك تمبر یادبود برای گرامیداشت یاد شاعر "الیاس ابو شبکه" را تصویب کرد</p>	<p>خلد : التخليد</p> <p>قرر مجلس الوزراء إصدار طابع بريدي تذكاري، تخليدا لذكرى الشاعر "إلياس أبو شبكة"</p>	<p>۴۴۸</p>
<p>ماندگار کردن، جاودان کردن</p> <p>مفتخریم شما را به مراسم بزرگداشت خاطره عطر آگین آنان دعوت کنیم</p>	<p>خلد : التخليد</p> <p>نتشر بدعوتكم إلى حضور الاحتفال التكريمي الذي يقام تخليدا لذكراهم العطرة</p>	<p>۴۴۹</p>
<p>توده (جمعیت) دانش آموزی</p> <p>کاهش فزاینده سالانه مجموعه دانش آموزی در مدارس رسمی لبنان، ممکنست به حاکمیت کامل مدارس خصوصی بر امر آموزش و پرورش بیانجامد</p>	<p>درس : الجمهور المدرسي</p> <p>نزف سنوي متصاعد للجمهور المدرسي الرسمي في لبنان، قد يصل إلى حد تولي القطاع الخاص أمور التعليم بالكامل</p>	<p>۴۵۰</p>
<p>مغز الکترونیکی</p> <p>بر این اعتقاد بود که : دنیای امروز را اندیشه ها و کتابها نمی سازند، بلکه این جهان می رود تا زیر لوای ماهواره ها و مغزهای الکترونیکی شکل بگیرد و متحد شود</p>	<p>دمغ : الدماغ الإلكتروني</p> <p>رأى أن العالم لم تعد تصنعه الأفكار والكتب، بل يتشكل ويزداد توحدًا عبر الأقمار الصناعية والأدمغة الإلكترونية</p>	<p>۴۵۱</p>

۴۵۲	<b>دور: الإدارة</b> أدر خدك الأيسر لمن يضربك على الأيمن	<b>گرداندن</b> گونه چپت را بسمت کسی برگردان، که بر گونه راستت نواخته است
۴۵۳	<b>ربع: الترتيع</b> ترتیب علی عرش النجومية، من دون منافس	<b>چهارزانو نشستن</b> بدون رقیب، بر عرش ستاره گری (ستاره شدن) تکیه زده است
۴۵۴	<b>رحب: الترحيب</b> لوحظ أن الترحيب بالحجاج في مدينة بعلبك، شمل إطلاق العيارات النارية ومسيرات استقبال تقدمها لاعبوا السيف والترس والخيول ونحرت الخراف ابتهاجا	<b>خوش آمدگویی</b> از قراری که ملاحظه شد، استقبال از حجاج شهر بعلبك با عملیات آتش بازی و راه پیمانی هابی همراه بود که پیشاپیش آنها بازیگران شمشیر بدست و سوارکاران قرار داشتند، و برای ابراز شادمانی گوسفندها را ذبح کردند
۴۵۵	<b>ركب: الركب العالمي</b> لا بدّ من اللحاق بالركب العالمي، إذا أردنا لعب الدور الريادي في المنطقة	<b>قافله جهانی</b> اگر بخواهیم نقشی پیشتازانه در منطقه ایفا کنیم، باید به قافله جهانی ملحق شویم
۴۵۶	<b>روع: المربع</b> عزا المحاضر أزمة الثقافة في البلدان العربية إلى التقهقر المربع لمستوى الجامعات ومناهج التعليم فيها	<b>وحشتناك</b> سخنران بحران فرهنگی در کشورهای عربی را به انحطاط وحشتناك سطح دانشگاهها و برنامه های آموزشی آنها مرتبط دانست
۴۵۷	<b>روم: الرومنسية</b> كادت موجة الكومبيوتر تقضي على النفس الساحر للرومنسية، بمختلف جماليّاتها الحسية والانفعاليّة	<b>رومانتیزم</b> موج کامپیوتر در تدارک نابودی نفس سحر انگیز رومانتیزم، با تمام زیباییهای حسی و احساسی آن است
۴۵۸	<b>زهو: الزهو</b> بلغ الزهو مداه في احتفالات تصيب الرئيس الجديد	<b>کبر و غرور</b> در جشن معرفی رئیس جدید، تکبر و غرور به اوج خود رسید
۴۵۹	<b>زوج: الازدواج</b> دعا نواب من مجلس الأمة الكويتي، إلى حظر	<b>اختلاط، دوگانگی</b> نمایندگانی از مجلس شورای کویت،

التربية المزدوجة في المدارس	خواستار ممنوعیت اختلاط دختران و پسران در مدارس شدند
٤٦٠ سحر: التسخير	بیدار کردن مردم در سحر سحر باشی در طول شبهای ماه رمضان در خیابانها می تابد، و مردم را به بیدار شدن و خوردن سحری دعوت می کند
٤٦١ سرب: التسرب	فرار ترک تحصیل در سنین پایین
٤٦٢ سرح: المسرح	تئاتر نمایش جدیدی روی سن تئاتر بیروت اجرا شد
٤٦٣ سن: التسنين	سنّی کردن گفت: کوشش برای سنّی کردن شیعیان، یا شیعه کردن سنیان، اشتباهی است که آنرا نمی پذیریم (اشتباهی غیر قابل قبول)
٤٦٤ شرس: الشراسة	درنده خوئی در دام این حمله وحشیانه گرفتار شد
٤٦٥ شظي: الشظية	ترکش (برای خمپاره) این يك مصیبت ملی است، که هیچکس از ترکشهای انفجار (وعواقب وخیم آن) مصون نخواهد ماند
٤٦٦ شمر: التشمير عن الساعد	آستین بالا زدن، عزم را جزم کردن آستین پژوهش را بالا زد، تا در علل عقب ماندگی و اسباب فساد کنکاش کند
٤٦٧ شوش: الشاشة الصغيرة	تلویزیون سینما و تلویزیون اشکال مختلفی از زبان برخورد با احساسات را به نمایش گذاردند (گذاشتند)

٤٦٨	صمت : دقیقه صمت بدأ الاحتفال بالوقوف دقيقة صمت إجلالا وإكراما لأرواح الشهداء، ثم ردد الحضور النشيد الوطني	يك دقیقه سکوت مراسم جشن با یک دقیقه قیام برای سکوت جهت بزرگداشت ارواح شهداء آغاز شد، سپس حضار سرود ملی را با هم سردادند
٤٦٩	صمم: صمام الأمان أكد مفتي الجمهورية، أن المراجع الروحية صمام الأمان وليست بديلة للطبقة السياسية	سوپاپ اطمینان مفتی جمهوری اعلام کرد که مراجع مذهبی سوپاپ اطمینان هستند، نه جانشین دولتمردان و طبقه سیاسی
٤٧٠	ضوي: الانضواء نأمل أن تضوي الشعوب تحت راية الإسلام	انضمام امیدواریم ملت‌ها زیر پرچم اسلام متحد شوند
٤٧١	طرف: أطراف الحديث الجانبان تجاذبا أطراف الحديث	جوانب سخن طرفین از هر دری سخن گفتند
٤٧٢	طول: تطاول السنين لا يوجد الدهر بأمثاله إلا بعد تطاول السنين	گذشت سالیان تنها پس از گذشت سالیان دراز، روزگار مانند او را می‌پروراند
٤٧٣	عرف: العرافة توفيت العرافة الأمريكية الشهيرة التي كانت تتبأت بمقتل الرئيس الأمريكي "جون كيندي"	زن دانا (پیشگو) زن پیشگوی مشهور آمریکایی، که قتل رئیس جمهور آمریکا "جان کندی" را پیش بینی کرده بود، درگذشت
٤٧٤	عسكر: العسكرية إن عددا من دعاة العالمية يدعم الإكراه الوحشي والعسكريتاري الذي قد يكون ضروريا لتحقيق أهدافهم	سلطه نظامی (ترکیبی ازواژه های : عسکر وپرولتاریا) برخی از مبلغان نظم جهانی، از اجبار وحشیانه مردم و حکومت نظامی (نظامی گری)، که ممکنست برای تحقق اهدافشان لازم شود، حمایت می‌کنند
٤٧٥	عَضّ: عض الأصابع يمضني في نهاية عمره أيام عَضّ الأصابع	انگشت به دندان گزیدن در آخر عمرش روزگار حسرت و ندامت را سپری می‌کند

۴۷۶	عقب: العقبی هذا أمر لا یحمد عقباه	سرانجام این کار عاقبت خوشی ندارد
۴۷۷	عقل: العقلانویة هو من أتباع العقلانویة فی الرؤیة الکوثیة	مکتب اصالت عقل در جهان بینی پیرو مکتب عقل گرانی است
۴۷۸	علم: الإعلام نواب المعارضة ركزوا علی معالجة أزمة الإعلام المرئي والمسموع	رسانه های گروهی نمایندگان جناح مخالف، بر لزوم معالجه معضل رسانه های صوتی و تصویری تأکید کردند
۴۷۹	عود: الانعیاد ینعاد علیکم العید بالخير والبركة	بازگشت مجدد عید این عید با خیر و برکت برای شما تجدید گردد
۴۸۰	غصب: الاغتصاب ازدادت حالات الاغتصاب والتحرش الجنسي فی بعض الدول الغربية	تجاوز به زنان موارد تجاوز و تعرض جنسی به زنان، در برخی کشورهای غربی گسترش یافته است
۴۸۱	غلق: الانغلاق یحاول الخروج من قوقعة الاستشراق المنغلق	بیش بسته و محدود می کوشد از لاک استشراق بسته و تنگ بیرون رود
۴۸۲	غنج: الغنج وصف الممثلة بأنها الشقراء المغنجان	عشوه گری آن زن هنرپیشه را به یک بلوند عشوه گر، توصیف کرد
۴۸۳	غیب: التغییب شجب النائب المحاولات التي ترمي إلى تغیب الرأي العام	دور نگه داشتن افکار عمومی نماینده مجلس تلاش برای کنار زدن افکار عمومی را محکوم کرد
۴۸۴	غیب: تغیب الرأي العام غیب الموت واحدا من كبار رجال الصحافة	پنهان کردن فرشته مرگ یکی از بزرگان عالم روزنامه نگاری را در کام کشید
۴۸۵	فك: التفكك المجتمعات الآخذة بالتفكك والانھیار	از هم گسستگی جوامع در شرف فروپاشی و نابودی
۴۸۶	قدس: القداس المجتمعات الآخذة بالتفكك والانھیار	مراسم مذهبی

توزعت مواضيع المؤتمر على محاور عدة وانتهى بقَداس	مسائل کنفرانس به چند محور تقسیم شد و با انجام مراسم مذهبی پایان یافت
۴۸۷ قدس: قداس الأحد أحد القساوسة أبلغ المشاركين في قداس الأحد في كنيسة القديس حنا، أن راعي الأبرشية سيتّحي عن منصبه	مراسم مذهبی روز یکشنبه یکی از کشیشان در مراسم مذهبی روز یکشنبه در کلیسای حناى مقدس اعلام کرد، که سرپرست حوزه مسیحی از سمت خود کناره گیری می کند
۴۸۸ قدم: على قدم وساق الاستعدادات جارية على قدم وساق للاحتفال بالعام ألفين	در دست اجرا، در حال انجام تدارکات مربوط به برگزاری جشن حلول سال ۲۰۰۰ در حال انجام است
۴۸۹ قرصن: القرصنة هناك قرصنة ثقافية تقدم على السطو، على حقوق نسخ الأشرطة المسجلة وأقراص الكمبيوتر المدمجة	دزدی دریائی یک عملیات دزدی فرهنگی، به قصد سیطره بر حقوق تکثیر نوارهای کاست و دیسکتهای موتاز کامپیوتری، در شرف انجام است
۴۹۰ قرط: القرط حذر رئيس أركان الجيش في جزر القمر النساء والفتيات من ارتداء الثّورات القصيرة والرجال من تظفير شعورهم وارتداء القلادات أو الأقراط	گوشواره رئیس ستاد ارتش جزایر کومور، زنان و دختران را از پوشیدن دامنهای تنگ و مردان را از بافتن مو و استعمال گردنبند یا گوشواره بر حذر داشت
۴۹۱ قرف: اقتراف الجريمة وصف بيان عاصمة الكتلكة (الفاتيكان) تجربة الاستساخ البشري، بأنها تكرار لاقتراف الخطيئة الأولى: الحلول محلّ الله	ارتکاب جنایت بیانیه واتیکان (پایتخت کاتولیکها) تجربه مشابه سازی بشری (شبه سازی انسان) را تکرار ارتکاب اولین خطای بشر یعنی: نشستن بجای (در جایگاه) خدا قلمداد کرد
۴۹۲ قزم: القزم هاجمه بعنف، ووصفه بالقزم السياسي	مرد یا زن پست، کوتوله بشدت به او حمله کرد، و او را یک کوتوله سیاسی خواند
۴۹۳ کل: إكليل الزهر وضع إكليلًا من الزهر على أضرحة الشهداء	تاج گل تاجی از گل بر فراز مزار شهیدان گذارد



<p>۴۹۴</p> <p><b>کلس: التکلس</b></p> <p>عَبَّرَ عن خوفه إزاء التکلس الذي يحول بين الإسلام وبين إعادة صياغة حياة الناس</p>	<p>تبدیل شدن به آهک، جمود و گنج گرفتگی</p> <p>نگرانی خویش را از جمودی که اسلام را از بازنگری در ساختار زندگی مردم باز می دارد، بیان داشت</p>
<p>۴۹۵</p> <p><b>کلس: المتکلس</b></p> <p>الصیغ الفکرية المتکلسة جعلت ذلك البلد في دوامة العنف</p>	<p>آهک زده</p> <p>افکار منجمد آهک زده، آن کشور را روی گردونه تجاوز (گرداب خشونت) قرار داده است</p>
<p>۴۹۶</p> <p><b>کمل: الکمالیات</b></p> <p>لفت النائب الأنظار إلى ضرورة وضع حدّ لحجم استيراد الکمالیات وفرض الرسوم والضرائب عليها</p>	<p>اشیاء لوکس</p> <p>نماینده توجه حضار را به لزوم محدود کردن حجم واردات اشیاء لوکس و اخذ مالیات و عوارض از آن جلب کرد</p>
<p>۴۹۷</p> <p><b>لحم: اللحمه:</b></p> <p>نأمل أن تعود اللحمه الى داخل الأُمَّة</p>	<p>همبستگی</p> <p>آرزو می کنیم همبستگی و اتحاد، امت را فرا گیرد</p>
<p>۴۹۸</p> <p><b>لحي: اللحية</b></p> <p>الدولة الأفغانية فرضت إطلاق اللحي على الرجال</p>	<p>ریش</p> <p>دولت افغانستان، گذاشتن ریش برای مردان را الزامی اعلام کرد</p>
<p>۴۹۹</p> <p><b>لقط: اللقطات</b></p> <p>تعبّر مشاهد هذا المسلسل التلفزيوني باللقطات اللاأخلاقية المبتذلة</p>	<p>تصاویر</p> <p>بخشهای مختلف این سریال تلویزیونی مملو از تصاویر مبتذل غیر اخلاقی است</p>
<p>۵۰۰</p> <p><b>مص: الامتصاص</b></p> <p>امتصاص الصين للبوذية من الهند عجز عن انتاج (هندنة) الصين، وسبب بدل ذلك (تصيين) البوذية</p>	<p>مکیدن، ارتزاق</p> <p>چینی ها شیره بودیسم هندی را مکیدند، اما این مسأله نتوانست چین را هندی کند، بلکه بجای آن بودائیسم را چینی کرد</p>
<p>۵۰۱</p> <p><b>مطر: المطران</b></p> <p>انتخب المجلس الأعلى للطائفة الأرمنية الأرثوذكسية، القائم بمقام مطران الطائفة مطراناً</p>	<p>اسقف</p> <p>شورای عالی طایفه ارمنه ارتدوکس، قائم مقام سراسقفی این طایفه را بعنوان سراسقف</p>

أصيلاً لها	انتخاب كرد
۵۰۲ نبرس : النبراس	مشعل شهداء را مشعلهای وطن نامید
۵۰۳ نجم : النجومية	ستاره شدن ، کسب شهرت از طریق تئورى (مخالفت کن تا مشهور شوى) بدنبال شهرت مى گردد
۵۰۴ نحب : النحب	ناله ناله ما گوش شنوايى نخواهد يافت
۵۰۵ نرجس : النرجسية	نخوت و تکبر برخی از روشنفکران سنگ رژيم را به سينه مى زنند، و برخی ديگر تاجى از تکبر و غرور بر سر خود نهاده اند
۵۰۶ نصب : نصب الأمومة	ستون ياد بود مقام مادر وزير فرهنگ و ارشاد برای گراميداشت روز مادر و پرده بردارى از ستون يادبود مقام مادر جشنى برپا کرد
۵۰۷ نمل : الأنملة	بند انگشت اين مدرسه دينى مردانى را پروارنده است، که اندازه يك بند انگشت از مسير احکام شرعى فاصله نمى گيرند
۵۰۸ نهج : المنهجية	قانونمند کردن ما خطا مى کنيم و غرب خطای ما را کاناليزه و قانونمند مى کند، و از آن بهره بردارى مى کند
۵۰۹ نهج : مناهج التعليم	برنامه های آموزشی هيأت وزيران بخشنامه تعيين شيوه های آموزش همگانی پيش دانشگاهى را تصويب کرد
۵۱۰ نوي : النوايا	اهداف ، ايده ها

الفرصة متاحة له ليحقق نواياه	برای تحقق اهدافش فرصت کافی دارد
۵۱۱ همش: التهميش منظمات طالبة دعت المسؤولين للإقلاع عن سياسة تهميشها	در حاشیه قرار دادن، بیرون کردن از صحنه تعدادی انجمن دانشجویی، از مسئولین خواستند که از سیاست منزوی کردن این انجمنها دست بردارند
۵۱۲ هود: التهويد إسرائيل تصرّ على عمليّة تهويد القدس	یهودی کردن اسرائیل بر عملیات یهودی سازی قدس اصرار می ورزد
۵۱۳ هور: الانهيار انهارت قيمهم تحت مطرقة الوقائع	انهدام ارزشهایشان، زیر پتک حوادث له شد
۵۱۴ وجه: واجهة الصحف عادت تلك الكتابة الفرنسية لتحتل واجهة الصحف والاحداث الثقافية الفرنسية مرة أخرى	تیتیر روزنامه ها آن خانم نویسنده فرانسوی برگشت تا بار دیگر تیتیر روزنامه ها ورخدادهای فرهنگی فرانسه را به خود اختصاص دهد
۵۱۵ وسم: الاتسام يبدو أن جوهر النظرة إلى الديمقراطية تتسم بالسلبية إلى حد كبير	متّصف شدن بنظر میرسد دیدگاه کلی نسبت به دموکراسی در حدّ بالایی منفی است
۵۱۶ وشك: الموشك هذه الأطروحات تنتمي إلى قرن موشك على الانعدام	در آستانه این فرضیه ها و تنویرها وابسته به قرن است، که در شرف پایان است
۵۱۷ وشم: الوشم فنّ الوشم	خالکوبی هنر خالکوبی
۵۱۸ وطف: التوطيد المرجعيات الروحية دعت إلى توطيد العلاقات بين المسلمين والمسيحيين	استحکام بخشیدن مراجع مذهبی، خواستار تقویت روابط بین مسلمانان و مسیحیان شدند
۵۱۹ وفي: الموافاة ابقوا معنا نوافيكم بكلّ جديد	تکمیل کردن، اعطای کامل حق با ما باشید، تا شما را در جریان اخبار جدید قرار دهیم

<p>امضا کردن</p> <p>یک قرارداد همکاری و راهنمایى علمى مشترك پایان نامه هاى فوق لیسانس ودکترا بین دو دانشگاه منعقد شد</p>	<p>۵۲۰ وقع: التوقيع</p> <p>تم التوقيع على اتفاقية للتعاون العلمى والإشراف العلمى المشترك على رسائل الماجستير والدكتوراة بين الجامعتين</p>
--	---



## ۵. المصطلحات الأدبية

<p>۵۲۲</p> <p><b>أسف: الإسفين</b></p> <p>عملوا على دقّ إسفين في العلاقات بين الطوائف</p>	<p>گوه , (قطعه ای که برای ایجاد شکاف در تخته بر آن می‌کوبند)</p> <p>برای ایجاد رخنه در روابط بین طوایف تلاش کردند</p>
<p>۵۲۳</p> <p><b>أكل: أكل الوقت</b></p> <p>هذا الشغل يأكل مَنّي ثلاثة أيام</p>	<p>وقت گرفتن</p> <p>این کار از من سه روز وقت می‌گیرد</p>
<p>۵۲۴</p> <p><b>باس: التبويس</b></p> <p>ليس المطلوب لقاء (تبويس لحي) للرؤساء ، بقدر ما هو مطلوب التعاون الفعليّ بينهم</p>	<p>بوسیدن</p> <p>آنقدر که از مسئولین انتظار می‌رود عملاً با یکدیگر همکاری کنند، انتظار نمی‌رود به بوسیدن ریش یکدیگر پردازند (مسئولین بهتر است که عملاً با هم همکاری داشته باشند، تا اینکه ریش یکدیگر را ببوسند.)</p>
<p>۵۲۵</p> <p><b>برعم: البرعم</b></p> <p>الناقد مقصّ يشذب النصّ ليرعم</p>	<p>جوانه</p> <p>ناقد مثل یک قیچی متن را می‌پیراید، تا جوانه زند</p>
<p>۵۲۶</p> <p><b>بصم: بصمة الإصبع</b></p> <p>تركت هذه الظاهرة بصماتها على أوضاع البلد</p>	<p>اثر انگشت</p> <p>این پدیده، آثار خود را روی اوضاع کشور بر جای گذاشت</p>
<p>۵۲۷</p> <p><b>بعث: البعث</b></p> <p>هذا الأمر لا يبعث على الارتياح</p>	<p>انگیختن</p> <p>این امر، آرامش و اطمینانی بر نمی‌انگیزد</p>

۵۲۸	بلع : البلع بلع ريقه، وقال:....	فرو دادن آب دهانش را قورت داد، وگفت:....
۵۲۹	بيض : البيض بيضة بصفارين	تخم ( مرغ) تخم دو زرده
۵۳۰	ترع : الإترع إنها ترع كأسها الأخير	پر کردن جام آخرش را پر می کند
۵۳۱	ثأب : الثأوب تطائر النصاب ما بين مستمع ونائم ومتأب، خلال جلسة المجلس	خمیازه کشیدن در خلال جلسه مجلس، پاره ای از حضار گوش می دادند، و برخی دیگر یا خواب بودند یا خمیازه می کشیدند
۵۳۲	ثغر : الثغرة القانونية الأثرياء الجدد رسموا جداول أعمالهم بعناية فانقة، لاستغلال الثغرات القانونية التي ستحوّل بعد قليل إلى دجاجات تبيض ذهباً	نارسانى قانونى ثروتمندان تازه بدوران رسیده، برای بهره گیری از نارساییهای قانونی، که می رود تا همچون مرغ افسانه ای تخم طلائی بگذارد، با دقت فراوان برای خود برنامه ریزی کرده اند
۵۳۳	جس : جس النبض يحاولون جس نبض الطرف المقابل، على طاولة المفاوضات	گرفتن نبض بیمار می کوشند بر سر میز مذاکره، نبض طرف مقابل را کنترل کرده، به وضعیت ومنویات او پی ببرند
۵۳۴	جلد : كسر الجليد كسر الجليد بينهما، في ظلّ التوتّر الراهن	شکسته شدن یخ ها در گیرودار وضع آشفته فعلی، دامنه اختلافات بین آندو بالا گرفت
۵۳۵	جنی : الجنی جنی مبالغ، یسیل لها اللعاب	برداشت سودی بهم زد، که دهان را آب می اندازد
۵۳۶	حبّ : الحبيبة من حبينه تتقاطر حبيبات الضوء	دانه کوچک پیشانیش دانه های نور می افشاند
۵۳۷	حدث : الحادثة	نوگرانی

نواوری وجهانی کردن اندیشه	الحدثة والعولمة في الفكر	
سرازیر شمدن	حذر: الانحدار	۵۳۸
بسمت کلوب گدایان سقوط می کند	ینحدر نحو نادي الشحاذین	
سهم شیر (اولویت اول)	حص: حصّة الأسد	۵۳۹
موضوع روابط خارجی، در سرلوحه بیانیته	خصّصت لموضوع العلاقات الخارجية حصّة	
هیأت وزیران قرار گرفت	الأسد في البيان الوزاري	
آلت دست	حصن: حصان طروادة	۵۴۰
ترکهای عراقی آلت دست حکومت ترکیه	ترکمان العراق أصبحوا حصان طروادة لتركيا	
شده اند		
قرار دادن (افکنندن)	حظ: الحظ	۵۴۱
سرنجه های فتنه، در آنجا رحل اقامت	أصابع الفتنة حطّت رحالها هناك	
افکنده است (مستقر شده است)		
رتق وفتق امور	حلجل: حلحلة الأمور	۵۴۲
تلاشهای انجام شده برای حل وفصل امور	إنّ محاولات الحلحلة في المفاوضات، لم تكن	
در مذاکرات، به شکرانه چشم زیبای آنان	لسواد عيونهم	
نبوده است (عاشق چشم واپروی آنان		
نبوده اند)		
مکالمه	حور: الحوار	۵۴۳
گفتگوی ناشنوایان	حوار الطرشان	
سلام صبحگاهی	حیی: تحية الصباح	۵۴۴
حمله به فساد اداری، مثل سلام	بات الهجوم على الفساد الإداري تحية الصباح	
صبحگاهی بین مردم شایع شده است	في البلد	
درود	حیی: التحية	۵۴۵
بهترین درودها ثار جناب رئیس جمهور	تحية إجلال وإكبار لفخامة الرئيس!	
باد!		
خبر "کان"	خبر: خبر کان	۵۴۶
به گذشته پیوست، ودر حکم (خبر کان)	اعتبر الأمر بحکم خبر کان	
قرار گرفت		



<p>۵۴۷</p> <p><b>خرف: الخروف</b></p> <p>فلنعد إلى خرافنا كما يقول اللاتين، أو فلنرجع إلى قصة العجل، كما يقول الفلاح اللبناني</p> <p>گوسفند</p> <p>برگردیم به موضوع گوسفند هایمان (آنطور که لاتینها میگویند) یا: برگردیم به داستان گوساله (طبق مثل کشاورزان لبنانی)</p> <p>برویم سر اصل مطلب</p>	<p>۵۴۸</p> <p><b>خضم: الخضم (بهتر است في خضم که به معنای "در ببحوحه یا درگیرودار" می باشد واژه کلیدی این جمله در نظر گرفته شود)</b></p> <p>كان نانما نومة أهل الكهف، في خضم ما يعصف بالوطن</p> <p>گروه انبوه</p> <p>در ببحوحه بحرانهای ملی، او در خواب اصحاب کهف بسر می برد</p>
<p>۵۴۹</p> <p><b>خنق: الخناق</b></p> <p>الأوهام التي تمسك بخناق المثقفين</p> <p>گردن</p> <p>اوهامی که گریبانگیر روشنفکران است</p>	<p>۵۵۰</p> <p><b>خوصن: الخوصنة</b></p> <p>خوصنة الكلّي</p> <p>خصوصی سازی</p> <p>خاص کردن کلّی ها</p>
<p>۵۵۱</p> <p><b>دل: التدلل</b></p> <p>عرف الحبيب مكانه فتدلا</p> <p>عشوه گری</p> <p>یار به منزلت خود پی برد، وبه عشوه گری پرداخت</p>	<p>۵۵۲</p> <p><b>ربع: التربع</b></p> <p>تربع على عرشه</p> <p>چهار زانو نشستن</p> <p>چهار زانو بر تخت خود نشست</p>
<p>۵۵۳</p> <p><b>رحل: الارتحال</b></p> <p>كانوا يرتحلون تارة إلى المصيف وتارة إلى المشتى</p> <p>کوچ کردن</p> <p>بین ییلاق وقشلاق در تردد بودند</p>	<p>۵۵۴</p> <p><b>رشق: تراشق الحجارة</b></p> <p>الرؤساء الثلاثة واصلت تراشقها من وراء المتاريس، في انتظار الإشارة إلى الهجوم</p> <p>پرتاب سنگ</p> <p>روسای جمهور ومجلس ودولت ، در انتظار اعلام رمز عملیات تهاجم، از پشت سنگرهای خود، حملات اتهامی به یکدیگر را شروع کردند</p>
<p>۵۵۵</p> <p><b>رشق: رشق الحجارة</b></p> <p>پرتاب سنگ</p>	

الذي منزله من زجاج، لا يشرق الناس بالحجارة	کسی که خانه شیشه ای دارد، به مردم سنگ پرتاب نمی کند
۵۵۶ رمل: الرمال المتحركة العدو يحاول إغراقنا في رمال متحركة	شنزار روان دشمن می کوشد، ما را در ورطه ای از شنزار روان غرق نماید
۵۵۷ ريث: التريث ارتأينا التريث	مکث ودرنگ تصميم به درنگ گرفتيم
۵۵۸ زبع: الزوبعة يمكن اليوم، الجزم بأن ما قيل في هذا الحدث، كان زوبعة في فنجان	گردباد امروز ميتوان قاطعانه گفت : که آنچه پيرامون اين حادثه گفته شده است، بمثابة گردبادی در يك فنجان بوده است
۵۵۹ زفر: الزفرة عواطف الحب حامت حوله في جو كئيب مشبع بزفرات الحزن وذكريات الماضي	نفس داغ(آه) در فضائی حزن انگيز، وآکنده از آه های گرم حسرت بار وخطرات گذشته احساسات عاشقانه، او را در خود غوطه ور ساخت
۵۶۰ زكرك: الزكركة يحب الزكركة في نشاطاته السياسية	ويکزاز دادن، حرکت زيکزازک در فعاليتهاي سياسي خود، از اسلوب زيکزازک استفاده می کند
۵۶۱ زنبر: الزنبرك وصف اللغة بأنها زنبرك العمران الحضريّ	فنر زبان را بعنوان فنر محرّک بنای تمدن توصيف کرد
۵۶۲ زيح: الإزاحة أزيع الستار عنها	کنار زدن پرده از رویش کنار رفت
۵۶۳ سأم: السامة سامة تعكب في صميم الروح، وتفسد صفاها	رنجش رنجشی که چون عنكبوت در عمق جان می تند، وصفای باطن را می آلايد
۵۶۴ ساق: سوق المثل	مثال زدن

ساق له مثلاً، ليقنعه	برای او مثلی زد، تا قانعش کند
۵۶۵ سبق : السبق	پیشی گرفتن
اللغة التي حازت قصة السبق في إعارتها اللغة العربية ألفاظاً كثيرة، هي الفارسية	این زبان فارسی است که در أخذ واژگان فراوان از زبان عربی، گوی سبقت را از زبانهای دیگر ربوده است
۵۶۶ سجل : السجل	جدال و مناقشه
السجل الثقافي	بگو مگوی فرهنگی
۵۶۷ سربل : التسربل	پوشیدن شلوار
مشاعر الخجل تسربلني	احساس خجالت، وجود مرا فرا می گیرد
۵۶۸ سلّ : السلة	سبد
قال : إن بلده لا يريد وضع كل بيضة في السلة الأمريكية	گفت : کشورش قصد ندارد تمام تخم مرغهایش را در سبد امریکا بگذارد، (ودریست تسلیم آمریکا شود)
۵۶۹ سمن : السمن	چربی، چاقی
يحاولون أن يشغلوا الشعب بأمور، لا تسمن ولا تغني من جوع	می کوشند مردم را سرگرم کار هایی کنند، که هیچ نان وآبی برای آنان ندارد
۵۷۰ سود : الست	خانم (مخفف ستیده)
يتبعون سياسة أبناء الست وأبناء الجارية	از سیاست > بچه های خانم و بچه های کُلْفَت < استفاده می کنند (تبعیض قائل می شوند)
۵۷۱ شبه : التشبيه	مانند کردن
هذا الفتى يشبه أخاه شبه النقطة بالنقطة	این جوان به برادرش می ماند، آنچنانکه نقطه ای به نقطه ای دیگر
۵۷۲ شطن : الشيطان	شیطان
رحّب الصينيون بإعادة انتخاب الرئيس الأمريكي، من منطلق :	چینیها از این دیدگاه به رئیس جمهور آمریکا تبریک گفتند که :
(شیطان تعرفه أفضل من شیطان لا تعرفه)	(شیطانی که می شناسی بهتر از شیطانی است که نمی شناسی)

<p>۵۷۳</p> <p><b>شعر: الشعرة</b></p> <p>الاختلاف لم يصل إلى قطع شعرة معاوية، و بالتالي إلى الافتراق</p>	<p>مو</p> <p>دامنه اختلافات به چیدن موی معاویه نرسید، وبه جدائی منجر نشد ( معاویه به اندازه يك موی باریك ارتباط خودش را با مخالفانش حفظ میکرد تا در موقع لزوم از آن استفاده کند. همه پلها را پشت سرش خراب نمی کرد)</p>
<p>۵۷۴</p> <p><b>شكل: التشكيلة</b></p> <p>التشكيلة الحكومية الجديدة سترى النور في نهاية الأسبوع</p>	<p>ساختر، ترکیب</p> <p>ترکیب کابینه جدید در پایان هفته متولد می شود</p>
<p>۵۷۵</p> <p><b>صبع: إصبع الفتنة</b></p> <p>تشط الدوائر التي تدير أصابع الفتنة إلى إنضاج ما تطبخ على حجر من بشر</p>	<p>انگشت فتنه</p> <p>مؤسساتی که در کار فتنه گری هستند، در تلاشند تا در تنوری با هیزم بشر غذای خود را بپزند</p>
<p>۵۷۶</p> <p><b>صخ: المصخ</b></p> <p>طلب من معارضه أن يعرض على مصخ للعلاج</p>	<p>درمانگاه</p> <p>از فرد مخالف خود خواست، به درمانگاه مراجعه کند. (او را به مرض متهم کرد)</p>
<p>۵۷۷</p> <p><b>صقر: الصقر</b></p> <p>بدأت ملاح الصقور تظهر عليها</p>	<p>کرکس، لاشخور</p> <p>لاشخورها در اطراف او ظاهر شدند. (کارش به آخر رسیده است)</p>
<p>۵۷۸</p> <p><b>صوب: التصويب</b></p> <p>الفرق كبير بين حسن التصويب والرمية الطائشة</p>	<p>هدفگیری</p> <p>بين هدفگیری صحيح و <u>تیر اندازی کور</u> (بی هدف)، فاصله زیادی هست</p>
<p>۵۷۹</p> <p><b>ضب: الضباب</b></p> <p>انحصرت المناقشات في وجهات نظر ضبابية</p>	<p>مه</p> <p>بحث وجدلها (تنها) در ارائه نقطه نظرهای مبهم و مه آلود منحصر بود</p>
<p>۵۸۰</p> <p><b>ضيز: قسمة ضيزي</b></p> <p>إثنا لقسمة ضيزي أن نخسر البلد، لكي نربح</p>	<p>بهره اندك و بی ارزش</p> <p>از دست دادن کشور به بهای چند دلار</p>

حفنة من الدولارات	پول، بهره بی ارزشی است
۵۸۱ ضيق: الضيق	تنگی
صاقت به سبل العیش	زندگی بر او سخت شد
۵۸۲ طحن: الطاحونة	آسیاب
هذه الصدمات تصبّ الماء في طاحونة القوى	این برخورد ها، آب به آسیاب جناحهایی
التي ترتبص بنا سرًا	می ریزد، که در خفا به کمین ما نشسته اند
۵۸۳ طرف: المتطرف	تنام روی
أصبحت الكرة في ملعب اليمين المتطرف	توپ به میدان افراط گرایان (راستگرا)
	منتقل شد.
	(دور بدست آنان افتاد)
۵۸۴ طرف: أطراف الحديث	جوانب سخن
تجادبا أطراف الحديث	از هر دری سخن گفتند
۵۸۵ طفي: الطفيان	تجاوز
عيوبها الخفية طغت على السطح	عیبهای نهانش برملا شد (رو شد)
۵۸۶ طمس: الطمس	نابودی
طمست معالمها	آثارش نابود شد
۵۸۷ طوع: الطيع	انعطاف پذیر
العربية لغة طيعة، قادرة على مسابقة كل ظرف	عربی زبانی انعطاف پذیر، وقادر بر
جديد	همگامی با شرایط جدید است
۵۸۸ ظهر: التمظهر	جلوه گری
مشاهد تمظهر وتختفي	جلوه های آشکار و نهان
۵۸۹ عسكر: العسكرية	لشکر کشی
نخاف أن يتحول مثقفونا إلى شرطة، فيعسكروا	از این می ترسیم که روشنفکران ما به
وراء أفكارهم	نیروهای پلیس تبدیل شده، و در پشت
	افکار خود سنگر بگیرند
۵۹۰ عسّ: التعشش	لانه گزیدن
الفساد معشش في الحياة السياسية	فساد در حیات سیاسی لانه گزیده است
۵۹۱ عسّ: العسّ	لانه

عشش الجهل في نخاعهم، حتى باتوا هم والجهلوت إخوة أشقاء	نادانی در مخ آنها مسکن گزیده است، آنچنانکه گویی با دیو جهل پیمان برادری بسته اند
۵۹۲ عض: العض	گاز گرفتن
عضّ على النواجذ ندما بعد فوات الأوان	پس از زوال فرصت، با پشیمانی دندانها را بهم سایید
۵۹۳ علب: التعليب	کنسرو کردن
الأفكار المعلّبة والكليشيات	افکار کنسرو شده و کلیشه ای
۵۹۴ علم: العالمثالثية	جهان سومي
في المنظور الأمريكي، يجب أن لا تكون للأمين العام للأمم المتحدة صلة بأية حساسية عالمثالثية	از نظر آمریکا، دبیر کل سازمان ملل متحد نباید هیچ حساسیتی روی مسائل جهان سوم داشته باشد
۵۹۵ علم: العولمة	جهانگرانی
تعولمت المعارف بفضل ثورة المعلومات	در پرتو انفجار اطلاعات، دانش ها جهانی شده است
۵۹۶ عمل: العملة	سکه، ارز، پول
كلاهما وجهان لعملة واحدة	اینها دو روی يك سکه اند
۵۹۷ عمل: العملية القيصريّة	عمل سزارین
ولدت الحكومة بعد مخاض عسير، واحتاجت في ولادتها إلى عملية قيصريّة	کابینه پس از تحمل زایمانی سخت متولد شد، و این کار با عمل سزارین انجام گرفت
۵۹۸ عود: الإعادة	بازگرداندن
تبرز الحاجة ملحة لإعادة المياه إلى مجاريها	حتما باید آنها را به آسیاب برگرداند
۵۹۹ عير: إعارة الأهمية	اهتمام ورزیدن
قلما يعيرون أهمية للفكر	برای فکر و اندیشه کمتر ارزشی قائلند
۶۰۰ غرب: الغربنة	غربگرانی
الغربنة بصيغة الأمركة	غربی کردن از نوع آمریکانیش
۶۰۱ فحل: الاستفحال	اجرای جفت گیری برای تکثیر نسل حیوان
يعمل العدو بمختلف الحيل لاستفحال الأزمة	

دشمن با لطایف الحیل می کوشد از بحران سوء استفاده کند		
<b>جمع بندی (مشتق از فذلک)</b> نمایندگان امروز سرجمع، بودجه سال آینده را مورد بررسی قرار می دهند	<b>فذلک: الفذلکة</b> التّوابع يدرسون اليوم فذلکة موازنة السنة التّالية	۶۰۲
<b>فراری دادن</b> مقاله با مقدّمه ای شروع می شود، که خوانندگان را فراری می دهد	<b>فتر: الفترّة</b> المقالة تبتدئ بدياجة تعرف بعض النفوس	۶۰۳
<b>گرایش به فرانسه</b> فرانسوی کردن زبان در الجزایر، و ترکی کردن آن در شام	<b>فرنس: الفرنسة</b> فرنسة اللغة في الجزائر، و تریکها في الشام	۶۰۴
<b>فاسد کردن</b> می خواهند زمین و زمان را به تباهی بکشانند	<b>فسد: الإفساد</b> یریدون إفساد الحجر والبشر	۶۰۵
<b>تصنع، ساختگی</b> لبخند های ساختگی از چهره طرفین محو، جلوه های تهاجم جایگزین آن شد	<b>فعل: الافتعال</b> ابتسامات مفتعلة غابت عن وجوه الطرفين، لتحلّ محلّها مظاهر التّهجم	۶۰۶
<b>هرج و مرج</b> ما امروز در اوج یک بی نظمی عظیم در تکنولوژی به اشکال مختلف آن هستیم	<b>فلش: الانفلاش</b> نحن اليوم نعيش في معمعان الانفلاش الهائل في التّقانة بكلّ أشكالها	۶۰۷
<b>فیلمهای سحرانگیز</b> با فیلمهای جادوئی اش، عشق در چشم ما لانه می کند، و ما را از کوران خشونت وخون، به دیار زیبایی می برد	<b>فلم: الأفلام السّاحرة</b> بأفلامه السّاحرة يحتلّ الحبّ عیوننا، و يأخذنا من وسط العنف والدم إلى تخوم الجمال	۶۰۸
<b>جست و خیز</b> اینچنین قصه ها در خیال انسان به جست و خیز می پردازند	<b>قفز: التّقافز</b> هكذا تقافز الحكایات في الذّاكرة	۶۰۹

۶۱۰	<b>قلب: الانقلاب</b> انقلبیت الأمور بین عشية وضحاها	<b>دگرگونی</b> در طول يك شبانه روز اوضاع زیر و رو شد
۶۱۱	<b>قلع: الإقلاع</b> إقلاع العام الدراسي	<b>بحرکت درآمدن، از جا کنده شدن</b> شروع سال تحصیلی
۶۱۲	<b>قمقم: القمقم</b> خرج من قمقمه	<b>کوزه</b> از لاک خود بیرون آمد
۶۱۳	<b>قوس: القوس</b> أفتح قوسين لأشیر:...	<b>پراتنر</b> بین پراتنر می گویم:...
۶۱۴	<b>قوم: القومية</b> البلد اصبح موزائیک من عشرين قومیة	<b>طائفه</b> کشور مثل یک موزائیک (معجونی) از بیست طایفه شده است
۶۱۵	<b>قیصر: القيصر</b> الحكومة الجديدة ولدت بعملية قيصريّة	<b>سزار</b> کابینه جدید با عمل سزارین تشکیل شد
۶۱۶	<b>کبش: الكبش</b> أصبح كبش الفداء	<b>گوسفند</b> به گوسفند قربانی تبدیل شد
۶۱۷	<b>کفکف: الكفكفة</b> يريدون داء يكفكفوا به جراحهم	<b>جلوگیری کردن</b> دنبال دارویی می گردند، تا با آن جراحات خویش را مداوا کنند
۶۱۸	<b>لمع: التلميع</b> يهتهم تلميع الطربوش، ولو على رأس أفرع!	<b>بتراف کردن</b> سر کچل است، وآنان به تزیین کلاه می پردازند!
۶۱۹	<b>لون: بلا لون ولا طعم</b> وصف القرار الأخير بأنه لا لون له ولا طعم	<b>بی رنگ و بو</b> قطعنامه اخیر را بی بو و بی خاصیت ارزیابی کرد
۶۲۰	<b>مسی: الأمسية</b> المستشارية الثقافية نظمت أمسية شعرية لشبية المدينة	<b>محفل شبانه</b> رایزن فرهنگی، شب شعری برای جوانان شهر برپا کرد
۶۲۱	<b>مغنط: التمغنط</b>	<b>ربایش</b>



هر وقت تو را می بینم، احساس می کنم جذب یک مغناطیس شده ام	كلما أراك أشعر بأني أتمغنت	
مملق كشكول او پر از این جور قصه هاست	ملأ: المليان جعبته مليانة بهكذا قصص	۶۲۲
كامل كاملا روشن شد كه...	ملأ: المملتي ظهر مليا أن...	۶۲۳
نگهبان میخواهیم از باغ انگور بخوریم، نه اینکه نگهبان آن را بکشیم (نمک را می خوریم، ولی نمکدان را نمی شکنیم)	نظر: الناطور نريد أكل العنب، لا قتل الناطور	۶۲۴
آری حزب بله بله چی ها	نعم حزب النعميين	۶۲۵
نرمی ناخنها (کنایه از سن طفولیت) از عنفوان کودکی به سمت آموزشهای اسلامی روی آورد	نعم: نعومة الأظافر انحاز منذ نعومة أظافره إلى التعاليم الإسلامية	۶۲۶
بحث وجدل دائما در حال بحث وجدل بر سر مطالبی است، كه مورد ابتلاي غربيان است	نقش: النقاش يناقش دائما مشاكل أكل عليها الدهر وشرب في الغرب	۶۲۷
گشتن بدنبال فرصت سرتا پا دنبال فرصت می گشت	نهز: انتهاز الفرصة كان غارقا إلى أذنيه في انتهاز الفرص	۶۲۸
چه رسد به....	نهی: .: ناهيك عن....	۶۲۹
در معرض وزش باد از دولت خواست این موضوع را به باد فراموشی نسپارد	هت: في مهت الريح أراد من الدولة أن لا يجعل هذا الموضوع ورقة في مهت الريح	۶۳۰
خبرچینی ، وجمع آوری وارانته اطلاعات ( مقتبس از داستان هدهد سلیمان)	هدهد: الهددة الغيوم الملبدة تهدد الفلاحين بموسم يحفل بالخير والجنی	۶۳۱

ابرهای فشرده در آسمان، کشاورزان را به فرا رسیدن فصلی پر برکت و پر محصول نوید میدهد		
ریزش	همر: الانهمار	۶۳۲
بیشتر از ریزش باران، از او حرف می بارد	ينهمر الحكي أغزر من المطر	
زنده بگور کردن	وَاد: الوَاد	۶۳۳
این اقدام می تواند شایعات را در نطفه خفه کند	هذه المبادرة تكفي لوَاد الشائعات في مهدها	
سیمهای تار	وتر: الأوتار	۶۳۴
کتاب نویسنده چینی، رشته های خشم و غضب چینیها از ایالات متحده را به صدا در آورد (آنانرا علیه آمریکا تحریک کرد)	لعب كتاب الكاتب الصيني على أوتار غضب الصينيين من الولايات المتحدة	
گل	ورد: الوردة	۶۳۵
عادت کرده اند با خیال پردازی، وضع خویش را چون يك گل ترسیم کرده و هر چه عشقشان می کشد بگویند	عادتهم أن يرسموا صورة وردية لأحوالهم، ويتحدثوا بما يشتهون	
صدای آب	وشوش: الوشوشة	۶۳۶
سر و صدای منظم آب (در قلیان)	وشوشة الماء الرتبة	
وعده ها	وعد: الوعود	۶۳۷
وعده های روی تاقچه (وعده های سر خرمن)	وعود على الرف	
جمعیه، چننه	وفض: الوفضة	۶۳۸
از جلسه دست خالی برگشت	عاد من الجلسة خالي الوفاض	
هیجان	وهج: الوهج	۶۳۹
وقتی هیجانش فرونشست	عندما انطفأ وهجه	



## ۶. المصطلحات الإدارية

۶۴۰	أطر: التأطير وضعوا دستورا جديدا لتأطير التغيرات التي يشهدها البلد	کادر سازی، احاطه برای کنترل تحولاتی که کشور در معرض آن است، قانون جدیدی وضع کردند
۶۴۱	بغت: المباعثة قانون العمل، يوجب على صاحب العمل وعلى الأجير لتحاشي المباعثة بالصرف، أن يعلم كلّ منهما الآخر برغبته في فسخ العقد، قبل مدة محدّدة تراوح بين شهر وأربعة أشهر، حسب سنوات خدمة الأجير	غافلگیر کردن برای اجتناب از غافلگیر شدن، قانون کار صاحب کار و کارگر را ملزم می سازد، در مدت معینی که بر حسب میزان سنوات کار کارگر، بین يك تا چهار ماه در نوسان است، هر يك از طرفین طرف مقابل را از تصمیم به فسخ قرارداد آگاه سازد
۶۴۲	بني: البنى التحتية وافق مجلس الوزراء على إنشاء وزارة جديدة للبنى التحتية	امور زیر بنائی (تأسیسات زیر زمینی شهری) هیأت وزیران با ایجاد وزارتخانه جدیدی برای تأسیسات زیر زمینی (زیرساختی) موافقت کرد
۶۴۳	تبغ: التبغ إدارة حصر التبغ والتبناك	توتون اداره انحصار توتون و تنباکو
۶۴۴	تقن: التقنيّين الموظفين التقنيّين	تکنولوژیک کارمندان تکنسین

٦٤٥	جمل: المجاملة قام بزيارة مجاملة	كار تشریفاتی يك بازديد تشریفاتی انجام داد
٦٤٦	حسب: ديوان المحاسبة إدارات المستشفيات والمستوصفات الحكومية تخضع لمراقبة ديوان المحاسبة	ديوان محاسبات مدیریت‌های بیمارستانها و درمانگاههای دولتی، تحت نظارت ديوان محاسبات قرار می‌گیرد
٦٤٧	حضر: التخصیر اللجنة التحضيرية للجمعية العامة	آماده سازی کمیته مقدماتی مجمع عمومی
٦٤٨	حقب: الحقیقة وزير بلا حقبة	ساك، چمدان وزير مشاور (وزير بدون وزارتخانه)
٦٤٩	خبير: المختبر يعلن مستشفى الساحل عن حاجته لتقني مختبر حائز على شهادة في العلوم المختبرية	آزمایشگاه بیمارستان ساحل، نیاز خود را به يك تكنسين آزمایشگاهی دارای مدرک علوم آزمایشگاهی اعلام می‌کند
٦٥٠	خزل: الاختزال يختزل المؤسسة لصالحه	خلاصه کردن مؤسسه را ملك انحصاری خود می‌داند
٦٥١	خَطّ: التخطيط أعيدت صياغة إدارة التخطيط والبرمجة لمجلس الإنماء والإعمار، لتشمل دائرتي التخطيط المالي والبنية التحتية	برنامه ریزی سازماندهی اداره طرح و برنامه شورای توسعه و عمران بازسازی شد، تا دو اداره برنامه ریزی مالی و تأسیسات زیر زمینی (زیرساختی) را تحت پوشش قرار دهد
٦٥٢	خَطّ: الخطة لا بدّ من تنفيذ خطة مرحلية في البداية	برنامه ، نقشه در آغاز لازم است يك برنامه انتقالی اجرا شود
٦٥٣	خلّ: الخلل الخلل يطال مؤسسات الدولة	اختلال دوایر دولتی دچار اختلال است
٦٥٤	خلو: الإخلاء خلو	تخلیه

<p>در بیاتیه شورای توسعه و عمران، نسبت به تخلیه پلاکهای واقع شده در معرض بزرگراه بین المللی هشدار داده شده است</p>	<p>تضمّن بیان مجلس الإنماء والإعمار إنذاراً، بإخلاء العقارات المصابة بتخطيط الأوتستراد الدولي</p>
<p><b>رئیس شورای محل (کد خدا)</b> وزارت کشور برای اجرای انتخابات رؤسای شوراهای محله، از کارتهای الکترونیک استفاده می کند</p>	<p>۶۵۵ <b>خیر: المختار</b> وزارة الداخلية تعتمد في الانتخابات الاختيارية على البطاقات الممغنطة</p>
<p><b>درج کردن</b> درخواست کرد که موضوع در دستور کار قرار گیرد</p>	<p>۶۵۶ <b>درج: الإدراج</b> طلب إدراج الموضوع في جدول الأعمال</p>
<p><b>حقوق و دستمزد</b> نظام جدید پرداخت حقوق و دستمزد کادر آموزشی، از امروز به معرض اجرا گذاشته می شود</p>	<p>۶۵۷ <b>رتب: الراتب</b> أصبحت سلاسل الرواتب الجديدة للطاقم التعليمي سارية المفعول منذ اليوم</p>
<p><b>گروههای شغلی و دستمزدها</b> اساتید دانشگاه لبنان، در اعتراض به قانون گروه و پایه ها و حقوقها اعتصاب کردند</p>	<p>۶۵۸ <b>رتب: الرتب والرواتب</b> أساتذة اللبنانية نفّذوا اعتصاماً، احتجاجاً على قانون الرتب والرواتب</p>
<p><b>صدور پروانه کار</b> بر اساس موافقت مدیریت امور خواربار و بازارگانی داخلی، به آقای ... دارای تابعیت عربی سوری متولد دمشق اجازه داده می شود، از مغازه ساخته شده روی پلاک شماره .... در منطقه ثبتی شماره ... واقع در محله شمالی، بعنوان رستوران دارای، فروشگاه گوشت و کباب و مرغ استفاده کند</p>	<p>۶۵۹ <b>رخص: الترخيص</b> بناء على موافقة مديرية التموين والتجارة الداخلية، يرخص الى السيد... من التبعية العربية السورية المولود في دمشق، باستثمار المحلّ المشاد على العقار رقم... من المنطقة العقارية... الكائن في الحي الشمالي لمهنة مطعم لحام وشوا وفروج</p>
<p><b>پروانه کسب</b> لطفاً با تقاضانامه خود، دو قطعه عکس جدید و رونوشت گواهینامه پزشکی و</p>	<p>۶۶۰ <b>رخص: ترخيص مزاولة المهنة</b> الرجاء إرسال الطلب مع صورتين شمسيّتين حديثين، وصورة عن الشهادة الطّبية وترخيص</p>

مزاولة المهنة، وشهادات الخبرة	پروانه کار و گواهی سابقه سنوات خدمت را بفرستید
۶۶۱ رسم: الرسوم البلدية تعلن البلدية أنها وضعت قيد التحصيل تنظيم صفوف جداول التكليف الأساسية بالرسوم البلدية لعام ۱۹۹۶ وما قبل. فعلى المكلفين المبادرة إلى تسديد الرسوم المتوجبة عليهم خلال المدة المحددة، وإلا تعرضوا لدفع غرامة تأخير قدرها ۲% من قيمة الرسم عن كل شهر تأخير، ويعتبر كسر الشهر شهرا	عوارض شهرداری شهرداری اعلام می کند که اعمال جداول عمومی عوارض شهرداری سال ۹۶ و ما قبل آنرا در دستور کار خود قرار داده است. مکلفین باید در خلال مدت تعیین شده با پرداخت عوارض، تسویه حساب کنند. وگرنه به عنوان جریمه دیرکرد ۲% ارزش عوارض بابت هر ماه تأخیر به عوارض افزوده می شود. وکسری از ماه بعنوان يك ماه کامل محسوب می شود
۶۶۲ رسم: المرسوم انتهى المرسوم الوزاري المرقم... الصادر ..	بخشنامه مدت اعتبار بخشنامه وزارتي شماره ... مورخ... به پایان رسید
۶۶۳ رفق: الإرفاق يجب أن ترفق بالطلبات المقدمة المعلومات التالية : اسم الشاري واسم البائع وإرفاق صورة عن تذكرة هوية الشاري	ضمیمه کردن باید اطلاعات زیر ضمیمه درخواستهای ارسالی شود : نام خریدار و نام فروشنده و ارسال رونوشت شناسنامه خریدار به پیوست درخواست
۶۶۴ رقب: الرقابة لجنة الرقابة أصدرت بيانها الختامي	نظارت كميته نظارت بيانيه نهائي خود را صادر كرد
۶۶۵ ركز: اللامركزية ركز على اللامركزية الإدارية والخصخصة	تمرکززدائی بر تمرکز زدائی اداری وخصوصی سازی تأکید کرد
۶۶۶ سلم: التسلم سلم التسلم	دریافت کردن

شوارى قانون اساسى، مدارك شکایات نمایندگان را تحويل گرفت	المجلس الدستوري تسلّم مستندات الطعون النيابية	
مدارك مورد نیاز درخواستهای فاقد اوراق شناسانی ومدارك مورد نیاز، یا درخواستهای که قبلا مدارك اعلام شده در تابلو اعلانات شرکت را ارسال نکرده باشند، از <u>اعتبار</u> ساقطند (پذیرفته نمی شود)	سند: المستندات المطلوبة يرفض كل عرض غير مرفق بالأوراق الثبوتية والمستندات المطلوبة أو لم يسبق له تقديم هذه الأوراق المحددة في لوحة إعلانات الشركة	۶۶۷
بارگیری محموله را مورد بازرسی قرار دادند	شحن: الشحن أخضعوا الشحنة للفحص	۶۶۸
خالی ماندن پس از گذشت ماهها از خالی ماندن پست إفتاء، او بعنوان مفتی کشور مصر تعیین شد	شغور: الشغور تمّ تعيينه مفتيا للديار المصرية بعد مضي أشهر من شغور هذا المنصب	۶۶۹
تأیید گواهی لازمست نسخه ای برابر اصل وتصديق شده از مدرک دانشگاهی بر طبق ضوابط ضمیمه شود	صدق: تصديق الشهادة مطلوب إرفاق صورة عن الشهادة الجامعية مصورة ومصدقة عنها وفق الأصول	۶۷۰
بازسازی اصلاحات سازمانی	صلح: الإصلاح الإصلاح الهيكلي	۶۷۱
سازمان آب تصميم به معاف کردن برخی از مشترکین از پرداخت عوارض آب، باعث ورشکستگی سازمان آب شد	صلح: مصلحة المياه قرار إعفاء بعض المشتركين من دفع بدلات المياه ، أدى الى إفلاس مصلحة المياه	۶۷۲
رأى دادن رأى دادن به لیست نامزدها	صوت: التصويت التصويت لقائمة المرشحين	۶۷۳
تصویر، رونوشت رونوشت برابر اصل	صور: الصورة صورة طبق الأصل	۶۷۴



٦٧٥	<b>صوع: الانصباع</b> خضع وانصاع لقرار الرئيس	<b>تبعيت</b> از تصميم رئيس تبعيت كرد
٦٧٦	<b>ضرب: الضرب على الآلة الكاتبة</b> أنهى المشاركون دورة تدريبية في الضرب على الدكتيلو (الآلة الكاتبة)	<b>ماشين نويسی</b> شرکت کنندگان، دوره آموزشی ماشين نويسی را به اتمام رساندند
٦٧٧	<b>ضمن: الضمان الاجتماعي</b> منظمة الضمان الاجتماعي	<b>تأمين اجتماعي</b> سازمان تأمين اجتماعي
٦٧٨	<b>ضمن: المضمون</b> تعلن الشركة أنه في حال عدم اتصال المضمونين بها، ستعتمد آسفة الى إلغاء بوالص الضمان الخاصة بالمتخلفين	<b>بيمه شده</b> شرکت اعلام می دارد، که در صورت عدم تماس بيمه شدگان با شرکت، متأسفانه ناگزير به لغو کارتهای بيمه افراد متخلف خواهد بود
٦٧٩	<b>طبع: الطابع</b> الطابع العام الذي تتصف به المناقشة	<b>وضع</b> روند کلی مذاکرات
٦٨٠	<b>طبع: الطابع</b> أصدر وزير الدولة للشؤون المالية قراراً، يتعلّق باستبدال الطوابع المالية المسحوبة من التداول، بالطوابع الجديدة	<b>تمبر</b> وزير مشاور در امور دارائی، بخشنامه ای در مورد تبديل تمبرهای مالی خارج از گردش، وجايگزين کردن تمبرهای جديد صادر کرد
٦٨١	<b>طعن: الطعن</b> مهلة تقديم الطعون في الانتخابات	<b>شكايت</b> مهلت تحويل شکايتهاي مربوط به انتخابات
٦٨٢	<b>عزو: العزو</b> عزا هذه المشكلة إلى ضعف مهارات الموظفين	<b>نسبت دادن</b> بروز اين مشکل را به ضعف مهارت کارمندان نسبت داد
٦٨٣	<b>عطل: الأعطال</b> إصلاح الأعطال في شبكة مجاري المياه والبنى التحتية	<b>خرابيهها</b> اصلاح خرابيهها در شبکه فاضلاب ومجاری زیرزمینی

<p>۶۸۴</p> <p><b>عمم: التعميم</b></p> <p>وزير الاقتصاد يعتم على جميع الدوائر التابعة لوزارته.....</p>	<p><b>ابلاغ، ابلاغیه</b></p> <p>وزير اقتصاد به همه ادارات تابعه اين وزارتخانه ابلاغ می کند: .....</p>
<p>۶۸۵</p> <p><b>عوض: التعويض</b></p> <p>طالب بإعطاء الموظفين الإداريين من الفئة الثالثة فما فوق، تعويضاً خاصاً بنسبة ۲۵% من الراتب</p>	<p><b>فوق العادة (حقوق)</b></p> <p>خواستار پرداخت فوق العاده مخصوص به میزان ۲۵% حقوق پایه، به کارمندان اداری رده شغلی سوم به بالا شد</p>
<p>۶۸۶</p> <p><b>عیش: المعاش التقاعدي</b></p> <p>اقترح النائب الإبقاء على ما هو معمول به حالياً في كيفية احتساب المعاش التقاعدي أو تعويض نهاية الخدمة</p>	<p><b>مستمرى بازنشگی</b></p> <p>نماینده پیشنهاد کرد، میزان پرداختهای فعلی در مورد ونحوه محاسبه مستمری بازنشستگی یا خرید خدمت، همچنان پابرجا بماند</p>
<p>۶۸۷</p> <p><b>فرغ: التفرغ</b></p> <p>التفرغ بالمالاك</p>	<p><b>استخدام تمام وقت</b></p> <p>استخدام رسمی قطعی</p>
<p>۶۸۸</p> <p><b>فیض: الفائض عن الحاجة</b></p> <p>سأل نائب معارض رئيس الحكومة عن العدد الإجمالي للموظفين الفائضين عن الحاجة في القطاع العام</p>	<p><b>افزون بر نیاز</b></p> <p>یکی از نمایندگان مخالف، از نخست وزیر در مورد آمار کلی کارمندان افزون بر نیاز در بخش عمومی سؤال کرد</p>
<p>۶۸۹</p> <p><b>قرع: الاقتراع</b></p> <p>أعيد الاقتراع مرة ثانية</p>	<p><b>قرعه کشی</b></p> <p>قرعه کشی برای بار دوم انجام شد</p>
<p>۶۹۰</p> <p><b>قعد: التقاعد</b></p> <p>طالبت رابطة المعلمين بتعويض نهاية الخدمة والتقاعد على أساس كامل الراتب (۱۰۰%)، ورفع الحد الأدنى للأجور وزيادة غلاء المعيشة</p>	<p><b>بازنشستگی</b></p> <p>انجمن معلمان خواستار اعطای بازخرید خدمت و بازنشستگی، بر اساس حقوق و مزایای کامل (۱۰۰%)، افزایش حداقل دستمزد، و افزایش فوق العاده تورّم شد</p>
<p>۶۹۱</p> <p><b>قلد: المقلد</b></p> <p>سلم مقاليد الرئاسة الى نائب الرئيس</p>	<p><b>کلید</b></p> <p>کلید های پست ریاست را به نایب رئیس تحویل داد</p>

۶۹۲	<b>قول: الاستقالة</b> قدّموا استقالاتهم بالإجماع	<b>استعفا</b> بطور دستجمعی استعفا کردند
۶۹۳	<b>قيد: إخراج قيد</b> إخراج قيد إفرادي	<b>برگه شناسائی</b> شناسنامه (در لبنان)
۶۹۴	<b>لجن: اللجنة</b> أجروا تغييراً طفيفاً على مرسوم اللجان النيابية	<b>کمیسیون</b> تغییرات اندکی در بخشنامه کمیسیونهای مجلس وارد کردند
۶۹۵	<b>لتم: الإلمام</b> مطلوب سكرتيرة لمكتب هندسة , تجيد اللغة الإنكليزية , وملمّة في المحاسبة والكمبيوتر, ويفضّل جامعيّة	<b>عنایت, توجه</b> به یک منشی زن برای يك دفتر مهندسی, که به زبان انگلیسی آشنائی داشته , ودر حسابداری و کامپیوتر دارای مهارت باشد و مرجحاً دانشگاهی باشد , نیاز هست
۶۹۶	<b>لوح: لوائح الشطب</b> وزارة الداخلية , سلّمت لوائح الشطب إلى المختار لبدء العملية الانتخابية	<b>لیستهای نامزدهای انتخابات</b> وزارت کشور , لیستهای نامزدهای انتخاباتی را برای شروع انتخابات , به رؤسای شوراهای محل تحویل داد
۶۹۷	<b>ندب: مندوب مبيعات</b> الشركة بحاجة إلى مندوب مبيعات لتسويق بضائعها , بمدخول يومي يتعدى ۵۰ دولاراً	<b>بازاریاب</b> شرکت , نیازمند به کارپردازی برای بازاریابی کالاهای خود می باشد , و حقوق روزانه متجاوز از ۵۰ دلار می پردازد
۶۹۸	<b>وصل: المواصلات</b> اللجنة الاستشارية الدولية للمواصلات السلکية	<b>ارتباطات</b> کمیته مشورتی بین المللی ارتباطات تلفنی

## ۷. المصطلحات القانونية

زندان ابد	أبد : السَّجْنُ الْمُؤَبَّد	۷۹۹
دادگاه عالی قضائی، متهم را به زندان ابد با اعمال شاقه محکوم کرد	حكمت المحكمة العليا على المدعى عليه، بالسجن بالأشغال الشاقة المؤبدة	
منشی	أمن : أمين السرّ	۷۰۰
به رتبه سكرتر(منشی) رئيس دانشگاه ارتقاء یافت	ارتقى إلى رتبة أمين السرّ لرئيس الجامعة	
اثر انگشت	بصم : بصمة الإصبع	۷۰۱
متهم گفت : روى اوراقى انگشت مى زدم، که محتوای آنرا نمى دانستم	قال المدعى عليه : كنت أبصم على أوراق لا أعرف محتواها	
بازداشتن	ثني : الإثناء	۷۰۲
بر اساس نتیجه يك تحقيق در آمريكا، تهديد به زندان دراز مدت، مردم را از ارتكاب جرائم باز نداشته است	أظهرت دراسة في أمريكا أن التهديد بالسجن الطويل، لم يثن الناس عن ارتكاب الجريمة	
كليات پیشنهاد	جمل : مجمل الاقتراح	۷۰۳
به كليات پیشنهاد رأى دادند	صوتوا على مجمل الاقتراح	
پس گرفتن رأى اعتماد	حجب : حجب الثقة	۷۰۴
رأى گیرى برای رفع(سلب) اعتماد	التصويت بحجب الثقة	
مصونیت	حصن : الحصانة	۷۰۵
مصونیت پارلمانی را از او سلب کردند	رفعوا عنه الحصانة البرلمانية	
صورت جلسه	حضر : المحضر	۷۰۶
تهیه صورتجلسه از وظایف منشی است	إعداد محضر الجلسة من مهام السكرتير	

۷۰۷	حظوة: الحظوة حظي بإجماع الأصوات	منزلت وموقعيت اجماع آراء را نصيب خود ساخت
۷۰۸	حفظ: الاحتفاظ احتفظ بحق الجواب فيما بعد	محفوظ ماندن حق پاسخگویی در آینده را، برای خود محفوظ نگاه داشت
۷۰۹	حق: التحقيق استمر التحقيق معه ثلاثة أشهر	بازجویی بازجویی از او سه ماه بطول انجامید
۷۱۰	حق: قاضي التحقيق قرر قاضي التحقيق العسكري إخلاء سبيل الموقوف بعد التحقيق، لقاء كفالة مالية بمليون ليرة لبنانية	بازپرس بازپرس نظامی پس از انجام تحقیقات، فرد بازداشت شده را در مقابل وثیقه ای بمبلغ يك مليون ليرة لبنانية آزاد کرد
۷۱۱	حكم: التحكيم اعتبر قرارات لجنة التحكيم لافية	داوری تصمیمات شورای داوران را باطل اعلام کرد
۷۱۲	حكم: المحكمة لكل من له مصلحة في الاعتراض على هذا الطلب، التقدم به أمام هذه المحكمة خلال مهلة خمسة أيام من تاريخ نشر هذا الإعلان	دادگاه هر کس اعتراضی به انجام این درخواست دارد، شکایت خویش را در طول پنج روز از تاریخ انتشار این اعلامیه به دادگاه تحویل دهد
۷۱۳	حول: الإحالة أحالوا الشكوى إلى لجنة ذات صلاحية عالية	ارجاع شکایت را به يك کمیته دارای اختیارات وسیع ارجاع نمودند
۷۱۴	حول: التحويل أعلنت الشركة أنه لم يعد لها علاقة بمندوبيها السابق، فلا يمثلها بأية صفة، وهو غير مخول لقبض أية مبالغ مستحقة لها	اعطای صلاحیت شرکت اعلام کرد، که دیگر ارتباطی با نماینده سابقش ندارد، چون وی مسئولیتی به هیچ عنوان در شرکت نداشته، وصلاحیت گرفتن مبالغی بنام شرکت را ندارد

<p><b>خبط : طرف الخيط</b></p> <p>تمكّنت الأجهزة القضائية مجدّدا من الإمساك بطرف الخيط، في قضية اغتيال الوزير</p>	<p><b>سرنخ</b></p> <p>دستگاه قضائی، مجدّدا توانست سرنخی از ترور وزیر را بدست آورد</p>
<p><b>دخل : المداخلة</b></p> <p>ألقي أحد النواب مداخلة في تقرير مخبر اللجنة النيابية للمال والموازنة</p>	<p><b>اعتراض</b></p> <p>یکی از نمایندگان، در اثنای گزارش مخبر کمیسیون دارائی و بودجه، اعتراض خود را مطرح کرد</p>
<p><b>دعو : المدعو عليه</b></p> <p>المجلس العدلي أصدر حكم الإعدام وجاهيًا بحق المدعو عليه الرقم الأول، وغيايًا للمدعو عليه الرقم الثاني</p>	<p><b>متهّم</b></p> <p>شورای قضائی در مورد متهّم حاضر ردیف اول، و در مورد متهّم ردیف دوم بصورت غیابی حکم اعدام صادر کرد</p>
<p><b>رجاء : الإرجاء</b></p> <p>إرجاء المناقشة إلى أجل غير مسمى</p>	<p><b>به تعویق انداختن</b></p> <p>تعویق بحث و بررسی به مدت نامعلوم</p>
<p><b>ردّ : الردّة</b></p> <p>طالب المفتي بإئزال حدّ الردّة بأفراد جماعة (عبدة الشيطان) الذين يرفضون التوبة</p>	<p><b>ارتداد</b></p> <p>مفتی درخواست کرد، حکم ارتداد در مورد گروهی از باند (شیطان پرستان) که حاضر به توبه نیستند، اجرا شود</p>
<p><b>زكي : الاقتراع بالتركية</b></p> <p>نجح في الاقتراع المباشر بالتركية</p>	<p><b>رأى دادن (بشکل آری یا نه) برای يك كاندیدا</b></p> <p>در رأی گیری مستقیم بشکل نامزد منفرد پیروز شد</p>
<p><b>سجل : السجل</b></p> <p>تصاعدت وتيرة السجل القانوني بين الاتحاد العمالي ووزارة العمل</p>	<p><b>اختلاف، مشاجرة</b></p> <p>دامنه اختلافات قانونی بین اتحادیه کارگری و وزارت کار بالا گرفت</p>
<p><b>سلم : تسلّم الإنذار</b></p> <p>يدعو قلم دائرة تنفيذ صيدا السيد .... وريث المرحوم ... المجهول محل الإقامة، للحضور إليه شخصيًا لتسلّم الإنذار رقم ...</p>	<p><b>دریافت احضاریه</b></p> <p>دیرخانه اجراییه شهر صیدا از آقای ... وارث مرحوم ... ، که محل اقامت او ناشناخته است، می خواهد شخصا برای</p>

	دریافت احضاریه شماره ... به این مرکز مراجعه کند	
۷۲۳	شَدّ: المَشَادَة الصحفية قضوا بالحدّ من المَشَادَة الصحفية في هذا المجال	جنجال تبلیغاتی تصمیم گرفتند به جنجال تبلیغاتی در این زمینه خاتمه دهند
۷۲۴	شعر: الشعر المستعار اعترض بعض القضاة في كينيا على وجوب وضع الشعر المستعار، وارتداء الثوب التقليدي، وهو تقليد موروث عن الفترة الاستعمارية البريطانية	کلاه گیس برخی از قضات کنیا، نسبت به لزوم استعمال کلاه گیس پوستیش و پوشیدن اینفورم رسمی، که تقلیدی برجای مانده از دوران استعمار بریتانیا است، اعتراض کردند
۷۲۵	شعر: الشغور المقاعد الشاغرة	فراغ، نقص کرسیهای خالی، پستهای بدون سرپرست (فرصت های شغلی موجود)
۷۲۶	شَقّ: المنشقّ يتمثل الخلل في المحاكمة باعتماد المحكمة الألمانية على شهادة منشقين إيرانيين بارزين من أمثال المسئول الاستخباراتي السابق	متمرد اشکال محاکمه، ریشه در اعتماد دادگاه آلمان به شهادت متمردین بارز ایرانی، از قبیل رئیس اطلاعات سابق دارد
۷۲۷	شمع: الشمع الأحمر ختموا صناديق الاستفتاء بالشمع الأحمر	لاک قرمز صندوقهای آراء را با لاک قرمز مهر و موم کردند
۷۲۸	صدق: المصادقة على رفع التقرير إلى الجلسة العامة للمصادقة عليه	تصویب کردن گزارش را برای تصویب به شورای عمومی فرستاد
۷۲۹	صمت: الصمت التزموا الصمت التام	سکوت سکوت محض اختیار کردند
۷۳۰	صوت: التصويت لن تؤخذ بطاقات التصويت الخالية بعين الاعتبار	رای دادن کارتهای رأی سفید بحساب نخواهند آمد

۷۳۱	<b>ضیع: بدل ضائع</b> إعلان من أمانة السجل العقاري في العاصمة : طلب السيد ... سند تمليك بدل ضائع بالعقار الرقم ..... للمراجعة ۱۵ یوما	<b>المثنی</b> اعلان از طرف اداره ثبت املاك پایتخت : آقای ... درخواست کرده است که بنام او برای زمین پلاک ... سند مالکیت المثنی صادر شود. برای مراجعه ۱۵ روز فرصت دارید
۷۳۲	<b>طلب: المطالبة</b> طالب بالتصويت مادة فمادة	<b>خواستار شدن</b> خواستار رأی گیری ماده به ماده قانون شد
۷۳۳	<b>طول: الطائلة</b> تحت طائلة المسؤولية	<b>اقتدار</b> تحت پیگرد قانونی
۷۳۴	<b>عبر: الأخذ بعین الاعتبار</b> أخذ اعتراض المحافظ بعین الاعتبار	<b>مد نظر قرار دادن، بحساب آوردن</b> اعتراض استاندار را بحساب آورد
۷۳۵	<b>عجل: القانون المعجل المكرر</b> تمنى النائب على المجلس أن يصدر قانوناً معجلاً مكرراً، يعفي إعفاء عاماً للمتظاهرين المعتقلين	<b>قانون با قید دو فوریت</b> نماینده از مجلس درخواست کرد، که با تصویب یک قانون با قید دو فوریت، تظاهر کنندگان بازداشت شده را مورد عفو عمومی قرار دهد
۷۳۶	<b>عدل: مكتب الكاتب العدل</b> الأحوال الشخصية تسجل عند الكاتب العدل	<b>دفتر اسناد رسمی</b> حالات شخصی (نظیر تولد، ازدواج، ووفات) در دفتر اسناد رسمی ثبت می شود
۷۳۷	<b>عكف: العكوف</b> المحكمة تعكف للتشاور	<b>ممانعت</b> جلسه دادگاه برای شور متوقف می شود
۷۳۸	<b>فرغ: المتفرغ</b> تنفذ رابطة الأساتذة المتفرغين إضراباً تحذيرياً، من أجل إدخال المتفرغين في الملاك	<b>کارمند تمام وقت</b> انجمن اساتید تمام وقت، به منظور دستیابی به رسمی قطعی کردن کادر اساتید تمام وقت، دست به یک اعتصاب هشدار دهنده می زند



۷۳۹	فسخ: فسخ العقد احتفظ بحق فسخ العقد	فسخ قرارداد حق فسخ قرارداد را برای خود محفوظ داشت
۷۴۰	قرح: الاقتراح اقترح حذف العبارة من محضر الجلسة	پیشنهاد حذف عبارت را از صورت جلسه پیشنهاد کرد
۷۴۱	قصر: الاقتصاص لجأ إلى الاقتصاص مقابلة بالمثل	انتقام برای مقابله به مثل، متوسل به انتقام شد
۷۴۲	قيد: التقييد طلب من المتكلم التقييد بموضوع النقاش	مقید شدن از ناطق خواست از چارچوب مناقشه خارج نشود
۷۴۳	قيد: قيد التنفيذ وضعه قيد التنفيذ	بمورد اجرا آنها بمورد اجرا گذاشت
۷۴۴	لجن: اللجنة أرسلت الدولة مفوضاً مطلق الصلاحية إلى لجنة التحكيم	کمیته دولت نماینده تام الاختیاری به کمیته داورى فرستاد
۷۴۵	مثل: المثل امتنع عن المثل أمام لجنة المحكمة	ظاهر شدن، حضور یافتن از حضور در برابر شورای دادگاه خودداری کرد
۷۴۶	مثل: الممثل دعا إلى إيفاد ممثل لتسوية الخلاف	نماینده خواستار فرستادن نماینده ای برای رفع اختلافات شد
۷۴۷	متر: المساس بالقانون رفض أي مساس بأحكام الاتفاقية	تعرض به قانون هر گونه تعرض به احکام معاهده را رد کرد
۷۴۸	نحي: التحمي تنحى عن الكلام	خودداری از سخن گفتن سر باز زد
۷۴۹	نذر: الإنذار التنفيذي نذر الإنذار التنفيذي	هشدار اجرائی

برای دریافت اخطاریه اجرائی و متعلقات آن، باید شخصا حاضر شوی، یا نماینده قانونی خود را به دبیرخانه این دادگاه بفرستی	یقتضي حضورك بالذات، أو بالواسطة القانونية إلى قلم هذه المحكمة، لاستلام الإنذار التنفيذي ومربوطاته	
چشم پوشیدن از حق خود در ایراد سخن صرف نظر کرد	نزل: التنازل تنازل عن حقه في الكلام	۷۵۰
تریون پشت تریون ریاست قرار گرفت، وچکش را به میز زد	نص: المنصة اعتلى منصّة الرئاسة، وتناول المطرقة	۷۵۱
سازماندهی به سازماندهی دبیرخانه اقدام کرد	نظم: التنظيم قام بتنظيم السكرتارية	۷۵۲
اجرا بمرحله اجرا گذاشته شد	نقد: التنفيذ دخل في طور التنفيذ	۷۵۳
اجرای حکم حکم اعدام با شمشیر در مورد آنان اجرا شد، چون مرتکب جنایاتی از قبیل قتل و جادوگری شده بودند	نقد: تنفيذ الحكم نقد فيهم الإعدام بحدّ السيف، لارتكابهم جرائم تراوح بين القتل والسحر	۷۵۴
اغتنام فرصت فرصت را برای تقدیم شکایت غنیمت شمرد	نهز: انتهاز الفرصة انتهاز الفرصة لتقديم الشكوى	۷۵۵
گزینش نماینده برای شرکت در جلسه مجمع، ارسال فرد دیگری بجای خود ممنوع است	نوب: الإنابة لاتجوز الإنابة لأيّ عضو آخر في جلسة الجمعية	۷۵۶



## ۸. المصطلحات العلمية

۷۵۷	أكل: التآكل	فرسودگی, خوردگی
	أقيم حاجز لمكافحة عوامل تآكل الشاطئ	برای جلوگیری از فرسایش ساحل، یک موج شکن بنا شده است
۷۵۸	بحث: أبحاث الجو	پژوهشهای هواشناسی
	تعتبر هذه الشركة الأهم في تطوير منظومات أبحاث الجو	این شرکت، مهمترین شرکت در پیشبرد سیستمهای پژوهشهای هواشناسی است
۷۵۹	بذل: المياه المبتذلة	آبهای آلوده
	المياه المبتذلة التي تصرف في الميناء، تسمح بصعوبة برؤية الآثار في قعر الماء	آبهای کثیفی که به بندر وارد می شود، بسختی اجازه مشاهده آثار باستانی را در زیر آب می دهد
۷۶۰	برك: البركان	آتشفشان
	المياه الواقعة تحت القشرة الجليدية، تكتسب الدفء من النشاط البركاني	آبهای واقع در زیر لایه یخی، از فعالیتهای آتشفشانی حرارت می گیرد
۷۶۱	بصم: بصمة الإصبع	اثر انگشت
	تركت هذه الظاهرة بصماتها على أوضاع البلد	این پدیده آثار خود را روی اوضاع کشور برجای گذاشت
۷۶۲	بيئة: البيئة	محیط (زیست)
	أعلنت وزاره البيئة الكندية، أنّ طبقة الأوزون التي	وزارت محیط زیست کانادا اعلام کرد،

<p>لایه ازون که اشعه ماوراء بنفش خورشید را به خود جذب می کند، بر فراز منطقه قطب شمال در کانادا بسیار نازک شده است</p>	<p>تمتصّ الأشعّة الشمسیّة فوق البنفسجیّة، باتت رقیقة جدّا فوق المنطقة القطبیّة الشماليّة في كندا</p>	
<p><b>تکنولوژی</b> تکنولوژیهای پیشرفته، و دارای کیفیت بالا</p>	<p><b>تقن : التقنیّة</b> تقنیّات متطوّرة وعالية الجودة</p>	<p>۷۶۳</p>
<p><b>پستانداران</b> تولید (تکثیر) یک نسخه برابر اصل از یک حیوان کامل از گروه پستانداران، از طریق کاشت یک سلول از یک میش در یک میش دیگر، جدال داغی را بر سر جوانب اخلاقی پژوهشهای مهندسی ژنتیک در انسان بدنبال داشت</p>	<p><b>ثدی : الثديّیات</b> إنّ وضع نسخة طبق الأصل عن حیوان بالغ من الثديّیات، عن طریق زرع بویضة ملقّحة في نعجة أخرى، أثار جدالاً حامياً حول أخلاقیّة أبحاث الهندسة الوراثیّة في الإنسان</p>	<p>۷۶۴</p>
<p><b>یخ</b> عکسهای ارسالی از طرف سفینه فضائی، کاشف از وجود یخ در یکی از دهانه های آتشفشانی کره مریخ است</p>	<p><b>جلد : الجلید</b> الصور التي أرسلتها المركبة الفضائیة، تكشف الجلید في إحدى الفوهات البركانيّة في المریخ</p>	<p>۷۶۵</p>
<p><b>موج یخ</b> بوران یخی در حال اتمام است، اما پشت سر خود موجی از یخ را بر جا گذاشته، که خسارتهای سنگینی به محصولات کشاورزی وارد کرده است</p>	<p><b>جلد : الموجة الجلیدیّة</b> بدأت العاصفة الثلجیة بالانحسار، تاركة وراءها موجة جلید أوقعت أضرارا بالغة في المزروعات</p>	<p>۷۶۶</p>
<p><b>دستگاه</b> دستگاه کنترل از راه دور</p>	<p><b>جهاز : الجهاز</b> جهاز التحدّك من بعد</p>	<p>۷۶۷</p>
<p>فارغ التحصیل لیسانسه ( پس از چهار سال تحصیل دانشگاهی)</p>	<p><b>جوز : المجاز</b> حفلة تخريج مجازات في فرعی التمريض</p>	<p>۷۶۸</p>

والتوليد (القبالة)	جشن فارغ التحصیلی تعدادی دانشجوی کارشناسی در دورشته پرستاری ومامانی
۷۶۹ جوف : المياه الجوفية	آبهای زیرزمینی دفن پس مانده هایی که قابل بازیافت نیست، مخازن آب زیرزمینی را تهدید می کند
۷۷۰ جین : الجین	ژن پژوهشگران فرانسوی موفق شدند ژنهای کشت کنند، که هموگلوبین انسانی (یعنی خون) از نهال های تنباکو بدست آورند. این امر کاشت نهال تنباکو را از نظر پزشکی قابل توجیه می سازد
۷۷۱ جین : الجینة	ژن ژن، حافظه بیولوژیک در جسم انسان وحیوان است، و می تواند بارور شده، و مثل خود را تولید کند
۷۷۲ حلّ : تحليل البول	آزمایش (تجزیه) ادرار پس از عمل باروری مصنوعی، آزمایش ادرار حاملگی را محرز ساخت
۷۷۳ حمى : الحيوي	زنده و پویا شبکه جهانی کامپیوتری (انترنت)، در خلال چند سال گذشته موجودیت خود را بعنوان مرکزی پویا وبالنده برای ارتباطات وتبادل معلومات بین افراد بشر تثبیت کرده است
۷۷۴ خفض : الخفض	کاستن

<p>با ساختن ساختمانهای ضد زلزله، می توان از خطرات آن کاست</p>	<p>يمكن خفض المخاطر الناتجة عن الزلزال، بفضل بناء مباني مضادة للهزات</p>	
<p><b>سنگهای استلاکتیت (آویزه ها)</b> این غار بسبب سنگهای قدیمی استلاکتیت (آویزه ها)، از مناظر جالبی برخوردار است</p>	<p><b>دلی: المتدلیات</b> المغارة تحتظي بمناظر خلابة في متدلياتها القديمة</p>	<p>۷۷۵</p>
<p><b>خط تلفن</b> کابل نوری دریایی جدید که سوریه را به مصر پیوند می دهد، هم اکنون شامل ۳۰ هزار خط تلفن است، که میتوان آترادر آینده به ۶۰ هزار خط افزایش داد</p>	<p><b>دور: الدارة الهاتمية</b> الكابل الضوئي البحري الجديد الذي يربط سوريا بمصر، تبلغ دارته ثلاثين ألف دائرة هاتمية، ويمكن زيادتها مستقبلا لتصل إلى ۶۰ ألف دائرة</p>	<p>۷۷۶</p>
<p><b>اتم</b> کیمته انرژی اتمی</p>	<p><b>ذره: الذرة</b> لجنة الطاقة الذرية</p>	<p>۷۷۷</p>
<p><b>حافظه</b> این شرکت عظیم بین المللی <u>قطعه های حافظه کامپیوتر</u> (تراشه های حافظه ماشین حساب) تولید می کند</p>	<p><b>ذکر: الذكرة</b> هذه الشركة العملاقة العالمية تعمل لتصنيع شرائح ذواكر الحاسب</p>	<p>۷۷۸</p>
<p><b>حیات هوشمند</b> سیاره مریخ بارزترین مکان وجود احتمالی حیات هوشمند است، بویژه پس از دستیابی به بقایای شهاب سنگهایی که گفته می شود از سیاره قرمز سقوط کرده و حاوی مواد میکروسکوپی فسیل شده هستند.</p>	<p><b>ذکی: الحیاة الذکية</b> من أبرز الأماكن المرشحة لوجود حياة ذكية : كوكب المريخ وخاصة بعد العثور على بقايا نيازك، يقال إنها سقطت من الكوكب الأحمر، وتحتوي على مواد ميكروسكوبية متحجرة</p>	<p>۷۷۹</p>
<p><b>ستاره دنباله دار</b> ستاره دنباله دار با نزدیک شدن به زمین -</p>	<p><b>ذنب: المذنب</b> ازداد المذنب لمعاناً، مع اقترابه من الأرض التي</p>	<p>۷۸۰</p>

که در آغاز ماه آينده به نزديکترين فاصله به آن ميرسد - از درخشش بيشتري برخوردار شد	سيصبح أقرب نقطة إليها، في بداية الشهر القادم	
نقاشيها نقاشيهای متحرک، کارتون	رسم: الرسوم الرسوم المتحركة	۷۸۱
رصد کردن اداره هوا شناسی، نسبت به وقوع توفانهای باران زا، که احتمالا خطرناک است هشدار داد	رصد: الرصد مصلحة الأرصاد الجوية أذرت بعواصف مطرية، قد تكون خطرة	۷۸۲
مرکز ثبت زلزله برای جلوگیری از بروز خسارات، به مراکز ژئوفيزيک (برای ثبت زلزله) نیاز داریم	رصد: المرصد نحتاج إلى المراسد من أجل تقادي الأضرار	۷۸۳
وسيله نقلیه فضا پيما	رکب: المركبة المركبة الفضائية	۷۸۴
کد گذاری شناسنامه های جديد، الکترونيکی و دارای کد است، و اثر هر ده انگشت بر آن ثبت می شود	رمز: الترميز بطاقات الهوية الجديدة ممغنطة ومرمزة، وتحمل بصمات الأصابع العشرة	۷۸۵
دکمه زندگی با کامپیوتر راحت است، و بجز فشار آوردن روی چند دکمه، زحمت دیگری ندارد	زر: الزر الحياة مع الكمبيوتر مريحة، لا تتطلب جهداً غير النقر على بضعة أزرار	۷۸۶
مجتهز کردن خانم تلفنچی، مجهز به يك صفحه کامپيوتري است، که وضعيت همه	زود: التزويد عاملة المقسم مزودة بشاشة الكترونية، من أجل توضيح وإظهار جميع الفرعيات	۷۸۷



خطوط داخلی را روشن می کند	
سفینه	سبر: المسبار ۷۸۸
سفینه جدیدی که اخیراً در مدار زمین (ماه) قرار داده شد، تلاش خواهد کرد، وجود یا عدم وجود آب در ماه و ترکیب خاک آن و میدانهای جاذبه و میدانهای مغناطیسی آن را مشخص نماید	سیسمی المسبار الجديد الذي وضع في مدار القمر مؤخراً، إلى تحديد وجود أو عدم وجود مياه في القمر، ويحدّد تكوين التربة وحقول الجاذبيّة والمجالات المغناطيسيّة
ابر مغناطیسی	سحب: السحابة المغناطيسيّة ۷۸۹
یک ابر ضخیم مغناطیسی، که در اثر یک انفجار خورشیدی ایجاد شده است، در حال رسیدن به کره زمین است	إن سحابة مغناطيسيّة ضخمة ناجمة عن طفرة شمسيّة هائلة، بدأت تصل إلى الأرض
بیسیم	سلك: الاسلكي ۷۹۰
اتومبیلهای که با دستگاه بی سیم هدایت می شوند	السيارات الموجهة لاسلكيا
تشعشع زا	شع: المشع ۷۹۱
این انبارها، مواد شیمیایی تشعشع زا و خطرناک دارند	هذه المستوعبات تحتوي على موادّ كيميائيّة مشعّة وخطرة
راه اندازی	شغل: التشغيل ۷۹۲
این دستگاههای الکترونیکی، همراه با کلیه کاتالوگها و اطلاعات لازم برای راه اندازی و ترکیب (نصب) و نگهداری، به زبانهای مختلف بفروش می رسد	تباع هذه الاجهزة الالكترونية مع كافّة الكتالوجات والشروحات اللازمة، للتشغيل والتركيب والصيانة بمختلف اللغات
مدارك تحصیلی	شهد: الشهادات الدراسية ۷۹۳
مدارك تحصیلی شامل: گواهی ابتدائی، گواهی راهنمایی، دیپلم، لیسانس، فوق	الشهادات الدراسية تشمل شهادة الابتدائية والبروفيه والكالوريا القسم الثاني والكالوريوس

<p>ودبلوم الدراسات العليا (الماجستير) والدكتوراه</p> <p>لیسانس ودکترا می شود</p>	<p>۷۹۴</p> <p><b>طبق: أطباق الاستقبال</b></p> <p>أطباق استقبال الإرسال التلفزيوني عبر الأقمار الصناعية</p> <p>بشقابه‌ای گیرنده بشقابه‌ای گیرنده برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره ها</p>
<p>۷۹۵</p> <p><b>طحن: الطاحونة</b></p> <p>طاحونة الهواء</p> <p>آسیاب آسیاب بادی</p>	<p>۷۹۶</p> <p><b>طلع: استطلاع الرأي</b></p> <p>أظهرت نتائج استطلاع للرأي، أنَّ ثلاثة أرباع الأمريكيين يطالبون بحظر تجارب الاستنساخ البشري عبر الهندسة الوراثية</p> <p>نتایج یک رأی گیری نشان داد، که سه چهارم آمریکاییها خواستار ممنوعیت تولید مشابه سازی (شبیه سازی) انسانی از طریق مهندسی ژنتیک هستند</p>
<p>۷۹۷</p> <p><b>طوق: الطاقة</b></p> <p>استخدام الطاقة النووية في الأغراض السلمية</p> <p>انرژی بکارگیری انرژی اتمی در اهداف صلح آمیز</p>	<p>۷۹۸</p> <p><b>عصف: العاصفة</b></p> <p>تحمل العاصفة الشمسية إشعاعات، يمكن أن تؤثر على المجال المغناطيسي للأرض، وتعطل أقمار الاتصالات الصناعية</p> <p>توفان این توفان خورشیدی، حاوی تشعشعاتی است که ممکن است روی میدان جاذبه زمین اثر گذاشته، و ماهواره ها را مختل کند</p>
<p>۷۹۹</p> <p><b>عصف: العاصفة</b></p> <p>العاصفة المغناطيسية التي بدأت كانبعاث غازي من الهالة المحيطة بالشمس، وصلت أخيراً حول الأرض</p> <p>توفان این توفان مغناطیسی، که همچون یک خیزش گازی از جو اطراف خورشید شروع شده بود، اخیراً به نزدیکی زمین رسید</p>	<p>۸۰۰</p> <p><b>فجر: التفجير</b></p> <p>سمي القرن العشرين بعصر التفجير المعرفي</p> <p>ایجاد انفجار قرن بیستم، قرن انفجار اطلاعات نامیده</p>

شد		
فرد گرانی	فرد: الفردنة	۸۰۱
در بین ۲۰ کشوری که در شاخص فرد گرانی بالاترین معدل را بدست آوردند، ۱۹ کشور غربی یافت می شود، که در این نمونه گیری شرکت داشتند	البلدان العشرين التي سجلت أعلى معدل في مؤشر الفردانية، ضمت ۱۹ بلداً غربياً، شاركت في العينة	
زباله، پس مانده	فضل: الفضلة	۸۰۲
پس مانده های دارای تشعشع	فضلات مُشعّة	
نیروگاه (رآکتور)	فعل: المُفاعل	۸۰۳
نیروگاه اتمی (رآکتور اتمی)	المُفاعل النُّوويّ	
گسل (شکاف بین لایه های زمین)	فلق: الفالق	۸۰۴
به نظر يك كارشناس زلزله در دانشگاه، احتمال دارد شمارش معكوس برای حدوث يك زلزله بزرگ، روی گسلی که از لبنان می گذرد شروع شده باشد	خبير الزلزال في الجامعة، توقّع العدّ العكسيّ، لحدوث هزّة كبيرة على الفالق الذي يمرّ من الأراضي اللبنانيّة	
ویتامین	فيت: الفيتامين	۸۰۵
وعده های غذایی پاندا (خرس نادری که در باغ وحش برلین نگهداری میشود) برای حفاظت او، آکنده (سرشار) از مواد مقوی و ویتامینها، وشامل بادام وگردو وپسته وعسل است	شحت وجبات طعام الباندا (الدّب النادر الذي يحتفظ به في حديقة حيوانات برلين) بالمقویات والفيتامينات، من لوز وجوز وفستق وعسل للمحافظة عليه.	
قطعات یدکی	قطع: قطع التیار (الغيار)	۸۰۶
خودروهای آتش نشانی، توانستند قبل از وصول آتش به انبار قطعات یدکی الکترونی، آنرا مهار کنند	سيارات المطافيّ، أفلحت في السيطرة على النيران، قبل أن تصل إلى مخزن قطع الغيار الإلكترونيّة	
توده	كتل: الكتلة	۸۰۷

توده های هوای سرد	الْكُثْلَةُ الهوائية الباردة	
لورفتن دروغ	كذب: كشف الكذب	۸۰۸
دستگاه دروغ سنج	آلة كشف الكذب	
دارای ضمانت (گارانتی)	كفول: المكفول	۸۰۹
دستگاه تلفن مرکزی (سانترال) دارای ضمانت بمدت یکسال است (یکساله است) و دارای باتریهایی است که هنگام قطع جریان برق بمدت ۶ ساعت کار می کند	جهاز المقسّم الالکترونی مکفول لسنة واحدة، ویشغل مع بطاريات تكفي للعمل لمدة ۶ ساعات، في حال انقطاع التيار الكهربائي	
غار	كهف: الكهف	۸۱۰
انسان غارنشین	انسان الكهف	
عکسبرداری	لقط: التقاط الصورة	۸۱۱
وظیفه این سفینه فضائی که يك سفینه پیشتاز است: تجزیه وتحلیل پیامهای است که تلسکوپ های بی سیم توسط کامپیوتر دریافت می کنند	مهمّة هذه المركبة الفضائية وهي رائدة فضاء: غريلة رسائل تلتقطها تلسكوبات لاسلكيّة بواسطة الكمبيوتر	
درخشش	لمع: اللمعان	۸۱۲
در آن غار، تل هائی از استخوانهای انسان وجود داشت، وبر فراز آن جمجمه هائی بود که برخی از آنها با آبهای آکنده از بلورهای کلسیم به زمین چسبیده بود وجلوه سفید وبراقي را به جمجمه ها داده بود	احتوى الكهف على أكوام من العظام البشريّة، تعلوها جماجم بعضها التصق في مكانه بواسطة مياه مشبهة ببلورات الكالسيوم، فأضفت لوناً أبيض لامعاً على الجماجم	
بلعیدن	لهيم: الالتهم	۸۱۳
آتش، تمام پرونده ها را در کام خود فروبرد	إن الحريق التهم كافة السجلات	
آلودگی	لوث: التلوث	۸۱۴

<p>نسبت به آلودگی دارای تشعشع، که جان کارگران کارخانه را تهدید می کند، ابراز نگرانی کرد</p>	<p>أعرب عن خوفه من التلوث الإشعاعي الذي يندر بعمّال المصنّع</p>	
<p><u>مشابه سازی</u> ، <u>نسخه برداری</u> (شبهه سازی)</p> <p>تجربه تازه در زمینه <u>مشابه سازی</u> (شبهه سازی) ژنتیکی، به ظهور گوسفندی منجر شد که از طریق کاشتن نمونه ای از سلول سینه يك میش، وتلقيح آن در تخمك يك میش دیگر تولد یافت</p>	<p>نسخ: الاستنساخ</p> <p>تمخّضت التجربة الجديدة في الاستنساخ الجيني، عن نعجة ولدت بزرع نسخة من خُليّة نُدِّي نَعَجَةٍ، وَحَقْنِهَا فِي بُؤْيُضَةِ نَعْجَةٍ أُخْرَى</p>	<p>۸۱۵</p>
<p><u>مشابه سازی</u> (شبهه سازی)</p> <p>بر اساس قوانین قاطع کشور، خطر <u>مشابه سازی</u> (شبهه سازی) ژنتیکی در زمینه انسان، بعید است</p>	<p>نسخ: الاستنساخ</p> <p>قوانين البلاد الصارمة ، تستبعد خطر الاستنساخ الجيني في حقن الانسان</p>	<p>۸۱۶</p>
<p><u>شکل گیری</u></p> <p>فرضیه تکامل جانوران</p>	<p>نشأ: النشوء</p> <p>نظرية النشوء والارتقاء</p>	<p>۸۱۷</p>
<p><u>هواپیمای جت</u></p> <p>يك مسابقه بين اتومبيلهای دارای موتور جت (سريع السیر)، ومسابقه دیگری بين اتومبيلهای خورشیدی برگزار شد</p>	<p>نفث: الطائرة النفاثة</p> <p>أقيمت مباراة بين السيارات النفاثة، وأخرى بين السيارات الشمسيّة</p>	<p>۸۱۸</p>
<p><u>زباله ها</u></p> <p>بکار گیری تکنولوژی جدید در عملیات بارگیری پس مانده ها، آلودگی محیط زیست را محدود می کند</p>	<p>نفي: النفايات</p> <p>استخدام التقنيّات الحديثة في عملية شحن النفايات، يضع حدّا لتلوث المياه</p>	<p>۸۱۹</p>
<p><u>زباله</u></p> <p>پس مانده های صنعتی سمّی (پس</p>	<p>نفي: النفاية</p> <p>النفايات الصناعية السامة</p>	<p>۸۲۰</p>

ماندهای سمی صنعتی)		
سنگ آسمانی شهاب سنگ	نيزك : النيزك الحجر النيزك	۸۲۱
کاهش دما دمای شبکه های (آب) روی زمینی، در برخی مناطق کوهستانی به زیر صفر تقلیل یافت	هبط : هبوط الحرارة هبط الحرارة إلى ما دون الصفر، في الشبكات الممدودة فوق الارض في المناطق الجبلية	۸۲۲
تلفن سیستم تلفن سنتی موجود را به مکیدن شیر از نی تشبیه کرد (که انسان را سیر نمی کند)، در حالیکه کارائی سیستم الکترونیکی جدید را مثل قورت دادن (سر کشیدن) یکباره همه جام دانست	هاتف : الهاتف وصف نظام الهاتف التقليدي الحالي، بأنه مثل مضّ كوب من اللبن بأنبوبة، (عملية غير مشبعة)، بينما النظام الإلكتروني الجديد مثل تجّرع الكأس دفعة واحدة	۸۲۳
زمین لرزه مرکز ملی پژوهشهای ژئوفیزیک اعلام کرد، که زمین لرزه ای بقوّت ۵ درجه (در مقیاس) ریشتر، لبنان را تکان داد	هزّ : الهزّة أعلن المركز الوطني للأبحاث الجيوفيزيائية، أنّ هزّة بقوة ۵ درجات على مقياس ريختر، ضربت لبنان	۸۲۴
پس لرزه در طول سه روز، حدود ۳۰۰ پس لرزه به ثبت رسیده است، که قویترین آنها حدود ۳ درجه (در مقیاس) ریشتر قوّت داشته است	هزّ : الهزّة الارتدادية سجّلت حوالي ۳۰۰ هزة ارتدادية خلال ثلاثة أيام، بلغت قوّة أقوى هذه الهزّات ۳ درجات على مقياس ريختر	۸۲۵
مهندسی ژنتیک تعدادی بچه قورباغه، که بطور مصنوعی توسط متخصصین مهندسی ژنتیک تولید (تکثیر) شده بودند، قبل از رسیدن	هندس : الهندسة الوراثية الشراغيف (أفراخ الضفادع) المنتجة صناعيًا بيد الأخصائيين في الهندسة الوراثية، ماتت قبل أن تصل للبلوغ	۸۲۶

به دوره بلوغ مردند		
<p><b>سقوط , انهدام</b></p> <p>معتقد بود که این زمین لرزه، ناشی از  <u>انهدام غیر مترقبه (لغزش ناگهانی)</u> یک          گسل زیرزمینی است و تعیین مشکلات          ناشی از شکاف پوسته زمین و سقوط آن،          امکان پذیر نیست</p>	<p><b>هور: الانهيار</b></p> <p>رأى أنَّ الهزّة الأرضية ناتجة عن انهيار مفاجئ          لتصدّع جيولوجي , ولا يمكن تحديد  <u>مشكلات (مشاكل)</u> تشقّق القشرة الأرضية          وهبوطها</p>	۸۲۷
<p><b>کتابداری</b></p> <p>سیستمهای اصول کتابداری</p>	<p><b>وثق: التوثيق</b></p> <p>نُظُم التوثيق المكتبي</p>	۸۲۸

## ۹. المصطلحات الطبية

۸۲۹	<b>بطخ: البطيخ</b> العواصف الهوائية، أضرت بالاشجار المثمرة اللوزية وشتول البطيخ، ومزقت كثيراً من البيوت البلاستيكية	<b>هندوانه</b> جبهه هوای توفانی، به درختان بادام زیر محصول، ونهالهای هندوانه خسارت وارد کرد، وبسیاری از سرپوشهای پلاستیکی مزارع را پاره کرد
۸۳۰	<b>تبغ: التبغ</b> إدارة حصر التبغ والتبناك	<b>توتون</b> اداره انحصار توتون وتبناكو
۸۳۱	<b>جَرّ: جَرّ المياه</b> شركة مساهمة، درست مشروع جَرّ مياه المناطق الجبلية إلى العاصمة	<b>انتقال آب</b> يك شرکت سهامی، طرح انتقال آب از مناطق کوهستانی به پایتخت را بررسی کرد
۸۳۲	<b>حمي: الغابة المحمية</b> أصدر وزير الزراعة قراراً، يحمل الرقم ۱۷۵ را، يعتبر غابة الصنوبر في العقار رقم ۱۲۰ من مدينة الهرمل غابة محمية، خاضعة لأحكام قانون حماية الغابات	<b>جنگل حفاظت شده</b> وزیر کشاورزی، طی بخشنامه شماره ۱/۱۷۵، جنگل کاج پلاک زمین شماره ۱۲۰ شهر هرمل را، یک جنگل حفاظت شده، ومشمول قانون حمایت از جنگلها اعلام کرد
۸۳۳	<b>روز: الروزنامه (فارسية)</b> وزير الزراعة نشر الروزنامه الزراعية في جدول أعمال الوزارة	<b>جدول فعاليتهاى روزانه (زمانبندی برنامه ها)</b> وزیر کشاورزی، زمانبندی برنامه های کشاورزی را بر اساس دستور کار



۸۳۴	<b>ريف : المرأة الريفية</b> تناول الدورة التدريبية التي عقدتها وزارة الزراعة , أهمية الإرشاد الزراعي بشكل عام , وتصميم البحوث الميدانية الخاصة برصد واقع المرأة الريفية بشكل خاص	<b>زن روستائی</b> این دوره آموزشی که توسط وزارت کشاورزی برپا شده است , شامل تکیه بر اهمیت توصیه های کشاورزی بطور عام , <u>واجرای</u> (طراحی) پژوهشهای عملی ویژه برای کسب اطلاع از واقعیت زن روستائی بطور خاص می شود
۸۳۵	<b>سمد : السماد</b> الدولة مهّدت للقرويين الصحة والإنارة وتوزيع البذار والأسمدة	<b>کود</b> دولت , برای بهداشت , برق رسانی , وتوزيع بذر وكود روستائیان , فعالیتهاى مقدماتی انجام داد
۸۳۶	<b>شتل : الشتلة</b> شتلات الحشيش	<b>بوته، نهال</b> بوته های گیاه
۸۳۷	<b>شجر : التشجير</b> نفّذت جمعية التنمية الريفية حملة تشجير واسعة , تمّ فيها غرس ألف غرسة في محيط المدارس	<b>درختکاری</b> انجمن توسعه روستائی , يك برنامه درختکاری گسترده را به اجرا در آورد , که طی آن هزار نهال درخت در محيط مدارس کاشته شد
۸۳۸	<b>صومع : الصومعة</b> أقرّت اللجنة المشتركة إنشاء عشر صوامع , لتخزين الحبوب لسعة مليون طن	<b>سیلو</b> کمیسیون مشترك , احداث ده باب سيلو را برای ذخیره سازی حبوبت به گنجایش يك ميليون تن تصويب کرد
۸۳۹	<b>غرس : الغرس</b> أشجار النخل المغروسة أخيرا , غدت معلماً تراثيّاً , يجمّل منظر مدخل العاصمة	<b>کاشتن</b> درختان نخلى که اخیراً کاشته شد , با نمودی زیبا منظره دروازه ورودی پایتخت را آراست
۸۴۰	<b>غلف : تغليف السجائر</b>	<b>سیگار پیچی</b>

<p>سازمان تنباکو ، توانست از طریق کاستن مبالغ قرارداد خرید دستگاههای سیگار پیچی ، مبلغی در حدود يك ميليون دلار ذخيره کند</p>	<p>حققت المؤسسة العامة ، للتبغ و فراً إجمالياً بلغ حوالي مليون دولار ، وذلك من جزاء تخفيض عقد شراء آلات تغليف السجائر</p>	
<p><b>ادوات ولوازم</b> وزارت کشاورزی ، ادوات ولوازم کشاورزی وارداتی را بین کشتکاران توتون توزیع کرد</p>	<p><b>لزم : المستلزمات</b> وزعت وزارة الزراعة المستلزمات الزراعية المستوردة بين مزارعي التبغ</p>	<p>۸۴۱</p>
<p><b>مکانیزه کردن</b> بر لزوم ایجاد تحول در کشاورزی مکانیزه تأکید کرد</p>	<p><b>مکن : الممكنة</b> أكد على لزوم تطوير الزراعة الممكنة</p>	<p>۸۴۲</p>
<p><b>آزه برقی</b> قاضی جزائی ، حکم خود را در مورد شکایت تقدیم شده از طرف بانک مرکزی لبنان بر علیه فرد متهم به قطع درختهای کاج تحت تملک بانک صادر کرد . بر اساس این حکم ، وی به پرداخت جرمه نقدی به مبلغ يك ميليون ليرة لبناني ، ومصادره آزه های برقی و تیرهای مورد استفاده محکوم شد</p>	<p><b>نشر : المنشار الآلي</b> أصدر القاضي الجزائي حكماً بالدعوى المقدمة من مصرف لبنان ضد المدعى عليه ، على قطع أشجار الصنوبر التي يملكها المصرف . وقضى الحكم بتغريمه مليون ليرة ، ومصادرة المناشير الآلية والفؤوس</p>	<p>۸۴۳</p>
<p><b>روش آبیاری قطره ای</b> اکثر مزارع این شهر، با روش قطره ای آبیاری می شود</p>	<p><b>نقط : نظام التقيط</b> معظم حقول هذه المدينة تروى بنظام التقيط</p>	<p>۸۴۴</p>

۱۰. المصطلحات الأمنية والعسكرية

<p>۸۴۵</p> <p><b>أهـب: على أهبة الاستعداد</b></p> <p>يجب أن نكون على أهبة الاستعداد , من الخروقات العسكرية الإسرائيلية</p>	<p>در نهایت آمادگی</p> <p>باید بخاطر احتمال حملات نظامی اسرائیل ، در آمادگی کامل بسر بریم</p>
<p>۸۴۶</p> <p><b>أهـب: التأهب</b></p> <p>القوات الأمريكية في الخليج , تعيش في حالة التأهب القصوى</p>	<p>آماده باش</p> <p>نیروی نظامی آمریکا در خلیج ، در وضعیت آماده باش کامل بسر می برند</p>
<p>۸۴۷</p> <p><b>بتر: المناورات البرماتية</b></p> <p>أعطى إشارة البدء للمناورات البرماتية</p>	<p>مانورهای آبی - خاکی</p> <p>فرمان آغاز مانورهای آبی - خاکی را صادر کرد</p>
<p>۸۴۸</p> <p><b>ترس: الترسانة</b></p> <p>روسيا دولة تملك ثاني أكبر ترسانة نووية في العالم</p>	<p>انبار مهمات ، زراد خانه</p> <p>روسیه ، کشوری است که دومین زراد خانه بزرگ اتمی دنیا را در اختیار دارد</p>
<p>۸۴۹</p> <p><b>ثكن: الثكنة</b></p> <p>الأعلام خفاقة فوق مجمع الثكنة العسكرية</p>	<p>پادگان</p> <p>پرچمها ، بر فراز مجموعه پادگان نظامی در اهتزاز است</p>
<p>۸۵۰</p> <p><b>جهاز: الأجهزة الأمنية</b></p> <p>قال: إن أجهزة تـا الأمنية لن تـردد في التصدي بحزم , لكل مخـرب يريد العبث بأمننا</p>	<p>دستگاه امنیتی</p> <p>گفت : دستگاههای امنیتی ما ، در برخورد قاطع با هر فرد خرابکاری ، که بخواهد امنیت ما را به بازی بگیرد ، تردید نمی کند</p>
<p>۸۵۱</p> <p><b>جوب: الاستجواب</b></p> <p>المحكمة العسكرية استجوبت الموقوفين برشق قوى الأمن</p>	<p>بازجویی</p> <p>دادگاه نظامی ، از بازداشت شدگانی که به نیروهای پلیس سنگ پرتاب کرده بودند ، بازجویی کرد</p>

۸۵۲	<b>جول : التجول</b> وقع وزير الدفاع على مرسوم حظر التجول	<b>عبور و مرور</b> وزير دفاع ، بخشنامه مقررات منع رفت وآمد را امضا کرد
۸۵۳	<b>جيش : الجيش والجيشان</b> أرادوا أن يجيش الجيوش	<b>به جوش و خروش در آمدن</b> تصميم به لشكر كشى گرفتند
۸۵۴	<b>حرب : الحربه</b> رأس الحربه	<b>پيكان نيزه</b> نوڪ پيكان حمله
۸۵۵	<b>حلق : التحليق</b> تحليق مكثف للطيران المعادي في علو منخفض	<b>به پرواز در آمدن ، اوج گرفتن</b> پرواز گسترده هواپيماهاى دشمن در ارتفاع پائين
۸۵۶	<b>حمي : الاحتماء</b> ملجأ للاحتماء من الغارات الجوية	<b>حمايت و محافظت</b> پناهگاهى براى در امان ماندن از حملات هوانى
۸۵۷	<b>خرق : الاختراق</b> تحقّت امرأة فلسطينية في زّي بائعة سمك. لاختراق الحصار على مدينة الخليل	<b>نفوذ کردن ، شکستن محاصره</b> يك زن فلسطينى ، با مخفى شدن در لباس فروشنده ماهى ، از سد محاصره شهر الخليل گذشت
۸۵۸	<b>خرق : الخرق</b> خرق اتفاقية الهدنة	<b>نقض ، شکستن</b> نقض قرارداد آتش بس
۸۵۹	<b>خزن : خزانه طلاقات</b> أفرغوا خزانة طلاقات فيه	<b>خشاب فشنگ</b> يك خشاب فشنگ در بدن او خالى <u>کردند</u> (يك خشاب فشنگ خرجش کردند)
۸۶۰	<b>خضر : المخضر</b> أوقف عناصر مخضر الدرك اللبناني ۹ مصريين ، كانوا يحاولون دخول لبنان خلسة ، عبر الأراضي السورية	<b>پاسگاه</b> نيرهاى پاسگاه ژاندارمرى لبنان ، ۹ نفر مصرى را ، كه تلاش مى كردند از طريق اراضى سوريه مخفيانه وارد خاك لبنان شوند ، بازداشت كردند

<p><b>تلفن همراه (موبایل)</b></p> <p>ارتش ، استعمال تلفن همراه را برای افرادش ، بخاطر امکان استراق سمع دشمن ممنوع کرد</p>	<p>۸۶۱ <b>خلی: الهاتف الخليوي</b></p> <p>حظر الجيش على جنوده استخدام الهواتف الخليوية ، خوفا من تنصّت العدو على مكالماتهم</p>
<p><b>اکیپ اسب سوار</b></p> <p>پلیس مصر، یک گروهان کامل از نیروهای مسلح اسب سوار و سگهای پلیس را ، برای آغاز عملیات نابود کردن روباهها و شغالها بسیج کرد</p>	<p>۸۶۲ <b>خیال: الخيالة</b></p> <p>أرسلت الشرطة المصرية فصيلاً كاملاً من سلاح الخيالة والكلاب البوليسية ، لبدء حملة للقضاء على الثعالب وأبناء آوى</p>
<p><b>دخالت آشکار</b></p> <p>ارتش ترکیه ، آشکارا وبگونه ای کم نظیر طی سالیان دراز ، در روند امور دخالت کرد ، وابتدا تانکهای خود را به جولان درآورد ، و سپس برای محدود کردن روند اسلامی کردن جامعه ودولت، تصمیماتی را با اِعمال زور به اجرا در آورد</p>	<p>۸۶۳ <b>دخل: التدخل السافر</b></p> <p>تدخل الجيش التركي في مسار الأمور، بسفور قلّ نظيره منذ فترة طويلة ، بعرض دبابات أولاً ، ثم بإجراءات مفروضة بالقوة ، للحدّ من مظاهر أسلمة المجتمع والدولة</p>
<p><b>ژاندارمری</b></p> <p>افرادی از گروهان ژاندارمری تحت فرماندهی ستوان یکم... ، در مورد رفع نکات مبهم مربوط به حادثه ترور اقدام کردند</p>	<p>۸۶۴ <b>درك: الدرك</b></p> <p>عملت عناصر من فصيلة الدرك بإمرة الملازم الاول... ، على كشف ملابسات الاغتيال</p>
<p><b>رخنه کردن</b></p> <p>برای کشتن رئیس اتحادیه عمومی کاریابی ، در بین کارگران اجتماع کننده در برابر مقر سندیکا رخنه کردند، ولذا توجه هیچکس را به خود جلب نکردند</p>	<p>۸۶۵ <b>دس: الاندساس</b></p> <p>اندسوا بين العمال المجتمعين أمام مقر النقابة، لاغتيال رئيس الاتحاد العام للشغل، فلم يجذبوا انتباه أحد</p>
<p><b>نصود</b></p> <p><u>عنصر وابسته ژاپنی</u> (مزدور ژاپنی)، بین آن</p>	<p>۸۶۶ <b>دس: الاندساس:</b></p> <p>العميل الياباني كان مندساً بين العصاة ، ليرصد</p>

تحركاتهم الأمنية	گروهك نفوذ كرده بود ، تا تحركات امنیتی آنان را زیر نظر بگیرد
۸۶۷ دفع: المدفع	توب پیمانی بین دو کشور ، برای نوسازی خودروهای زرهی ، وزره پوش کردن توپها و خرید موشکهای ضد تانك منعقد شد
۸۶۸ دك: الدك	كوبیدن (مواضع دشمن) واحد پشتیبانی آتش ، یکی از مواضع دشمن را زیر آتش خود قرار داد ، و افراد آن را كشته یا مجروح ساخت
۸۶۹ دلع: الاندلاع	افروخته شدن آتش اشتعال آتش از خودروهای پادگان مشاهده شد
۸۷۰ دلع: الاندلاع	متصاعد شدن دیدند دود از کاپوت اتوموبیل بالا می رود
۸۷۱ دور: الدورية	نیروی گشتی با مسلسل ، بر روی گشتی صهیونیستی آتش گشودند
۸۷۲ ربك: الإرباك	مشقش و سردرگم کردن ، در حال حاضر ، نیروهای دشمن در يك حالت سردرگمی بسر می برند
۸۷۳ ردع: الردع	ممانعت كميته نظارت بر تفاهم (مصالحه) ، از ایجاد راهکاری برای جلوگیری از فعالیتهای دشمن ناتوان ماند
۸۷۴ رثس: الرثس	پاشیدن نیروهای پیاده دشمن را زیر رگباری از تیربار و مسلسل قرار دادند

<p><b>۸۷۵</b></p> <p><b>رَضَ : الصفوف المتراصة</b></p> <p>وقف أفراد شرطة مكافحة الشغب في صفوف متراصة ، لمنع المتظاهرين من اقتحام مقر الاتحاد</p>	<p><b>صفوف مستحکم</b></p> <p>افراد پلیس ضد شورش ، در صفوف مستحکم برای جلوگیری از حمله تظاهر کنندگان به مقر اتحادیه ، در مقابل آنان قرار گرفتند</p>
<p><b>۸۷۶</b></p> <p><b>رَضَ : رصاص الرحمة</b></p> <p>أطلق عليه رصاص الرحمة</p>	<p><b>تیر خلاص</b></p> <p>تیر خلاص را به او شلیک کرد</p>
<p><b>۸۷۷</b></p> <p><b>رَقِيَ : الترقية</b></p> <p>وقع رئيس أركان الجيش على مرسوم ترقية الضباط</p>	<p><b>ارتقاء درجه</b></p> <p>رئیس ستاد ارتش ، بخشنامه ترفیع درجه افسران را امضا کرد</p>
<p><b>۸۷۸</b></p> <p><b>ركن : أركان الجيش</b></p> <p>رئيس أركان الجيش أدى التحية العسكرية، أثناء عزف نشيد الدولة عند مدخل قيادة الأركان</p>	<p><b>ستاد ارتش</b></p> <p>رئیس ستاد ارتش ، درحین نواخته شدن سرود ملی در مدخل فرماندهی ستاد ، سلام نظامی داد</p>
<p><b>۸۷۹</b></p> <p><b>زند : الزناد</b></p> <p>ضبط على الزناد</p>	<p><b>ماشه</b></p> <p>ماشه را فشار داد</p>
<p><b>۸۸۰</b></p> <p><b>سفر : السفور</b></p> <p>شجبوا تدخل العدو السافر</p>	<p><b>برهنگی</b></p> <p>دخالت عریان (مخفیانه) و آشکار دشمن را محکوم کردند</p>
<p><b>۸۸۱</b></p> <p><b>سَلَّ : استلال المسدّس</b></p> <p>استل مسدّسه، وردّ عليهم بإطلاق الرصاص ، فأصاب واحدا منهم</p>	<p><b>هفت تیر کشیدن</b></p> <p>تپانچه اش را کشید ، و بعنوان پاسخگونی به آنان شلیک کرد ، و یکی از آنها را مورد هدف قرار داد</p>
<p><b>۸۸۲</b></p> <p><b>سَلَّ : التسلّل</b></p> <p>عشرت الشرطة الألمانية على خمسين مواطناً عراقياً ، محشورين في صناديق خشبية على ظهر شاحنة ، كانت تحاول التسلّل بهم إلى داخل الأراضي الألمانية</p>	<p><b>رخنه ، ورود غیر مجاز</b></p> <p>پلیس آلمان ۵۰ نفر عراقی را دستگیر کرد، که بامخفی شدن در داخل صندوقهای چوبی در درون يك کامیون، قصد داشتند به داخل خاک آلمان نفوذ</p>

کنند		
نیروی دژبان	شرط : الشرطة العسكرية	۸۸۳
نیروی دژبان , قانون سرباز گیری الزامی را در سطح کشور به معرض اجرا می گذارد	الشرطة العسكرية تطبق قانون التجنيد القسري على صعيد البلاد	
خرابکاری	شغب : الشغب	۸۸۴
افراد زیادی از پلیس ضد شورش, تظاهر کنند گان را محاصره کردند	أحاطت قوة كبيرة من شرطة مكافحة الشغب بالمظاهرين	
پارازیت انداختن	شوش : التشويش	۸۸۵
روی يك ايستگاه رادیونی مخفی پارازیت انداخت	شوش على محطة إذاعية سرّية	
افزایش حملات	صعد : التصعيد	۸۸۶
انتظار افزایش حملات نظامی را در آینده نزدیک نداریم	لا نتوقع تصعيدا عسكريا في المدى المنظور	
سوتك	صفر : الصفارة	۸۸۷
آزیرهای خطر	صفارات الإنذار	
بهدف زدن	صوب : الإصابة	۸۸۸
تك نظامی (حمله) مستقما افرادی را از پای درآورد	أسفر الهجوم عن تحقيق إصابات مباشرة	
هدف گیری	صوب : التصويب :	۸۸۹
تفنگش را به سمت فرد بازداشت شده نشانه گرفت , واو را تهدید به قتل کرد	صوب بندقيته نحو المعتقل , وهدده بالقتل	
قورباغه	ضفدع : الضفدع	۸۹۰
عنصری از مردان قورباغه ای , با پشتیبانی هلیکوپترها , يك مانور نظامی را بهدف جلوگیری از بمباران حملات شیمیائی آغاز کردند	بدأت قوات من الضفادع البشرية , تساندها المروحيات , مناورة عسكرية للتصدي للقصف بأسلحة كيميائية	
ستون	طبر : الطابور	۸۹۱



الطابور الخامس	ستون پنجم
۸۹۲ طرأ: الطواریء أعلن حالة الطواریء	اورژانس وضعت اضطراری (فوق العاده) اعلام کرد
۸۹۳ طرف: التنظرف أشار المصدر الموثوق إلى تنظيم متطرف، تم تمكیکه في العام المنصرم	تد روی، افراطگرانی آن مقام قابل اعتماد، به <u>سازمانی</u> (تشکیلاتی) افراطی اشاره کرد، که در سال گذشته از هم پاشیده شد
۸۹۴ طقم: الطاقم المجاهدون قصوا عنصراً من طاقم الدبابة	کادر، اکیپ مجاهدان، یکی از نیروهای اکیپ تانک را مورد هدف قرار دادند
۸۹۵ طیر: طائرة التجسس وحدة الطائرات الحربية، أسست لتحديث الطائرات الحربية وإنتاج طائرات التجسس	هواپیمای جاسوسی یگان هواپیمای جنگی، بمنظور نوسازی هواپیمای جنگی وتولید هواپیمای جاسوسی ایجاد شده است
۸۹۶ ظل: المظليين وحدة الإسناد الناري للمقاومة الإسلامية، أطلقت النار على المظليين الإسرائيليين، قتل واحد منهم برتبة ضابط مظلي	چتربازان، نیروهای هوایرد واحد پشتیبانی آتش مقاومت اسلامی، به چتربازان اسرائیلی شلیک کرد، و یکی از آنان را با درجه افسر چترباز کشت
۸۹۷ عبء: مديرية التعبئة يطلب من مدعوي خدمة العلم من مواليد ۱۹۷۷ باستثناء طلاب المدارس والجامعات، التقدم من أقسام التعبئة في المناطق، اعتباراً من بداية الأسبوع القادم	اداره نظام وظیفه از مشمولان خدمت وظیفه متولد سال ۱۹۷۷ به استثنای دانش آموزان ودانشجویان دعوت می شود، از آغاز هفته آینده به <u>مراکز</u> (شعبه های) نظام وظیفه کلیه مناطق مراجعه نمایند
۸۹۸ عبو: العبوة الناسفة زادت القوات الإسرائيلية تدریع وسائط النقل	تله انفجاری نیروهای اسرائیلی، زرهی کردن وسایل

نقلیه خود (حتی اتوموبیلهای بنز) را ، از ترس مواد منفجره ای که نیروهای مقاومت می کارند ، افزایش دادند	(حتی سیارات المرسیدس) ، خوفاً من العبوات الناسفة التي يزرعها رجال المقاومة	
سرپوش گذاشتن	عتم : التعقيم	۸۹۹
دو طرف تصمیم گرفتند ، ارتباطات امنیتی بین خود را ، از دید رسانه های گروهی پنهان نگه دارند	الجانبان فرضاً تعميماً إعلامياً على الاتصالات الأمنية بينهم	
بی دفاع	عزل : العازل	۹۰۰
رئیس ستاد ارتش ، خواستار پایان بخشیدن به فشارهایی شد ، که شهروندان بی دفاع را گرفتار کرده است	رئيس أركان الجيش طالب بوقف أعمال الضغط التي تطلال المدنيين العزل	
بازداشتی	عقل : المعتقل	۹۰۱
فرد بازداشت شده را ، تا دم مرگ کتک زد (تا سر حد مرگ)	انهال بالضرب حتى الموت على المعتقل	
بازداشتگاه	عقل : المعتقل	۹۰۲
مخفی شدگان در سلولهای زندان	قابعون في زنايات المعتقل	
گرداب	غمر : الغمرة	۹۰۳
در تب و تاب جنگ روانی	في غمرة الحرب النفسية	
حمله هوایی	غور : الغارة	۹۰۴
دست به حملات هوایی بی هدف زدند	نقذوا غارات وهمية	
زیر دریایی	غوص : الغوصة	۹۰۵
زیر دریایی های جدید ، به ارتش توانایی کاشتن مین های دریایی را می دهد	الغوصات الجديدة تمكن الجيش من زرع ألغام بحرية	
ترور	غیل : الاغتيال	۹۰۶
او را به دست داشتن در عملیات ترور متهم کرد	اتهمه بالضلوع في عملية الاغتيال	
اتومبیل بمب گذاری شده	فتح : السيارة المفخخة	۹۰۷
افراد آتش نشانی توانستند ، از انفجار يك	تمكن رجال الإطفاء ، من تفادي انفجار سيارة	

اتومبیل ، که بوسیله يك بمب دست ساز ويك كپسول گاز بمب گذاری شده بود ، جلوگیری کنند	مفخّحة بقنبلة يدویّة الصنع وأسطوانة غاز	
جلوگیری	فدي : التفادي	۹۰۸
برای پیشگیری از وقوع حوادث خطرناك ، خواستار انجام اقدامات لازم شد	طالبت باتخاذ إجراءات مناسبة لتفادي الحوادث الخطرة	
آزاد کردن	فرج : الإفراج	۹۰۹
آزاد کردن زندانیان سیاسی	الإفراج عن المعتقلين السياسيين	
آزاد کردن	فرج : الإفراج	۹۱۰
نیروهای امنیتی توانستند ، گروگانهای را که در چنگ چریکهای حزب چپگرای پرو بوند ، آزاد کنند	تمكّنت قوى الأمن من الإفراج عن الرهائن المحتجزين ، من قبل مقاتلي الحزب اليساري البيروفي	
طبل زدن	قرع : قرع الطبل	۹۱۱
نخست وزیر اسرائیل ، طبل جنگ را به صدا در آورد	قرع رئيس الوزراء الصهيوني طبول الحرب	
سخت ، شدید	قسي : القاسي	۹۱۲
مجازاتهای سنگینی برای طرف تخلف کننده از قانون وضع کردند	فرضوا عقوبات قاسية على الجهة المتخلفة	
انتقام	قَصّ : الاقتصاص	۹۱۳
مقاومت اسلامی ، از یکی از سران برجسته مزدوران انتقام گرفت	المقاومة الاسلامية اقتصّت من أحد كبار رموز العملاء	
تیر و کمان (قلوه سنگ)	قلع : المقلاع	۹۱۴
فلسطینیها در کوچه های محله ، سربازان اشغالگر را با تیر و کمان هدف قرار دادند	الفلسطينيون رشقوا جنود الاحتلال بالمقلاع في زوارب الحي	
وارد کردن زیان	کبد : تكبيد الخسارة	۹۱۵
نیروهای دولتی ، به متمرّدان زیانهای سنگینی وارد کردند	السلطات الحكومية كبّدت المتمرّدين خسائر فادحة	
مین	لغم : اللغم	۹۱۶

أبحرت كاسحة ألغام جديدة من المواني البريطانية باتجاه السعودية	يك ناوچه مين ياب (خنثی كنده مين) , از بنادر انگلیس روانه عربستان سعودی شد
۹۱۷ لوح: التلويح حذر من مغبة التلويح بالحرب	ایما و اشاره او را از عاقبت ایما و اشاره به شروع جنگ بر حذر داشت
۹۱۸ مدي: بعيد المدى أسلحة موجهة بعيدة المدى	دوربرد سلاحهای دوربرد
۹۱۹ موت: الاستماتة يستمتون في الدفاع عن الوطن (يطلبون الموت)	استقبال از مرگ برای دفاع از کشور به پیشواز مرگ می روند
۹۲۰ نحر: التناحر أدت الاشتباكات الجديدة بين الطوائف المتناحرة الجزائرية، إلى مصرع ما يناهز ألف قتيل	جنگ و کشتار درگیریهای جدید بین اقوام متخاصم الجزایری ، به کشته شدن نزدیک به هزار نفر منجر شد
۹۲۱ ندي: النادي العسكري دعت قيادة الجيش اللبناني الضباط الكبار، إلى رفع نخب هذا الحدث في النادي العسكري	باشگاه نظامی فرماندهی ارتش ، افسران ارشد را برای بالا بردن جام های خود بسلامتی این رویداد ، در باشگاه نظامی دعوت کرد
۹۲۲ نذر: الإنذار دون سابق إنذار	هشدار ، اعلام خطر بدون اعلام خطر قبلی
۹۲۳ نرف: التنزيف حرب الاستنزاف	خون ریزی نبرد برای از بین بردن تدریجی توان رزمی دشمن
۹۲۴ نزل: التنازل قدّم تنازلات كبيرة	از خواسته خود عدول کردن از بسیاری از خواسته های خود عدول کرد
۹۲۵ نسف: النسف هدّد العدو بنسف المفاوضات	منهدم کردن دشمن را به برهم زدن مذاکرات تهدید

کرد		
درگیر شدن جنگ (در گرفتن جنگ)	نشپ: نشوب الحرب	۹۲۶
تب جنگ بالا گرفت	نشبت حمى الحرب	
جیب بر	نشل: النشال	۹۲۷
نیروهای پلیس پایتخت هلند اعلام کردند، يك واحد ویژه برای انجام عملیات گشت با اسکیت های چرخدار تشکیل شده است، تا بتواند با سرعت بیشتری به دستگیری افراد جیب بر در خیابانها مبادرت کند	أعلنت سلطات العاصمة الهولندية ، أنها كوّنت وحدة خاصة ينفّذون دوريات على المزالج بعجلات ، توخياً لفاعلية أكبر في القبض على النشالين في شوارع المدينة	
نشان (فارسی الاصل)	نشن: النیشان	۹۲۸
سینه اش را از مدالهای آویخته آکندند	ملأوا صدره بالنياشين	
شنود، استراق سمع	نصت: التتصّت	۹۲۹
بمدت چندین سال ، بدون اطلاع آنان مکالمات تلفنی آنها مورد استراق سمع قرار می گرفت	تمّ التتصّت على مکالماتهم الهاتفية من دون علم منهم طوال سنوات عدّة	
بسیج نیروها	نفر: الاستنفار	۹۳۰
ارتش اعلام بسیج کرد ، و(مشمولین را) به خدمت وظیفه فرا خواند	أعلن الجيش حالة الاستنفار التام ، واللحاق بخدمة العلم	
باتلاق	نقع: المستنقع	۹۳۱
نیروهای مقاومت اسلامی ، دشمن را از سقوط در باتلاق لبنان برحذر داشتند	قوّات المقاومة الإسلامية حدّرت العدو من السقوط في المستنقع اللبناني	
مانورها	نور: المناورات	۹۳۲
افسر لبنانی ، مانورهای اسرائیل را به عرض اندام تشبیه کرد	وصف الضابط اللبناني المناورات الإسرائيلية ، بأنها عرض عضلات	
ممتاز، عالی	نوع: النوعية	۹۳۳
عملیات برجسته جوانان مقاومت ، قلوب مؤمنین را خنک وگوارا کرد	العملية النوعية لشباب المقاومة أثلجت صدور المؤمنين	

۹۳۴	نوي: النووية	اتمی
	الصاروخ الجديد قادر على حمل رؤوس حربية نووية	موشك جدید ، قادر به حمل کلاهکهای جنگی اتمی است
۹۳۵	هجم: الهجوم المضاد	پاتک
	الجيش يحشد في المنطقة للهجوم المضاد	ارتش ، برای اجرای ضدّ حمله در منطقه متمرکز می شود
۹۳۶	هضب: الهضبة	تپه ، بلندی
	حلّقت الطائرة الاستكشافية على الهضبة	هواپیمای تجسّسی بر فراز تپه به گشت زنی پرداخت

۹۳۷	بدن: البدانة	چاقی
	حدّر مريضه من زيادة بدانته	بابت افزایش چاقی ، به مریضش هشدار داد
۹۳۸	بیا: البيئة	محیط
	وزير الصحة اعتبر إنشاء هذا المصنع إجراماً بيئياً	وزیر بهداشت ، احداث این کارخانه را يك جنایت زیست محیطی خواند
۹۳۹	بيض: تبييض الجلد	سفید کردن پوست
	عملية تبييض الجلد تفسّدت في بعض البلدان الافريقية ، لكنّ الاطباء يحذّرون من أخطارها الصحيّة	عمل سفید کردن پوست بدن ، در برخی از کشورهای آفریقائی رو به افزونی گذاشته است ، اما پزشکان نسبت به عواقب بهداشتی آن هشدار می دهند
۹۴۰	تأم: التوأم	دوقلو
	توقّيت سبعة توأم في مستشفى طرابلس، بسبب عدم تمكّن رحم أمهن من استيعاب ثقل الحمل	هفت نوزاد همزاد در بیمارستان طرابلس ، بسبب ناتوانی رحم مادرشان از سنگینی وزن اطفال مردند
۹۴۱	ثنی: الثنائي	دوگانه
	المرض الثنائي القطب	بیماری دوگانگی شخصیت (دوقطبی)
۹۴۲	جفن: الجفن	پلك چشم

<p>يك روزنامه نگار فرانسوی ، بوسيله بحرکت در آوردن پلك چشم چپش برای منشی نویسنده اش هنگام تلفظ حرف صحیح توسط منشی، نگارش کتابی را برای او دیکته کرد ، چون بخاطر فلج شدن ، قادر به تکلم نبود</p>	<p>صحافی فرسی ، املی کتابا بتحریرك جفن عینه اليسرى لمحرّره ، كلّما نطق الحرف الصحيح ، وذلك بعد إصابته بشلل أعجزه عن الكلام</p>
<p><b>سقط جنین</b> سالانه ۳۰ هزار مورد کورتاژ جنین دختر در کره جنوبی صورت می گیرد ، که نتیجه ترجیح دادن جنس مرد بر زن است</p>	<p>۹۴۳ <b>جھض : الإجهاض</b> هناك ۳۰ ألف حالة إجهاض لأجثة أناث في كوريا الجنوبية سنويًا ، دافعها تفضيل الذكر على الأنثى</p>
<p><b>سرخوردگی</b> بیماری سرخوردگی</p>	<p>۹۴۴ <b>حبط : الإحباط</b> مرض الإحباط</p>
<p><b>کپسول</b> کپسول اکسیژن</p>	<p>۹۴۵ <b>حجل : الحوجلة</b> حوجلة الأكسوجين</p>
<p><b>تجزیه شدن</b> عمل مومیایی کردن جنازه میت برای جلوگیری از متلاشی شدن آن ، ۳۵۰ هزار دلار هزینه دربردارد ، وحدّ اقل برای مدّت دو قرن ضمانت می شود</p>	<p>۹۴۶ <b>حلّ : التحلل</b> عملیة تحنيط جثمان المیت لحفظه من التحلل ، تكلف ۳۵۰ ألف دولار ، وهي مكفولة لقرنين اثنين على الأقلّ</p>
<p><b>آزمایشگاه</b> جدید ترین دستگاههای پیشرفته الکترونیکی ، برای استخراج نتایج آزمایشهای پزشکی (برای نشان دادن نتایج تست های آزمایشگاهی)</p>	<p>۹۴۷ <b>خبر : المخبر</b> أحدث المعدّات الالکترونیّة المتطوّرة لإظهار نتائج الفحوص المخبریّة</p>
<p><b>بی حسّی ، هوشبری</b> بیهوشی موضعی برای انجام عمل تلقیح تخمک واسپرم کافی نیست</p>	<p>۹۴۸ <b>خدر : التخدير</b> لا يكفي التخدير الموضعيّ في عملیة تلقیح البويضة والبذرة</p>
<p><b>گرفتن نوار مغزی</b></p>	<p>۹۴۹ <b>خطط : تخطيط الدماغ</b></p>

زودوا المستشفى بمختبرات جديدة لتصوير الأشعة وتخطيط الدماغ	بیمارستان را به آزمایشگاههای جدیدی (پیشرفته) برای عکسبرداری و گرفتن نوار مغزی مجهز کردند
۹۵۰ خلف: المتخلف المتخلف العقلي	عقب افتاده ذهنی (عقب مانده ذهنی) عقب افتاده
۹۵۱ خنق: الاختناق أفاد الطبيب الشرعي، أن وفاته ناجمة عن اختناق بغاز فحم أشعله داخل المستوعب	خنگی پزشک قانونی اعلام کرد، که مرگ او در اثر خفگی با گاز زغال بوده، که آنرا در داخل انبار شعله ور نموده است
۹۵۲ دخن: المدخن بالسجائر نشرت وزارة الصحة الفرنسية تقريراً، يفيد بأن جيلاً جديداً من المدخنين أخذ في التكوّن	معتاد به سیگار وزارت بهداشت فرانسه طی گزارشی اعلام کرد، که نسل جدیدی از معتادین به سیگار در شرف تکوین است
۹۵۳ دور: الدورة الدموية تم تشغيل الدورة الدموية بقلب صناعي خارج الصدر	گردش خون گردش خون توسط یک قلب مصنوعی در خارج از سینه انجام شد
۹۵۴ ربو: الربو يعاني من الربو	تنگ نفسی به مرض آسم (تنگی نفس) مبتلاست
۹۵۵ رقی: ترقيّ العظام عقدت جمعية الوقاية من ترقيّ العظام ندوة، تطرّق فيها الأطباء المحاضرون إلى أوجه المرض وطرق الوقاية منه	پوکی استخوان انجمن پیشگیری از پوکی استخوان سمیناری برپا کرد که در آن پزشکان سخنران، به ابعاد این بیماری و راههای پیشگیری از آن پرداختند
۹۵۶ زرع: زرع الشعر عيادة زرع الشعر الطبيعي عن طريق استخدام التقنيات الطبية، تضمن لكم استعادة شعركم الطبيعي شعرة شعرة، والذي ينمو طبيعياً (١) سم في الشهر	کشت مو (کاشت مو) مطب کشت طبیعی مو، با بکارگیری تکنولوژیهای طبی، بازگشت دانه دانه موهای طبیعی شما را، که ماهانه يك سانتيمتر رشد خواهد داشت، تضمين می



کند		
انزوا، گوشه‌گزینی	زوی: الانزواء	۹۵۷
بیمار در اثر این شوک روانی، گرفتار حالت انزوا شد	انزوی المريض على نفسه، إثر إصابته بهذه الصدمة النفسية	
تختخواب	ستر: السرير	۹۵۸
مرگ مغزی	الموت السريري	
کمکهای اولیه	سعف: الإسعافات الضرورية	۹۵۹
پس از دریافت کمکهای اولیه، بخاطر جراحتهای سطحی، به آنان اجازه داده شد بیمارستان را ترک کنند	سمح لهم بمغادرة المستشفى، بعد ما تلقوا الإسعافات الضرورية لجروحهم الطفيفة	
مجاری	سلك: المسالك	۹۶۰
جراح مجاری ادرار	جراح المسالك البولية	
میخکوب کردن	سمر: التسمير	۹۶۱
چند ماه است که (بخاطر بیماری) گویی روی تختش میخکوب شده است	يكاد يكون مستمرا فوق السرير منذ بضعة أشهر	
پر خوری	شرو: الشراهة	۹۶۲
جان خود را بر سر پر خوری گذاشت، چون پنج پرس کباب ترکی را در یکی از رستورانهای مشهور آنکارا خورد	دفع حياته ثمنا لشراهته التهام خمسة أطباق من الكباب التركي، بأحد المطاعم الشهيرة في أنقرة	
بیمارستان	شفی: المشفى	۹۶۳
او و همسرش صاحب فرزند پسر (برادری برای دخترشان) شدند، و وضع حمل در بیمارستان ساحل توسط یک دکتر متخصص زنان انجام شد	رزق وزوجته بشقيق لابنتهما، وتمت الولادة في مشفى الساحل على يد دكتور أخصائي للنساء	
فلج	شل: الشلل	۹۶۴
همچنان وضع پزشکی او غامض است (وضعیت سلامتی او همچنان مبهم)	مازال الغموض يكتنف حالته الصحية، ويبدو أنه مصاب بشلل نصفي	

ونامعلوم است)، وبنظر می رسد نیمی از بدنش فلج شده باشد		
<b>فلج اطفال</b>	<b>شلل: شلل الاطفال</b>	۹۶۵
انجمن بهداشت ملی ، مشارکت خود را در عملیات واکسیناسیون بر علیه فلج اطفال اعلام کرد	أعلنت الهيآت الصحيّة الوطنيّة مشاركتها في حملة التلقيح ضد شلل الأطفال	
<b>سر درد</b>	<b>صدع: الصداع</b>	۹۶۶
آزمایشهای انجام شده بر روی حدود ۴۰۰۰ بیمار، ۳۰۰۰۰ مورد سر درد دردناک (شدید) نشان داد که داروی جدید با سرعت و بطور مؤثر در خلال چند ساعت درد بیماری <u>شقیقه</u> (میگرن) را التیام بخشیده است	الاختبارات التي تمّت على نحو أربعة آلاف مريض ، وعلى ۳۰ ألف نوبة صداع أليم ، أظهرت أنّ الدواء الجديد سکن بسرعة وبفاعليّة في غضون ساعة آلام مرض الشقيقة	
<b>شوگ</b>	<b>صدم : الصدمة</b>	۹۶۷
پزشکان با یک شوگ الکتریکی محدود نارسایی در قلب بیمار را معالجه کردند	عالج الأطباء خللاً في قلب المريض بصدمة كهربائيّة محدّدة القوة	
<b>شوگ الکتریکی</b>	<b>صدم: الصدمة الکهربائيّة</b>	۹۶۸
قلب را در طول انجام عمل با شوگ الکتریکی متوقّف کردند	أوقفوا القلب خلال العمليّة بصدمة كهربائيّة	
<b>مصنوعی</b>	<b>صنع: الاصطناعي</b>	۹۶۹
بیمار ، همچنان تحت تنفس مصنوعی است	المريض مازال يخضع للتنفّس الاصطناعي	
<b>داروخانه کشیک</b>	<b>صيدل : الصيدليّة المناوبة</b>	۹۷۰
اداره بهداشت عمومی ، لیستی از اسامی داروخانه های کشیک را اعلام کرد	أعلنت دائرة الصحة العامّة قائمة بأسماء الصيدليّات المناوبة	
<b>قربانی</b>	<b>ضحی: الضحیّة</b>	۹۷۱
تحقیقات روشن کرد ، که یکی از قربانیان آتش سوزی نه در اثر حریق ، بلکه بواسطه	كشفت التحقيقات أنّ أحد ضحايا الحريق لم يمت حرقاً بالنيران ، بل اختناقاً بواسطة حبل لفّ	

عنقه	خفگی با طنابی که بدور گردنش پیچیده شده بود، مرده است
۹۷۲ ضغط : ضغط الدم قاس ضغط المريض	فشار خون فشار مریض را اندازه گیری کرد
۹۷۳ طب : الاطباء التحق بمنظمة الأطباء بلا حدود	پزشکان به سازمان پزشکان بدون مرز پیوست
۹۷۴ طب : الطب الشرعي أعلن الطبيب الشرعي أن المغدورة توفيت نتيجة الخنق	پزشکی قانونی پزشک قانونی اعلام کرد، که زن مقتول در اثر خفگی مرده است
۹۷۵ طب : الجسم الطبي عبر عن تأييد جماهير الجسم الطبي، لتنفيذ المشاريع الجديدة الصحية	کادر پزشکی حمایت کادر پزشکی از طرحهای جدید بهداشتی را اعلام کرد
۹۷۶ طفل : طفل الأنبوب تمحورت كلمات الأطباء، حول مشاكل العقم، وطفل الأنبوب، والمسببات التي تؤدي إلى وجود التوأم، وأمراض المسالك البولية والتصوير الإشعاعي	نوزاد آزمایشگاهی سخنان ایراد شده توسط پزشکان بر روی مشکلات نازایی، نوزداد آزمایشگاهی، عوامل زایمان دوقلوها، و بیماریهای مجاری ادرار و رادیوگرافی متمرکز شد
۹۷۷ عطي : التعاطي حذر الباحثون من أنّ تعاطي الأسبرين بكثرة، قد يصيب الصداع، ولا يشفى منه كما يعتقد البعض	استعمال پژوهشگران هشدار دادند، که استعمال زیاد آسپرین احتمالاً به سردرد می انجامد، و آنچنانکه (به طوری که) برخی معتقدند قابل معالجه نیست
۹۷۸ عظم : العظم يعاني من التهاب في العظم، قد يؤدي إلى الشلل	استخوان به عفونت استخوان مبتلاست، وممکنست این امر به فلج شدن او منجر شود
۹۷۹ عقم : التعقيم تم تعقيم الأطفال ضدّ الشلل	واکسیناسیون کودکان بر علیه فلج واکسینه شدند
۹۸۰ عقم : التعقيم	ضد عفونی کردن (استرلیزاسیون)

مركز را به پنج اتاق ضد عفونی شده مجهز کردند	جهزوا المركز بخمس غرف معقمة	
بیماری	علی: الاعتلال	۹۸۱
این اشاره ای جدید به بیمار شدن اوست	هذا مؤشر جديد على اعتلال صحته	
مراقبت	عني: العناية	۹۸۲
بخش مراقبتهای ویژه در بیمارستان	قسم العناية المشددة في المستشفى	
CCU	عني: العناية الفائقة	۹۸۳
بیمار را به اتاق مراقبتهای ویژه بردند	أدخلوا المريض في غرفة العناية الفائقة	
از کار افتادگی	عوق: الاعاقة	۹۸۴
سازمان تأمین اجتماعی، خواستار کفالت کودکان از کار افتاده شد	وجّهت مؤسسة الضمان الصحي دعوة لرعاية الأطفال المعاقين	
از پای درآوردن	فتك: الفتك	۹۸۵
بیماری صد نفر را از پای درآورد	المرض فتك بمائة شخص	
آزمایش	فحص: الفحص	۹۸۶
آزمایشهای پزشکی - آزمایش خون	الفحوصات الطبية - فحص الدم	
کیسه کشیدن	فرك: الفرك	۹۸۷
بگذار پشتت را کیسه بکشم	دعني أفرك ظهرك	
شیوع	فشي: التفشي	۹۸۸
شیوع بیماریهای واگیردار	تفشي الأمراض المعدية	
گسستگی	فصم: الانفصام	۹۸۹
بیماری گسستگی شخصیت (جنون جوانی)، اسکیزوفرنی	مرض انفصام الشخصية، الشيزوفرنيا	
کوتاهی	قصر: القصر	۹۹۰
معالجه نزدیک بینی	تصحيح قصر النظر	
دستکش	قفز: القفاز	۹۹۱
دستکشهای ضد عفونی شده نایلون	قفازات النايلون المعقمة	
افسردگی	كآب: الاكتئاب	۹۹۲
دچار افسردگی شد	أصيب بالاكتئاب	

<p><b>کری: کريات الدم الحمراء</b></p> <p>الهيموغلوبين هي الخلايا الموجودة في كريات الدم الحمراء ، التي تحمل الأوكسجين إلى جميع أنحاء الجسم</p>	<p><b>گلبولهای قرمز خون</b></p> <p>هموگلوبین ، همان سلولهای موجود در گلبولهای قرمز خون است ، که اکسیژن را به تمام نقاط بدن می رساند</p>
<p><b>کسر: كسر العظم</b></p> <p>صورة الأشعة بيّنت وجود كسر في عظم ساق المريض</p>	<p><b>شکستگی استخوان</b></p> <p>تصوير رادیولوژی ، وجود شکستگی در استخوان ساق پای بیمار را نشان داد</p>
<p><b>کف: المكفوف</b></p> <p>مؤسسة الإعاقة السمعية والبصرية طالبت بدمج المكفوفين في المدارس العادية</p>	<p><b>نابینا</b></p> <p>سازمان ناشنویان و نابینایان ، خواستار ادغام نابینایان در مدارس عادی شد</p>
<p><b>کلی: الكلي</b></p> <p>جمع كل هذا المدخول عبر تجارة الكلي</p>	<p><b>کلیه ها</b></p> <p>همه این درآمد را از طریق تجارت کلیه ها بدست آورده است</p>
<p><b>مرض: المساعدات المرضية</b></p> <p>هذا المشفى يقدم جميع المساعدات المرضية</p>	<p><b>خدمات درمانی</b></p> <p>این بیمارستان ، کلیه خدمات درمانی را ارائه می دهد</p>
<p><b>ململ: التململ</b></p> <p>المريض يشكو ويتململ</p>	<p><b>بخود پیچیدن</b></p> <p>مريض از درد به خود می پیچد</p>
<p><b>نجب: إنجاب الطفل</b></p> <p>ان أمريكية في الثامنة والخمسين أنجبت حفيدةها ، بعدما وافقت على أن تكون الأم الحاضنة لابنتها وصهرها</p>	<p><b>بچه دار شدن</b></p> <p>يك زن آمریکائی ۵۸ ساله ، که پذیرفته بود نطفه دختر و دامادش در رحم او تلقیح شود ، نوه خود را به دنیا آورد</p>
<p><b>نزف: النزيف</b></p> <p>تعرضت الأم المريضة لنزيف حادّ أثناء عملية الوضع</p>	<p><b>خون ریزی</b></p> <p>مادر بیمار ، در حین زایمان <u>گرفتار</u> (دچار) خونریزی سختی شد</p>
<p><b>نقص: نقص المناعة</b></p> <p>أصيب بمرض نقص المناعة المكتسبة</p>	<p><b>ایدز</b></p> <p>به بیماری ایدز مبتلا شد</p>
<p><b>نقل: نقالة الإسعاف</b></p>	<p><b>برانکار</b></p>

لا بدّ من حمله بنقالة الإسعاف	بايد با برانكارد اورا منتقل كرد
۱۰۰۳ نقی: النقاء أن ۱۱ یونانیا هارقوا الحياة , بعد تعاطي هيرويين فائق النقاء في الأسبوع المنصرم	خلوص هفته گذشته ۱۱ نفر یونانی , پس از استعمال هروئین با درصد خلوص بالا جان سپردند
۱۰۰۴ نقی: نقی العظم افتتح في لبنان مركز لأمراض الدم والأورام وزرع نقی العظم	مغز استخوان يك مركز بيماريهای خون و ورمها و کاشت مغز استخوان در لبنان دایر شد
۱۰۰۵ نوب: الطبيب المناوب لم يكن للطبيب المناوب خبرة كافية لهذه العملية	پزشك كشيک پزشك كشيک , مهارت کافی برای انجام این عمل جراحی نداشت
۱۰۰۶ هبط: هبوط الدورة الدموية توفيت المريضة إثر هبوط حاد في الدورة الدموية	کاهش فشار خون بیمار , در اثر کاهش شدید فشار خون درگذشت
۱۰۰۷ وعي: الوعي استعاد المريض وعيه , موصولاً بجهاز التنفّس الاصطناعي	هوش بیمار , با اتصال به دستگاه تنفس مصنوعی بهوش آمد



## ۱۲. المصطلحات الرياضية

۱۰۰۸	<b>إستاد : الإستاد</b> تدرب الفريق الأمارتي على إستادها البيضاوي في أبو ظبي , استعداداً لجولة الإياب في الدور الأول من تصفيات مونديال فرنسا	<b>استاديوم</b> تيم امارات , در استاديوم بيضى شكل ابو ظبى , تمرينهاى خود را براى آمادگى نسبت به دیدار رفت دور اول <u>جام</u> مونديال (جام جهاني) فرانسه انجام داد
۱۰۰۹	<b>بري : المباراة</b> اتهى الدور نصف النهائي في مباريات كُرّة السِّلّة , لِصَالِحِ الفِرَقِ الأوروبيّة	<b>مسابقه</b> دور نیمه نهانی مسابقات بسکتبال , <u>بنفع</u> (به سود) تیمهای اروپایی به اتمام رسید
۱۰۱۰	<b>بطل : البطولة</b> بطولة الدوري اللبناني لكرة السِّلّة	<b>قهرمانی</b> <u>قهرمانی بازیهای دورهای بسکتبال لبنان (لیگ قهرمانی بسکتبال لبنان)</u>
۱۰۱۱	<b>تحف : المتحف</b> يَتِمَكَّنْ هَوَاةُ الغَطْسِ من التَّجَوُّلِ في مُتَحَفٍ أُقِيمَ تَحْتَ الماء , لِمُشَاهَدَةِ الآثارِ الغارقةِ في مِيناءِ الإسكندرية	<b>موزه</b> علاقمندان غواصی می توانند , در موزه ای که برای مشاهده آثار غرق شده در بندر اسکندریه بر پا شده است , در زیر آب به گردش پردازند
۱۰۱۲	<b>حشد : الاحتشاد</b> اِحْتَشَدَ زُهَاءٌ مائة ألف متفرّج , لمشاهدة مباراة	<b>تجمع</b> حدود صد هزار تماشاگر برای مشاهده



کرة القدم	مسابقه فوتبال گرد آمدند
۱۰۱۳ حکم: الحكم	داور
بُنت لجنة الاتحاد الأوروبي لكرة القدم إيقاف الحكم السويسري مدى الحياة	کمیته فوتبال اتحادیه اروپا (اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا)) ، داور سویسی را برای تمام عمرش از داورى محروم کرد
۱۰۱۴ خبأ: التخبئة	پنهان کردن
لُعِبَ التَّخْبِئَةُ	بازی قایم موشک
۱۰۱۵ درج: الدراجة النارية	موتورسیکلت
انتزع المركز الأول في سباق الدراجات النارية , وقطع على دراجته النارية ۱۲۹ كلم في ۴۷ دقيقة	مقام اول در مسابقه موتور سواری را بدست آورد. وبا موتورسیکلت خود ۱۲۹ کیلومتر مسافت را در عرض ۴۷ دقیقه پیمود (و باموتور سیکلت خود مسافت ۱۲۹ کیلومتری را در عرض ۴۷ دقیقه پیمود)
۱۰۱۶ رصد: الرصيد	امتیاز
تساوت أرصدة ثلاثة فرق في صدارة الدوري اللبناني لكرة القدم	در رقابتهای <u>سری</u> <u>بازیهای فوتبال لبنان</u> (لیگ فوتبال لبنان)، سه تیم امتیازات مساوی کسب کردند
۱۰۱۷ رفع: رفع الأثقال	وزنه برداری
حاز لبنان على ۳ ميداليات برونزية , في بطولة العرب الرابعة برفع الأثقال للناشئين	لبنان ، در مسابقات <u>چهارم قهرمانی اعراب</u> در <u>وزنه برداری جوانان</u> (در چهارمین دوره مسابقات قهرمانی اعراب در وزنه برداری جوانان) ۳ مدال برونز تصاحب کرد
۱۰۱۸ رقم: الرقم القياسي	رکورد جهانی
سجلت السيارة النفاة رقماً قياسياً في السرعة	اتوموبیل دارای موتور جت ، يك رکورد

جهانی در سرعت بر جای گذاشت		
شکستن رکورد	رقم: تحطيم الرقم القياسي	۱۰۱۹
شناگر زن چینی ، رکورد ۵۰ متر سینه را شکست	حطمت السباحة الصينية الرقم القياسي في سباق ۵۰ متراً صدرأ	
ضربه	ركل: الركلة	۱۰۲۰
ضربه کورنر ، تیم امارات را پیروز کرد	الركلة الركنية حققت فوزاً للفريق الإماراتي	
تیراندازی	رمي: الرماية	۱۰۲۱
تیرانداز المپیک لبنانی ، در مسابقه شلیک به کبوتر هنگام پرواز از قفس (از حفره) ، به مقام اول دست یافت	فاز الرامي الأولمبي اللبناني في الرماية على الحمام من الحفرة بالدرجة الأولى	
دروازه	رمي: المرمى	۱۰۲۲
بازیگران (بازیکنان) خط میانی در خلال نیمه اول ، دروازه ایران را تهدید کردند ، بدون آنکه حملات آنان گلی را بدنبال داشته باشد	لاعبو خط الوسط هددوا المرمى الإيراني خلال الشوط الاول ، دون أن يترجموا هجماتهم إلى إصابة	
دروازه	رمي: المرمى	۱۰۲۳
دروازه بان تیم سوریه ، در پیروزی تیمش مشارکت داشت ، چون دروازه خود را در برابر ضربات قاطع رقیب حفظ کرد	حارس الفريق السوري ساهم في صنع الفوز ، حين أنقذ مرماه من إصابات أكيدة	
شرط بندی	رهن: المراهنة	۱۰۲۴
شرط بندی روی مسابقه	المراهنة على المباراة	
اسکی	زلج: التزلج	۱۰۲۵
باشگاه صفا ، دوره قهرمانی سالانه اسکی را در پیست اسکی آزادی برگزار کرد	نظم نادي الصفاء بطولته السنوية في التزلج على منحدر الحرية	
مسابقه شنا	سبح: سباق السباحة	۱۰۲۶
شرکت گسترده دانشجویان در مسابقات	أضفت المشاركة الجامعية الكثيفة على	

سباقات السباحة ، أجواء تنافسية ملفتة	شنا ، به رقابتهای چشمگیری منجر شد
صوب : الإصابة	به هدف زدن ، گل زدن
ذاق فريق ليفر بول طعم الانتصار ، بفوزه على رقيه بإصابة مقابل لا شيء	تيم ليورپول ، با نتیجه يك بر صفر بر حريف خود غلبه كرد ، و طعم پيروزي را چشيد
صوب : الإصابة	بهدف زدن
فاز عليه بإصابة مقابل لا شيء	با نتیجه يك بر صفر بازی را برد
ضرب : الضربة القتيّة	ضربه قتي
فاز الملاكم البريطاني على رقيه بالضربة القتيّة القاضية	مشت زن انگلیسی ، با ضربه فنی بر حريف خود پیروز شد
ضرب : ضربة الجزاء	ضربه پنالتی
الفريق اللبناني أهدر العديد من الفرص ، وأضاع ضربة الجزاء	تيم لبنان ، بسیاری از فرصتها را از <u>بهدر</u> داد (دست داد) ، و ضربه پنالتی را خراب کرد
ضيف : الفريق المضيف	تيم ميزبان
لقي الفريق الهولندي لكرة السلة هزيمة غير متوقعة أمام مضيفه	تيم بسکتبال هلند ، در مقابل ميزبان خود متحمل شکست غير منتظره ای شد
عزّز : تعزيز الصدارة	حفظ مقام اول
الفريق النمساوي عزّز صدارته بفارق نقطتين	تيم اتریشی با اختلاف دو گل (دو امتیاز) برتری (صدر نشینی) خود را تثبیت کرد
فرس : الفارس	اسب سوار
علّق في الاحتفال عدد من الإوزّ الحي من الأرجل ، ثمّ تسابق فرسان في الإطاحة برؤوس الطيور	در مراسم جشن ، تعدادی غاز زنده را از پا آویزان کردند ، و پس از آن اسب سواران برای قطع سر این پرندگان با هم مسابقه دادند
فوز : الفوز	بردن

بازی کرد - برد - مساوی کرد - باخت	لعب - فاز - تعادل - خسر	
جام جهانی دوره فینال قهرمانی تیس <u>جام جهانی</u> ، (جهان) به نتایج غیر مترقبه ای منجر شد	کأس: كأس العالم سجّلت تصفیات بطولة كأس العالم بكرة المضرب مفاجآت غیر متوقعة	۱۰۳۵
پرورش اندام در زیبایی اندام درخشید ، ونمایشی برای عرض اندام توسط او برگزار شد	کمل: کمال الاجسام برع في رياضة کمال الاجسام ، وأقيم له حفل لعرض العضلات	۱۰۳۶
دور، گردش مسابقه قهرمانی جهانی اتومبیلرانی ، از آغاز با حوادث غیر مترقبه همراه بود ، چون اتومبیلهای راننده آلمانی وفرانسوی در گردش اول با یکدیگر برخورد کردند	لف: اللفة فرضت المفاجآت نفسها مبكراً في سباق بطولة العالم للسيارات ، لأن اصطداماً وقع في اللفة الأولى بين سيارتي السائق الألماني والفرنسي	۱۰۳۷
ضربه مشت مشت زن ، با يك ضربه مشت چپ در دور ششم ، حریف خود را به زمین انداخت	لکم: اللكمة أسقط الملاكم رقيه في الجولة السادسة بلكمة من القبضة اليسرى	۱۰۳۸
مشت زنی برای حفظ لقب (عنوان) قهرمانی جهان در بوکس در مقطع میان وزن مبارزه می کند	لکم: الملاكمة يدافع عن لقب بطل العالم في الملاكمة في الوزن الوسط	۱۰۳۹
آمادگی بدنی کمته فتي انجمن دوچرخه سواران <u>لبنان</u> (کمته فتي فدراسيون دوچرخه سوارى لبنان) ، دوره هایى برای آمادگی بدنی ورزشکاران ترتیب داد	ليق: اللياقة البدنية نظّمت اللجنة الفتيّة في الاتحاد اللبناني للدراجات دورات لللياقة البدنية	۱۰۴۰
مدال	مدل: الميدال	۱۰۴۱

الميداليات الذهبية والفضية والبرونزية	مدالهای طلا ونقره و برونز
مرر: التمير	پاس دادن
مرر اللاعب الإيراني كرة متقنة ، ثم أبعد من اللاعب السعودي تسديدته الرأسية	بازیگر (بازیکن) ایرانی یک پاس خوب داد ، و سپس ضربه سر بازیگر (بازیکن) سعودی را دور کرد (دفع کرد)
موت: الإماتة	مات کردن (در شطرنج)
الأبيض أمات الأسود في النقلة التاسعة	مهره سفید ، سیاه را در حرکت نهم مات کرد
ندي: النادي	باشگاه
دعا شبيبة الحارة للانضمام إلى النادي الرياضي الجديد	جوانان محله را به پیوستن به باشگاه جدید ورزشی دعوت کرد
نزع: المنازعة	مبارزه
الفريق السوري ينازع الفريق اللبناني على المركز الثاني للمباريات	تیم سوری ، بر سر مقام دوم (برای تصاحب مقام دومی) مسابقات با تیم لبنان روبرو می شود
نقط: النقطة	امتیاز
جمع الفريق عشر نقاط من أربع مباريات	آن تیم ، از چهار مسابقه ده امتیاز بدست آورد
هدف: الهدف	گل زن
أعلن الاتحاد الدولي لكرة القدم عن تتويج لاعب منتخب الجمهورية الإسلامية الإيرانية ، هدافاً للعام ٩٦	اتحادیه (فدراسیون) بین المللی فوتبال ، بازیگر (بازیکن) تیم ملی ایران) منتخب جمهوری اسلامی ایران را بعنوان (بهترین) گل زن سال ۹۶ اعلام کرد
هوى: الهواية المفضلة	بازی یا سرگرمی مورد علاقه
هواية الهولنديين المفضلة منذ قرون هي التزلج على الجليد	سرگرمی مورد علاقه هلندیها از دیرباز. اسکی روی یخ بوده است

### ۱۳. الأخطاء الشائعة في الإعلام العربي

المعنى بالفارسية	الطريقة الصحيحة	الخطأ الشائع	١٠٤٩
بر این عقیده ام، که تلاش در تبعیت از مسئولان این موضوع، کار خوبی است	أرى أنّ السعى وراء المسؤولين عن هذه القضية أمر جيد	أجد السعي وراء المسؤولين عن هذه القضية أمرا جيدا	١٠٥٠
پاسخی ارائه داد	أدلى بجواب	أعطى جوابا	١٠٥١
تا کنون با برنامه ما همراه بوده اید (چون تصوّر همراهی بلا انقطاع کسی، با برنامه های یک رادیو معقول نیست)	مازلتم معنا	أنتم دائما مع إذاعنا	١٠٥٢
اتّهامات نسبت داده شده به مسیحیان	الاتّهامات الموجهة إلى المسيحيين	الاتّهامات ضدّ المسيحيين	١٠٥٣
یکی از مخالفان دولت	أحد الذين يعارضون الحكومة	أحد المعارضين للحكومة	١٠٥٤

۱۰۵۵	التأمر ضد الدولة	التأمر على الدولة	توطئه عليه دولت
۱۰۵۶	التاريخ الثقافي للأمم	تاريخ الأمم الثقافي	تاريخ فرهنگي ملتها (در مواردی که احتمال التباس وجود ندارد، فک اضافه صحیح نیست)
۱۰۵۷	تسير السيارات بشكل فوضوي	تسير السيارات بطريقة فوضوية	اتوموبيلها بگونه ای مشوش، و با بی نظمی حرکت می کنند
۱۰۵۸	تطوع في الجيش بهدف تحرير وطنه	تطوع في الجيش بغية تحرير وطنه	برای آزاد سازی وطنش، داوطلبانه به ارتش پیوست
۱۰۵۹	تعطي له تكامله	تعطيه تكامله	تکاملش را در اختیار او می گذارد
۱۰۶۰	تغطي أبرشية الإسكندرية مصر والسودان	إن أبرشية الإسكندرية تشمل مصر والسودان	خليفة گری اسکندريه، شامل مصر و سودان هم ميشود
۱۰۶۱	تم تشكيل الوزارة	تم تأليف الوزارة	ترکیب هیأت دولت کامل شد
۱۰۶۲	الحريري يَدشّن مقرّها الاثنين المقبل . رئيس جمعية التكافل يقول .	الحريري يَدشّن مقرّ جمعية التكافل، الاثنين المقبل . يعلن هذا رئيس الجمعية	حريري مقرّ انجمن مدد کاري را هفته آینده افتتاح میکند، اين مطلب را رئيس اين انجمن اعلام کرد (ارجاع ضمير به ما بعد آن غلط است)
۱۰۶۳	دراسة علمي قانون التقاعد	دراسة في قانون التقاعد	پژوهشی در مورد قانون بازنشستگی

دعوت حریف را برای مبارزه پذیرفت (بنظر میرسد ریشه این کاربرد غلط، اصطلاح دیگری باشد، که عبارت است از: رفع القفاز : دستکشها را بالا گرفت . چون اشرفزادگان قرون وسطی در زمان مبارزه طلبی، دستکشهای خود را روی زمین می انداختند، وکسی که آنها را بر می داشت، هموردی با او را پذیرفته بود)	قبل التحدي، أو واجه التحدي. (وكانه استعارة من أصل رفع القفاز : كان النبلاء في العصر الوسيط بالغرب إذا ما تحدى أحدهم الآخر للمبارزة، يرمي قفازه على الأرض أمامه، فان انتشل الخصم القفاز ورفع، أشار إلى أنه قبل التحدي	رفع التحدي	۱۰۶۴
از او پرسید، که آیا جواب آمده است ؟	سأله : هل جاء الجواب ؟	سأله إذا جاء الجواب.	۱۰۶۵
از نابسامان شدن وضع سلامتی خود رنج میبرد	شكا تدهور صحته	شكا من تدهور صحته	۱۰۶۶
روزنامه نگار (فلانی) کنگره شعر را پوشش خبری داد	(هذا المصطلح قد لا يوجد له بديل في العربية)	الصحافي فلان غطى مهرجان الشعر	۱۰۶۷
اعتصاب را تا مدتی متوقف کردند	أوقفوا الإضراب إلى حين	علقوا الإضراب	۱۰۶۸
با بت پرستی به مبارزه برخاست	قاتل الوثنية	قاتل ضد الوثنية	۱۰۶۹
رئیس (جمهور) از همتای خود بازدید کرد	قام الرئيس بزيارة نظيره	قام الرئيس بزيارة إلى نظيره	۱۰۷۰



۱۰۷۱	قَدَم طلابنا امتحانهم	خضعوا للامتحان , أو: تقدّموا إلى الامتحان	دانشجویان ما در امتحان شرکت کردند
۱۰۷۲	لعب دوراء	مثل دوراً , قام بدور , اضطلع بدور	نقشی ایفا کرد
۱۰۷۳	لم ولن تقبل الوضع	لم تقبل هذا الوضع , ولن نقبله	این وضع را تاکنون نپذیرفته ایم , واز این پس هم نخواهیم پذیرفت
۱۰۷۴	مسئولیتنا أكبر من أي وقت	مسئولیتنا أكبر منها في أي وقت	مسئولیت ما بزرگتر از آنست که در هر وقت دیگر بوده است
۱۰۷۵	من جديد	مجدّدا , أو: مرة ثانية	برای بار دوم
۱۰۷۶	المهم: ليس فقط أن يشفي أجسادنا , لكن أن يعزّز أمانتنا	المهم : لا أن يشفي أجسادنا فقط (وحسب), لكن (بل) أن يعزّز أمانتنا	تنها این مهمّ نیست که بدنهای ما را شفا دهد, بلکه باید امانتی را هم که بر عهده ماست عزیز بدارد
۱۰۷۷	نال التلميذ نقطة إضافية أنجحته	نال التلميذ علامة إضافية أنجحته	دانش آموز نمره ای اضافی کسب کرد , که به قبولی او منجر شد
۱۰۷۸	نشر هذه الرسائل , يشكل سابقة دبلوماسية	نشر هذه الرسائل سابقة دبلوماسية	انتشار این نامه ها , در عرف دیپلماتیک بی سابقه است
۱۰۷۹	نظرة تحليلية على قانون التقاعد	نظرة تحليلية إلى قانون التقاعد	دیدگاهی تحلیلیگرانه به قانون بازنشستگی

این ساختمان مانعی بر سر راه اتوموبیلهاست	هذا المبنى يقف عائقاً أو يقوم عائقاً	هذا المبنى يشكل عائقاً أمام السيارات	۱۰۸۰
این چیزی است که جاحظ خواست، خواننده آنرا بفهمد	هذا ما أراد الجاحظ أن يفهمه القارئ	هذا ما أراد الجاحظ إفهامه للقارئ	۱۰۸۱
این موضوع، دارای اهمیت فراوان است	هذه المسألة ذات أهمية كبيرة	هذه المسألة ترتدي أهمية كبيرة	۱۰۸۲
این امر موضوع مهمی است	هذه مسألة مهمة أو ناحية مهمة	هذه نقطة مهمة	۱۰۸۳
او مثل ستاره زهره است	هو كالزهرة	هو كما الزهرة (بتمهيز: هو كما تكون الزهرة)	۱۰۸۴
وضعی که در آن بسر می بریم	الوضع الذي نعيش فيه	الوضع الذي نعيشه	۱۰۸۵
کلیسا در مسئولیت اجتماعی	الكنيسة في وظيفتها الاجتماعية	الوظيفة الاجتماعية للكنيسة	۱۰۸۶
در منطقه به وفور یافت می شوند	(قد لا يوجد في العربية شيء مقابل هذا المصطلح)	يتواجدون في المنطقة بكثرة	۱۰۸۷
شورا، به توصیه های رهبران اهمیت زیادی می دهد	يولي المجلس إفادات القادة أهمية بالغة	يعلق المجلس أهمية كبيرة على إفادات القادة	۱۰۸۸



## ١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية

(أ)			
١٠٨٩	الأمَد	امد (زمان)	الآهو
١٠٩٠	الأبد	آبريز	الآبرسم
١٠٩١	الآبريق	آبريز (آفتابه)	الآبهة
			آب بها (جمال وزياني)
١٠٩٢	الإيوان	ايوان	ارمغان
			(هديه)
١٠٩٣	الأرجواني	ارغواني	استاد
١٠٩٤	الإستبرق	استبر (پارچه حرير)	اسپند (خردل سفيد)
١٠٩٥	(ب)		
١٠٩٦	البقلاوة	باقلوا	بابوش (نوعى كفش)
١٠٩٧	البابونج	بابونه (نوعى گياه)	باذنجان
١٠٩٨	البرنامج	بارنامه	البازار
١٠٩٩	البيمارستان والمارستان	بيمارستان	الباشق
			باشه (پرنده شكاري)

۱۱۰۰	البازرکان	بازرگان	بَخ بَخ	بخ بخ (صوتی برای تحسین)
۱۱۰۱	البخت	بخت	البخس	بخس (زمینی که بدون آبیاری کشاورزی شود)
۱۱۰۲	البرید	پست (از مصدر فارسی بردن)	البرستوك	پرستو
۱۱۰۳	البند	بند (پاراگراف)	البرشت	برشته
۱۱۰۴	البرکار	پرگار	البرواز	پرواز (امروزه برای قاب عکس و چارچوب بکار می رود)
۱۱۰۵	الباك	پاك	البقشيش	بخش (انعام)
۱۱۰۶	البستان	بوستان	البنفسج	بنفشه
۱۱۰۷	البهادر	بهادر (پهلوان)	البهلول ل	بهلول، (أهل طنز وفكاهه)
۱۱۰۸	الباب	معرب بیا بمعنی در (در فارسی قدیم)	البوتقه	بوته (بوته)
۱۱۰۹	البوز (الفم)	پوز	البيرقدار	بیرقدار، پرچمدار
۱۱۱۰	(ت)			
۱۱۱۱	التخت	تخت	الترنجبین	ترنجبین

توره (دامن)	التوره	توپا (سیب در فارسی قدیم)	التفاح	۱۱۱۲
			(ج)	۱۱۱۳
		زنجیر	الجنزیر	۱۱۱۴
جاه (مقام)	الجاه	جام (کاسه)	الجام	۱۱۱۵
گلاب	الجلاب	کزه (کوزه)	الجزة	۱۱۱۶
چمچم (نوعی کفش)	الچمچم	گل نار (گل انار)	الجلنار	۱۱۱۷
گناه	الجناح	گاومیش	الجاموس	۱۱۱۸
گورب (جوارب)	الجوارب	کوجه (حفره)	الجوخة	۱۱۱۹
جوشن (زره)	الجوشن	گاوشیر	الجواشیر	۱۱۲۰
گوهر (سنگ قیمتی)	الجوهر	گناه	الجنایة	۱۱۲۱
			(ح)	۱۱۲۲
		حربا (آفتاب پرست)	الحرباء	۱۱۲۳
			(خ)	۱۱۲۴
خام (پوست دباغی نشده)	الخام	خیار چنبر	خیار شنبر	۱۱۲۵
خوره (خورجین)	الخرج	خاتون (لقبی برای خانمها)	الخاتون	۱۱۲۶
پول خرد	الخردة	خرده جات (اجناس خرده)	الخرضوات	۱۱۲۷
خلخال	الخلخال	خرده (اجناس)	الخردة	۱۱۲۸

			ريز	
١١٢٩	الخشخاش	خشخاش	الخنديق	كنده
١١٣٠	الخربز	خربزه	الخورنق	خرنگاه (محل غذا خوری شاه)
١١٣١	الخنجر	خنجر (معرب خونکار)	الخيار	خيار
١١٣٢	الخان	خان (سلطان)	الخیال	خولیا (وهم)
١١٣٣	(د)			
١١٣٤	الديك	ديك (ظرف غذا)		
١١٣٥	الداية	دايه (قابله)	الدار صینی	دار چینی
١١٣٦	الديدبان	ديده بان	الدرب	مخفف دربند (راه باريك كوه)
١١٣٧	الدربان	دربان	الدرفس	درفش
١١٣٨	الدرز	درز لباس	الدرويش	درويش
١١٣٩	الدستور	دستور (دفتريث اسامي لشكريان)	الدست	دشت
١١٤٠	الدفتري	دفتر	الدف	دف (از آلات موسيقى)
١١٤١	الدكان	دكان	الدلو	دول (ابزار آبکشی)
١١٤٢	الدهقان	دهگان (رئيس دهكده)	الدوغ	دوغ
١١٤٣	الديباح	ديبا (حرير)	الديجور	ديجور (ظلمت)

۱۱۴۴	(ر)				
۱۱۴۵	الرخ	رخ (در شطرنج)	الرزق	روزی	
۱۱۴۶	الرشته	رشته	الرمق	رمه (گله)	
۱۱۴۷	الرهبان	راه بان (راهنما)	الروزنامه	روزنامه (دفتر ثبت روزانه)	
۱۱۴۸	(ز)				
۱۱۴۹	الزلاية	زولیا			
۱۱۵۰	الزور	زور (قوت)	الزاغ	زاغ (نوعی کلاغ)	
۱۱۵۱	الزبرج	زبارو	الزخرف	زیور	
۱۱۵۲	الزرد	زره	الزرافة	زرناپه	
۱۱۵۳	الزلال	زال	الزمزم	زمزم (بمعنى آهسته آهسته )	
۱۱۵۴	الزبرك	زبورك (آلتی در ساعت)	الزنديق	زن دين (كسى كه در دين مثل زنان است)	
۱۱۵۵	(س)				
۱۱۵۶	السالار	سالار (زعيم)	الساية	سایه	
۱۱۵۷	السخت	سخت	السدير	سه دير (كاخى كه از سه قبه تشكيل مى شد)	
۱۱۵۸	الساذج	ساده	السراب	سراب (سر + آب)	



۱۱۵۹	السربال	شروال (شلوار)	السراج	جراغ
۱۱۶۰	السرداب	سرداب (سرد + آب)	السرمد	سر + امد (امد بمعنى زمان) (الأبدی)
۱۱۶۱	السرو	سرو	السكنجين	سرکه انگبین
۱۱۶۲	السلحفاة	سوله پای (پای در لاک : لاکپشت)	السلّ	سل (بیماری سل)
۱۱۶۳	السمندر	سمندل	السبازج	سباده
۱۱۶۴	السنبوسق	سنبوسه	السنباب	سنباب
۱۱۶۵	السنجق	سنجوق	السندان	سندان
۱۱۶۶	السنديان	سنديان (درخت بلوط)	السنطور	زنتور (آلئی در موسیقی)
۱۱۶۷	الساج	ساج (نوعی درخت)	السور	سور (میهمانی)
۱۱۶۸	السیخ	سیخ	السیکاه	سه گاه (دستگاهی در موسیقی)
۱۱۶۹	(ش)			
۱۱۷۰	الشاقول	شاقول	الشیکران	شوکران (گیاهی دارویی)
۱۱۷۱	الشاکوش	چکش		
۱۱۷۲	الشاه بلوط	شاه بلوط	الشیء	معرّب چی، مخفّف چیز
۱۱۷۳	الشاهنشاه	شاهان شاه	الشاه ین	شاهین (مرغ شکاری)

۱۱۷۴	الشای	چای	الشادور	چادر
۱۱۷۵	الشبذر	شبدر	الشیرازه	شیرازه (در کتاب)
۱۱۷۶	الشرشف	چارشب (مخفف چادر شب: روانداز)	الشاروف	جاروب (جارو)
۱۱۷۷	الشطرنج	شش رنگ (چون شش مهره دارد)	الشفع	جفت (جفت)
۱۱۷۸	الشلجم	شلغم	الشمعدان	شمعدان
۱۱۷۹	الشهيّ (اللذیذ)	شاهی (لذیذ وشاهانه)	الشهره	شاهراه (راه بزرگ)
۱۱۸۰	الشواظ	سوزا (شدّت حریق)	الشوربه	شوربا
۱۱۸۱	الشوكة	شکوه (عظمت)	الشاهکار	شاهکار (دستگاهی در موسیقی)
۱۱۸۲	الشهدانج	شاه دانه	الشهترج	شاه تره (عرق گیاهی)
۱۱۸۳	(ص)			
۱۱۸۴	الصيّ (جماعة من الناس)	معرب صد	الصدی	معرب سدا (صدا)
۱۱۸۵	الصرم	چرم	الصنچ	سنج
۱۱۸۶	الصنجة	سنجه (میزان)	الصهر	معرب شوهر (داماد)
۱۱۸۷	(ط)			
۱۱۸۸	الطبر	تبر	الطبرزد	تبرزد (نوعی)

شكر سفيد)				
١١٨٩	الطبرزين	تبرزين	الطباشير	تباشير (نوعى دوا)
١١٩٠	الطربوش	معرب سربوش (بمعنى كلاه)	الطرخون	ترخون
١١٩١	الطراز	تراز	الطراز	( ترز: هيت )
١١٩٢	الطازج	تازه	الطسمه	تاسمه (باريكه اى از چرم)
١١٩٣	الطلخ	تلخ	الطيلسان	تالسان (نوعى لباس مشايخ)
١١٩٤	الطنبور	تنبور (از ادوات موسيقى)	الطيهوج	تيهو (نوعى پرنده)
١١٩٥	(ع)			
١١٩٦	العرموط	انبروت (بمعنى گلابى )	العطش	معرب تش (مخفف تشنه)
١١٩٧	العسكر	لشكر		
١١٩٨	العصروتيّة	عصرانه		
١١٩٩	(غ)			
١٢٠٠	الغوغاء	غوغا		
١٢٠١	(ف)			
١٢٠٢	الفرسخ	فرسنگ	الفرمان	فرمان (عهد سلطان)
١٢٠٣	الفنجان	پنگان	الفهرس	فهرست
١٢٠٤	الفالودج	پالوده	الفولاذ	پولاد

۱۲۰۵	الفیروزج	پیروزه	الفیل	بیل
۱۲۰۶	(ق)			
۱۲۰۷	القبان	کبان (ترازو)	القرمز	قرمز
۱۲۰۸	القلعة	معرب کلات	القلّة	کله (سرکوه)
۱۲۰۹	القمطیر (اليوم) الشديد المظلم)	(معرب خم تاریک) قبة الظلام)	القند	قند (معرب کند)
۱۲۱۰	القهرمان	قهرمان , مرکب از قهر (عربی) , ومان (فارسی) , بمعنى صاحب	القوش	معرب مخفف کوپچک
۱۲۱۱	القیروان (جماعة من الخیل)	کاروان		
۱۲۱۲	(ک)			
۱۲۱۳	الکار	کار , شغل	الکبة	خوراکی از برغل وگوشت (از مصدر کوبیدن)
۱۲۱۴	الکشمش	کشمش	الکاغد	کاغذ
۱۲۱۵	الکأس	کاسه	الکوکي	کوکى (نوعی پرنده)
۱۲۱۶	الکركدن	کرگدن	الکش	کیش در شطرنج (معرب کشت بمعنى : قتل)

١٢١٧	الكشك	كشك	الكشكول	كشكول
١٢١٨	الكافور	كافور	الكلكون	كلگون (بمعنى سرخاب)
١٢١٩	الكمنجة	کمانچه	الکنار	کنار (بمعنى سدر)
١٢٢٠	الكوسج	کوسه	الکنز	گنج
١٢٢١	الكهرباء	کاه ربا (بمعنى برق)	الکوخ	کوخ
١٢٢٢	(ل)			
١٢٢٣	لا سيخ ولا کباب	نه سيخ (بسوزد)، نه کباب		
١٢٢٤	الليمون	ليمو	اللازورد	لاجورد
١٢٢٥	اللجام	لگام	اللعل	معرب لال
١٢٢٦	اللوياء	لوبياء	اللولب	لوله
١٢٢٧	(م)			
١٢٢٨	المقليد (ج): المقاليد	کليد		
١٢٢٩	المرزبان	مرزبان	المارستان	مخفف بیمارستان
١٢٣٠	الماخور (مجلس الفساق)	می خور	المرز جوش	مرزنگوش (نوعى گیاه)
١٢٣١	الموزج	موزه (كفش)	المشت	مشت
١٢٣٢	المهر	مهر	المهرجان	مهرگان

				(الخاتم)	
۱۲۳۳	الموم (الشمع)	موم	الميناء (جوهر الزجاج)	مينا	
۱۲۳۴	(ن)				
۱۲۳۵	النازيك	نازك			
۱۲۳۶	الترجس	نرگس	النارجيل (جوز الهند)	نارگيل	
۱۲۳۷	النمبرشت	نيم برشته	النای	نای (نى) ، (از آلات موسيقى)	
۱۲۳۸	الأنيج	انبه (نوعى ميوه)	النجار (الأصل والحسب)	نژاد	
۱۲۳۹	النسترن	نسترن	النشادر	نوشادر	
۱۲۴۰	النشا	محفف نشاسته	النشوه (السكر)	نشوه (مأخوذ از نوشیدن)	
۱۲۴۱	النعناع	معرب نانه	النموذج	نموده (بمعنى نمونه)	
۱۲۴۲	النرد	نرد (نوعى بازى)	النيروز	نوروز	
۱۲۴۳	النارنج	نارنگ	النيزك (الرمح القصير)	نيزه	
۱۲۴۴	النيرنج (الحيله)	معرب نورنگ	النيلوفر	نيلوفر	
۱۲۴۵	(ه)				
۱۲۴۶	الهاون	هاون	ياسمين	الياسمين	
۱۲۴۷	الهزار (العندليب)	محفف هزار دستان	الهندام (الحسن القد)	معرب اندام	
۱۲۴۸	الهنداز (الحد و القياس)	اندازه			
۱۲۴۹	(ي)				

١٢٥٠	الياسمين	ياسمين	الياب	ياب (بمعنى خراب)
------	----------	--------	-------	---------------------

## فهرس الأفاظ الفارسية

۳۳۲	آب آشامیدنی	۸۵۸	آتش بس		واجتناب
۵۳۵-	آب دهان	۸۷۱	آتش گشودن	۱۵۴	احياء
۲۰۰۰		۸۰۶	آتش نشانی	۴۶۰	اختلاط
۲۲۶۷	ابر	۷۶۰	آتشفشان		ودوگانگی
۶۳۱	ابر فشرده	۲۷۶	اتصالات	۷۲۱	اختلاف
۷۸۹	ابر مغناطیسی		بهداشتی		مشاحرة
۱۳۲	ابراز قدرت	۷۷۷	اتم	۶۵۳	اختلال
۱۰۷	ابراز ندامت	۹۳۴	اتمی	۳۲۶	أخذ ضمانت
۸۱۴	ابراز نگرانی	۹۰۷	اتومبیل بمب	۷۴۹	اخطاریه
۱۱۴	ابر قدرت		گذاری شده	۱۹۴	ادارات دولتی
۱۶۶	آبرو	۲۵۳	اتومبیل حمل	۷۲۶	اداره اطلاعات
۴۴۴	آبستن		جنازه	۳۱۴	اداره امداد
۱۵۵۹-	آبکش	۸۱۸	اتوموبیل	۷۳۱	اداره ثبت املاك
۲۸۱۵			خورشیدی	۶۵۱	اداره طرح
۱۵۶۷	آبگوش	۹	اثر انگشت		وبرنامه
۶۸۴	ابلاغ ، ابلاغیه	۳۸۲	اجاق گاز	۸۹۷	اداره نظام وظیفه
۷۶۹	آبهای زیرزمینی	۲۴۷	اجتناب ناپذیر	۳۷۲	ادغام شرکتها
۷۵۹	آبهای آلوده	۷۵۳	اجرا	۱۹۸۴	آدم بیدار
۸۴۷	آبی - خاکی	۴۱۵	اجرا کردن	۱۵۶۴	آدم پست
۸۴۴	آبیاری قطره ای	۷۵۴	اجرای حکم	۱۹۸۴	آدم خواب
۱۴۱۶	آتش	۱۹۶	احتکار	۲۱۴۶	آدم غریق
۴۵۵	آتش بازی	۳۶	احتیاط کاری	۲۰۵۸	آدم کور



۹۷۸	استخوان
۸۶۱	استراق سمع
۶۹۲	استعفا
۹۷۷	استعمال
۹۱۹	استقبال از مرگ
۱۱۹	استكبار
۴۴۹	استمرار
	جاودانگی
۲۱۲	استبطا
	موضعگیرها
۱۱۳	استوار نامه
۲۶۵۳	آستین
۴۶۷	آستین بالا زدن
	عزم را جزم کردن
۳۵۵	اسفالت کردن
	خیابانها
۲۱۰	اسفناك
۵۰۲	اسقف
۱۷۰	اسكان یافتن
۳۵۶	اسكناس تقلبی
۱۰۲۵	اسكى
۹۲۷	اسكیت
۸۶۳	اسلامی کردن
۹۵۴	آسم
۷۹۵	آسیاب

	عَدول کردن
۳۲۷	از سر گیری
۹۸۴	از کار افتادگی
۸۹۳	از هم پاشیدن
۴۸۶	از هم
	گسستگی
۹۱۰	آزاد کردن
۲۲۱۵	آزار
۱۱۵	آزار دادن
۹۸۶	آز مایش
۷۷۲	آز مایش (تجزیه)
	ادرار
۸۸۷	آزیر خطر
۱۶۲۶	اسب
۱۰۳۳	اسب سوار
۹۴۸	اسپریم
۱۰۰۸	استادیوم
۳۳۲	استانداری
۲۳۱۷	استثناء
۵۱۹	استحکام
	بخشیدن
۳۲۱	استخدام، بکار
	گیری
۶۸۷	استخدام تمام
	وقت

۱۳۲۰	آدمهای لوچ
۸۴۱	ادوات ولوازم
۸۳۹	آراستن
۳۵۴	آرامش زندگی
۲۳۷	آرایش
۲۴۵۷	آرایشگر
۶۹۸	ارتباطات
۸۹۹	ارتباطات امنیتی
۷۱۹	ارتداد
۸۵۵	ارتفاع پائین
۸۷۷	ارتفاع درجه
۴۹۲	ارتكاب جنایت
۲۷۴	ارتكاب گناه
۱۹۹	ارجاع دادن
۳۸۱	آرد کردن
۳۸۴	ارزش پول
۴۹۸	آرزو کردن
۸۲	ارزیابی اوضاع
۷	ارسال تلگراف
۸۴۳	آره برقی
۶۲۵	آری
۹۸۵	از پای در آوردن
۲۷۱	از حد اعتدال
	خارج شدن
۹۲۴	از خواسته خود

اشغالگران	۱۹۶
آشغالها	۲۸۰۵
آشفتكى	۴۳۳
اشياء لوکس	۴۹۷
اصلاح خرابيها	۶۸۳
اصلاحات	۶۷۱
سازمانى	
اصول کتابدارى	۸۲۸
اطلاع	۸۴
اطمينان دادن	۱۰۱
اظهار نظر	۱۱۲
اعتراض	۷۱۶
اعتصاب	۳۶۸
اعطاء	۹۴
اعطای	۷۱۴
صلاحیت	
اعطای فرصت	۲۹۷
اعلامیه	۷۱۲
اعلان خبر مرگ	۳۰۳
اعمال شاقه	۶۹۹
اعمال فشار	۱۴۵
اغتنام فرصت	۷۵۴
افراد ذيربط	۱۲۹
افراط گرایان	۵۸۳
افراطگرایی	۸۹۳

افروخته شدن	۸۶۹
آتش	
افزایش آشکار	۴۰۴
افزایش حملات	۸۸۶
افزون بر نیاز	۶۸۸
افسر چتر باز	۸۹۶
افسردگی	۹۹۱
افکار عمومی	۴۸۴
افکار منجمد	۴۹۶
اقتدار	۷۳۳
اقدام ، اعمال	۱۴۵
اقدام دوستانه	۴
اقدام نسنجیده	۲۵۱
آکنده	۵۵۹
اکیب اسب سوار	۸۶۲
الاغ	۱۶۲۶
آلت دست	۵۴۰
الک بدست	۱۹۳۳
الماس	۴۱۱
المنشی	۷۳۱
النگو	۱۲۹۹
آلودگی	۸۱۴
آلودن	۲۰۷
آماج حملات	۸۱
آمادگی بدنی	۱۰۴۰

آمادگی کامل	۸۴۵
آماده باش	۸۴۶
آماده سازی	۳۲۲
آمار کلی	۶۸۸
آمیول	۱۷۲
امتیاز گرفتن	۱۵۶
امضا کردن	۵۲۱
امور زیر بنایی	۶۴۲
آموزش همگانی	۵۱۰
انار	۲۰۴۰
انبار	۲۹۸
انبار مهمات ،	۸۴۸
زراد خانه	
انتقال آب	۸۳۱
انتقام	۹۱۳
انجام عملیات	۳۳۱
گمرکی	
انجمن	۱۸۰
انجمن اساتید	۷۳۸
انجمن	۵۱۲
دانشجویی	
انحطاط	۴۵۷
وحشتناک	
انداختن ، طرد	۱۵۱
کردن	

اعلام کردن	
باتلاق	۹۳۱
باختن	۱۰۳۴
باد معده	۲۱۷۸
بادام	۸۲۹
باران زا	۷۸۲
بارگیری	۶۶۸
باروت	۲۷۳۳
بارور شدن	۷۷۱
باروری	۷۷۲
مصنوعی	
باز داشتن	۷۰۲
باز گرداندن	۵۹۸
بازار	۱۲۷۰
بازاریاب	۶۹۷
بازپرس	۷۱۰
بازجویی	۸۵۱
باز خرید	۶۹۰
بازداشتگاه	۹۰۲
بازداشتی	۹۰۱
بازدید تشریفاتی	۶۴۵
بازسازی	۶۷۱
بازگشت مجدد	۴۸۰
عید	
بازنشتگی	۶۹۰

آهك	۴۹۵
آهك زده	۴۹۶
اهمال	۴۱۰
اهمیت	۴۴۷
آهن	۱۸۹۳
آهو	۱۹۷۱
اوراق بهادر	۳۲۸
اورژانس	۸۹۲
اوضاع واحوال	۲۷
اول خط	۳۰۶
اولویتها	۷۵
اونیفورم رسمی	۷۲۴
آویختن	۳۲۰
آویزان	۱۲۸
ایجاد اختلال	۲۰۴
ایجاد انفجار	۸۰۰
آیدز	۱۰۰۱
ایراد خسارت	۳۲۶
ایراد سخن	۵۲
اظهار نظر	
ایستگاه رادیونی	۸۸۵
ایفای نقش	۹۲
ایما و اشاره	۹۱۷
آینده نزدیک	۸۸۶
با صدای بلند	۱۶۱

اندازه گیری	۹۷۲
اندیشیدن	۶۸
درنگ کردن	
انرژی	۷۹۷
انرژی اتمی	۷۷۷
انزجار	۲۲۵
انزوا ، گوشه	۹۵۷
گزینی	
انضمام	۴۷۱
انعطاف پذیر	۵۸۷
انفجار اطلاعات	۸۰۰
انفجار	۷۸۹
خورشیدی	
انگشت اتهام	۸۵
انگشت به	۴۷۶
دندان گزیدن	
انگشتر	۲۵۷۳
انگیختن	۵۲۷
انواع سوخت	۳۳۴
آه گرم	۵۵۹
اهتزاز	۸۴۹
اهتمام ورزیدن	۵۹۹
اهداف ، ایده ها	۵۱۱
اهداف صلح	۷۹۷
آمیز	

بازنگرى	۱۰۵	بچه دار شدن	۹۹۹	قبلى	
بازى كردن	۲۸۸	بحبوحه	۵۴۸	بذر	۸۳۵
بازى يا سرگرمى	۱۰۴۸	بحث برانگيز	۲۲۲	برافراشتن	۳۳۴
مورد علاقه		بحث وبرسى	۱۵۵	برافروختن آتش	۴۳۳
بازيافت	۲۷۶	بحث وجدل	۵۷۹	بِراق كردن	۶۱۸
بازيگر	۱۰۴۷	بحث وجدل	۶۲۷	برانكاراد	۱۰۰۲
باشگاه	۱۰۴۴	بحران	۳	برانگيختن	۵۲۷
باشگاه نظامى	۹۲۱	بحران سياسى	۹۹	برترى	۱۰۳۲
باطرى	۸۰۹	بحركت درآمدن	۶۱۱	برخورد	۳۹۵
باطل كردن	۴۹	، از جا كنده		برداشت	۵۳۵
باغ وحش	۸۰۵	شدن و		بردن	۱۰۳۴
بافتن مو	۴۹۱	بخت آزمائى	۴۱۴	بررسى كردن	۸۳۱
باقلا	۱۳۸۸-	بخش	۴۰۵	برطرف كردن	۴۵
	۲۱۸۹	بخش دولتى	۴۰۵	برف	۱۷۰۲
باقلوا	۲۱۸	بخش ها	۲	برق رسانى	۸۳۵
بالا خانه	۲۴۷۵	بخشنامه	۶۶۲	برگه شناسائى	۶۹۳
بالاگرفتن	۵۳۴	بخشهاى	۳۶۲	برگها	۱۶۷
بالكن	۳۱۵	اقتصادى		برملا شدن	۵۸۵
بالنده	۷۷۳	بخود پيچيدن	۹۹۸	برنامه	۳۳۹
بانك	۳۷۳	بدار آويخته	۲۳۷۹	برنامه ، نقشه	۶۵۲
بايگانى	۲۱۳	بدام انداختن	۳۷۶	برنامه ريزى	۵۳۲
پيا خيزى	۳۱۱	بدان	۲۷۱۳	برنامه ريزى	۶۵۱
بتون	۲۰۱	بدهى خارجى	۳۵۸	مالى	
بتون مسلح	۲۰۱	بدون هدف	۱۰۳	برنامه هاى	۵۱۰
بچه نه تغارى	۲۱۵۰	وبرنامه ريزى		آموزشى	

١٤٦	بهدود شرایط
٨٣٥	بهداشت
٣٧٩	بهدر رفتن
١٠٢٨	بهدف زدن
٥٨٠	بهره اندك وبی ارزش
٥٠٩	بهره برداری
١٥٤٥	بو
٨٣٦	بوته، نهال
٤٣٠	بودجه عمومی
٣٢٩	بورس
١٥٦١	بوزینه
٥٢٤	بوسیدن
٢١٩	بوق اتومبیل
١٠٣٩	بوکس
١٣٤	بی پرده ، با صراحت
٩٤٨	بی حسی ، هوشبری
٩٠٠	بی دفاع
٦١٩	بی رنگ وبو
٢٣	بی فایده
٢٤٥	بی نظیر
١٣٥٨	بی همسر
٤٤	بیانیه ضعیف

٥٦	بمب گازی
٧٤٣	بمورد اجرا
٤٢	بن بست
١٣	بنا کردن
١٣٦	بنای یادبود
٥٠٨	بند انگشت
٣٥٦	بنگاه صرافی
٤٣٤	بنیاد گرانی
٢٢٥	به اوج رسیدن
٨٥٠	به بازی گرفتن
٨٥٥	به پرواز در آمدن ، اوج گرفتن
٣٥٢	به تأخیر انداختن
٧١٨	به تعویق انداختن
٨٥٣	به جوش
	وخورش در آمدن
١٨٦	به خاک سپردن
١٤	به شکست
	منتهی شدن
٦٥٧	به معرض اجرا
١٠٢٧	به هدف زدن ،
	گل زدن

٨٨٠	برهنگی
٢١٧٧	بروبیا
١٠٤١	برونز
٤٠٦	بریدن
١٧٧٢	بز
٦٥٤	بزرگراه
١٧٧٢	بزغاله
١٩٧	بزیر افکندن
١٠٢	بستن ، در هم پیچیدن
	بستنی
١٥٣١	بسته پستی
٢٤٩	بسکتبال
١٠٠٩	بسیج نیروها
٩٣٠	بشقابهای گیرنده
٧٩٤	بشقه زنی
٢٠١	بطور دستجمعی
٦٩٢	بعد سیاسی
١٦٩	بگومگو
٥٦٦	بلعیدن
٨١٣	بله بله چی
٦٢٥	بلورها
٨١٢	بلوند
٤٨٣	بمب ساعتی
٣٢٤	

بیانیه مهم	۳۲۹
بیدار کردن مردم	۴۶۱
در سحر	
بیراهه ها	۲۰
بیسیم	۷۹۰
بیکار	۲۵۹-۲۰۹۹
بیکاری	۱۸۲
بیل	۱۳۲۱
بیمارستان	۹۶۳
بیماری	۹۸۱
بیمه درمانی	۲۸۵
بیمه شده	۶۷۸
بین المللی کردن	۵۵
بینش	۴۳۴
بینش بسته	۴۸۲
ومحدود	
با	۲۳۲۲
با برهنه	۲۸۰۰
باتاک	۹۳۵
پادگان	۸۴۹
پارازیت	۸۸۵
انداختن	
پارتنری بازی	۱۹۴
پارچه	۱۴۴۱
پارس سگ	۲۰۱۶

بارلمان	۲۵
بازه کردن	۸۲۹
باس دادن	۱۰۴۲
باسخ	۱۱۵
باسخگوئی	۴۰۹
باسگاه	۸۶۰
باشنه	۲۳۵۲
باشیدن	۸۷۴
باکت	۴۱۷
بالتو	۱۶۹۹
بایان نامه	۵۲۱
بایتخت	۲۱۸
بایگاه	۸۶۹
بتک	۵۱۴
بدیده	۵۲۶
پذیرش	۱۸۶
بر	۱۳۰۶
بر	۱۸۶۲
بر کردن خلا	۲۹۶
بر کردن شکاف	۳۱۶
برانتز	۶۱۳
برتاب سنگ	۵۵۵
برتاب متبادل	۱۲۹
برچم اسلام	۴۷۱
برچم نیمه	۱۵۸

افراشته	
برخوری	۹۶۲
پرداخت حقوق	۳۸۷
برده	۵۶۲
برده برداری	۹۹-۵۰۷
پرستاری	۷۶۸
برکردن	۵۳۰
برکنده	۱۹۲۰
بر هزینه	۳۱۹
پرواز	۸۵۵
پروانه	۲۵۸۵
پروانه کسب	۶۶۰
پرورش اندام	۱۰۳۶
پروژکتور رسانه	۹۵
های گروهی	
پروژه	۴۲۹
پرونده	۸۷
بز شک کشیک	۱۰۰۵
پزشکان	۹۷۳
پزشکی قانونی	۹۷۴
پژوهش	۴۶۷
پژوهشهای	۷۵۸
هواشناسی	
پس انداز	۳۴۹
پس گرفتن رأی	۷۰۴

۱-۱۱۷	بیشرفت	۲۸۲۷	بنجه ها		اعتماد
۴۷۴	پیشگو	۱۰۱۴	پنهان کردن	۸۲۵	پس لرزه
۹۵۵	پیشگیری	۱۹۶۰	پوست موز	۳۰۴	پس مانده ها ،
۷۴۰	پیشنهاد	۱۳۸۵	پوسته		زباله ها
۳۴۲	پیشه	۸۲۷	پوسته زمین	۷۶۴	پستانداران
۵۶۵	پیشی گرفتن	۹۴	پوشش دادن	۸۰۵	پسته
۸۵۴	پیکان نیزه	۵۶۷	پوشیدن شلوار	۲۸۶	پشت صحنه
۳۷۲	پیکر نظام	۴۶	پوشیده	۲۹۶	پشتکار مداوم
۷۳۳	پیگرد قانونی	۹۵۵	پوکی استخوان	۳۸۷	پشتوانه خزانه
۸۳	پيله	۳۹۶	پول ، ارز	۱۶۴۴	پشم
۱۳۸	پیمانه	۲۲۵۱	پول خرد	۲۰۸	پشم یز
۶۶۳	پیوست	۴۱۶	پول در گردش	۱۶۰۵	پشیمان
۲۷۵	پیوند ازدواج	۲۰۱	پی ریزی	۴۳۹	پل زدن برای
۶۹	تاب وتوان	۸۷۴	پیاده نظام		رفع شکاف
۲۶۱	تابعیت	۱۴۰۳	پیاز	۶۵۴	پلاک زمین
۶۶۷	تابلو اعلانات	۳۸۴	پیام	۹۴۲	پلك چشم
۲۳۴	تابلو راهنمایی	۴۱	پیامد	۲۰۹۱	پلو
۲۹۲	تابلو رنگ روغن	۹۷۱	پیچیدن	۲۱۹	پلیس راهنمایی
۱۳۶	تاج	۲۱۶	پیچیده	۱۱	پماد
۴۹۴	تاج گل	۱۰۲۵	پیست اسکی	۹۲	پمپاژ کردن
۶۳۷	تاقچه	۴۷۴	پیش بینی	۸۵۶	پناهگاه
۷۴۴	تام الاختیار	۳۶۳	پیش پرداخت	۱۴۰	پناهندگان
۶۷۷	تأمین اجتماعی	۵۱۰	پیش دانشگاهی	۲۷۰۹	پنجره
۴۲۸	تأمین هزینه ها	۵	پیش قدم شدن	۳۸۳	پنجه آهنین
۸۶۳	تانک	۲۷۶	پیشناز	۲۴۰۳	پنجه کشیدن

تأیید گواهی	۶۷۰	تخت دونفره	۳۸۲	ترور	۹۰۶
تأیید ومعرفی	۳۲۶	تختخواب	۹۵۸	ترورسم	۲۳۲
تاتار	۴۶۳	تخفیف قیمتها	۳۳۸	تریون	۷۵۱
تب جنگ	۹۲۶	تخلیه	۶۵۴	تسلیم شدن	۶۴
تبار	۱۸۹	تخلیه زباله	۳۰۴	تسویه حساب	۳۹۹
تبدیل شدن به	۴۹۵	تخم ( مرغ )	۵۲۹	تشریفات	۲۶
آهک ، جمود		تخمک	۸۱۵	تشعشع زان	۷۹۱
وگچ گرفتنی		تدارکات	۴۸۹	تصاویر	۵۰۰
تبر	۸۴۳	تراز ماهیانه	۳۳۶	تصرفات جنون	۱۶۴
تبریک گفتن	۵۷۲	تراکم ، فزونی	۲۸۴	آمیز	
تبعیت	۶۷۵	تراکم ترافیک	۲۵۲	تصنع	۶۰۶
تپانچه	۸۸۱	ترتیب نمرات	۳۲۱	تصویب کردن	۳۳۹
تپه ، بلندی	۹۳۶	ترخیص از	۳۳۱	تصویر ،	۶۷۴
تجاهل	۳۰۸	گمرک		رونوشت	
تجاوز	۵۸۵	ترسو	۳۱۷	تصویر مبتذل	۵۰۰
تجاوز به زنان	۴۸۱	ترسیم کردن	۶۱	تضمین تعهدات	۱۰۱
تجزیه شدن	۹۴۶	ترش	۱۵۲۶	تظاهرکنندگان	۷۳۵
تجزیه وتحلیل	۸۱۱	ترفیع درجه	۸۷۷	تعادل	۱۶۸
تجمع	۱۰۱۲	ترك تحصیل	۴۶۲	تعديل	۲۸۱
تحت پیگرد	۷۳۳	ترك خوردگی	۳۱۵	تعديلها ،	۱۴۲
تحت فرماندهی	۸۶۴	تركش ( برای )	۴۶۶	دستکاری ها	
تحقیق	۷۰۲	خمپاره )		تعرض به قانون	۷۴۷
تحول	۳۸۵	ترکی کردن	۱۵	تعرض جنسی	۴۸۱
تحول کیفی	۳۴۶	ترکیب خاک	۷۸۸	تعصب	۲۵۷
تحويل شکایات	۶۸۱	ترمز	۲۵۴	تعویق کار	۱۴۶



توصیف کردن	١٠٣
توطنه	١
توقف دوبله	٢٣٨
توله	١٨٦٧
تولید	٤١٣
تولید ناخالص	٢٤٧
ملی	
تیر روزنامه ها	٥١٥
تیر اندازی	٥٧٨-١٠٢١
تیر خلاص	٨٧٦
تیر وکمان (قلوه)	٩١٤
سنگ )	
تیم میزبان	١٠٣١
ثروتمندان	٣٩٨
جاده اصلی	١٩١
جاده صاف	٧٤
وهموار	
جاده کمربندی	٣٣٢
جار و جنجال	٢٦٠٦
جاری	٢١٥
جاری شدن	٢٢٦
جالباسی	٣٨٢
جام	١٠٠٨
جام جهانی	١٠٣٥
جایگزین کردن	٦٨٠

تلفنهای ضروری	٣١٤
تلگرام	١٨١
تله انفجاری	٨٩٨
تلویزیون	٤٦٨
تماشاگر	١٠١٢
تمایلات	٢٥٦
تمبر پستی	٢٣١
تمبر یادبود	٤٤٩
تمرکز ارتش	٩٣٥
تمرکز زدائی	٦٦٥
تند روی	٨٩٣
تگ نفسی	٩٥٤
تنگنا	١٩٣
تنگی	٥٨١
تنیس	١٠٣٥
تهدید	٣٠١
تهی کردن	٢٦٧
توپ	٨٦٧
توتون	٦٤٣
توجه کردن	٦
توده	٨٠٧
توده دانش	٤٥١
آموزی	
تورم	٣٧٧
توسعه	٤٢٠

تعیین سرنوشت	٢٧٣
تف	١٦٨١
تف کردن	١٤٥٤
تفسیر	١١٢
تفنگ	٨٨٩
تقلب	٣٥٦
تقویت وترسیخ	١٦٩
روابط	
تقویت روابط	٥١٩
تک نظامی	٨٨٨
تکان خوردن	٧٠
تکذیب	٢٧٢
وتضعیف	
تکمیل کردن ،	٥٢٠
اعطای کامل	
حق	
تکنسین	٦٤٤
تکنولوژی	٧٦٣
تکنولوژیک	٦٤٤
تکیه زدن	٤٥٤
تلاش	٤٠
تلسکوپ	٨١١
تلفن مرکزی	٨٠٩
تلفن همراه	٨٦١
(موبایل)	

اولويتها	۴۷۹	جناح مخالف	۶۰۶	جاگزين شدن
۷۴۲ چار چوب	۱۸۶	جنازه	۳۹۷	جبران خسارت
مناقشه	۹۷	جنبه هاى مثبت	۵۶۶	جدال ومناقشه
۳۷۶ چاشت	۷۲۳	جنجال تبليغاتي	۸۳۳	جدول فعاليتهاى
صبحگاهي	۹۰۳	جنگ رواني		روزانه
۲۵۰ چاقو	۹۲۰	جنگ وكشتار	۲۲	جدي گرفتن
۹۳۷ چاقى	۲۶۴	جنگل	۹۵۹	جراحت سطحى
۲۰۶۰- چاله	۸۳۲	جنگل حفاظت شده	۸۰۹	جريان برق
۲۷۵۹			۶۶۱	جریمه دیرکرد
۲۱۳۱ چاه	۹۸۹	جنون جواني	۱۲۴	جزني وكلي
۱۹۵۵ چپ	۵۹۴	جهان سومى	۶۰۹	جست وخيز
۹۱۰ چيگرا	۵۹۵	جهانگراني	۲۵۴۷	جشن عروسي
۸۹۶ ، چترbazان	۲۰۰۲	جو	۷۶۸	جشن فارغ التحصيلي
نيروهاى هوايرد	۲۰۵۶	جوالدوز		
۱۹۰۵ چراغ	۲۲۱۶	جوان	۶۳۸	جعبه
۹۶ چراغ سبز	۴۷۲	جوانب سخن	۲۴۵۴	جغد
۵۶۹ چربي ، چاقى	۵۲۵	جوانه	۶۰۱	جفت گيري
۱۸۹۷ چرخ	۲۱۶۹	جوجه	۳۸۴	جلب اطمینان
۹۲۷ چرخدار	۳۰۷	جوك	۴۹۷	جلب توجه
۲۶۳۶ چرخه	۴۴۳	جوهر ، مركب	۱	جلوگيري
۲۰۷ چرك	۱۴۷۲	جوى	۶۱۷	جلوگيري كردن
۷۵۰ چشم پوشیدن	۹۲۷	جيب بر	۵۸۸	جلوه گري
۳۶۹ چشم گير	۲۵۵۱	جيوه	۶۰۲	جمع بندي
۴۰۰ چغندر قند	۲۲۶	چارپايان	۵۴۵	جناب رئيس
۳۷۵ چك	۴۳۲	چارچوب		جمهور

۲۱۴	خاکستر
	سوزاندن مردگان
۵۱۸	خالکوبی
۱۸۶۱	خالی
۸۵۹	خالی کردن
۶۶۹	خالی ماندن
۵۷۰	خانم
۱۸۶	خانواده
۶۳۱	خبرچینی
	و جمع آوری
	وارائه اطلاعات
۹۹۷	خدمات درمانی
۸۹۷	خدمت وظیفه
۲۳۲	خرابکار
۸۸۴	خرابکاری
۶۸۳	خرابیها
۲۱۹۹	خرچنگ
۴۰۱	خرده (فروشی)
۳۷۹	خرده فروش
۲۰۸-۲۰۴۱	خرس
۱۳۳۲	خروس
۶۸۶	خرید خدمت
۷۶۶	خسارت سنگین
۱۴۵۸	خستگی
۸۵۹	خشاب فشنگ

۵۵۹	حزن انکیز
۶۹۵	حسابداری
۲۴۲	حصار دیواری
۸۳۲	حفاظت شده
۹۱	حفظ آرامش
۱۰۳۲	حفظ مقام اول
۲۶۱	حق العمل کاری
۷۰۸	حق پاسخگویی
۲۱۷	حقه باز
۶۸۵	حقوق پایه
۶۵۷	حقوق و دستمزد
۵۴۲	حل و فصل امور
۸۵۶	حمایت
	و محافظت
۲۷۹	حمل کردن
۶۲	حملات طائفه
	ای
۸۴۵	حملات نظامی
۹۰۴	حمله هوایی
۲۵۲	حومه جنوبی
۷۷۹	حیات هوشمند
۲۱۷	حیله گر
۱۴۶۸	خار
۵۵۹	خاطرات
۱۷۸۹	خاکستر

۲۲۱	چکمه
۶۳۸	چننه
۳۲۷	چند جانبه
۲۸۰	چنگ زدن به
	فرصت
۲۱۸۴-	چنگال
۲۵۳۱	
۳۵۱	چهار زانو
	نشستن ، تکیه
	زدن
۳۸۲	چهار شعله
۱۴۵۰-	چوب
۲۴۰۷	
۲۱۲۹	چوپان
۲۲۸	حادثه رانندگی
۷۷۸	حافظه
۷۷۱	حافظه بیولوژیک
۷۷۸	حافظه کامپیوتر
۹۸	حالت فوق
	العاده
۸۳۸	حبوبات
۴۰۴	حجم پرداختها
۲۳۰	حرص و ولع
۱۹۳	حرکت دادن امر
	ساکن

خشك	۱۸۴۶-
	۲۴۷۹
خشم	۳۷
خصوصى سازى	۵۵۰
خط تلفن	۷۷۶
خط ميانى	۱۰۲۲
خطوط داخلى	۷۸۷
خفگى	۹۵۱
خلاصه كردن	۶۵۰
خلوص	۱۰۰۳
خميازه كشيدن	۵۳۱
خواب	۲۲۱۴
خواربار	۳۱۴
خواستگارى	۲۰۳
خوب	۱۹۴۴
خوددارى	۷۴۸
خودكشى	۱۹۷
خورجين	۱۹۵۳
خوردگى	۱۰۰
خوش آمد گويى	۴۵۵
خون ريزى	۱۰۰۰
خيابان دو طرفه	۳۱۲
خيزش گازى	۷۹۹
دادگاه	۷۱۲
داراى ضمانت	۸۰۹

گارانتى	
داروخانه كشيك	۹۷۰
داغ	۲۲۲
داغ گذاشتن	۱۳۰۱
دام	۲۵۷
داماد	۹۹۸-۲۰۳۶
دامپزشك	۱۷۲۳
دامن	۴۹۱
دامن زدن،	۱۲۲
دامنه گفتگو	۸
دانه كوچك	۵۳۶
داور	۱۰۱۳
داورى	۷۱۱
دايره	۲۲۶۴
دبير انجمن	۴۳۹
دبير كل سازمان	۵۹۴
ملل	
دبيرخانه	۷۴۹
دخالت آشكار	۸۶۳
در آستانه	۵۱۷
در امان ماندن	۸۵۶
در برگرفتن ، دور	۲۹۰
زدن	
در حاشيه قرار	۵۱۲
دادن ، بيرون	

كردن از صحنه	
در دست اجرا،	۴۸۹
در حال انجام	
در شرف پايان	۵۱۷
در كام بردن	۸۱۳
در كمين نشستن	۵۸۲
در گيرودار	۵۳۴
در لاک فرورفتن	۱۳۱
در معرض وزش باد	۶۳۰
در نطفه خفه	۶۳۳
كردن	
در نهايت	۸۴۵
آمادگى	
در نوسان بودن	۶۴۱
درآمد	۳۴۱
درآمد روزانه	۶۹۷
درج نمودن	۵۰
درختكارى	۸۳۷
درخشش	۸۱۲
دردناك	۹۶۶
درشرف پايان	۵۱۷
درگذشت	۱۸۱
درگير شدن	۳۱۹
درمانگاه	۵۷۶

سکه	۷۶۷	دستگاه	۱۷۲۹	درنده
دو نفره ۳۸۲	۸۵۰	دستگاه امنیتی	۴۶۵	درنده خونی
دو چرخه سوار ۱۰۴۰	۲۵۱	دستگیری	۵۵۷	درنگ
دود ۱۸۹۰	۳۴۴	دستمزد پائین	۱۰۲۲	دروازه
دور اول ۱۵۰	۵۰	دستور کار	۸۳۹	دروازه ورودی
دور زدن ۲۸۹	۳۹۷	دفتر استاندار		شهر
دور ماندن ۱۲۰	۷۳۶	دفتر اسناد	۵۴۵	دروود
دور نگهداشتن ۴۸۴		رسمی	۸۰۸	دروغ سنج
افکار عمومی	۱۴۷	دقت نظر	۷۲۲	دریافت
دور، گردش ۱۰۳۷	۷۸۶	دکمه		احضاریه
دوربرد ۹۱۸	۵۴	دگرگونی	۱۸۱	دریافت کردن
دوربین عکاسی ۱۳۷	۲۶۱	دلال ازدواج	۴۲۸	دریافتها
دوره آموزشی ۶۷۶	۲۶۱	دلالتی ، حق	۳۲۲	دریغ کردن
دوره گرد ۳۳۰		العمل کاری	۱۸۰۸	دزد
دوش ، پشت ۲۸۷	۴۴۵	دلایل فنی	۴۹۰	دزدی دریائی
دوقلو ۹۴۰	۱۹۱۰	دم	۸۸۳	دژبان
دوگ نخ ریسی ۱۹۳۴-	۲۷۹	دم در	۴۸	دست برداشتن
۲۵۵۷-۱۴۸	۵۱۶	دموکراسی	۱۳۳	دست بسته
دوگانگی ۹۴۱	۲۲۶۵	دندان	۵۹	دست پرورده
شخصیت	۵۹۲	دندان بهم	۶۳۸	دست خالی
دوگانه ۹۴۱		ساییدن	۲۵۸	دست کشیدن از
دویدن ۲۴۵۷	۲۱۶۶-	دهان		کار
دیدار ۱۴۱	۲۲۷۲		۲۴۶۰	دستبند
دیدار رفت ۲۸	۷۷	دهه جاری	۱۶۶	دسترسی
ویرگشت	۵۹۶	دو روی يك	۹۹۱	دستکش

۴۷۹	رساله هاى	۲۸۹	راه و ترابرى	۵۱۶	ديدگاه
	گرومى	۱۸۷	راههاى فاضلاب	۲۰۹	ديدگاه غير
۹۶۱	رستوران	۲۰۲	راوى		محترمانه
۶۸۷	رسمى قطعى	۶۷۳	راى دادن		وتحقير آميز
۲۲۵۲	رشته ها	۷۵۶	راى گيرى	۲۱۸	ديس غذا
۳۰۹	رشد	۸۷۸	رئيس ستاد	۴۹۰	ديسكت
۴۱۹	رشد ، گسترش		ارتش		كامپوتر
۷۸۲	رصد كردن	۶۵۵	رئيس شوراي	۲۲۲۱	ديگ
۱۹۵۷	رطوبت		محل (كد خدا )	۵۹۱	ديو جهل
۴۲	رعايت احتياط	۷۹۲	راه اندازى	۲۱۶۰	ديوار
۳۱۵	رعب و وحشت	۸۷۳	راهكار	۲۰۱	ديوار حمال
۲۸۵	رفع بيكارى	۶۲۰	رايزنى فرهنگى	۶۴۶	ديوان محاسبات
۵۸	رفع ناهمواريها	۶۲۱	ربايش	۱۳۰۷	ديوانه
۲۳۴۰	رفيق	۳۸	رتق وفتق امور	۳۳۷	ذخيره
۱۰۲۶	رقابت	۵۴۱	رحل اقامت	۸۲۸	ذخيره سازى
۲۵۹	ركورد جديد		افكندن	۱۴۲۱	ذرع
۱۰۱۸	ركورد جهانى	۵۱۵	رخداد	۲۰۹۰	ذلت
۵۶۳	رنجش	۵۱۵	رخدادهاى	۲۶۰۵	رئيس كوليتها
۷۴	رهانى		فرهنگى	۲	راجع ، مربوط
۲	روابط	۲۱	رخنه	۹۷۵	راديوگرافى
۸۶۲-۱۷۵۰	روبايه	۸۸۲	رخنه ، ورود غير	۱۹۵۵	راست
۲۷۶	روپوش كابل		مجاز	۱۲۳	راستگرا
	برق	۸۶۵	رخنه كردن	۱۴۸۵-	راه
۲۶۵۲	روده ها	۶۸۵	رده شغلى	۱۶۷۶	
۵۴	روز افزون	۳۵۱	رده هاى بالا	۲۴۲	راه پله

۵۶۰	زیکزاک رفتن
۲۷۲۰	زین
۸۲۴	ژنوفیزیک
۸۶۰	ژاندارمری
۷۷۱	ژن
۲۳۱	ژولیده موی
۵۷۴	ساختار، ترکیب
۶۰۶	ساختگی
۱۴۲۳	ساریان
۷۶	سازش
۲۱۵	سازگاری
۴۳۵	سازگاری با محیط
۲۳۹	سازمان، اداره
۶۷۲	سازمان آب
۶۷۷	سازمان تأمین اجتماعی
۳۹۳	سازمان عمران
۱۵۲	سازمان ملل متحد
۷۵۲	سازماندهی
۱۱۹	سازندگی
۱۹۵	ساک، چمدان
۱۸۳	سالن
۵۶	سایه گستردن

۱۷۵۴	زرنگی
۸۹۸	زرمی کردن
۱۹۳۸	زغال
۲۶۱۰	زغال سیاه
۸۳۳	زمانبندی
۸۲۴	زمین لرزه
۴۷۴	زن (پیشگو)
۱۴۲۲-	زنبور
۱۶۵۸	
۲۲۴	زنجیر چرخ
۶۹۹	زندان ابد
۷۰۲	زندان دراز مدت
۱۷۶	زندگی ماشینی
۶۳۳	زنده بگور کردن
۷۷۳	زنده وپویا
۲۲۲۸	زنگ
۲۷۵۰	زود
۱۱۴	زورگویانه
۲۱۸	زولیا
۶۴	زیر بار
۲۵۹۰	زیر بغل
۹۰۵	زیر دریانی
۲۷۸	زیر ورو شدن
۵۶۰	زیکزاک

۲۵۱	روزمره
۲۴۴	روزنامه نگاران
۸۳۴	روستانی
۸۴۴	روش آبیاری
	قطره ای
۵۸۵	روشدن
۵۴۹	روشنفکران
۴۱	روشها
۲۰۶۸	روغن
۴۵۸	رومانتیزم
۵۵	روند
۶۷۹	روند کلی
۷۸	روند مذاکرات
۲۳۵	ریختن
۶۳۲	ریزش
۳۱۹	ریسک
۴۹۹	ریش
۸۲۴	ریشتر
۳	زایل شدن
۵۹۷	زایمان
۱۹۲	زباله
۲۴۲۶	زباله دانی
۱۱۶	زحمت
۵۲	زدودن
۵۲۹	زرده تخم مرغ

سید	۵۶۸	سربازگیری	۱۲۹۳	سرود ملی	۲۷۷
سبزیجات	۳۷۹	سربالائی	۵۴۱	سریال	۵۰۰
سپری کردن	۴۷۶-۴۹۱	سربنجه	۸۸۳	سریال	۵۰۰
ستاد ارتش	۸۷۸	سربوش	۲۰۹	تلویزیونی	
ستاره دنباله دار	۷۸۰	سربوش	۸۲۹	سزار	۵۹۷-۶۱۵
ستاره شدن ،	۵۰۴	بلاستیکی		سزارین	۵۹۷
کسب شهرت		سربوش	۲۱۲۵	سست ، توخالی	۱۶۲
ستون	۸۹۱	گذاشتن		سطح	۲۵۷۷
ستون یاد بود	۵۰۷	سرچشمه	۸۹۹	سطل بی دسته	۱۵۱۴
مقام مادر		سرخوردگی	۹۴۴	سفره	۳۶۴
ستون یادبود	۵۰۷	سرد کردن	۱۷۹	سفید کردن	۹۳۹
سحری خوردن	۴۶۱	سردرد	۹۶۵	پوست	
سخت ، شدید	۹۱۲	سردرگمی	۸۷۲-۱۴۴۷	سفینه	۷۸۸
سخنگو	۵۰۸	سرزنش	۲۹۴	سفینه فضائی	۷۶۵
سر انگشت	۱۲۴	سرزنش را متوجه	۱۹۰۴-	سقط جنین	۹۴۳
سر بزیر	۲۴۶	کسی دانستن	۲۱۹۳	سقوط ، انهدام	۸۲۷
سر جمع بودجه	۶۹	سریکه	۱۵۲	سکرتر	۷۰۰
سر لوحه	۳۱۸	سرکویگرانه	۴۸	سگه ، ارز ، پول	۵۹۶
سرنخ	۷۱۵	سرگرم کننده	۲۹۵	سکوت	۲۵۸۸
سرازیر شدن	۱۲۹۳	سرگرمی	۵۴۰	سگ هار	۷۲۹
سرازیری	۵۰۲	سرلوحه	۱۸۰۴	سلاحهای	۸۹۰
سراسقف	۵۳۸	سرما زده	۱۰۴۸	شیمیائی	
سرافکنده	۲۴۶	سرمايه	۳۵۰	سلام	۵۴۴
سرانجام	۱۱۷	سرمايه گذارى	۴۱۲	صبحگاهی	
سرباز گمنام	۱۳۶	سرنوشت	۲۸۸	سلام نظامی	۸۷۸



۶۲۰	شب شعر
۱۴۷۱	شبكة فاضلاب
۲۷۵۴	شتر
۶۸۳	شتریان
۲۷۰	شخصیتهای
	بانفوذ
۶۶	شرط بندی
۴۲۳	شرکت تعاونی
	مصرف
۳۴۰	شرکت سهامی
۱۹۹۴	شرم آور
۲۲۷	شعله کوچک
۵۷-۲۲۷۹	شعله ور ساختن
۸۶۲	شغال
۳۶۷	شکاف
۶۶۶	شکایات
	نمایندگان
۶۸۱	شکایت
۱۵۹	شکست
۹۹۳	شکستگی
	استخوان
۸۶۶	شکستن رکورد
۱۰۱۹	شکستن
	محاصره
۵۳۴	شکسته شدن یخ

۲۱۸۴	سوسید
۳۴۳	سوپ
۴۷۰	سوپاپ
	اطمینان
۱۳۵۱	سوتك
۲۰۵۶	سوراخ سوزن
۱۷۳۳	سوزن
۸۸۷	سوسك
۴۳۴	سوق یافتن
۱۷۳	سوگواری
۱۴۰۳	سی سی یو
۹۸۲	سیر
۱۵۱۹	سیر حوادث
۴۳۶	سیراب
۳۹۵	سیستم بازرگانی
۸۴۰	سیگار پیچی
۴۳۷	سیل آسا
۸۳۸-۲۷۵۷	سیلو
۸۹	سیلی، ضربه
۶۳۴	سیمهای تار
۳۲۵	شاخص
۱۴۰۲	شاخص فقر
۲۳۲۴	شاخ
۴۰۲	شاشیدن شتر
۱۴۷	شایسته دقت

۴۷۵	سلطه نظامی
۹۰۱	سلول
۴۶۳	سن تاتر
۱۵۷۵	سند
۱۶۵	سندان
۱۵۳۴	سندیکا
۸۶۵	سنگ
۸۲۱	سنگ آسمانی
۳۳۲	سنگ بنا
۲۷۶۵	سنگ کسی را به
	سینه زدن
۲۶۱۰	سنگ گداخته
۵۰۶-۵۸۹	سنگ مرمر
۵۸۹	سنگ گرفتن
۵۵۴	سنگرها
۷۷۵	سنگهای
	استالاکتیت
	(آویزه ها)
۴۶۴	سني کردن
۳۰	سهم
۵۴۰	سهم شیر
	(اولویت اول)
۱۲۲	سهمیه
۳۳۵	سوء استفاده
۴۵۵	سوارکاران

۳۷۶	صيد کردن	۱۵۴۷	شیور	ها	
۸۶۷	ضد تانک	۱۸۸۷	شیر	شکل گیری	۸۱۷
۷۷۴	ضد زلزله	۲۰۷۷	شیر فروش	شکوه	۳۵
۲۳۴	ضد زنگ	۹۶۷-۱۴۵۱	شیرده	شگرد	۱۲۷۴
۸۷۵	ضد شورش	۱۹۷	شیرینی	شلغم	۳۰۷
۹۷۹	ضد عفونی کردن	۲۱۸-۲۸۲۹	شیرینی فروشی	شلنگ آب	۱۸۷
	(استرلیزاسیون)	۵۵۵	شیشه	شلیک کردن	۸۷۶
۱۰۲۰	ضربه	۵۷۲	شیطان	شمارش	۸۰۴
۸۱	ضربه پذیر	۴۶۴	شیعه کردن	معکوس	
۱۰۳۰	ضربه پناستی	۲۳۸۱	شیمیائی	شماره گذاری	۲۳۹
۱۰۴۲	ضربه سر (هد)	۷۹۱	شیهه کشیدن	اتومبیل	
۱۰۲۹	ضربه فنی	۹۸۷	شیوع	شناسنامه	۶۹۳-۲۱۶۸
۱۰۳۸	ضربه مشت	۸۶	صداقت	شناگر	۱۰۱۹
۶۶۳	ضمیمه کردن	۶۳۶	صدای آب	شنزار روان	۵۵۶
۶۱۴	طائفه	۳۸۳	صدر	شنود , استراق	۹۲۹
۳۰۲	طبقات مردم	۶۵۹	صدور پروانه کار	سمع	
۱۲۰	طبقه عمده	۷۴۹	صرف نظر کردن	شهاب سنگ	۷۷۹
۲۱۳	طبقه ها ، کشوها	۱۰۶	صعوبات ، موانع	شهربانی	۴۱۸
۹۱۱	طبل زدن	۱۰۶۴	صف کشیدن	شهروندان	۴۴
۲۴۱	طراحی مد لباس	۸۷۵	صفوف	شوخی	۲۹۵
۸۹	طرح		مستحکم	شوای امنیت	۱۲۸
۴۱۲	طرح توسعه	۲۲۷	صنعتگران	شورش ، هرج	۱۲۷
۱۵۷۰	طرد جناح	۴۷۹	صوتی	ومرج	
	مخالف		و تصویری	شوک	۹۶۶
۱۵۱-۲۵۳۹	طلا	۷۰۶	صورت جلسه	شوک الکتریکی	۲۶۵۵

۱۰۱۱	غوره
۵۵۹	غوطه ورساختن
۳۱۹	غوطه ورسدن
۱۱۴	غول ، عظیم
	الجنّه
۵۰۰	غیر اخلاقی
۱۰۳۱	غیر منتظره
۷۶۸	فارغ التحصیل
	لیسانسه
۶۰۵	فاسد کردن
۸۱	فاشیستی
۱۳۱	فاصله
۲۲۶	فاضلاب
۲۵۹۹	فاکتور
۵۷۵	فالگیری
۳۹۹	فتنه گری
۵۱	فراخوانی
۴۶۲	فرار
۶۰۴	فراری دادن
۷۲۵	فراغ ، نقص
۸۰۱	فرد گرانی
۷۵۷	فرسایش
۱۰۰	فرستادن
۷۵۷	فرسودگی
	خوردگی

۸۱۱	عکسبرداری
۱۷۰۲	علائم راهنمایی
	وراندگی
۱۰۶۳	علف
۶۴۹	علوم
	آزمایشگاهی
۳۷۹	عمده فروش
۳۹۴	عمران
۵۹۷	عمل
۶۹۵	عنایت ، توجه
۸۶۶	عنصر وابسته
۳۸۸	عوارض
۶۶۱	عوارض
	شهرداری
۷۲	عوارض گمرکی
	مقابل
۷۱	عوامل
۱۰۳۳	غار
۶۴۱	غافلگیر کردن
۶۰۰	غریبگرایی
۲۳۹۸	غریبی کردن
۱۶۹۵	غریق
۶۰۰	غسالخانه
۱۰۶۱	غلثک
۱۳۴۳	غواصی

۲۲۳۲	طناب
۱۳۷۷	طناب لنگر
۷۹۸	توفان
۷۴۴	ظاهر شدن
	حضور یافتن
۱۵۰	عاقبت
۲۶۵	عالی
۸۵۲	عبور و مرور
۲۰۸۲	عجایب هفتگانه
۴۴۶	عدس
۳۹	عدم تعهد
۹۳۲	عرض اندام
۱۸۴۲	عرضه و تقاضا
۳۸۹	عروس
۲۷۵	عروس و داماد
۲۶۰۷	عروسک
۲۰۸	عروسی
۲۵۵	عسلی ، لذیذ
۱۷۸۴	عشوه گری
۵۵۱	عصا
۱۶۴	عصبی
۴۵۰	عطر آگین
۹۴۹	عقب افتاده
۴۷۸	عقل گرانی
۲۳۳	عکاسی

فرش	۷۳
فرضیه تکامل	۸۱۷
فرهیختن	۴۳۸
تربیت کردن	
فرو دادن	۵۲۸
فرو نشانیدن	۱۷۹
فروپاشی	۴۸۶
فروشنده دوره	۳۳۰
گرد	
فروکش کردن	۴۳۳
فرونشستن	۶۳۹
فرب خوردين	۲۰۰
فساد	۲۱۱
فسخ قرارداد	۷۳۸
فسیل	۱۹۶۷-۷۷۹
فشار	۹۳
فشار آوردن	۷۸۶
فشار خون	۹۷۱
فشار دادن	۸۷۹
فشنگ	۳۲۲
فضا پیم	۷۸۴
فضای باز	۸۵۹
فضای مناسب	۱۶۰
فعالیتهاى	۷۶۰
آشفشانی	

فعالیتهاى	۸۳۵
مقدماتی	
فقید گرانقدر	۲۶۶
فلاش دوربین	۱۳۷
فلج	۹۶۳
فلج اطفال	۹۶۴
فلج شدن	۳۷۰
فخر	۵۶۱
فوتبال	۱۰۱۳
فوری	۱۰۴
فوق العاده	۶۸۵
(حقوق)	
فوق العاده تورم	۶۹۰
فوق لیسانس	۵۲۱
فیلمهای	۶۰۸
سحرانگیز	
قابل اعتماد	۸۹۳
قابل توجیه	۷۷۰
قابل فروش	۲۰۶۳
قابلمه	۳۸۲
فاچاق کردن	۳۵۹
فارج	۲۲۲۱
فاشق	۱۵۹۶
فاطر	۲۶۸
فافله جهانی	۴۵۶

قالب شیرینی	۲۷۷
قالیچه	۳۸۲
قانون با قید دو	۷۳۵
فوریت	
قانون جنگل	۲۶۴
قانون عرضه	۳۸۹
وتقاضا	
قانونمند کردن	۵۰۹
قایم موشك	۱۰۱۴
قدر قدرتی	۱۳۲
قدرت خرید	۱۴۸۵
قدم	۳۹۲
قرار دادن	۵۴۱
(افکندن)	
قرارداد	۱۴۲
قراردادن کاری	۱۸
در سرلوحه	
اعمال	
قربانی	.
قرص نان	۳۵۴
قرعه کشی	۶۸۹
قسمت بیرونی	۳۱۸
قشلاق	۵۵۳
قطع جریان برق	۸۰۹
قطع کردن	۱۷۸

۸۲۸	کتابداری
.	کج
۶۱۸	کجیل
۷۸۵	کد گذاری
.	کمر وقر
۵۷۷	کرکس، لاشخور
۲۱۷۸	کرم
۵۷۷	کزه خر
۳۴۲	کسب درآمد
۵۰۴	کسب شهرت
۳۸۷	کسر بودجه
۹۵۶	کشت مو
۲۲۶	کشتارگاه
	کشتن
۸۶۸	کشته
۶۲۲	کشکول
	کشمش
	کشو میز
۸۳	کشورهای غیر
	متعهد
۳۳۳	کشیدن چک
۲۴	کشیده شدن
۱۲۸۰	کلاغ
۶۱۸	کلاه
۷۲۴	کلاه گیس

	وقت
۷۷۴	کاستن
۱۳۰	کاسته شدن
۳۳۸	کاسته شدن
	تابش ماه
۱۰۰۴	کاشت مغز
	استخوان
۸۳۹	کاشتن
۳۶۱	کالا
۶۲۳	کامل
۳۰۴	کامیون
۳۸۲	کاناپه
.	کانالیزه
۷۲۰	کاندیدای منفرد
.	کاه
۳۴۰	کاهش
۸۲۲	کاهش دما
۱۰۰۶	کاهش فشار
	خون
۴۵۹	کبر وغرور
.	کبک
۱۰۲۱	کبوتر
۹۴۵	کپسول
۹۰۷	کپسول گاز
۲۸۳	کت بسته، مقید

۸۰۶	قطعات یدکی
۶۱۹	قطعهنامه
۹۵۳	قلب مصنوعی
۴۶	قلمداد کردن
۱۰۱۰	قهرمانی
۵۲۸-۸۹۰	قورباغه
۵۲۸	قورت دادن
۷۷۶	کابل نوری
۴۲۱	کابلهای تلفن
۸۷۰	کاپوت اتوموبیل
۷۹۲	کانالوگ
۸۳۲	کاج
۸۹۴	کادر، اکیپ
۹۷۵	کادر پزشکی
۶۴۰	کادر سازی، احاطه
۶۴۵	کار تشریفاتی
۲	کارآمد
۶۵۵	کارتهای
	الکترونیکی
۷۸۱	کارتون
۹۳۸	کارخانه
۴۲۷	کارخانه یخ
۸۰۴	کارشناس
۷۳۸	کارمند تمام

کلاهک اتمی	۹۳۴
کلوب	۵۳۸
کلیات پیشنهاده	۷۰۳
کلید	۶۹۱
کلیشه ای	۵۹۳
کلیه ها	۹۹۶
کم کردن	۴۳۰
کمد چهار	۳۸۲
کشونی	
کمک مالی	۱۸۰
خیرات	
کمکهای اولیه	۹۵۹
کمکهای غذایی	۱۵۲
کمونیستی	۱۴۹
کمیته	۷۴۴
کمیته ترافیک	۱۷۵
کمیته فنی	۱۰۴۰
کمیته مقدماتی	۶۴۷
کمیته نظارت	۶۶۴
کمیساریای	۱۴۰
عالی پناهندگان	
کمیسیون	۶۹۴
کمیسیون اقتصاد	۳۳۹
کمیسیونهای	۶۹۴
مجلس	

کنار زدن	۵۶۲
کناره گیری	۴۸۸
کنترل	۹۱
کنترل کردن	۵۳۳
کنطور آب	۳۸۸
کنطور برق	۴۱۰
کندی	۱۰
کنسرو کردن	۵۹۳
کنش وواکنش	۲۶۹
کنفرانس	۶۳
کنکاش	۴۶۷
کوبیدن (مواضع دشمن)	۸۶۸
کوبیدن ، آرد کردن	۳۸۱
کوتاهی	۹۹۰
کوتاه فکرانه	۱۶۴
کوتوله	۴۹۳
کوچ کردن	۵۵۳
کوچه های محله	۳۵۵
کود	۸۳۵
کورتاژ	۴۴۱
کورنر	۱۰۲۰
کوره	۱۹۲
کوزه	۶۱۲

کوهستانی	۸۲۲
کیسه کشیدن	۹۸۶
کیفیت بالا	۷۶۳
کینه توز	۳۹۴
گاز گرفتن	۵۹۲
گاز مایع	۱۹۰
گام بزرگ	۱۴۴۵
گامهای عملی	۲۶۰
گاو	۱۳۲۷
گپ زدن	۲۰۶
گج گرفتگی	۴۹۵
گذاشتن ریش	۴۹۹
گذراندن	۹۵
گذشت سالیان	۴۷۳
گرافیک	۲۳۳
گرانقدر	۲۶۶
گرایش به فرانسه	۶۰۴
گرد و غبار	۱۱۸
گرداب	۹۰۳
گرداندن	۴۵۳
گردباد	۵۵۸
گردش کار	۳۴۵
گردش خون	۹۵۳
گردن	۵۴۹
گردنبد	۴۹۱

۷۲۷	لاك قرمز
۴۱۷	لاك ومهر شده
۳۱۲	لامپ كشی وروشناني
۵۹۱	لانه
۵۹۰	لانه گزیدن
۳۶۸	لايحه
۱۰۷	لايحه بودجه
۷۶۲	لايه اوزون
۷۶۰	لايه يخی
۸۵۳	لشكر كشی
۳۰۷	لطيفه
۱۳۵۷	لغو كارت بيمه
۶۷۸	لنگ
۲۳۶	لنگه در
۲۲۱	له شدن
۸۰۸	لورفتن دروغ
۸۴۰	لوازم
۳۸۲	لوستر
۴۰۸	لوكس
۲۷۶	لوله
۱۸۷	لوله آب
۳۱۴	ليست
۶۹۶	ليستهای نامزدهای

۱۷	گفتگوی تلویزیونی
۶۳۵	گل
۱۵۶	گل (دربازی فوتبال)
۱۱۰	گل آلود کردن
۱۰۴۷	گل زن
۹۹۳	گلبولهای قرمز خون
۱۳۴۹	گلیم
۱۶۵۳	گناهكار
۸۳۸	گنجایش
۲۰۰۲	گنجشك
۱۳۰۳	گندم
۸۳۸	گنگ
۶۶۰	گواهینامه پزشکی
۵۴۷-۱۳۲۷	گودال
۵۴۷	گوساله
۵۴۷	گوسفند
۵۰۵	گوش شنوا
۴۹۱	گوشواره
۴۵۳	گونه چپ
۵۲۲	گوه
۴۸۲	لاك

۸۰۵	گردو
۴۹۶	گردونه
۴۶۵	گرفتار شدن
۵۳۳	گرفتن نبض (بیمار)
۹۴۸	گرفتن نوار مغزی
۴۴۲	گروه
۵۴۸	گروه انبوه
۹۰	گروه بندی
۶۵۸	گروه وپایه
۸۶۲	گروهان
۶۵۸	گروههای شغلی و دستمزدها
۵۴۹	گریانگیر
۷۵۶	گزینش نماینده
۸۳۷	گسترده
۹۸۹	گسستگی
۸۰۴	گسل (شكاف بین لایه های زمین)
۱۹۸	گشت زدن
۶۲۸	گشتن بدنبال فرصت
۸۷۱	گشتی

انتخابات	متراكم ، آكندہ ۱۳۹	محكوم كردن ۲۲۷
مات كردن (در ۱۰۴۳	از حوادث	محلہ ۱۹۸
شطرنج)	مترصد فرصت ۲۸۰	محلہاى تجارى ۳۹۷
مارك ۳۹۱	متصاعد شدن ۸۷۰	محمولہ ۶۶۸
ماشہ ۸۷۹	متصدى كارى ۱۳	محمولہ پستى ۲۴۹
ماشين نويسى ۶۷۶	شدن	محيط (زيست) ۸۱۹
ماشينى ۱۷۵	متّصف شدن ۵۱۶	مخازن آب ۷۶۹
ماكت ساختمان ۴۲۹	متلاشى كردن ۱۲۶	مخفى ، نھان ۴۴۸
مالیات ۳۷۸	متمرد ۷۲۶	مخفى شدن ۸۵۷
مالیات گمركى ۳۹۰	متّهم ۷۱۷	مخفیانہ ۸۶۰
مالیاتها ۳۵۳	متوسل شدن ۷۴۰	مد لباس ۲۴۱
مامانى ۷۶۸	مثال زدن ۵۶۴	مد نظر قرار دادن ۷۳۴
ماندگار كردن ، ۴۵۰	مثلت ۱۶	، بحساب آوردن
جاودان كردن	مجارى ۹۶۰	مد های لباس ۲۲۰
مانع تراشى ۱۱۷	مجمّد ، پيچ ۱۱۱	مدارك تحصيلى ۷۹۳
مانند كردن ۵۷۱	خورده	مدارك ۷۹۳
مانورها ۹۳۲	مجموعه ، ۳۶۹	دانشگاهى
مانورهای آبی - ۸۴۷	كلكسيون	مدارك مورد نیاز ۶۶۷
خاكى	مجهّز كردن ۷۸۷	مدال ۱۰۴۱
ماھواره ۴۵۲	محاصره ۸۵۷	مداوا كردن ۶۱۷
ماوراء بنفش ۷۶۲	محال ۴۴۶	مدت اعتبار ۶۶۲
مبادلہ ۳۲۷	محصولات ۷۶۶	مدت نامعلوم ۷۱۸
مبارزه ۱۰۴۵	كشاورزى	مدرنيسم ۱۸۸
ميتى بر تعصب ۲۵۶	محفل شبانہ ۶۲۰	مدل ۲۳۷
مبذول داشتن ۱۷۹	محفوظ ماندن ۷۰۸	مدیر عامل بانک ۳۳۶



۷۰۵	مصونیت
۳۰۲	مطالبه
۳۹۰	معاف کردن
۷۲	معافیت گمرکی
۳۷۴	معامله
۹۵۲	معتاد به سیگار
۲۳۰	معتادان
۱۲۵	معتبر، قابل اجرا
۲۱۲	معضل اجتماعی
۱۰۰۴	مغز استخوان
۴۵۲	مغز الکترونیکی
۷۴۲	مقید شدن
۵۴۳	مکالمه
۸۴۲	مکانیزه کردن
۴۷۸	مکتب اصالت
	عقل
۵۵۷	مکت ودرنگ
۲۱۷	مکر
۵۰۱	مکیدن، ارتزاق
۲۹۴	ملامت
۷۳۷	ممانعت
۹۳۳	ممتاز
۶۲۲	مملو
۵۰۰	مملو شدن
۸۶۱	ممنوع کردن

۷۹	مسامحه کردن
۳۹۸	مستمّری
	بازنشتگی
۵۹۱	مسکن گزیدن
۸۷۱	مسلسل
۸۱۵	مشابه سازی
۲۴۵	مشابهت
۱۰۳۹	مشت زنی
۳۹۹	مشتریان
۲۹۸	مشروب
۱۴۹	مشروطه
	سلطنتی
۵۰۳	مشعل
۳۸۶	مشکل
	مصیبت
۳۶۵	مشكوك
۸۹۷	مشمولان
	خدمت وظیفه
۸۷۲	مشوش
	فوسردرگم کردن
	،
۴۳۱	مصادره، تصرف
۴۲۲	مصرف
۳۶۴	مصرف داخلی
۹۶۹	مصنوعی

۴۲	مذکرات
۲۰۳	مراسم ازدواج
۴۵۰	مراسم
	بزرگداشت
۱۷۳	مراسم سوگواری
۴۸۷	مراسم مذهبی
۴۸۸	مراسم مذهبی
	روز یکشنبه
۲	مربوط
۲۷۴	مرتکب شدن
۲۱۰	مرثیه
۷۱	مرد
۲۶۰	مرد کار
۴۹۳	مرد یا زن پست
	، کوتوله
۸۹۰	مردان قورباغه
	ای
۷۸۳	مرکز ثبت زلزله
۱۲۱	مرگبار
۱۱	مرهم زخم
۴۹۴	مزار شهیدان
۳۵۷	مزایده
۱۰۰۹	مسابقه
۱۰۲۶	مسابقه شنا
۲۶۳	مسالمت آمیز

منوعيت	۳۳	موضع	۱۷۱	ناكام ماندن	۴۵
منوعيت پرواز	۳۴	موضوع را جمع	۲۹۱	نالہ	۵۰۵
مناظر جالب	۷۷۵	وجود کردن	۱۰۸	نامزد	۲۰۲
مناقصه	۴۱۸	وفصله دادن	۲۴۵۱	نامطلوب	۶۵
منحنى	۱۰۹	موفق شدن	۱۰۸	ناهموارى	۹۷
منزلت	۷۰۷	موقعيت	۲۴۵۱	دست انداز	۹۱۶
منشى	۷۰۰	موميائي کردن	۱۰۴۰	ناوچه	۹۹۱
منع رفت و آمد	۸۵۲	ميان وزن	۱۸۲	نايلون	۴۲۴
منعكس كننده	۲۳۴	ميانگين	۹۶۱	نبرد بى امان	۸۵
منهدم کردن	۹۲۵	ميخكوب کردن	۷۸۸	نخست وزير	۵۰۶
مه	۵۷۹	ميدان	مغناطيسى	نخوت وتكثير	۳۰۹
مهار آتش	۸۰۶	میز ناهار خورى	۳۸۲	نرخ رشد	۳۲۹
مهار تورم	۴۰۷	ميش	۷۶۴	نرخ سود سرمايه	۳۶۰-۲۰۶۱
مهر وموم	۷۲۷	مين	۹۱۶	نرخ گذارى	۷۵
مهندسى ژتتيك	۸۲۶	مين ياب	۹۱۶	نردبان	۲۴۲
مو	۴۹۱	مينى بوس	۲۷۹	نرده	۶۲۶
موازنه قوا	۱۶۸	نابود کردن	۸۶۲	نرمى ناخنها	۹۹۰
موافقت مبدئى	۲۹	نابودى	۵۸۶	نزديك بين	۳۱۰
موانع	۱۰۶	نايينا	۹۹۵	نزديك شدن	۶۸۲
موتور سوارى	۱۰۱۵	نادر وكم نظير	۳۰۰	نسبت دادن	۶۷۰
موتور سيكلت	۱۰۱۵	بودن	۵۳۲	نسخه برابر اصل	۸۱۵
موج	۴۳۷	نارساني قانونى	۷۶۲	نسخه بردارى	۹۲۸
موج شكن	۷۵۷	نازك	۵۴۳	نشان (فارسى)	۶۶۴
موزه	۱۰۱۱	ناشنوايان		الاصل)	
موشك	۸۶۷			نظارت	

۸۷۴	نیروی پیاده
۸۸۳	نیروی دژبان
۸۷۱	نیروی گشتی
۲۵۱	هتک حرمت
۷۹۰	هدایت اتوموبیل
۵۷۸	هدف گیری
۶۰۷	هرج و مرج
۱۵۹	هزیمت ، شکست
۹۲۲	هشدار ، اعلام خطر
۷۴۸	هشدار اجرایی
۸۸۱	هفت تیر کشیدن
۸۹۰	هلیکوپتر
۴۹۸	همبستگی
۹۴۰	همزاد
۲۶۳	همزیستی
۵۸۷	همگامی
۴۱۵	هموار کردن
۷۷۰	هموگلوبین
۸۲۹	هندوانه
۲۳۳	هنرمند تجسمی
۳۵۰	هنگفت
۸۹۵	هوایمای جاسوسی

۱۴۴	نمایندگی
۷۴۶	نماینده
۸۳۹	نمود زیبا
۸۰۱	نمونه گیری
۴۹۰-۷۷۰	نهای
۴۹۰	نوار کاست
۹۴۹	نوار مغزی
۹۷۶	نوزاد
	آزمایشگاهی
۸۶۷	نوسازی
۶۷	نوسان
۶۰	نوسان ، تردد
۳۶۱	نوسان پول
۵۳۷	نوڪ پیکان
۱۸۸	نوگرانی
	مدرنیزم
۹۹۹	نوه
۶۳۱	نوید دادن
۸۲۳	نی
۴۰۹	نیاز داخلی
۳۴۴	نیازمندیها
۸۰۳	نیروگاه
۳۵۹	نیروهای
	شهربانی
۳۸۵	نیروی انسانی

۶۵۷	نظام پرداخت
	حقوق
۷۹۶	نظر خواهی
۹۹	نظر سنجی
۲۴۸	نظم و انتظام
۵۵۹	نفس داغ
۸۶۶	نفوذ
۸۵۷	نفوذ کردن ، شکستن
	محاصره
۷۸۱	نقاشی
۴۱۶	نقدینگی
۲۷۲	نقش بر آب کردن
۲۰۵	نقش بر باد
۸۵۸	نقض ، شکستن
۸۸	نقطه صفر ، نقطه آغاز
۸۶۴	نکات مبهم
۶۲۴	نگهبان
۲۹۸	نگهداری
۳۱۸	نما ، قسمت بیرونی
۲۴۱	نمایش
۲۳۳	نمایشگاه

هواپىماى جت	۸۱۸
هوادارى	۹۰
هواشناسى	۷۵۸
هوش	۱۰۰۶
هوشيارى	۴۳
هيات اجرائى	۴۲۵
هيجان	۶۳۹
واحد پشتيانى	۸۶۸
وارد كردن	۴۲۷
وارد كردن زيان	۹۱۵
واردات گوشت	۴۲۶
واريز پول	۴۲۵
واكسيناسيون	۹۷۹
واگن قطار	۲۵۴
گارى	
واگيردار	۹۸۸
وام گرفتن	۳۴۶
وتو	۱۲۸

وثيقه مالى	۷۱۰
وجهه اقتصادى	۳۸۰
وحشت	۵۶
وحشتناك	۴۵۷
وخامت	۵۴
ورشكستگى	۶۷۲
وزارت فرهنگ	۵۰۷
وارشاد	
وزنه بردارى	۶۴۸
وسايل شنود	۷۸۴
وسيله نقليه	۷۸۴
وسيله نقليه	۲۵۳
گارى	
وضع	۶۷۹
وضع آشفته	۵۳۴
وضعيت	۹۸
اضطرابى	
وعده هاى زيبا	۲۵۵

وقت گرفتن	۵۲۳
ويتامين	۸۰۵
ويراژ دادن	۵۶۰
حرکت زيکزاك	
يارانه	۳۴۳
بخ	۷۶۶
بخچال ۲۱ فوت	۳۸۲
يك بام و دو هوا	۱۳۸
يك دقيقه	۴۶۹
سكوت	
يك قسمت	۲۲۹
يك وجب از	۷۹
خاك ميهن	
يكطرفه	۲۲۳
يگان	۵۵۳
يهودى كردن	۸۹۵
بيلاق	۵۱۳



## فهرس الألفاظ العربية

٢٣١	أشعث الشعر
٨٨٨	الإصابة
٥٧٥	إصع الفتنة
٦٧١	الإصلاح
٤٣٤	الأصولية
٢٤٤	الإضراب
٩٤	الإضفاء
٩٦	الأضواء الكاشفة
٥٨٤	أطراف الحديث
٢٢٣	إطلاق السراح
٥٩٨	الإعادة
٥٩٩	إعارة الأهمية
٦٨٣	الأعطال
٣٩٠	الإعفاء
٤٧٩	الإعلام
٣٩٤	الإعمار
٩١٠	الإفراج
٦٠٥	الإفساد

٥٠	الإدراج
٣٤٢	إدراج المدخول
٥٢	الإدلاء بالبيان
٥٣	الإدلاء بالرأى
٥٧	الإذكاء
٨٧٢	الإرباك
٣٥٢	الإرجاء
٦٦٣	الإرفاق
٨٧٨	أركان الجيش
٥٦٢	الإزاحة
١٧٤	الأزمة
٢٢٠	الأزياء
١٠٠٨	الإستاد
٥١	الإستدعاء
٩٩٥	الإسعافات
	الضرورية
٥٢٢	الإسفين
٨٤	الإشعار

٧٥٨	أبحاث الجو
٧	الإبراق
١٧٢	الإبرة
٥٣٠	الإتراع
٧٠٢	الإثناء
٤٤١	الإجهاض
٩٤٣	الإجهاض
٨٥٠	الأجهزة الأمنية
٢٧	الأجواء
١٩٩	الإحالة
٩٤٤	الإحباط
٧٣٣	الأخذ بعين الاعتبار
٦٩٣	إخراج قيد
٤٥	الإخفاق
٦٥٣	الإخلاء
٤٥٣	الإدارة
٢٠٥	أدراج الرياح

٩١٩	الاستماتة
٨١٥	الاستنساخ
٩٣٠	الاستنفار
٣١١	الاستنهاض
٤٢٢	الاستهلاك
٢٢٥	الاستياء
٤٢٦	الاستيراد
١٧٠	الاستيطان
٢٣٤	اشارات السير
٩٦٨	الاصطناعي
٣٧٦	الاصطياد
٩٧٢	الاطباء
٧٩٤	اطباق الاستقبال
٢٤٨	الآطارد
٩٨٣	الاعاقه
٢٥١	الاعتباط
١٠٣	الاعتباطي
٢٥٨	الاعتصام
٩٨٠	الاعتلال
٤٨١	الاعتصاب
٩٠٦	الاعتغال
٦٠٦	الافتعال
٧٣٩	الاقتراح
٦٨٩	الاقتراع
٧٢٠	الاقتراع بالتركية

٢	الآيل
٣٢٦	الالتمان
٥١٦	الآتسام
٤٤٥	الاحتجاب
١٠١٢	الاحتشاد
٧٠٨	الاحتفاظ
٨٥٦	الاحتماء
٤١	الاحتواء
٣٣٧	الاحتياطي
٢٠٠	الاحتفال
٨٥٧	الاختراق
٦٥٠	الاختزال
٩٥٠	الاختناق
٥٥٣	الارتحال
٤٦٠	الازدواج
٧٢	ازدواجية الضريبة
٨٥١	الاستجواب
٣٤٦	الاستدانة
٨٢	استشراق الوضع
٩٩	استطلاع الرأي
٦٠١	الاستفحال
٦٩٢	الاستقالة
١٣٢	الاستقواء
٨٨١	استلال المسدس
٧٢٢	استلام الإنذار

٤٠٣	الافلاس
٦٠٨	الأفلام الساحرة
٦١١	الإفلاق
٢٧٩	الإفلال
٥٢٣	أكل الوقت
١٣٦	الإكليل
٤٩٤	إكليل الزهر
٦٩٥	الإلمام
١٧٦	الآلي
١٧٥	الآلية
١٠٤٣	الإمانة
٦٢٠	الأمسية
٧٠٠	أمين السر
٧٥٥	الإنابة
٤١٣	الإنتاج
٩٩٨	إنجاب الطفل
٢٤	الإنجرار
١٥٢	الإنحاء باللائمة
٣٠١	الإنذار
٧٤٨	الإنذار التنفيذي
١٥٤	الإنعاش
٥٠٨	الأنملة
٦٣٤	الأوتار
١٦٧	الأوراق
٤٢٥	الإيداع

١١	البسم
٥٢٨	البلع
٦٤٢	البنى التحتية
١٨٣	البهو
١٤	البوء بالفشل
٣٢٨	البورصة
٧٦٢	البيئة
٤٤	البيان الخجول
٥٢٩	البيض
١٧٣	التأين
٤٣٣	تأجيج النار
٦٠	التأرجح
٦٤٠	التأطير
٤٣٥	التأقلم
٧٥٧	التآكل
١٧٧	التآمر
٨٤٦	التأهب
٣٢٧	التبادل
١٠	التباطؤ
٣	التبدد
١٨٠	التبّع
١٧٩	التبريد
٦	التبرير
٨٣٠	التبغ
١٣	التبني

٩٨٨	الانفصام
٦٠٧	الانفلاش
٦١٠	الانقلاب
٦٣٢	الانهيار
٥١٤	الانهيار
٣٣٠	البائع المتجول
٤	البادرة الودية
١٧٨	البتّر
٩٣٧	البدانة
٧٣١	بدل ضائع
٥٢٥	البرعم
١٨١	البرقية
٧٦٠	البركان
٨	بساط البحث
٩	البصمة
٤٣٦	بصمة الإصبع
٥٢٦	بصمة الإصبع
٧٠١	بصمة الإصبع
٧٦١	بصمة الإصبع
١٨٢	البطالة
١٠١٠	البطولة
٨٢٩	البطيخ
٥٢٧	البعث
٩١٨	بعيد المدى
٦١٩	بلا لون ولا طعم

٤٩٢	اقتراف الجريمة
٢٧٤	اقتراف الذنب
٩١٣	الاقتصاص
٢٨٠	اقتناص الفرصة
٩٩١	الاكتئاب
٢٨٤	الاكتظاظ
٢٨٩	الالتفاف
٨١٣	الالتهام
٥٠١	الامتصاص
٣١٢	الانارة
٢٩٩	الانتحار
١٥٩	الانتكاس
٦٢٨	انتهاز الفرصة
٧٥٤	انتهاز الفرصة
٥٣٨	الانحدار
٣٤٠	الانخفاض
٨٦٦	الاندساس
٨٦٩	الاندلاع
٩٥٦	الانزواء
٢٢١	الانسحاق
٢٢٦	الانسياب
٦٧٥	الانصياع
٤٧١	الانضواء
٤٨٠	الانعياد
٤٨٢	الانغلاق



٦٨	التروي
١٦	الترويكَا
٥٥٧	التريث
٣٥٥	تريفيت الشوارع
١٠٢٥	التزّج
٧٨٧	التزويد
٣٥٦	التزوير
٤٦١	التسحير
٣٥٨	التسديد
٥٦٧	التسريل
٤٦٢	التسرّب
٣٥٩	التسريب
٣٦٠	التسمير
٨٨٢	التسلّل
٦٦٦	التسلّم
٣٦٢	التسليفات
٩٦٠	التسمير
٤٦٤	التسنين
٧٦	التسوية
٥٧١	التشبيه
٨٣٧	التشجير
٧٩٢	التشغيل
٣٦٩	التشكيلة
٤٦٧	التشمير عن
	الساعد

٦٥١	التخطيط
٩٤٨	تخطيط الدماغ
٤٨	التخلي
٤٤٩	التخليد
٧١٤	التحويل
٣٤٥	التداول
٨٦٣	التدخّل السافر
٥٥١	التدلل
٥٤	التدهور
٥٥	التدويل
٥٨	تذليل العقبات
٥٥٤	تراشق الحجارة
٦٢	التراشق الطائفي
٦٧	التراوح
٤٥٤	الترّبع
٥٥٢	الترّبع
٤٥٥	الترحيب
٦٥٩	الترخيص
٦٦٠	ترخيص مزاولة
	المهنة
٢١١	التردي
٨٤٨	الترسانة
٩٥٤	ترقّق العظام
٨٧٧	الترقية
٧٨٥	الترميز

٥٢٤	التبويس
٩٣٩	تبييض الجلد
١٥	التريك
١٨	التويج
٥٣١	الثاؤب
٤٣٨	الثقيف
٤٣٩	تجسير الفجوة
٨٥٢	التحوّل
١٨٩	التحدّر
١٨٨	التحديث
٣٣٣	تحرير الشيك
١٩٣	تحريك الساكن
٦٤٧	التحضير
١٠١٩	تخطيط الرقم
	القياسي
٣٦	التحفظ
٧٠٩	التحقيق
٧١١	التحكيم
٩٤٦	التحلّل
٨٥٥	التحليق
٧٧٢	تحليل البول
٥٤٥	التحيّة
٥٤٤	تحيّة الصباح
١٠١٤	التخينة
٩٤٧	التخدير

٧٦٣	التقيّة
١٣١	التقوقع
٢٨١	التقويم
٧٤١	التقيّد
٢٨٢	التقييم
٩١٥	تكيد الخسارة
٤٩٥	التكلس
٢٨٨	التلاعب
٤٠٩	التلية
١٨٤	التلفاز
٤١٠	التلكؤ
٦١٨	التلميع
٨١٤	التلوّث
٩١٧	التلوّيح
١٤٣	التمتين
١٤٤	التمثيل
١٠٤٢	التمرير
٥٨٨	التمظهر
١٤٧	التمنّن
٦٢١	التمغظ
٩٩٧	التململ
٤١٢	التمويل
٩٢٠	التناحر
٩٢٤	التنازل
٤١٩	التنامي

٥٩٣	التعليب
١١٢	التعليق
٦٨٤	التعميم
١١٥	التعتّت
٣٩٧	التعويض
٨٤٠	تغليف السجائر
١٢٠	التغيب
٤٨٥	التغيب
٩٠٨	التفادي
٢٧١	التفاهم
١٢١	التفتيت
٨٠٠	التفجير
٦٨٧	التفرّغ
٢٦٧	التفريغ
٩٨٧	التفشيّ
٤٨٦	التفكك
١٢٦	التفكيك
٢٧٢	التفديد
١٢٩	التقاذف
٨١١	التقاط الصورة
٦٩٠	التقاعد
٦٠٩	التفافز
٢٧٣	تقرير المصير
١٣٠	التقلّص
٦٤٤	التقنيّ

٨٨٥	التشويش
٦٧٠	تصديق الشهادة
٨٨٦	التصعيد
٢٣٨	التصنيف
٢٤١	تصميم الأزياء
٩٠	التصنيف
٥٧٨	التصويب
٧٣٠	التصويت
٢٤٢	التصونية
٣٧٧	التضخم
٤٧٣	تطاؤل السنين
٥٨٣	التطرّف
١٠٠	التطمين
٣٨٥	التطوير
١٠٨	التعاطي
٣٩٥	التعامل
٤٢٣	التعاونية
	الاستهلاكيّة
٢٦٣	التعاش
٨٩٩	التعتيم
١٠٥	التعديل
١٠٣٢	تعزير الصدارة
٥٩٠	التعشّش
٩٧٩	التعقيم
١١٠	التعكير

١٩٨	الحارة
٣٣٦	حاكم المصرف
٩٨	حالة الطوارئ
٤٤٣	الحبر
٤٤٤	الحبلى
٥٣٦	الحبيرة
٧٠٤	حجب الثقة
٣٣٢	حجر الأساس
٥٣٧	الحدثنة
٤٢٤	حرب بلا هوادة
٨٥٤	الحرية
٥٣٩	حصان طروادة
٣١	الحصانة
٣٠	الحصنة
٣٣٥	الحصّة
٥٤٠	حصّة الأسد
٥٤١	الحطّ
٣٢	الحظر
٣٤	حظر الطيران
٧٠٧	الخطوة
٣٧	الحفظة
٦٤٨	الحقية
١٩٦	الحكر
١٠١٣	الحكم
١٩٧	الحلاوة

٧٦٤	الثديّات
٢١	الثغرة
٥٣٢	الثغرة القانونيّة
٨٤٩	الثكنة
٩٤١	الثنائى
١٨٦	الجنمان
٢٢	الجد
٨٣١	جَرّ المياه
٤٤٠	جسّ النبض
٥٣٣	جسّ النبض
٩٧٤	الجسم الطبى
٩٤٢	الجفن
٧٦٥	الجليد
٣٣١	الجمركة
١٢٤	جملة وتفصيلا
٤٥١	الجمهور
	المدرسى
٥٣٥	الجنى
٧٦٧	الجهاز
٤٤٢	الجوقة
٢٨	الجولة المكوكية
٨٥٣	الجيش والجيشان
٧٧٠	الجين
٧٧١	الجينة
٤٢	الحائط المسدود

٧٤٧	التحى
٣٠٠	التدر
١٥٣	التصّت
٧٥١	التظيم
٤١٥	التفيذ
٧٥٣	تففيذ الحكم
٣٠٨	التكرّ
٤٢٠	التميه
١٦١	التويه
٥١٢	التهميش
٥١٣	التهويد
٩٤٠	التوأم
١٦٨	التوازن
٨٢٨	التوثيق
٣١٩	التورط
٤٢٧	التوريد
٥١٩	التويد
١٦٩	تويد العلاقات
٣٢١	التوظيف
٣٢٢	التوفير
٥٢١	التوقيع
٢٩	التوقيع بالأحرف
	الأولى
١٩	التيار
٤٣٧	التيار

٦٥٨	الرتب والرواتب
٢١٠	الثناء
٧١٩	الردّة
٨٧٣	الردع
٦١	الرسم
٧٨١	الرسوم
٦٦١	الرسوم البلدية
٨٧٤	الرّشّ
٥٥٥	رشق الحجارة
٦٣	الرّص
٨٧٦	رصاص الرحمة
٧٨٢	الرّصد
٢١٢	رصد المواقف
١٠١٦	الرصيد
٦٤	الرضوخ
٣٥٤	رغيف الخبز
١٠١٧	رفع الأثقال
٢١٣	الرفوف
٦٦٤	الرقابة
١٠١٨	الرقم القياسي
٤٥٦	الركب العالمى
١٠٢٠	الركلة
٢١٤	الرماد، الترميد
٥٥٦	الرمال المتحرّكة

٨٦٢	الخيّالة
٧٧٦	الدّارة الهاشمية
٤٩	الدّحن
٢٠٦	الدردشة
١٠١٥	الدّرّاجة النارية
٨٦٤	الدرك
٢٠٧	الدرن
٣٤٣	الدعم
٤٦٩	دقيقة صمت
٨٦٨	الدكّ
٤٥٢	الدماغ الإلكتروني
٢٠٨	الدمية
٩٥٢	الدورة الدموية
٨٧١	الدورية
٦٤٦	ديوان المحاسبة
٧٧٨	الذاكرة
٧٧٧	الذرة
٥٦	الذعر
٣٥٠	الرأسمال
٦٥٧	الراتب
٣٩٨	راتب الإعالة
٣٤٤	الراتب المتدنيّ
٢١٥	الراهن
٩٥٣	الربو
٥٩	الريبة

٥٤٢	حلحلة الأمور
٥٤٣	الحوار
٩٤٥	الحوجلة
٧٧٩	الحياة الذكيّة
٤٣	الحيطة
٧٧٣	الحيويّ
٢٠٢	الخاطبة
٤٤٨	الخافية
٤٦	الخافية
٥٤٦	خبر كان
٢٠١	الخرسانة
٨٥٨	الخرق
٥٤٧	الخروف
٨٥٩	خزانة طلقات
٣٣٨	الخسوف
٥٤٨	الخضمّ
٤٠٢	خطّ الفقر
٣٣٩	الخطة
٢٠٣	الخطوبة
٤٤٧	الخطورة
٧٧٤	الخفض
٢٠٤	الخلخلة
٦٥٤	الخلل
٥٤٩	الخناق
٥٥٠	الخواصنة

٨٨٣	الشرطة العسكرية
٨٣	الشرقة
٢٢٩	الشريحة
٤٦٦	الشطبة
٧٢٤	الشعر المستعار
٥٧٣	شعرة معاوية
٨٨٤	الشغب
٧٢٥	الشغور
٩٦٣	الشلل
٩٦٤	شلل الاطفال
٧٢٧	الشمع الأحمر
٧٩٣	الشهادات
	الدراسية
٥٧٢	الشیطان
٣٧١	الشيك
٢٣٥	الصب
٩٦٥	الصداع
٣٧٢	الصدع
٩٦٦	الصدمة
٩٦٧	الصدمة الكهربائية
٨٩	الصفعة
٢٣٧	الصف
٨٨٧	الصفارة
٣٧٤	الصفقة
٨٧٥	الصفوف المتراصة

٦٩٩	السجن المؤبد
٧٨٩	السحابة
	المغناطيسية
٩٥٧	السريير
٥٦٨	السلة
٨٨٠	السفور
٧٤	السكة
٢٢٤	السلسلة المعدنية
٣٦١	السلعة
٣٦٣	السلفة
٧٥	السلم
٨٣٥	السماد
٥٦٩	السمن
٥٦٤	سوق المثل
٩٠٧	السيارة المفخخة
٢٢٨	الشاحنة
٤٦٨	الشاشة الصغيرة
٧٩	شبر من الأرض
٨٣٦	الشتلة
٢٢٧	الشجب
٦٦٨	الشحن
٣٦٦	الشحنة
٤٦٥	الشراسة
٢٣٠	الشراهة
٣٦٧	الشرح

١٠٢١	الرماية
٨٣٣	الروزنامة
	(فارسية)
٤٥٨	الرومنسية
٦٩	الزخم
٧٨٦	الزّر
٩٥٥	زرع الشعر
٧٠	الزعزعة
٥٥٩	الزفرة
٥٦٠	الزكزكة
٢١٨	الزلاية
٧١	الزلمة
٢١٩	الزموور
٨٧٩	الزناد
٥٦١	الزنيك
٤٥٩	الزهو
٥٥٨	الزوبعة
٥٦٣	السامة
٢٢٢	الساخن
١٢٥	ساري المفعول
١٠٢٦	سياق السباحة
٥٦٥	السبق
٥٧٠	الست
٧٣	السجاد
٧٢١	السجال

٩٠٠	العازل
٧٩٩	العاصفة
٢٥٩	العاطل
٥٩٤	العالمانيّة
٨٩٨	العوبة الناسفة
٣٨٦	العتبة
٣٨٧	العجز فى الموازنة
٢٥٢	عجقة السير
٣٨٨	عدّاد المياه
٣٩	عدم الإنحياز
٢٣	عديم الجدوى
١٠٦	العراقيل
٢٥٤	العربة
٤٧٤	العرفّة
٣٨٩	العرض والطلب
٦٨٢	العزو
٥٨٩	العسكرة
٤٧٥	العسكريتاريا
٥٩١	العشّ
٢٥٦	العصبويّة
٢٥٧	العصية
٥٩٢	العصّ
١٠٧	عصّ الأصابع
٩٧٧	العظم
٤٧٧	العقبى

٣٧٩	الضياع
٥٨١	الضيق
٨٩٥	طائرة التجسّس
٨١٨	الطائرة النفاثة
٧٣٢	الطائلة
٦٨٠	الطابع
٣٨٠	الطابع الاقتصادى
٨٩١	الطابور
٧٩٥	الطاحونة
٧٩٧	الطاقة
٨٩٤	الطاقم
٩٧٣	الطبّ الشرعىّ
١٠٠٤	الطبيب المناوب
٣٨١	الطحن
٢٤٩	الطرد البريدى
٧١٥	طرف الخيط
٦٨١	الطعن
٥٨٥	الطغيان
٩٧٥	طفل الأنبوب
٣٨٣	الطليلة
١٠١	الطمأنة
٥٨٦	الطمس
٢٤٧	الطوارئ
١٠٢	الطّي
٥٨٧	الطّيع

٥٧٧	الصقر
٣٧٥	الصكّ
٤٧٠	صمام الأمان
٢٤٠	الصمت
٧٢٩	الصمت
٦٧٤	الصورة
٨٣٨	الصومعة
٩٦٩	الصيدليّة المناوبة
٥٧٩	الضباب
٩١	ضبط النفس
٢٤٣	الضحايا
٩٧٠	الضحية
٩٢	الضحّ
٦٧٦	الضرب على الآلة
	الكاتبّة
١٠٣٠	ضربة الجزاء
١٠٢٩	الضربة الفنيّة
٤٠٠	الضرر الفادح
٣٧٨	الضريبة
٩٣	الضغط
٩٧١	ضغط الدم
٨٩٠	الضفدع
٦٧٧	الضمان
	الاجتماعيّ
٩٥	الضوء الأخضر

٢٣٣	الفنّان التشكيلي
١٠٣٤	الفوز
١٢٧	الفوضي
٦٣٠	في مهتّ الريح
٨٠٥	الفيّتامين
١٢٨	الفيّتو
٩١٢	القاسي
٧١٠	قاضي التحقيق
٢٧٧	قالب حلوى
٧٣٤	القانون المعجّل
	المكّرر
٤٨٧	القداس
٤٨٨	قدّاس الأحد
٤٩٠	القرصنة
٤٩١	القرط
٩١١	قرع الطبل
٤٩٣	القرم
٢٧٦	القسطل
٥٨٠	قسمة ضيزى
٩٨٩	القصر
٤٠٥	القطاع
٨٠٦	قطع التيار
٩٩٠	القفاز
٤٠٦	القفز
٦١٢	القمقم

٨٥	غصيع التشكيك
١١٩	الغطرسة
٩٠٣	الغمرة
٤٨٣	الغنح
٩٠٥	الغوّاصة
٦٥	غير مرغوب فيه
٤٠٤	الفانض
٦٨٨	الفانض عن
	الحاجة
٣٩٩	الفاطورة
١٠٣٣	الفارس
٨٠٤	الفالق
٩٨٤	الفتك
٩٨٥	الفحص
٦٠٢	الفذلكة
٨٠١	الفردنة
٦٠٤	الفرفة
٩٨٦	الفرك
٦٠٣	الفرنسة
١٠٣١	الفريق المضيف
٧٣٨	فسخ العقد
٨٠٢	الفضلة
٢٦٨	الفطر
٢٧٠	الفعاليات
٢٦٩	الفعال

٢٧٥	عقد القران
٤٧٨	العقلانويّة
٧٣٦	العكوف
٣٩١	العلامة
١٥٨	العلم المنكّس
٨٤٥	أهبة على
	الاستعداد
١٣٤	على المكشوف
٤٨٩	على قدم وساق
١١٤	العملاق
٢٦٠	العملاني
٣٩٦	العملة
٥٩٧	العملية القيصريّة
٢٦١	العمولة
١١٦	العناء
٢٦٢	العناية
٩٨٢	العناية الفائقة
٥٩٥	العولمة
٢٦٤	الغاب
٨٣٢	الغابة المحميّة
٩٠٤	الغارة
٢٦٦	الغالي
١١٨	الغبار
٦٠٠	الغربة
٨٣٩	الغرس

١٠٠٩	المباراة
٦٤١	المباغطة
١٢	المبالاة
٢٠	المتاهات
١٠١١	المتحف
٩٤٩	المتخلف
٧٧٥	المتدليات
٧٣٧	المتفرغ
٤٩٦	المتكلس
٧٤٤	المثول
١٨٧	المجارير
٧٦٨	المجاز
٢٦	المجاملة
٢٥	المجلس
٧٠٣	محمل الاقتراح
١٩١	المحاذاة
٤٠	المحاولة
١٩٠	المحدلة
١٩٢	المحرقة
٣٣٤	المحروقات
١٩٤	المحسوبة
٧٠٦	المحضر
٧١٢	المحكمة
١٠٠٧	المخير
٦٥٥	المختار

٧٩٠	اللاسلكي
٦٦٥	اللامركزية
٧٤٣	اللجنة
٤٩٨	اللحمة
٤٩٩	اللحية
٥٨٢	لطاخونة
٩١٦	اللغم
٢٩١	اللف
١٠٣٧	اللفة
٢٩٠	اللفلفة
١٤١	اللقاء
١٧	اللقاء المتلفز
٥٠٠	اللقطات
١٠٣٨	اللكمة
١٤٢	اللمسات
٨١٢	اللمعان
٦٩٦	لوائح الشطب
٢٩٢	اللوحة الزيتية
٢٩٤	اللوم
١٠٤٠	اللياقة البدنية
١	المؤامرة
٣٢٥	المؤشر
١٦٦	ماء الوجه
٤١١	الماس
٥	المبادرة

٦١٣	القوس
٦١٤	القومية
٧٤٢	قيد التنفيذ
٦١٥	القيصر
١٠٣٥	كأس العالم
١٣٥	الكالوس
١٣٧	الكاميرا
٢٨٧	الكاهل
٤٠٧	كبح التضخم
٦١٦	الكبش
١١٣	كتاب الاعتماد
٨٠٧	الكتلة
٩٩٢	كريات الدم
	الحمراء
٥٣٤	كسر الجليد
٩٩٣	كسر العظم
٨٠٨	كشف الكذب
٦١٧	الكفكفة
٩٩٥	الكلبي
١٠٣٦	كمال الاجسام
٤٩٧	الكماليات
٨١٠	الكهف
١٠٢٧	لإصابة
٢٩٣	اللانمة
١٤٠	اللاجئين



٦٧٨	المضمون
٢٤٦	مطاطاً الرأس
٧٥٦	المطالبة
٩٧	المطبة
٥٠٢	المطران
٣٨٢	المطروح للبيع
١٤٦	المطل
٨٩٦	المظللين
٦٨٦	المعاش التقاعدي
٩٠٢	المعتقل
٢٥٥	المعسول
١٠٩	المعقوف
١١١	المعكوف
٢٦٥	المتعّة
٨٠٣	المفاعل
٤٠١	المفروق
٩١٤	المقلّاع
٦٩١	المقلد
٢٨٥	مكافحة البطالة
٢٨٣	المكّبل
٧٣٥	مكتب الكاتب
	العدل
١٣٣	مكوف اليدين
٩٩٤	المكفوف
٨٠٩	المكفول

	المرضيّة
٩٥٩	المسالك
٧٨٨	المسبار
٤٤٦	المستحيل
١٠٤	المستعجل
٨٤١	المستلزمات
٦٦٧	المستندات
	المطلوبة
٩٣١	المستقع
٧٧	المستوى
٤٦٣	المسرح
٧٢٣	المشاة الصحفية
٢٣٢	المشاغب
٣٦٥	المشبه
٣٦٨	المشروع
٧٩١	المشع
٩٦٢	المشفي
٧٢٨	المصادقة
٥٧٦	المصحّ
٨٦	المصادقية
٨٧	مصراع الباب
٣٧٣	المصرف
٢٣٩	المصلحة
٦٧٢	مصلحة المياه
٢٤٥	المضاهاة

٦٤٩	المختبر
٨٦٠	المخفر
٧١٦	المداخلة
٩٥١	المدّخّن بالسجاير
٣٤١	المدخول
٣٤٩	المدّخر
٧١٧	المدعوّ عليه
٨٦٧	المدفع
٨٩٧	مديرية التبعة
٣٤٧	المديونية
٣٤٨	المديونية
٧٨٠	المدنّب
٨٣٤	المرأة الريفية
٢١٦	المرأهنة
٢١٧	المراوغة
٦٦٢	المرسوم
٧٨٣	المرصد
٧٨٤	المركية
١٠٢٣	المرمي
٤٥٧	المريرع
٣٥٧	المزاد
٢٩٥	المزحة
٧٨	المسار
٧٤٦	المساس بالقانون
٩٩٦	المساعدات

٥٠٧	نصب الأمومة
٨٤٤	نظام التنقيط
٢٠٩	النظرة الدويّة
٦٢٥	نعم
٦٢٦	نعومة الأظافر
٣٠٣	النعمي
٨١٩	النفائات
٨٢٠	النفاية
١٠٠٢	النقاء
٣٠٥	النقابة
٦٢٧	النقاش
١٠٠١	نقالة الإسعاف
٤١٦	النقد المتداول
١٠٠٠	نقص المناعة
١٠٤٦	النقطة
٨٨	نقطة الصفر
٣٠٦	نقطة الصفر
١٠٠٣	نقى العظم
٣٠٧	النكته
١٥٧	النكسة
٣٠٩	النمو
٦٢٩	نهي
٥١١	النوايا
٩٣٣	النوعيّة
٩٣٤	النويّة

٧٢٦	المنشّق
٧٥٠	المنصّة
٥٠٩	المنهجية
٤٣٠	الموازنة العامة
٦٩٨	المواصلات
٥٢٠	الموافاة
٥١٧	الموشك
١٧١	الموقف
٧٦٩	المياه الجوفيّة
٧٥٩	المياه المبتذلة
١٠٤١	الميدال
١٠٤٤	النادي
٩٢١	النادي العسكريّ
٦٢٤	الناطور
١٥١	النبد
٥٠٣	النبراس
٢٩٨	النبيذ
٥٠٤	النجومية
٥٠٥	النحيب
٥٠٦	الترجسيّة
٩٩٩	النزيف
٩٢٥	النسف
٩٢٧	النشّال
٨١٧	النشوء
٩٢٦	نشوب الحرب

٨٤٢	المكننة
١٤٨	المكوك
١٣٨	المكيال
٢٩٦	ملء الفراغ
١٠٣٩	الملاكمة
١٣٩	المليّد
١٤٩	الملكية الدستورية
٦٢٢	المليان
٦٢٣	الملّي
١٤٥	الممارسة
٧٤٥	الممثل
١٥٠	المميز
١٦٠	مناخ الانفتاح
١٠٤٥	المنازعة
٣٠٢	المناشدة
١٥٥	المنافشة
٤١٧	المنافسة
٥١٠	مناهج التعليم
٣١٠	المناهرة
٩٣٢	المناورات
٨٤٧	المناورات
	البرمائية
٢٩٧	منح الفرصة
٦٩٧	مندوب مبيعات
٨٤٣	المنشار الآلي

٦٣٥	الوردة
٤٢٩	الورشة
٣٢٠	الوسام
٥١٨	الوشم
٦٣٦	الوشوشة
٤٣٢	الوضع المعيشي
٤٣١	وضع اليد
٦٣٧	الوعود
١٠٠٦	الوعي
٦٣٨	الوفضة
٦٣٩	الوهج
٤١٤	اليانصيب

١٦٣	الهضبة
٣١٥	الهلع
٨٢٦	الهندسة الوراثية
٣١٤	الهواتف
	الضرورية
١٠٤٨	الهواية المفضّلة
٣١٦	الهوّة
١٦٤	الهستيرية
٣١٧	الهيّاب
٦٣٣	الوَاد
٣١٨	الواجهة
٥١٥	واجهة الصحف
٤٢٨	الواردات
١٦٥	الوثيقة

٨٢١	النيزك
٩٢٨	النیشان
٤٢١	الهاتف
٨٦١	الهاتف الخليوي
٣١٣	الهبوط
٨٢٢	هبوط الحرارة
١٠٠٥	هبوط الدورة
	الدمويّة
٩٣٥	الهجوم المضادّ
١٠٤٧	الهدّاف
٦٣١	الهدهدة
٨٢٤	الهزّة
٨٢٥	الهزّة الارتدادية
١٦٢	الهشّ

٧٣٧	
٤٩٤	الأضرحة
٩٧٢	الأطباء بلا حدود
٢١٨	الأطباق
٥١٧	الأطروحات
٤٩٩	إطلاق اللحي
٤٤٢	الإطلاة
٧٥	الإعاده
١١٧	الإعاقه
٩٩٤	الإعاقه السمعيه
	والبصريه
٣٩٨	الإعالة
١٣٥٧	الأعرج
١٣٥٨	الأعزب
٧٣٤	الإعفاء
٣٥٠	الإعفاء الضريبي
٤٧٩	الإعلام المرئى
	والمسموع
١١٩	الإعمار
١٣٣٨	الأعمى
١٩٠٩	الأعوج
٢٨١	الإعوجاجات
١٣٢٠	الأعور
٤٣٨	الأفعل
٦٧٢	الإفلاس

١٢٦٦	الأرملة
١٢٢	الإرهاب
٢٣٢	الإرهابيين
٥٠٧	إزاحة الستار
٢٨٢٨	الإزاز
٧١	الأزلام
١٥٤٧	الأسد
٩٠٧	أسطوانة الغاز
٣١٤	الإسعاف
٨٧١	الأسلحة الرشاشه
٣٠٧	الأسلوب
١٨٧	الأسنان المرهقه
٢٤٥٩	الإسواره
٣٠٣	الأسى
٥٢١	الإشراف العلمى
٧٦٢	الأشعه الشمسيه
	فوق النفسجيه
٤١٨	الأشغال
٦٩٩	الأشغال الشاقه
١٠٢٢	الإصابة
٥٧٥	أصابع الفتته
٦٨	الإصدار
٣٧١	إصدار الشيكات
٦٨٣	إصلاح الأعطال
٢٤٤-	الإضراب

١٧٢	الإبر المخدرة
٢٠٥٥	الإبرة
٤٨٨	الأبرشية
١٢٦	الإتحاد العمالي
٦٥٣	الأتوستراد
٧٦	الآتيه
٩٣٨	الإجرام البنى
٧١٨	الأجل غير المسمى
٧١٥	الأجهزه القضائيه
١٣٩-	الأجواء
٢٢٢	
٤٣٦	الأحداث
٧٣	الأحمر
١٣٠٣	الأخرس
٨٧٦-	الأخصائي
٩٦٢	
٢٢٢٢	الأخضر
٧١٠	الإخلاء
١٣٠٧	الأخوت
٢٤٢	الأدراج
٥٠٥	الآذان الصاغيه
٢٢١٤	الأذى
٧٩٤	الإرسال التلفزيونى
٨٣٤	الإرشاد الزراعى
٦٧٠	الإرفاق

٢٥١	الانتهاكات
	الروتينية
١٢٧	الانزلاق
٨١٠	انسان الكهف
٥١٧	الانعدام
٨١	الانهيار
٤٨٦-	الانهيار
٣١٥	
٢٦٨٢	البابوح
٢٢٥٠	البار
٢٧٣٢	البارود
٢٢٨	الباص
٢٧٩	الباص الصغير
٢٥٨٩	الباط
٣٦٩	الباهر
٣١٩	الباهظ
١٧٨	البيت
٨٣٤	البحوث الميدانية
١٥٦٢	البدوي
٨٣٥	البذار
٣٨٢	البراد
١٨٠٣	البردان
٧٦٠	البركاني
٨٤٧	البرمائية
١٩٨	البرمة

٢٦٦	الاحتفال التأنيبي
٢	الاحتواء المزدوج
٢٩٨	الاحتياط
١٥١٩	الارتواء
٦٩	الاستئناف
٧٢٦	الاستخباراتي
٣٨٧	الاستدانة
٩	الاستسلام
٣٢	الاستعادة
٧٢٧	الاستفتاء
٤٧	الاستقرار
٤٩٢	الاستساخ البشري
٢٢٧	الاستهتار
١٠٣٧	الاصطدام
٢٤٨	الاطراد
٤٤	الاعتداءات
٦٥٨	الاعتصام
٨٧٥	الاقترام
١٠٥	الاقتراح
٩٧٧	الالتهاب
٩٦١	الالتهام
٨٢٣	الامتصاص
٧٩٩	الانبعاث
١٩٧	الانتحار
٢٥٦	الانتماء

٦١٨	الأفقرع
٥١٢	الإقلاع
١٣٩	الإقليم
٤٥٢	الأقمار الصناعية
٦٧٦	الآلة الكاتبة
١٧٥	الآلية
٨٧٣	الآلية الرادعة
٧٣١	الأمانة
١٠٠٣	أمراض الدم والورم
٧١٥	الإمسك بطرف
	الخيظ
٤١٨-	الأمن الداخلي
٣٠٤	
٨٣٥	الإنارة
٨٢٣	الأنوب
٥٦	الأنفاق
٥٠٨	الأنملة
٨٣	الأوان
١٧	الأوضاع الراهنة
٩٧	الإيجاب
٣٥٩	الإيقاف
٦٠٦	الانتماءات
٣١٢	الاتجاهات
١٢٣	الاتفاق
٦٥٨	الاحتجاج

١٤	التخطيط
٣٩٢	التخفيض
١٦٦	التخلص
٤٨	التدبير
٨٨٠	التدخل
٨٦٧	التدريج
٨٩٨	تدريج وسائط النقل
٣٨٤	التدهور
١٢٦٤	التراب
٣٩	الترابط
٣٢١	التراتب
٣٢٨	التراجع
٦٤١	التراوح
٥٨٢	التربص
٧٧	التردي
٤٥٥	الترس
٢١٤	الترמיד
٧٨٥	الترميز
٧٢٠	التزكية
١٠٤٨	التزلج
٢١٩	التزمير
١٥٦	تسجيل النقاط
١٠٤٢	التسديد الرأسى
٤١٥	التسجير
١٧	تسليط الأضواء

٢٧٦	البنية التحتية
١٧٤٩	بوزهرة
٦٧٨	البوالص
٢٤٥٣	البومة
٧٦٤	البويضة
٨٢٩	البيت اللامستكى
٢١٣٠	البير
٥٦٨	البيضة
١٧٢٢	البيطرة
١٥٢	التأخر
٣٣	التأشيرة
٤١١	التألق
٢٥٩٨	التبصير
٢٦١٧	التبن
١٠٤٧	توزيع اللاعب
٨٨٣	التجنيد القسرى
٧٣٢	تحت طائلة
	المسئولية
١١٧	التحذير
٤٨١	التحرش الجنسى
١٤٦	التحسين
٩٤٦	التحنيط
٩٤٧	التخدير الموضعى
٨٣٨	التخزين
٧٧١	التخصيب

٦٥١	البرمجة
١٤٥٤	البزق
١٦٨٠	البزقة
٢٥٦٣	البس
١٦٨٣	اليسين
١٤٠٣	الصلة
٧٨٥	بصمة الأصبع
١٤٢٦	البضاعة
٨٠٩	البطارية
٢٠٩٨	البطل
٢١٦٧	البطة
٩١٨	بعيد المدى
١٦٩٩	البعير
٢٣٨٠	البغل
٢٢٨	البقرة
٢١٨	البقلاوة
٧٩٣	البكالوريوس
٢٧٤٩	بكير
٢١٩٢	بلاش
٣٦١	البلبلة
١٩٥٦	البلة
٢٠٤	البلدية
٢٩٣	بلدية الحارة
١٥٠	البناء
٣٧٢	البنيان

٢٢٧١	التم
١٠٧	التمحور
٨١٥	التمخض
٢٠١	التمديد
٢٧٦	التمديدات
	الصحة
٢٧٦	التمديدات
	الكهربائية
٧٦٨	التمريض
٣١٤	التموين
٣٧٢	التبؤ
٦٤٣	التبناك
٨٦١	التبصت
٤٥٩	التبصيب
١٠٠٦	التبفس الإصطناعي
٤٢٥	التبفيذ
٨٤٥	التبقيط
٤١٢	التبموية
٨٣٧	التبمية
٣٩٨	التبمية الإجتماعية
٤٩١	التبورة
٦٠٦	التبهم
٩٧٥	التبؤام
٥٣٤	التبوتر
٨٢٨	التبوثيق المكتبي

	الجامعي
١١٥	التبعت
١٨٨	التبغريب
٦٧	التبناول
٧٨٣	التبفادي
٢٨	التبفاقم
٧٨	التبفاوض
٣٤	التبفجير
٢	التبفعليل
٣٠	التبفاسم
٦٠٧	التبفانة
٧١٦	التبفقرير
١٣٨٥	التبفشير
٤٦٧	التبفصّي
٢٣٣	التبفنيات
٨١٩	التبفنيات الحديثة
٤٥٧	التبفقهقر
٩٥١	التبفكون
٧٢	التبفلافي
١٧٠١	التبفلج
١٨١	التبفلقى
٧٧٢	التبفلقيح
٩٦٤	التبفلقيح ضد شلل
	الأطفال
٨١٩	تلوث المياه

٦٩٧	التبسويق
٦٧	التبشاؤم
٣٩٢	التبشجيع
٨٢٧	التبشقق
٨٥	التبشكيك
٤٦٤	تبشيع السنة
٣١٥	التبصدع
٦٣	التبصدي
٨٢٧	التبصديق
١٦٤	التبصرف
٥٣	التبصريح
٢٧٦	تبصريف المياه
١٠٣٥	التبصفية
٧٥٦	التبصويت
٢٣٣	التبصوير
٩٤٨	التبصوير الشعاعي
٤٠٧	التبضخيم
٤٩١	تبظفير الشعور
١٠٣٤	التبتعادل
٤٣	التبتعاطي
٣٥٥	التبتعيد
٨٩٩	التبتعيم الإعلامي
١١٤	التبتعسف
١١٦	التبتعليق
٥١٠	التبعلليم العام ما قبل

٩٩٨	الحاضنة
٢١٠٤	حافة القبر
٢٠٤١	الحافر
٢٧٩٩	الحافى
١٥٢٦	الحامض
١٢٦٨	الحايك
٩٧٠	الحبل
١٣	الحث
١٥٣٤	الحجر
١٢٨٠	الحجل
١٨٩٢	الحديد
٨٠٥	حديقة الحيوانات
٤٣	الحذر
١٨٠٧	الحرامى
٩٢٣	حرب الاستنزاف
٩٠٣	الحرب النفسية
٨٠	الحرية
٢٨٥	الحرية النقاية
١٤٣	الحساسية
٣٤١	الحسبان
٤٢٣	الحسم
٨٣٦	الحشيش
١٦٢٥	الحصان
١٣٤٣	الحصرم
١٨٦٠	الحصيرة

٢٠٧٢	الجران
١٤٨٨	جرة الحبل
١٨٧	الجرذان
٢٢٢٧	الجرسة
١٨٦٧	الجرو
٢٣٢١	الجزدان
٢٧٦٤	الجمر
١٤١٦	الجمرة
١٨٤٢	الجمرك
١٤٧١	الجمال
٣٧٩	الجملة
١٤٢٣	الجمال
٩٤٣	الجنين الأتى
٥٩١	الجهلوت
١٣٦٧	الجورة
٨٠٥	الجوز
٢١٣٨	الجوع
١٦٥٥	الجوعان
١٥٠	الجولة
٩٥١	الجيل
٨٢٤	الحيوفيزيائية
١٨٠	الحاجز
٩٠٨	الحادث الخطر
٢٠١٢	الحارة
١٠٢٣	الحارس

٩٢٧	التوخي
٣٤	التورط
٣٤٩	التوظيف
٣٢٢	التوفير
٨٤٠	التوفير الإجمالى
٧٦٨	التوليد
١٤٠٣	التوم
٣٩٨	الثري
٣٨٢	الثريا
٨٦٢	الثعالب
٤١٨	الثكنة
٧٢٤	الثوب التقليدي
١٣٢٧	الثور
٣٩٥	الجاد
٧٨٨	الحاذية
١٨٢٤	الجار
٤٣٧	الجارف
٣٨٢	الجارور
٢٧٥٧	الجارية
٢٧٥٨	الجب
١٦٩٨	الجة
٢١٤-	الجثمان
٩٤٦	
١٧٧١	الجدي
١٧٨٢	الجرادة



٩٧٣	الخنق
٨٦٢	الخيال
٧١٥	الخيط
٢٩٦	الدفوب
١٩٤	الدائرة الحكومية
١٨٨٣	الدابة
٥٢	الدابر
٤٩	الداحض
٥٦	الدب
٨٦٧	الدبابات
٨٦٣-	الدبابة
٨٩٤	
١٨٨٦	الدبابة
٢٢١٦	الدبر
٢٤٧٨	الدبس
١٦٥٧	الدبور
١٦٣٩	الدجاجة
١٨٧٩	الدخان
٢٤٢	الدرابزين
١٠١٥	الدراجة النارية
١٤٨٥	الدرب
٨١	الدرع
٢٢٦٣	الدف
٧٩٣	الدكتوراة
٦٧٦	الدكتيلو

٤٤	الخدول
٩٣٠	خدمة العلم
٤٥٥	الخراف
٢٨٢٦	الخراميش
٤٣٣	الخربطة الإعلامية
١٩٥٢	الخرج
٢٠١	الخرسانة المسلحة
٣٣٤	الخرطوم
١٣٥١	خرم الإبرة
٢٤٠٢	الخرمشة
١٦٤٣	الخروف
٢٤١	الخريف
٩١٥	الخسارة الفادحة
٢٦٠٥	الخشيش
٦٦٥	الخصخصة
٥٤٨	الخصم
١٠٢٢	خط الوسط
٢٠٢	الخطيب
١٩٠٣	الخل
٧٧٥	الخلاص
٧٤	الخلاص
٨٦٠	الخلصة
٧٢٦	الخلل
٨١٥	الخلية
١٧٣٢	الخنفسة

٨٥٢	حظر التحول
١٤٦٣	الحفرة
٥٨٠	الحفنة
٢٠٧٦	الحلاب
٢٣٠١	الحلو
٢١٨	الحلوى
١٥٠٥	الحمار
١٠٢١	الحمام
١٦٩٨	الحمرا
٧٧٢	الحمل
٩٣٦	الحمى
١٨٤	الحوار المتلفز
٣٥٥	الحي
٢٦٣٢	الحيالك
٧٠	حيال
١٧٩٣	الحية
٧٧٣	الحيز
٢٠١	الحيط
٦٣٨	خالي الوفاض
٣٤٧	الخام
٢٥٢	الخانق
١٦٥٤	الخباز
٤٢٩	الخبراء
٣٥٤	الخبز
٢٧٤٢	الخبيزة

٦٣٧	الرف
٩٠	الرفض
٢٤٥٦	الركض
١٠٢٠	الركلة الركنية
١٧٨٨	الرماد
٢٦٥	الرمال
٢٠٣٩	الزمان
٥٧٨	الرماية
٩١٠	الرهائن
١٠٣٦	رياضة كمال
	الأجسام
١٣٠٦	الريشة
٢٨٥	الريف
١٩٩٩	الريق
٣٥٥	الزاروب
٢٨٠٤	الريالة
٣٣٩	الزبون
٢٠٣٩	الزبيب
٢٩٢-	الزجاجة
٢٩٨	
٨٤٢	الزراعة الممكنة
٢٣٥١	الزعرور
٢٥٤٦	الزفة
٩٠١	زنزانة المعتقل
١٣٦	الزهر

٣٧٢	الرأسمالي
٤٨٤	الرأى العام
١٥٤٥	الرائحة
٨١١	الرائد
٦٩٠	رابطة المعلمين
٢١٢٨	الرأعى
٥٥	الرأعية
١٠٢١	الرأى
١٢٢	الرأمية
٨٢	الراهن
٦٣٦	الرتيبة
٩٠٧	رجال الإطفاء
٢٦٠٩	الرخام
١٥٦٦	الرخيص
٢٦٩	ردة الفعل
٣١٦	الردم
١٤٨٤	الردى
٢٠٩٠	الرز
٣٧٦	الرزقة
٥٢١	الرسائل
١٠٠	الرسالة
٢٩٢	الرسم على الفخار
٧٨١	الرسوم المتحركة
٢٠١	رش الجدران
٨٨١	الرصاص

٢٢٦	الدماء
٣٧٢	الدمج المتلاحق
٦٢-	الدوامة
٤٩٦	
١٩٠٣	الدودة
٩٢	الدور
٦٧٦	الدورة التدريبية
١٠٠٥	الدورة الدموية
١٨٩٦	الدولاب
١٧٥	الدوار
١٢٧٩	الديب
٦٠٤	الديباجة
١٣٣٢	الديك
٢١٣	الذاكرة
٧٧١	الذاكرة البيولوجية
٢٥٣٠	الذبح
١٤٢١	الذراع
١٨٢٣	الذقن
٥٥٩	الذكريات
١٩٠٩	الذنب
١٥٧٠	الذهب
٨٥٤-	رأس الحرية
٩٣٤	
٢١٢٤	رأس النبع
٣٥٠	الرأسمال

٦٦٣	الشاري
٧٨٧	الشاشة الإلكترونية
٤٦٨	الشاشة الكبيرة
١٤٣٠	الشاب
٢٢١٥	الشباب
١٤٢١	الشبر
٤٠٤	الشبكة الكهربائية
٦٨٣	شبكة مجاري
	المياه
٦٢٠	الشيبة
٧٧٠	شئلة التبغ
٢٠٤	الشتى
١٣٠٩	الشحاذة
٥٣٨	الشحاذين
١٦٥٧	الشحورور
١٦١٧	الشحمة
٣٦٦-	الشحنة
٦٦٨	
٢٣٢٣	الشخاخ
١٩٩٤	الشراة
٢٢٥١	الشرش
٣١٤	شرطة النجدة
٢٤٢-	الشفرة
٣١٥	
٤٦٥	الشرك

٥٦٨	السلة
٢١٩٨	السلطعون
٣٣٥	السلعة
٢٦٤٢	السلف
٤٣٢	السلم
١٥٧٩	السمكة
٣٧٦	سمكة القرش
٣٨٧	سندات الخزينة
١٥٨٥	السنكري
١٩٨٣	السهران
٣٢٥	السهم
١٢٩٩	السوار
٢٣٧	السواق
١٢٧٠	السوق
٣٢٨	سوق الأسهم
٢٤٠٦	السياج
٨١٨	السيارة الشمسية
٨٠٦	سيارة المطافىء
٨١٨	السيارة النفائة
٢٣٠	السيجارة
٢٣٢١	السيقان
٤١٦	السيولة
١٧٥	شؤون السير
٢٤٣٨	الشاة
٨٨٢	الشاحنة

١٩٨	زواريب الحارة
٩١٤	زواريب الحي
١٤٧٩	الزوبعة
٢٥٥٠	الزريق
٢٠٦٧	الزيت
١٤٧٢	الساقية
١٠١٩	السباحة
١٧٢٨	السبع
٢٤١	الستار
١٠٧	السجال
٢٦٠٩	السخام
١٥٧٥	السدان
١٩٠٤	السراج
٣٨٢	السريير
٢٥٧٦	سطل بلا علاقة
٤٩٠	السطو
٣٨٤	السعر
١٥١٤	السفرة
١٢٦٨	السكاف
١٦٨	سكة التوازن
١٩٢٠	السكرة
٧٥١	السكرتارية
٦٩٥	السكرتير
٢٥٠	السكين
٨٩٠	السلاح الكيماوي

٨٩٦	الضابط المظلي
٢٥٢	الضاحية
٣٤١	الضرائب
٢٦٤٢	الضرة
٧٢	الضريبة
٨٧٩	الضغط
٨٩٠	الضفادع البشرية
٤٣٥	الضفدع
٩٠٦	الضلع
١٠١	الضمان
٩٨٣	الضمان الصحى
٨٢	الضوء
٥٨٠	الضيضى
٣٤	الطائرة
٩٣٦	الطائرة
	الإستكشافية
٨٩٥	الطائرة الحربية
٤٤٩	الطابع البريدى
٣٠٧	الطابع الدعائى
٢٤٧٤	الطابق الفوقانى
٢٢٨٦	الطاحون
٢١٠٨	الطاسة
٧٧٧	الطاقة الذرية
٧٩٧	الطاقة النووية
٦٥٧	الطاقم

٢٦٠٤	الشيخ
٩٨٨	الشيروفرنيا
٣٥٠	الشيقي
١٤٩	الشيوعى
٨١٦	الصارم
٩٣٤	الصاروخ
٩٤	الصيغة
٣٦٨	الصحافي
٢٣٤	الصدأ
١٠١٦	الصدارة
٩٧٦	الصداع
٣٧٢	الصدوع
٣٥٦	الصرافة
٤١٣	الصرف
٢	الصعيد
٥٢٩	الصفار
٨٨٧	صفارة الإنذار
٣٦٥	الصفقة
٣٢٨	الصك
٨٢٣	الصنوبر
٩٩٨	الصهر
٦٦٠	الصورة الشمسية
٦٣٥	الصورة الوردية
١٦٤٣	الصوف
٧٩٢	الصيانة

٣٤٠-	الشركة المساهمة
٤٠٣	
١٢٠	الشريحة
٢٦٤	شريعة الغاب
١٧٥٣	الشطارة
٦٩٦	الشطب
١٧٥٤	الشطيط
٢٠٠٠	الشعرة
٢٠٠١	الشعير
١٧٨	الشفرة
٤٨٣	الشقراء
٧١٣	الشكوى
٢٧١٣	الشلة
١٢٩٤	شم الهوا
١٩٥٤	الشمال
٤٠٠	الشمندر السكرى
٦٤٩	الشهادة
٦٥٩	الشوا
٢٣١٦	الشواذ
١٤٢٧	الشوب
٢١٨٣	الشوربا
١٠٢٢	الشوط الأول
١٤٦٨	الشوك
٢٥٣٠	الشوكة
٢٦٧٤	الشيخ

١٤٥٠	العصى
٢٤٠٢	العض
٢٢٧٣	العضاض
٩٦	العطلة
٣٩٥	العطية
٩٥٤	العظم
٦٥٣	العقار
٥٨	العقب
٤١٥	العقبات
٧٧	العقد
١٧٨٤	العكاز
١٧٤٤	العكر
٥١٩	العلاقات
٢	العلاقات الثنائية
٨٤٩	العلم الخفاق
٨٥٥	العلو
١٧٤٧	العليل
٢٠٨-	العملاق
٧٧٨	
٣٦١	العملة
٣٦٩	العملة الواحدة
٩٩٩	عملية الوضع
٢١٣٥	العمى
١٧٧١	العنزة
٥٣٧	العولمة

٤٦١	الطيلة
١٢٥٨	الطين
٢٢٥	الظاهرة
٦٢٦	الظفر
٢٢٠	عارضة الأزياء
٤٢٧	العاصمة
٢٣٤	عاكسة للنور
٧٦٣	عالي الجودة
٧٨٧	عامل المقسم
٢٧٩	عتبة الباب
١٣٢٧	العجل
٩٢٧	العجلة
١٥٣	العدة
٢٠٨١	العدس
١٣	عدم الانحياز
٦٣	العدوان
٢٦٠٦	العرس
٩٣٢-	عرض العضلات
١٠٣٦	
٣٨	العرقلة
١٧٦٣	العريشة
٢٥٨٣	العسكر
٥٩٧	العسير
٨٦٦	العصابة
١٩٦٢	العصفور

٣٨٢	الطاولة
٥٣٣	طاولة المفاوضات
٩٦١	الطبق
٦٧٤	طبق الأصل
٢٦٠٥	الطحين
٦١٨	الطربوش
٥٤٣	الطرشان
٢٨٩	الطرق
	والمواصلات
٢٥٠	الطعنة
٦٦٦	الطعون النابية
٧٨٩	الطفرة الشمسية
٩٨٣	الطفل المعاق
٦٩٤-	الطفيف
٩٥٨	
٣٨٢	طقم الكتابيات
٢٠٥٧	الطلطميس
١٢٩٣	الطلعة
٨٥٩	الطلقة
٧٦٩	الطمر
٣١٤	طوارئ الكهرباء
١٩٧	الطوعي
٣٤-	الطيران
٨٥٥	
٥٧٨	الطيش

٨٠٥	الفستق
١٤٨٥	الفشخة
٢١٧٦	الفشط والهشط
١٤	الفشل
٢١٧٧	الفص
٨٦٢	الفصيل
٨٦٤	فصيلة الدرك
١٥٧٠	الفضة
٢٩٠	الفضيحة
٢٢٦٠	الظطن
٢١٦٥	القم
١٣٨٨	القول
٢١٨٨	القولة
٧٦٥	القوهة البركانية
٢٤٢	الفيلا
١٦٥٢	القبه
٣٨٣	القبضة الحديدية
١٠٣٨	القبضة اليسرى
٢٢٢٠	القدرة
٣٩٢	القدرة الشرائية
١٥٦١	القرد
١٥٢٨	القرش
٤٩٠	القرصنة الثقافية
١٧٨٠	القرعة
٢٦٠٥	القرقعة

٤٠٤	الفانت
٣٢٩	الفائدة
١٠٠٢	فائق النقاء
٣٩٩	الفاطورة
٢٤٦١	الفاخورة
١٤١٣	الفار
١٨٦١	الفارغ
١٣١	الفاشية
١٦٦١	الفاضى
٦٦٨	الفحص
٩٨٥	الفحص الطبي
١٠٠٧	الفحص المخبري
٩٥٠	الفحم
١٩٣٦	الفحمة
٢٥٧	الفخم
١١٣	الفخامة
٢٥٨٤	الفراشة
٢٥٤	الفرامل
٢١٦٨	الفرخة
٧٨٧	الفرع
٣٨٢	الفرن
٦٥٩	الفروج
١٠٢٣	الفريق
٢٦٧٠	الفريك
١٨٠٣	الفرعان

٢١٦٧	الغوم
٤٥٥	الغيارات النارية
٨٥٦	الغارات الجوية
١٩٠	غاز البترول
١٢٨٠	الغراب
٢٣٣	الغرافيك
٦٦١	الغرامة
١٥٥٩	الغربال
٨١١	الغربلة
٨٣٧	الغرسه
٧٩٧	الغرض السلمي
٩٧٩	الغرفة المعقمة
٢١٤٥	الغرقان
١٩٧٠	الغزال
٢١٤٩	غسالة البطن
٢٠٩	الغطاء
٨٧٠	غطاء السيارة
٦٩٠	غلاء المعيشة
٢٧٦	الغلاف
٢٧٤	الغلط
٧١٧	الغيايى
١٢٥٥	الغيرة
١٧٤	الغيمة
١٩٦	الفنة
٨٤٣	الفأس

٢٥٨٧	الكلب الكلبان
٣١٩	الكلفة
٥٩٣	الكليشيات
٢٦٥٢	الكم
١٨٢٣	الكنة
٨١٢	الكهف
١٨٥٦	الكوار
٨٢٣	الكوب
٨١٢	الكوم
٣٨٢	الكومودية
١٩٤٣	الكويس
١٣٠١	الكي
١٣٨	الكيل
١٢	الكيل بمكيالين
٣٤٦	اللائق
٧١١	اللاغي
٣٥	اللافت
٨١٢	اللامع
١٨٨٦	اللبان
٢٣٨٠	اللبطة
٣٦٠	اللجنة
٦٩٨	اللجنة الإستشارية
١٧٥	لجنة الطوارئ
١٧٥٥	اللحم المشوي
٢٧٥٦	اللطم

٢٦٦١	القماط
٢٠٠١	القمح
٤٨	القمع
٥٦	القنبلة
٩٠٧	القنبلة اليدوية
١٨٩١	القنطار
٣٢٤	القنبلة الموقوتة
٤٢٧	قوالب الجليد
٤٨٢	القوقعة
٨٢٣	الكأس
٧٧٦	الكابل الضوئي
٧٣٥	الكاتب العدل
٤٦٦	الكارثة
٩١٦	كاسحة ألغام
٤١٣	الكاسد
١٣٥	الكالوس
٧٩٢	الكتالوج
١٦٠	الكتلة
١٥٩٦	الكديش
٢١٧٧	الكر
١٠٤٧	كرة القدم
١٩٧٤	الكمكة
٣٢١	الكفاءة
٧١٠	الكفالة
٨٦٢	الكلاب البوليسية

١٤٠٢	القرن
٨٣٥	القرويين
١٦٨٥	القرية
١٢٠	القسر
١٨٧	القسطل
١٥٣١	القسم
١٧٨٦	القشة
٨٢٧	القشرة الأرضية
٧٦٠	القشرة الجليدية
١٩٥٩	قشرة الموز
٢٣٨	القصات
٥٦٥	القصة
٩٨٩	قصر النظر
٢٦٨٠	القصة
٨٩٠	القصف
٨٤٦	القصوى
١٦٤	القصير النظر
١٤١٣	القط
٦٨٨	القطاع العام
١٢٨٠	الققق
١٤٣	القفز
١٩٠٠	القلاب
١٠	القلق
٧٢٢	القلم
١٤٤١	القماش

٥٩٧	المخاض
٧١٦	المخير
٢٣٠	المدخن
٦٩٧	المدخول
٢٧٩	المدرسة التمهيدية
٨٦٧	المدرعة
٦٩٩	المدعى عليه
٤٠٤	المدفوعات
١٩٨٩	المدلع
٩٤	المدني
٩٠٠	المدنيين العزل
٨٨٦	المدى المنظور
٤١٨	المديرية العامة
٢٩٢	المرآة
٢٠٦	مراسل الجريدة
٧٤٨	المربوطات
٢٦١	مرتبوا الزيجات
١٧٠١	المرج
٢٢٣١	المرسة
٦٧٣	المرشح
٤٢٦	مرض البقرة
	المجنونة
٩٨٧	المرض المعدي
٢٢٢٠	المرغفة
١٥٦٧	المرق

	للهمزات
٤١١	المبهر
١٣	المتاح
١٨٩	المتحدّر
٥٤	المتزايد
٣٤٤	متطلبات الحياة
١٥٣-	المتطور
٧٦٣	
٧٢٣	المتعدد الأطراف
٢٢١	المتفاقم
٣٧٠	المتن
٤١٩	المتنامي
٤٣٩	المتقف
١٣٤٩	المجتري
١٣٢١	المجرفة
٧١٧	المجلس العدلي
٢٦٦	مجلس العزاء
٣٣١	المجمرك
٣٣٥	المحاصصة
٢١٧	المحتال
٧٣٩	محضر الجلسة
٨٨٥	المحطة الإذاعية
٣٢	المحظور
٨٦	المحك
٢٢	المحمل

٥٣٥	اللعاب
٢٤	اللعبة
٩٠٥	اللغم البحري
١٢٧٤	اللفت
٢٠٣	اللفيف
١٧٣	اللقاء التأيني
٥٠٠	اللقطات
	اللاأخلاقية
٧٨٠	اللمعان
٦٦٧	لوحة الإعلانات
٨٠٥	اللوذ
١٨٧١	اللولو
٦٩٩	المؤبد
٢٧١٠	المثذنة
١٩٣	المأزق
٣٠٣	المأسوف على
	شبابه
٣٤٠	المؤشر
٧٩٣	الماجستير
٥٧	الماكينة
١٠٢٤	المباراة
٤٥	المباشر
٦	المبرر
١٠٣٧	المبكر
٧٧٤	المبنى المضاد



٨٥٥	المعادي
١٦٠	المعارض
١١	المعانة
٤٦	المعتاد
٧٣٤	المعتقل
٢٣٣	المعرض
١٥٦	المعركة
٥٩٠	المعشش
١٩٦٦	المعصار
٨٢	المعطى
٣٥٣	المعفى
٢١٦	المعقد
٩٨٩	المعقم
٢٦٥٩	المعقوص
٥٩٣	المعلب
١٢٨	المعلق
٨٣٩	المعلم الترتيني
٦٠٧	المعمعان
١٧٨	المعمل
٣١٩	المغامرة
١٦٩٤	المقتسل
٩٧٣	المغدور
١٩٣٢	المغربل
١٦٤	المغزى
١٠٣٥	المفاجأة

	التلفزيوني
٢٠٤١	المسمار
٩٦٠	المسمر
٦٥٩	المشاد
٩٤	المشاريع
٢٤٥٧	المشاط
٥٧	المشبه
٥٣٣	المشتى
٨٩	المشروع
٣٧٠	المشلول
٢٣٧٨	المشقوق
٨٩٣	المصدر الموثوق
٢٦٥١	المصران
٩٢٠	المصرع
٣٨٨	المصلحة
٤١٧	مصلحة المياه
٢٤١	مصمم الأزياء
٥٣٣	المصيف
٤١	المضاعفات
٣٣٤	المضخة
٩٦	المضى
٣٨١	المطحون
٥١٤	المطرقة
١٤٦	المطل
٧٤٣	مطلق الصلاحية

٧٦٥	المركبة الفضائية
٨٩٠	المروحية
٣٩٢	المرونة
٤٩-	المزاعم
٢٧٢	مزاوله المهنة
٦٦٠	المزيلة
٢٤٢٥	المزدوج
٣٨٢	المزيج
٩٢٧	المسالك البولية
٩٥٩	المسايرة
٥٨٧	المسبار
٧٨٨	المستشري
٢٢٧	المستعصى
٤٧	المستعصى
١٢١	المستعصم
١٣١	المستفقع
٦٤٦	المستوصف
٩٥٠	المستوعب
٧٧-	المستوى
١٤٤	المستوى
٤٦١	المسحراتي
٨٨١	المسدس
٤٦٣	المسرحية
٢٠٥٥	المسلة
٥٠٠	المسلسل

٦٩٨	المواصلات
	السلكية
٨٨٢	المواطن
٩٥٧	الموت السريري
٧٩٠	الموجه لاسلكيا
٦١٤	الموزائيك
٣٤٤	موظف الدولة
٨٦٨	الموقع
٢٠٨	الموهير
٣٠٠	الميزة
٧٥٩-	الميناء
٩١٦	
٢٢٦٥	الناب
٣٤٧	الناجح الداخلي
١٠٢٥	النادي
١٨٤٥	الناشف
١٠١٧	الناشيء
٢١٨	الناصية
١٩٨٣	النائم
٢٠١٥	نبح الكلب
١٨٧	نيريش الماء
٢٩٨	النبيذ
٣٦٩	النجاح
٤٥٤	النجومية
٢٣٣	النحت

٣٤٥	الملخص
٢٦٧٣	الملدوغ
١٩١٢	الملمع
٦٢٢	المليانة
١٥٧١	الملبح
٩٣	الممارسة
٣٢٢	المناخ
٤٢٤	المنافسة
٢٢١٣	المنام
٤٣٩	المنتدى الثقافي
١٩١٩	المنتوف
١٧٥٤	المنجل
١٠٢٥	المنحدر
٨٥٥	المنخفض
٨٦٦	المندرس
٤٢١	المنشار
٩٨-	المنصرم
١٠٠٢	
٥١٢	المنظمات الطلابية
٦٣٠	المهب
٦٣٣	المهد
٢٧٥	المهيب
٣٥٨	الموارد البشرية
١٠٧	الموازنة
٢٢٦	المواشى

٨٠٣	المفاعل النووي
٦٠٦	المفتعل
٢١٩	مفرزة السير
١٧٥-	المفرق
٣٧٩	
٣٧٩	المفرق
١٤٠-	المفوض
٧٤٣	
٥٢٥	المقصص
٦٩٢	مقلاد الرئاسة
٢٨٥	مكافحة البطالة
٨٧٥-	مكافحة الشغب
٨٨٤	
٣٠٤	المكب
١٣٤	المكشوف
٨٠٩	مكفول
١٠٥	المكمن
٢٨	المكوك
١٩٣٣	مكوك الحايك
٢٩٦	الملء
٨٦٤	الملابسة
٦٨٧	الملاك
١٠٢٩	الملاكم
٥٧٧	الملامح
١٨٦١	الملانة

٢١	الهيمنة
٩٩٢	الهيموغلوبين
٨٧٤	الوايل
٢٢٧٨	الواوي
٢٠٨	وبر المعزاة
١٥٤٧	الوتد
٧٢٠	الوتيرة
٧١٧	الوجاهي
٨٠٥	الوجبة
٨٦٨	وحدة الإسناد
	الناري
٣٢٥	الوحدة النقدية
٢١٤٢	الوحلة
٢٠١-	ورشة العمل
٤٢٩	
١٠٣٣	الوزة
٢٢١	الوطأة
٢٥٥	الوعود المعسولة
٢٣٣٩	الولف
٢٤٧٨	اليس
١٩٥٤	اليمين

٧٦	النكسة
٢٨٠١	النملة
٢٣٨٠	النهيق
٥٩٢	النواجد
٥١١	النوايا
١٥٤٦	النوري
٥٤٨	النومة
٧٧٩	النيزك
٦٠٧	الهائل
٥٠٦	الهالة
١٣٧٧	الهايج
١٩١	الهدم
٨٥٨	الهدنة
٢٣٣٢	الهرولة
٣١٥	الهزة الأرضية
٣١٥	الهلع
٣٥٤	هناء العيش
٧٩٦	الهندسة الوراثية
٤٢٤	الهودادة
٢٠٨٨	الهوان
١٣٠	الهوة
٦٦٣	الهوية
١٢٥	الهيكل

١٤٢٢	النحل
٩٢١	النخب
١٦٠٥	الندم
٢٧١٢	الندل
١٢٩٣	النزلة
٢٥٧	النزوة
٧٦٤	نسخة طبق الأصل
٤٢١	النشر
٢٧٧	النشيد
٥٣١	النصاب
١٣٦	النصب
٤٣٤	النظرة الماضوية
٩٠	النظرية
٧٦٤	النعجة
١٩٢	النفايات
٧٦٩	النفاية
٩٩	النقاب
٢٤٤	نقابة الصحافة
٣٠٥	نقابة العمال
٢٠٥-	النقاش
٧٤١	
٧٨٦	النقر
١٠٤٣	النقلة التاسعة

## فهرس المصادر

- روزنامه ها ومجلات وبرنامه های رادیو تلویزیونی عربی لبنان (مورد استفاده در بخش الفاظ وجملات عربی فرهنگ)
- معجم "درر الکلام في أمثال أهل الشام" — منیر کیال — مكتبة لبنان ناشرون — بیروت — ۱۹۹۳ (مورد استفاده در بخش امثال عامیانه)
- معجم الأمثال اللبنانية الحديثة — أنیس فريحة — مكتبة لبنان — ۱۹۹۵ (مورد استفاده در بخش امثال عامیانه)
- معجم الألفاظ الفارسية
- المعربة — السيد آدی شیر — مكتبة لبنان — ۱۹۹۰ (مورد استفاده در بخش واژه های فارسی معرب)
- مقالة "تشويه الفصحى بالعبارات الاجنبية والأمية — الأب کميل هشيمة اليسوعي — سال هفتاد — جز اول — ۱۹۹۶ (مورد استفاده در بخش غلطهای شایع در رسانه های عربی)
- "الحافظ الشيرازي ، شاعر الغناء والغزل في ايران" — دکتر ابراهيم أمين الشواربي — دار الروضة — لبنان.
- المشكلة اللغوية العربية — سمر روجي فيصل — دار جروس برس — طرابلس — لبنان — ۱۹۹۲.
- لغات عربية — دکتر أمين البرت الريحاني — دار الجديد — بیروت — ۱۹۹۴.
- الإتقان — السيوطي — عالم الكتب — بیروت.
- نحو بلاغة جديدة — دکتر خليل كفوري — منشورات نداف — لبنان — ۱۹۹۴.
- مقالات مجلة "الدراسات الأدبية" — لبنان.
- قطاع تيار التفاعل بين الأدبين الفارسي والعربي — د. صلاح الصاوي — مؤسسة الهدى — بیروت — ۱۹۹۰.
- التشيع بين جبل عامل وايران — علي مرقوة — رياض الرئيس للكتب والنشر — بیروت.
- تيارات قافية بين العرب والفرس.
- ضحی الإسلام — د. أحمد أمين — لجنة التأليف والترجمة والنشر — ناث هفتم — قاهره — البصاير والنظاير — ابو حيان التو

-----